



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

سند اولیہ

مدل منظرہ سازمانی

متن جلسات

جلسہ ۱۱-۲۴

استاد علامہ حجت الاسلام والمسلمین
سید منیر الدین حسینی الهاشمی
مدیریت تدوین اسناد علمی

بانک اطلاعات
معاونت
دفتر فہرست
علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۱
کد جلسه: ۳۳۹۹	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸//
کد صوت: ۴۷۶۹	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم م. کریمی
تصحیح (۱): <	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی: <	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲): <	حسن ناصری
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	حسن ناصری
صفحه آرایی: <	حسن ناصری

جلسه یازدهم

استاد حسینی: مطالبی را که باید بخوانند، حتماً نمونه اش را، این حداقلش هست، باید در اختیارشان قرار بگیرد، البته یک صحبت اینکه اصولاً ما باید اینها را مستقل قرار بدهیم، یعنی خرج کار خودشان را باید خودشان بدهند، ولی در عین سوال اینکه آیا چه کسانی شان حاضر شدند پردازند؟ چه کسانی شان برای گذاشتید برای بودجه ماهیانه؟ برای شان تفهیم بشود که برای چه چیزی هست خرجش؟ این یک وقتی می گوئید یک صندوق می گذاریم، پول بدهند این بد هست، یک وقت صحبت اینکه ما چیزهایی را که خودتان تصویب می کنید، اکثریت تصویب می کند برای اینکه کتاب لازم داریم، کتاب هم کتاب چاپی نیست، کتاب زیراکسی هست، هر جلد چند پای شما در می آید؟

س: با توافقی که خدمت آقای مجید محسنی داشتیم ایشان گفت من کتاب نظام معقول را هر جلد ۳ هزار تومان برایتان در می آورم، ما با خانم صندوق یک صحبتی داشتیم ایشان گفت که من و خواهرم پولش را می پردازیم.

ج: پنج تا را؟

س: پول هم دادیم به آقای محسنی

ج: پنج تا را؟

س: بله گفت اگر هزینه‌اش فرق می‌کند، ۱۰ تا اگر فرقی نمی‌کند همان پنج تا، بعد یکی اش را البته گرفتم چهارتا به خانم صدوق دادیم، یعنی در واقع طرف موافق نظرات آقای کدیور که خانواده ما باشند با خانم بیدگلی، هم کتاب حکومت ولایی را در اختیارشان گذاشتیم که کتاب آقای کدیور باشد هم کتاب نظام معقول را، گفتیم با هم کار کنند حتی از من سوال کردند، گفتم که با هم مباحثه داشته باشید، با هم کار بکنید، با هم ارتباط داشته باشید.

ج: بله، احسنت، مباحثه یکی از مطالب مهم هست

س: خانم بیدگلی از من راه کار پرسیدند، من گفتم که من بنظرم می‌رسد، کار فکری بکنید و خیلی محکم مقابل آنها بایستید، به هیچ قبول نکنید که آنها دارند، نظر فرهنگستان می‌دهند.

ج: ابداً

س: بگوئید چرا، مرتباً سوال کنید، اشکال وارد کنید که دفاع بشود از نظر آقای کدیور.

ج: یعنی جدی بشود مناظر.

س: بله، آن طرف هم خود خانم صدوق و همکارانش هستند، یعنی طرف مخالف را خدمت آنها عرض کردم.

ج: چه کسانی مخالفند الان در جلسه؟

س: مخالف آقای کدیور رأی گیری که کردند، خانم زهرا حسینی و یکی از خانم‌های دیگر رأی آوردند، خانم سکینه نجابت و خانم رضیه حسینی، اینها شدند مخالف آقای کدیور، خانم بیدگلی و خانم رضائیان شدند موافق آقای کدیور، اتفاقاً

جلسه یازدهم ۵

من جوانترین افراد آن جمع انتخاب شدند برای طرفین مناظره و چهار نفرشان دانشجو هستند، خانم یقطین و خانم یکتا حسینی اینها شدند هیئت علمی خانم ساجدی هم شدند هیئت مدیره، چون که افراد کم بودند.

س: آن وقت خانم زهرا حسینی نیستند چطور؟

ج: خانم عترت کشتکاران و خانم زهرا حسینی شدند هیئت نظارت، خانم های دیگر هم نبودند.

ج: در جلسه مناظره هم شما حضور دارید یا دیگر نیستید؟

س: مناظره بصورت کامل زوایایش مشخص نشده است برای شروع اول جلسه من هستم اما در مناظره شرکت نمی کنم تا راحت با هم بحث کنند.

ج: بله من هم همین نظرم هست، من نظرم اینکه اصلاً اول آن باشید عیبی ندارد.

س: هنوز بعضی مسائل اعضاء

ج: نه، یعنی اعضاء دیگر الان انتخاب شدند.

س: بحث روی آن بود، من خدمتشان گفتم آن چهار نفر اگر در جریان موضوع مناظره قرار گرفتند و وقت دارند تا روز چهارشنبه کار کنند، اول جلسه مجدداً رأی گیری بشود که این چهار نفر تقسیم بشود بین این هیئت ها.

ج: کدام چهار نفر؟

س: همین چهار نفری که غائب بودند جلسه.

ج: کمیکی و

س: نع غیر از خانم کمیکی، خانم صادقی، خانم معلمی و چهار نفر غائب بودند.

البتة سوال است که اگر افراد غائب بودند آیا مجدداً رأی گیری شود؟

ج: با رأی،

س: رأی بدهند که در کدام هیئت باشند.

ج: من بنظرم می آید شما اصلاً شرکت نکنید، یک جلسه به اختیار خودشان

بگذارید ببینیم چه جوری می‌شود؟

س: هر چند کار نیمه کاره است.

ج: بله، باید خودشان به اصطلاح کمی افتان و خیران داشته باشند.

س: من گفتم در مناظره نباشم.

ج: در مناظره طبیعی است که نباید باشید، در مقدماتش هم با خانم صدوق صحبت کنید که دیگر راه بیاندازند، افراد معین شده اند دیگر.

س: یک رأی گیری هم است که خودشان انجام می دهند.

ج: چرا رأی گیری؟

س: رأی گیری نسبت به اعضاء جدید جلسه که با چند جلسه شرکت عضو محسوب می شوند.

ج: این را بعد از مناظره قرار بدهند و اوّل جلسه را برای مناظره قرار بدهند.

س: خانم ها با رأی زنی ۱۵ نفر را به مایل به شرکت در مناظره کردند.

ج: با رأی گیری عیبی ندارد رأی را دخالت بدهند، اصلاً برای اضافه شدن رأی گیری کردند؟

س: بله رأی دادند.

ج: خیلی خوب حالا اینها را به بلافاصله رسمی نمی کنند لااقل سه جلسه آنها بیايند. پسندند کار اینها را، آشنا بشوند، اولش می آیند بصورت ناظر می شوند.

س: خودشان گفتند تا دو الی حداقل ۳ جلسه مهمان هستید.

ج: مهمان، سه جلسه مهمان باشند وقتی که دیدند وضع را، بعدش آنوقت به عضویت اینها قبول بشوند، یعنی عضو به اصطلاح تعهد پیدا کنند.

س: سوال اینجاست که حاج آقا هر شخصی که می خواهد وارد بشود باید رأی

گیری کنند که این شخص با این اسم وارد بشود؟

ج: رأی اعتماد بدهند.

س: رأی اعتماد بدهند به حضورش؟

ج: رأی اعتماد بدهند.

س: یعنی به اسم بگویند من به این خانم رأی می‌دهم

ج: بگویند که سه جلسه هست.

س: که ایشان آمدند.

ج: بله سه جلسه هست که ایشان آمدند من بنظر خودم شخصاً می‌آید که یک نحوه رسمیتی برای عضو باید بعد سه جلسه باشد، به اسم رأی برای آمدن ایشان، او هم قابلیت هایش را سوال کنند، میزان وقتی که می‌خواهد بگذارد، سوال کنند، یعنی یک چیزهایی را از او سوال کنند.

س: بعد از سه جلسه؟

ج: بعد از سه جلسه. بعد از سه جلسه بگویند، سما درس چه قدر خواندید؟ می‌گوید دیپلم دارم می‌گویند بسیار خوب، مثلاً حداقل را می‌گذارند روی راهنمایی تمام کرده است، ممکن هست مثلاً کمتر از دیگر راهنمایی را قبول نکنند، درس حوزه چه چقدر چیزی خوانده است. یک چیزی را می‌گوید

س: یعنی آئین نامه را باید خودشان ابتدا صحبت کنند.

ج: درست کنند رأی بدهند بعد عضو جدید بگیرند.

س: بعد بر اساس آن عضو جدید رأی بدهند.

ج: بله عضو جدید رأی دهند، یک مصاحبه مختصری هم به اصطلاح به او بکنند خوب است. یعنی اینها را در عین حالی که آزاد می‌گذارید اضافه شدن را، یک شرایطی را هم بگذارید.

س: البته همان ابتداء که می‌خواهند جذب بکنند کما اینکه قبلاً یک توضیحاتی نسبت به اعضاء فرموده بودید را خانم صدوق دوباره به آنها گفتند، فرموده بودید محور مهمش این بود که ما سیاسی کاری نمی‌خواهیم بکنیم، مشخص بشود این کار

برای فرهنگستان هست و موضوعات هم موضوعات فرهنگستان هست، نسبت به بیرون هم یک اطلاع اجمالی داشته باشند، بدانند اوضاع چه هست این را به آنها بگویند و بگویند این کار هم می‌خواهد جلو برود انشاءالله، اگر قبول می‌کنند بیایند.

ج: اینها از کجا آمده اند؟

س: چند تا از آنها از خانمهای دفتر هستند.

ج: بله، یعنی ضریب اطمینان نسبی به آنها هست مثل کی‌ها؟

س: خانم آقای حاج احمدی آقای لطیفی، آقای دیندار.

ج: نه اینها عیبی ندارد

س: یک تعدادی هم هستند که خارج از فرهنگستان هستند منتهی با خصوصیت انقلابی و اینکه خیلی فعال هستند یا می‌خواهند باشند خانم صداقت پیشه، ظاهراً خانم آقا کشفی هستند.

ج: بله، خوب این معنایش این هست که به اصطلاح با یکی از چیزهایی که اینها دارند، رعایت می‌کنند؛ اینکه یک شناسائی اجمالی نسبت به آنها دارند. با حفظ غائب و حاضرها کل جلسه شما الانتان چند نفر هست؟

س: تا بحال ۱۳ نفر هستند.

ج: به اضافه این می‌شود حدود ۲۷ الی ۲۸ نفر.

س: اگر این ۱۵ نفر کاملشان بیایند، صحبت کردند.

ج: لااقل قریب به ۲۰ نفر می‌شوند.

س: بله حداقل ۲۰ نفر می‌شوند قرار شد نسبت به خصوصیات اعضاء جدید سوال کنیم. تا بعد مشکلی نشود.

ج: باید آخر کار جلسه را بتوانید خیلی آزاد برقرار کنید، البته اولش همین جووری، چون تمرینی هستید محدود می‌گیریم

س: خانم صیاف صیاف و لیسانس ادبیات فارسی دارند، خانم همتی که لیسانس

جلسه یازدهم ۹

جغرافیا دارند خانم متقی دبیر زبان هستند خانم روزی طلب خانم اردبیلی این ها را
اجمالاً می شناسند یا خانم شاه سورانی لیسانس فلسفه هستند حاج آقا راستی هم
صحبت کردند این راجب موضوع مناظره الان موضوع مشخص شده است مناظره
هم روی آن انجام می گیرد اما نسبت به موضوع بعدی

ج: این موضوع را خیلی می شود، درباره ولایت فقیه مرتباً مقالات زیادی از در
روزنامه هست. نظریات زیادی داده شده است معمای لاینحل است بهر حال در این
موضوع بماند تا یک مقدار ورزش بکنند.

س: یعنی این موضوع از زوایای مختلف مطرح بشود، موضوع ولایت فقیه و
اشکالاتش.

ج: آنوقت پس از هر یک جلسه هم، مثلاً می گویم در مناظره دیگر بیشتر از سه
جلسه دو تا وقت ندهند به دو نفر که در مناظره بحث می کنند.

س: راجب یک جلسه می فرمائید؟

ج: نه یک موضوع را داریم، سه جلسه مثلاً معلوم شد که دیگر حداقل بین ۱ الی
۳ جلسه، اعضاء متناظر، معلوم شدند، یعنی عوض باید بشود مثل مدیر جلسه، مدیر
جلسه چه جور باید عوض بشود.

س: ما برای مان تداعی شده بود که هر مناظره ای که برگزار می شود، مناظره
بعدی اعضاء عوض شود.

ج: عیبی ندارد خوب هست.

س: یعنی ما اینجوری منتقل کردیم.

ج: خوب عیبی ندارد.

س: رأی گیری می کنند، سریع جابجا می شوند افراد.

ج: مگر اینکه هیچ کدامشان برد و باخت نیاورند، اگر مثلاً هیئت علمی تشخیص
داد که نه این بازنده شد، نه آن بازنده شد،

س: در مناظره بعدی باید این دو نفر دوباره باشند.

ج: دوباره باشند تا سه مرتبه مهلت می دهید.

س: هیئت دیگر چه؟

ج: آنها هم دیگر باشند اگر تا سه تا توانست مقاومت کند، بعد سه مرتبه دوباره عوض کنند. - الو سلام علیکم گوشه حضور مبارکتان، آقای حسینی کجا هستند -

س: اگر در یک جلسه یک نفر برنده شد در جلسه بعد هم باید باز دوباره مناظر شود یا با می توانند برای گیری بگذارند؟

ج: حالا می خواهیم همین را بگویم. اگر کسی باخت که معلوم هست دوباره رأی گیری می کنند یک گروه دیگر می آید، یعنی یک طرف برنده شده، یک طرف بازنده.

س: این جور که شما می فرمائید دائماً مخالف و موافق مرتباً جابجا می شوند ولی هیئت علمی و هیئت مناظره.

ج: حالا در رأی گیری می شود، مثلاً در رأی گیری عوض بشوند.

س: هر جلسه هم می شود عوض بشوند؟

ج: بله می شود عوض شوند، من ترجیح می دهم که هیئت علمی و هیئت مدیره لااقل. برای سه جلسه ثابت باشند.

س: سه جلسه مناظره

ج: بله یعنی به عبارت دیگر نگویند این چون طرفدار این بود، رأی عوضی داد، یک همچنین ایهامی پیدا نشود، چون باید همان جوری قضاوت بکند که برای گروه قبلی قضاوت کرده هست.

س: غیر از طرفین موافق و مخالف آنها هم بستگی به این دارد که برنده یا بازنده بشوند یا نشوند.

ج: هیئت نظارت می تواند بیاید داخل، یعنی به عبارت دیگر متناظرین آن دو

طرفی که هستند، می‌توانند در انتخاب جایشان را عوض کنند با فظار.

س: نظاً بیایند طرف موافق و مخالف بشوند.

ج: بله، می‌توانند بشوند، آنها بروند جزو نظار، ولی مدیریت علمی و مدیریت اجرائی ثابت بمانند تا سه جلسه.

س: بعد از سه جلسه رأی‌گیری بشود؟

ج: بله.

س: پس موضوعی که مطرح می‌شود مثل ولایت فقیه کاملاً چند جلسه‌ای

ج: حالا باز اگر جلسه رأی داد که آن دوتایی که مناظره کردند باز باشند یک جلسه دیگر، مدت به آنها بدهند مثل مثلاً یک ۴۵ دقیقه می‌دهند برای تیم فوتبال.

س: در یک جلسه گفتیم این کار را بکنند، یک جلسه مانعی دارد دو نیمه باشد نیمه اول مناظره کنند، نیمه دوم باز دوباره مناظره کنند، ولی باری مناظره بعدی، یعنی جلسه بعدی که هفته آینده هست یا موضوع دیگری مطرح بشود یا همان موضوع از ابعاد دیگر.

ج: نه، اصلاً همان موضوع حتماً باشد، یعنی به عبارت دیگر آن موضوع را تا مدت‌ها عوض نکنید، یعنی به عبارت دیگر هرچه دلیل آمده است بر علیه ولایت فقیه حتماً به بحث گذاشته بشود.

س: در اینجا عملاً ارتباط بین آن کاری که روی سیر ادبیات و منطق داشتند با این کار بریده می‌شود، چون که جلو و عقب می‌افتد، مثلاً الان کار منطق روی این متن تمام نشده هست، این متن هم تا یک حدی به موضوع ولایت فقیه پرداخته است این بعد هم یک جلسه روی آن مناظره می‌کنند، تمام می‌شود، ولی از ابعاد دیگر این متن به آن پرداخته است باید بروند برای مناظره متن دیگری را انتخاب کنند،

ج: خوب متن دیگری، چه ادبیات

س: مثلاً خود کتاب آقای

ج: اگر سنگین برایشان نباشند بروند حتماً همین کار را بکنند.
 س: هر چند جدا بشود از آن متن، ولی روی آن متن ادامه بدهند کار منطق را.
 ج: کار آن، یک کار تمرینی علی حده یک خط تمرین دارند که نقص های خودشان را هم بعداً می فهمند.

س: آن منطق که تمام شد باز دوباره مناظره هم تمرین روی آن انجام می دهند یا این خودش کفایت می کند دیگر آن متن را بعد از پایان منطق امام شده اعلان بکنند؟

ج: ما متن را برای تشخیص آوردیم، نه برای اینکه خودش اصل هست، برای اینکه تشخیص لغت اصطلاح، ادبیات و منطق، نه اینکه حالا حتماً بگوئیم همین متن موضوعیت دارد.

س: پس کار منطقی هم روی همین متن انجام بدهند؟
 ج: یعنی به عبارت دیگر خودشان یک محور کار مستقل داشته باشند، که می توانند ادبیات را اصلاً روی یک کتاب ادبی صحبت کنند من باب مثال عرض می کنم بنابراین ما اینکه یک مقاله را می گذاریم برای اینکه آشنا بشوند به چیزهایی که در مقاله هست چه عباراتی، چه جوری بکار می رود.

س: یعنی آن قواعدی هم که می فرمائید روی این متن به عنوان نمونه پیاده کنند
 ج: بله صرفاً به عنوان نمونه ای احسنت .

س: حالا احیاناً می توانند تغییرش هم بدهند پس آن متن قابل انعطاف است.
 ج: بله

س: ولی موضوع را می فرمایند، مثلاً الان موضوع ولایت فقیه تا چند جلسه باشد
 ج: اصلاً می شود اصلاً می شود مثلاً می گویم به بخش منطقی اش را روی کتاب آقای حائری بکار ببرند، لغتش را اینجا ببینند، منطق اش را آنجا بکار ببرند، فرقی ندارد می شود در همان قبلی ببینند. یعنی اصل اینکه عادت بکنند به این که مقدمه

یعنی چه؟ تالی یعنی چه؟ مغالطه یعنی چه؟ این را باید بفهمند.

س: البته در یک سطحش روی همین هم باشد مانعی نیست.

ج: ابداً

س: شاید راحت باشد از لحاظ هزینه ای

ج: راحت باشد، قاعدتاً راحت هست، هم از نظر هزینه ای راحت هست هم از نظر

اشرافش

س: شروع کار

ج: اشراف

س: و ارتباط مراحل قبلی با بعدی را بهتر متوجه می شوند.

ج: درست هست.

س: منتهی نسبت به موضوعات بعدی که روی آن مناظره صورت می گیرد

پیشنهاد ما چیست؟

ج: ما اولین قسمت را که داریم اینکه از ابعاد مختلف، یعنی مسائل مختلف مسئله

ولایت فقیه از هر جا که در روزنامه ها اشکال هست، این ها مسلط بشوند. من شخصاً

سلیقه خودم این هست که اگر یک سال هم بحث آن-ها ولایت فقیه باشد تا بتوانند

بعد مناظره عمومی بگذارند روی ولایت فقیه.

س: بله مهم همین راه کارهاست که می فرمائید.

ج: یعنی مثلاً می گویم کسی در اقتصاد به مقام معظم رهبری اشکال گرفته هست.

کسی در سیاست اشکال گرفته، است کسی اشکال گرفته بر قوه قضائیه، هر چه

اشکال هست.

س: که ربط به ولایت فقیه دارد.

ج: آنچه که، یعنی الان در روزنامه ها دارند حمله می کنند به آقا،

س: من از یکی دوستان همین طوری سوال کردم که بنظرت یکی از موضوعاتی

که خیلی در بازار مطرح هست. گفت ولایت فقیه، حکومت جامعه مدنی، آزادی، رابطه با آمریکا، اینها همه داخل ولایت فقیه هست، شورای نگهبان، دادگاه ویژه روحانیت.

ج: بله همه داخلش هست، اصلاً هر چه می‌خواهند بگویند الان نزاع دیگری روزنامه ندارند، نزاعشان اینهک اختیارات ولی فقیه از بین برود
س: همین هم به نظر خودشان باشد فقط ما روی آن تبلیغ و پیشنهاد بدهیم که این موضوع باشد.

ج: بله که موضوع موضوع ولایت فقیه باشد، ابعاد مختلفش را خودشان انتخاب کنند.

س: که احياناً بعد از شش ماه یا یک سالی که مسلط شدند بتوانند مناظره کنند.
ج: آنوقت من یک پیشنهاد در اینجا دارم، بعد از مقدار زمانی که از کتاب گذشت، یک سری از روزنامه ها را تقسیم کنند برای مباحثه کردن، روی مقالاتش.
س: مقالاتی که البته روی ولایت فقیه هست.

ج: ای احسنت، روزنامه های مخالف و سرسخت را چند تا بیاورند.
س: مشخص هم هست مثلاً مجله راه نوع، مجله کیان در روزنامه ها مثلاً خرداد، فوراً خودشان دستگیرشان می‌شود ما که بگوئیم مخالف منظور چه هست.

ج: بله چند تا موافق مثلاً فرض کنید ببینند، بعد مقالات اینها را طرفین بخوانند.
س: که متن مناظره بشود و حرف فرهنگستان را هم را ببینند مسئله بعدی مسئله تبلیغ و سخنرانی هست ما مشکلی که داشتیم جلسه، گذشته از ۱۳ نفر ۹ نفر بودند ما هم می‌خواستیم راه بیافتد، همان ۹ نفر گرفتیم، کل اعضاء ۱۳ نفر هستند
ج: که باشند می‌توانید رأی بگیرید دیگر.

س: می‌تواند موضوع مطرح بشود

ج: بله دیگر، بودند قاعدتاً.

س: بله ۹ نفر بودند. اعضای که غائب هستند مشکلی ایجاد نمی‌شود.

ج: نه دیگر،

س: اشکالی بعضی از خواهرها مطرح کردند که تبلیغ روی رأی می‌شود،

دمو کراسی.

ج: شما باید در میدان دمو کراسی باید برنده باشید به نفع ولایت فقیه، یعنی نباید

به اصطلاح بگوئید در میدان دمو کراسی اگر ما را دشمن قرار داد، بازنده می‌شویم.

س: به تعبیری یک فرهنگی هست که راه افتاده فرهنگ دمو کراسی.

ج: نه می‌گوئید فرهنگ جهانی وجود دارد، که شما با آراء جمهوری اسلامی را

الان اثبات کردید، نه به حقانیت استدلالی و فلسفی.

س: یعنی این فرهنگ جهانی که حاکم هست ما باید به نفع ولایت فقیه و اسلام

استفاده کنیم.

ج: ای احسنت

س: در جوابشان عرض کردم ببینید امام چه جوری از رأی استفاده کرد و انقلاب

را پیش برد.

ج: نه اصلاً شرایط محیطی تان ایجاب نمی‌کند به شکل دیگر.

س: بعضی خواهر نظرشان نسبت به رأی گیری اینکه می‌گویند بعضی چیزها را

باید به قاطعیت به جلو برد نه پا رأی گیری.

ج: آنوقت به چه وسیله تصمیم، پیدا می‌شود یعنی اگر کسی مخالف بود چه کار

کنیم؟ اینکه به مدت دو ماه و سه ماه که اختلاف نظر بود بین اعضا، جلسه قبل از

رأی گیری، اینقدر عامش بکنید، مرتباً نزاع می‌شد سر اینکه فلانی اینجوری گفته

است، آن گفت بد فهمیدید.

با رأی گیری سریع جلو می‌رود.

س: بعضی بعد گفتم از موضوعات را فرهنگستان برای نمی‌گذارد و اینجوری

مطرح کردم حاج آقا جواب دادند که حتی آنهایی را هم که برای نمی گذاریم، برای خودمان رأی قائل هستیم، یعنی نسبت رابط یا نسبت به بعضی چیزهایی که شما فرمودید برای نگذارید مطرح کنید، مثلاً برای فرهنگستان ۶۰٪ قائل هستید یعنی ۶۰ درصد رأی را قائل هستید، یک موقعی در اکثر رأی آزاد می گذارند، ما اصلاً در رأی گیری مشارکت نمی کنیم، در موضوعاتی که مورد نظرمان هست که حتماً اجراء بشود، ما خودمان در رأی گیری شرکت می کنیم، ما که در رأی گیری شرکت کنیم چون که ۶۰ درصد آراء.

ج: ما سعی می کنیم این کارها را نکنیم،

س: ولی در عمل می کنیم.

ج: نه الا اینکه رابط اگر کسی بخواهد با ما ارتباط داشته باشد اینکه اگر رأی نیست، می توانند ارتباطشان را ما قطع کنند.

س: می توانند قطع کنند یک طرفی هست.

ج: بله یک طرفی هست.

س: این قابل طرح نیست.

ج: می تواند به ما ارتباط نگیرید بگویند ما گروه مناظره مان را علی حده می کنیم، می گویم علی حده بکنید، اگر خواستند ارتباط بگیرند آن رابط ما باید باشد نه اینکه آنها که دیگر نمی توانند در اینجا، مثلاً عرض می کنم اگر رأی دادن که ما می خواهیم برویم یک شیشه شیر بخریم، نرخ که دیگر دست دکان دار نیست، آنها. نمی توانند بگویند که آقا ما رأی می دهیم که شما نرخت که مثلاً می گویم اگر شیشه ۴۰ تومان هست، شیشه ای ۲۰ تومان باشد، می گوید این نرخ را که من برای شما درست نکردم که، شما اگر مشتری هستید نرخ شیش تان این هست.

س: بعضی موضوعات دیگر مطرح شده مثل اینکه زمان را محدود کردیم، گفتیم دو هفته روی منطق کار کنند، این مدیریت باید دروهایی باشد، این را دیگر برای

نگذاشتیم.

ج: این ها را بعدها کم کم برای بگذاریم. در پایان باید بشود جوری که هیچ چیز شما نداشته باشید که برای نگذارید.

س: یعنی کاملاً تصمیم گیری با خودشان باشد.

ج: یعنی باید بتوانید شما در جامعه وارد بشوید، با رأی جامعه کار کنید.

س: این به عنوان یک سیاست هست، احیاناً هم اگر مجبور بشویم برای این هست که کار راه بیافتد،
ج: کار راه بیافتد.

س: بعد تمام موضوعات برای گذاشته می شود. خدمت خواهران گفتم که رابط جلسه من خودم باشم یا خانم صادقی که ایشان فعلاً هست. بعد از رأی گیری هیئت مدیره هیئت علمی و هیئت ناظر و طرفین موافق و مخالف، اینها را معرفی کنند به جمع، بعد هر کدامشان هم در جایگاه خودشان قرار بگیرند،

ج: درست است. جایگاه را چه جوری درست کردید؟ کجا و چه رقمی است؟
س: جایگاه فعلاً در همان نمازخانه مفید هست جایگاه را اینجوری گفتیم، حداقل جابجا باشد، مثلاً جاهای مختلف باشد حالت مثلاً میزگردی باشد، چهار گوشه نمازخانه قرار بگیرند.

ج: آنوقت جای هیئت نظار چه جوری می شود؟

س: جای نظار این قاعده‌تاً الان چهار گروه می شوند، طرفین مخالف و موافق دقیقاً روبروی هم می شوند هیئت مدیره و هیئت علمی این طرف و آن طرفشان می شود، حتماً باید گوشه پنجم باشد که ناظر به همه شان باشد.

ج: بله مثلاً پست سر هیئت مدیره، مثلاً یا بالای مجلس پشت سر قاعده‌تاً باید هیئت نظار باشد.

س: پشت سر اینها باشد، اگر میز بود راحت بود، البته شنیدیم که میز مثلث در

علوم سیاسی تعریف دارد با میزگرد فرق دارد، با میزمستطیلی فرق دارد.

ج: این الان میز چهار گوش می شود.

س: میز چهار گوش می شود حداقل هیئتی نباشد، بعد هیئت مدیره موضوع مناظره را که از قبل مشخص شده است در جلسه طرح کند، به مدت ۳۰ دقیقه اجازه مناظره به طرفین موافق و مخالف می دهد، حالا مثلاً هر کدام حدوداً ۱۵ دقیقه وقت دفاع داشته باشند یا وقت این داشته باشند که طرف موافق یا مخالف مناظره را رد کنند گفتیم با قرعه کشی معلوم بشود که اول موافق صحبت کند یا مخالف؟

ج: اول مخالف، یعنی یک دسته طرفدار وضعیت موجود جامعه هستند، وضعیت مثلاً الان دست ولی فقیه هست، آنها ساکت می شوند، آنکه مهاجم و مخالف هست، علیه وضعیت حرف بزند. بله بعد آنکه موافق هست، طرفداری از وضعیت موجود کند.

س: خوب این به نحو عام برای تمام مناظره ها اینجور می شود کسی که مخالف انقلاب قرار می گیرد

ج: اولین حرف را می زند

س: آنکه موافق است دفاع کند.

ج: دفاع کند از وضعیت.

س: یعنی می گوئید که میدان در واقع دست آنها باشد.

ج: بله آنها حمله می کنند اصلاً معقولش هم اینکه در جامعه شما که قدرت در دستان هست یک روزی حمله کردید پیروز شدید بر شاه.

س: حالا دارند حمله می کنند.

ج: حالا دارند حمله می کنند، آنها باید به اصطلاح میدان بدهید او حمله بکند، جواب بدهید.

س: در حین مناظره هیئت مدیره اعمال مدیریت می کند نظم و انضباط جلسه را

کنترل می کند و طرفین را از خروج موضوع پرهیز می دهد، در پایان نیم ساعت اول هیئت علمی نظر خود را نسبت به طرفین موافق، و مخالف ابراز داشته، نظری که می خواهد بدهد ابتداء به کدام طرف نظر بدهد؟

ج: باید بگویند که حمله ای که شد از طرف مخالف، حمله خوبی بود یا بد بود.

س: اول از مخالف شروع می کند، نظر نسبت به مخالف بدهد.

ج: بله، پاسخ چه جوری بود، بعد ممکن هست گاهی نظر به هر دوی آنها منفی

بدهد، بگویند هم او بد حمله کرد همین این بد جواب داد.

س: این نسبت به نظرش درست هست ولی اینکه ابتداء به ساکن می خواهد شروع

بکند نظر بدهد، نظر به مخالف بدهد ببیند مخالف خوب بود یا بد بود؟

ج: بله اول مخالف

س: مثل همین که مناظره اول مخالف شروع می کرد بعد در مدت ۱۰ دقیقه

نظرات خود را بیان می کند حدوداً ۱۰ دقیقه، حداکثر ۱۰ دقیقه

ج: بعداً تدریجاً آئین نامه مناظره را شروع کنند به نوشتن و بعدش تصویب

کردن، آئین نامه مناظره معنایش اینکه محور بندی موضوع را طرفی که می خواهد

حمله بکند، درست تعریف بکند، من در سه محور، مخالفت خودم را با وضعیت

اعلال می کنم، محور ۱ تعریفش این هست، محور ۲ این است، محور ۳ این هست.

استدلالهایم را آغاز می کنم.

س: یعنی اگر این ها مشخص بشود بعد رأی دادن راحت مشخص می شود حتی

می توانند روی اعمال نظر هیئت علمی دیگران

ج: نظر بدهند،

س: نظر بدهند بگویند طبق قواعد نظر داد یا نه؟

ج: مخالفت هم که می کنند می گویند، محور اولی را که شما گفتید بر تعریفشان

مثلاً این اشکال هست یا حکمی که دادید، این اشکال هست، در استدلالش یا

تعریفش دخالت می کنند یا در حکمش دخالت می کنند یا در نحوه برقرار نسبت بین حکم و تعریف.

س: بعد اینها را برای مناظره های بعدی د رخدمتتان خواهم بود

ج: کم کم البته حالا انشاءالله درست می شود.

س: بعد مجدداً به مدت ۳۰ دقیقه به همان کیفیت نیم ساعت اوّل ، طرف مناظره ادامه بدهند براساس نظر هیئت علمی، در پایان نیم ساعت دوم هم، هیئت علمی را بدهند، بعد هیئت نظار نظر خود را نسبت به عملکرد هیئت مدیره در این ۲ نیم ساعت و هیئت علمی و طرفین موافق و مخالف د رمدت تقریباً ۲۰ دقیقه نظر بدهد که هر کدام از هیئت ها چه جوری عمل کردند، این که تمام شد، هیئت نظار هم نظر دادند در نهایت به مدت حدوداً ۲۰ دقیقه تمام اعضاء اعم از هیئت مدیره، علمی، و نظار و طرفین موافق و مخالف نسبت به عملکرد هر یک از خودشان رأی می دهند، در سه سطح، سطح عالی، خوب متوسط نمره می دهند.

ج: درست هست، اول همان کلمه عالی، متوسط، ضعیف، یا مثلاً خوب متوسط، خوب، عالی، یا منفی، بصورت کلی چها رتا نمره در نظر باشد، نمره های کیفی، نمره کمی و عددی اول نمی توانند بدهند، بعداً نمره عددی باید بدهند.

س: عددی بخاطر اینکه اینها حداقل ۹ نفر هستند، یک نفر می خواهد به آن ۸ نفر بدهد، بعد آنموقع چند عالی با هم نمی شود جمع بشود

ج: عیبی ندارد، درست هست می شود آورد حالا نمی دانم چه اندازه.

س: مثلاً گفت ۵ تا عالی ۳ تا خوب دادند، دو تا متوسط بدهند، خوب نظر بدهند نمره اش چند شد.

ج: اگر کمی بدهند، راحت تر هست، ولو تطبیق کمی اش، سخت تر هست، حالا کمی، همین جوری یعنی تخمینی به عبارت دیگر رأی بدهند.

س: یعنی منظورم اینکه اگر کیفی بخواهند بدهند، نمره نمی توانند بدهند.

ج: می‌خواهم بگویم نمره کمی شان خیلی دقیق نیست.

س: ولی بهر حال یک نمره ای داده می‌شود، نتیجه آراء در همان جلسه بیان شود یا جلسه آینده؟

ج: بله در همان جلسه باشد، بهتر هست.

س: بعد می‌رود برای موضوع بعدی

ج: در عین حالی که جدی عمل می‌کنند، این توصیه را حتماً به خانم صدوق و خانم نجابت در هیئت علمی اینها دو تا هستند؟ هیئت علمی و مدیره، هیئت مدیره خانم

س: خانم ساجدی هستند.

ج: تنها هستند خانم ساجدی این موضوع را به عنوان هیئت مدیره بگویند که به اصطلاح شروع کار هست ممکن هست، در عین حالی که کار جدی هست ما تدریجاً داریم تمرین می‌کنیم، می‌رویم جلو، امیدواریم که خیلی قوی بشوید، نهایت اینکه سرخوردگی نیارود برای افراد جلسه، طبیعتاً هرچه برود جلوتر، قاعده مندرتر می‌شود، بهتر می‌شود، به اصطلاح می‌شود انتظارات بیشتری داشت، الان انتظاراتمان صد در صد نمی‌تواند باشد.

س: به تعبیری مدیر انعطالف کافی را داشته باشد در مقابل طرفین موافق و مخالف.

ج: طرفین و علاوه بر این تشویقشان هم بکند، یعنی جلسه اینجوری نشود که بگویند این آبروریزی می‌شود، آدم بیاید حرف بزند. و اینکه دشمن که از حمله کردنش کوتاه نمی‌آید، ما اگر از تمرین کردن برای اینکه یک روزی بتوانیم جلوی امواج جامعه بایستیم، کوتاه بیائیم ما داریم به اصطلاح ضربه می‌زنیم.

س: هیئت علمی در پایان هر نیمه صحبت می‌کنند در بین آنکه اگر صحبت کنند دخالت در کار هیئت مدیره می‌شود.

ج: بله درست هست.

س: مجموعه اینها را من می خواهم منتقل بکنم به خواهران یا باید مجزا با آنها تماس بگیرم یا اینکه در جلسه حضور پیدا کنم.

ج: من به نظرم می آید که این را بگذارید یک جلسه را بگیرند.

س: حتی اینها را به ایشان نگوئیم؟

ج: نه اینها را به خانم صدوق بگوئید، به آنها بگویند، یا نوار قرار بدهید در اختیارشان، یعنی جلسه دیگر من بنظرم می آید که دو تا نیم ساعت با دو تا ۱۰ دقیقه می شود یک ساعت و ۲۰ دقیقه، یک ۲۰ دقیقه می شود این می شود چقدر؟

س: ۱/۴۰ دقیقه

ج: ۱/۴۰ دقیقه چون دور اولشان هست، دو ساعت را خودشان پر بکنند، بگذارید یک ۲ ساعت خودشان کار کنند.

س: ۲۰ دقیقه هم برای رأی گیری و نظر نهائی بدهند تقریباً ۲ ساعت می شود احتمالاً دو ساعت بیشتر هم بشود، چون شاید بخواهند خودشان اعضاء جدید را معرفی کنند.

ج: آنوقت یک جلسه دیگر اضافه بگذارید، در آن جلسه اضافه مثلاً که دیگر یک فصل کار کردند، اینها را مثلاً بگوئید.

س: اینها را مطرح می کنیم قضیه موضوع ولایت فقیه و همه اینها را با هم مطرح می کنیم.

ج: یک روز، یک روز دیگر در هفته آینده باشد

س: می شود عملاً هفته،

ج: هفته آینده چه روزی هست؟

س: باز چهارشنبه می شود.

ج: چون که شنبه را برای منطق گذاشتند.

ج: عیبی ندارد.

س: در واقع بین این مناظره و مناظره بعدی

ج: ۱۵ روز عملاً فاصله می افتد و لکن یک تمرین کردند، قاعدتاً یک چیزهایی را هم باید مدیر در جلسه مخصوصاً یادداشت بکند، ضعف و نقصهایی را که تو جلسه مناظره می بینید، مدیر باید از نظر اداره یادداشت کند، هیئت های علمی باید از نظر علمی یادداشت بکنند، مثلاً این ضعف را دیدید، این ضعف را دیدیم این ضعف را دیدیم اینها را باید گزارش بدهند به شما، شما تکمیلش بکنید، برای هفته دیگر به آنها بدهید.

س: از آنها گزارش بگیرم.

ج: بله گزارش بگیرید.

«و صلّی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۲
کد جلسه: ۳۴۰۰	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۴/۱۵
کد صوت: ۴۷۷۰	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم م. کریمی
تصحیح (۱): <	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی: <	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲): <	حسن ناصری
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	حسن ناصری
صفحه‌آرایی: <	حسن ناصری

جلسه دوازدهم

آقای رضوی: مکانیکی و رانندگی از فلسفه فیزیک شروع می کنید می آئید پائین. که گفتید استثناء دارد کسی همچین چیزی بگوید، یک سطحش هم این هست که خود طرف را پشت فرمان قرار می دهند می نشانیش اینجوری دنده بزن اینجوری کلاج را بگیر، اینجوری گاز بده، حالا سوال خواهران همین که می گویند کسی نیست بنشیند، پشت ماشین منطق بگوید اینجوری دنده بزن، اشکال کار عملی آنها این هست، یعنی گفتند آن شیوه را کسی نیست الان به ما بدهد.

حجت الاسلام و المسلمین حسینی الهاشمی: پس ما یک ارزیابی مجدد داریم نسبت به اینکه چه جوری نشاط جلسه را بالا ببریم، انگیزه را زیاد کنیم، موضوع اصلی مناظره همیشه همین است یعنی وقتی شما می گوئید از نظر روانی جامعه را همراه ساختیم، یعنی چه چیزی از آنها را همراه ساختند؟ یک مرحله هماهنگ سازیها کلاً بر میگردد به هماهنگ سازی های ذهنی، ولی حتماً هماهنگی ذهنی مثل ظرف هست، مظروفش هماهنگ شدن نیازهای روحی جامعه هست، اصلاً شما غلبه

برهانی می‌خواهید بکنید که هدایت روحی واقع بشود، خصم را می‌خواهید، دهنش را سرویس کنید با برهان که مبدا بیماری شک برای روح پیدا بشود. پس محوری ترین مطلب تان توسعه روانی جامعه هست یعنی محور نشاط جامعه را بدست گرفتن است.

س: می‌گویند و تا عالم بودن یکی عالم شیعه و یکی سنی، عالم شیعه بلد به میزان آن سنی بلد نبود جمعیت زیادی هم او پشت سر، یک جمعیتی زیادی هم پشت او هستند فکر کرد اگر الان من با این مباحثه کنم، این برنده می‌شود، شیعه‌ها می‌روند سنی می‌شوند، اول جلسه گفته بود به الم می‌گوید قبول داری ضرب فعل ماضی هست، می‌گوید بله، یضرب فعل مضارع هست می‌گوید بله داد می‌زند پس ثبت ولایت علی ابن طالب، صوات بفرستید، یک عده از سنی‌ها می‌آیند شیعه می‌شوند.

ج: این نکته که انگیزه عمومی جامعه را بدست گرفتن، من یک چیزی قشنگ‌ترش را سراغ دارم، واقعاً هم در تاریخ واقع شده هست خواجه نصیر الدین طوسی در برابر هو لاکوه خان مغول نباشد به حضورتان که عرض کنم مباحثه بکند با اهل سنت، یک عالم خیلی خطرناک سنی‌ها را آوردند که خیلی عالم بود، خواجه نصیرالدین هم از طرف شیعه‌ها بود، خواجه سوال کرد از آن عالم سنی که با پوست سگ می‌شود ستر عورت کرد برای نماز؟ همین که خواست تأمل کند، شروع کرد شواهدی را از فقه حنفی و حنبلی و اینها گفتن، گفت بله درست هست. گفت با آب مضاف مثل شیر، شیره می‌شود وضو گرفت؟ همین که آمد باز تأمل کند، پشت همدیگر شروع کرد از کتب اهل سنت نقل کردن، گفت درست هست، می‌شود گفت.

حجت الاسلام محسنی: خودش جواب می‌داد؟

ج: بله فقط اقرار می‌گرفت، گفت در خواندن سوره می‌شود به معنا گفت؟ دلیل

باز آورد از آنها، گفت بله، گفت می‌شود به یک آیه اکتفا کرد؟ آن را هم دلیل آورد، جواب گرفت گفت خارج شدن از نماز با سلام هست یا با یکی از مبطلات کافی هست آدم خارج بشود؟ باز دلیل آورد از فقه به اصطلاح اهل سنت که می‌شود با یکی از مبطلات خارج شد. آنوقت رو کرد به سلطان گفت که من دورکعت نماز می‌خواهم در حضور جناب عالی بر فتوای اهل سنت بخوانم، لوازمش را برای من بیاورید گفتند چی چیزی بیاورند؟ گفت پوست سگ بیاورید، شیر، بیاورید آوردند و این لباسش را درآورد لخت شد، پوست سگ را دورش پیچید بیجامه خودش را هم درآورد، به هیئت بدی شد جلوی شاه، آن شیرها را که مالید به سر و صورتش، هم صورت خیلی بدریخت شد، هم پشه‌ها هجوم آوردن به طرف. بعد سوره را که خواست بخواند «مدهامتان» را معنایش را گفت دو برگ سبز، جلوی سلطان، هم بعد به تشهد که رسید، در حال تشهد بادی از خودش در کرد، سلطان اوقاتش خیلی تلخ شد، بلافاصله پشت سر نماز گفت سلطان اوقاتشان تلخ نشود، برابر خدای متعال بناء هست اینجوری عرض ادب کنند اهل تسنن، حالا عرض ادب شیعه را اجازه بفرمایند: گفتند چه کار کنیم؟ گفت آب بیاورید من خودم را اول طاهر کنم آب آوردند خودش را تطهیر کرد، لباس پوشید وضوی درست و حسابی گرفت، بعد گلاب زد به خودش، معطر شد با حال خضوع و خشوع یک نماز دورکعتی خواند، گفت سلطان خودشان تصدیق بکنند متناسب با ادب برابر خدای متعال آن بود یا این هست؟ سلطان شیعه شد گفت آنها اصلاً نمی‌فهمند ادب کردن یعنی چه؟ حالا غرض این هست که دانشی دارید شما به نام معانی و بیان، که کارش کار کردن روی انیگزه هست، در مناظره استفاده از معانی و بیان، شناختن نیاز جامعه و حساسیت‌ها، قول عوام وصله جای پاره، بخورد، مرحم روی زخم گذاشته بشود، طرف بگوید آن چیزی که دنبالش می‌گشتم همین است. این مهمترین کار است. اگر این را داشته باشید نشاط جلسه‌تان باید جلسه به جلسه شدیدتر بشود، نباید کم

بشود.

حجت الاسلام رضوی: ارزیابی خودمان این هست که نشاط نداشتیم.

ج: پس بنابراین اصولاً کلاسیک نباید برخورد کنید به کلاس مناظره، رده‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن کارهای مقدماتی لازم برای پرورش، غیر از اینکه آموزش حین پرورش باشد، کارآموزی باشد. کارآموزی - طرف حین کار نقص خودش را باید بفهمد، تکمیل کردن خودش را متوجه بشود، جمعیت این برای مناظره الان چند نفر دارید؟

س: تقریباً ۶ الی نفر بودند.

ج: خوب حالا تمرین.

س: البته رأگیری هم کردن، اعضاء مناظره را هم تعیین کردن که روز شنبه مناظره برگزار بشود، هرچند آنها نیستند.

ج: چند تا کار می‌توانید بکنید، یکی عوض کردن محیط کلاً؛ مثلاً در دفتر شیرازی‌ها بگذارید، چند نفر ابتدائاً دعوت بکنید، ۸۰۰ نفر خانواده طلاب شیرازی هستند، شما اگر بتوانید ارتباط بگیرید، می‌شود ۸۰ خانواده، برای خود مسئولین دفتر هم، نشاط آفرین هست برای کار دفتر که یک گروهی بیاورند، پیشنهاد بدهند که ما یک همچنین کاری را می‌خواهیم بکنیم. این ۲.۱ گروهی را که البته الان هنوز زود هست این دوره، من بنظرم می‌آید که گروهی مربوط مسائل زنان مال آقای زیبایی نژاد هست، از این طریق چه چیزهایی را دنبالش هستیم؟ یکی جدی ترشدن نسبی مناظره، بهر حال افرادی غیر از خودتان می‌آیند، یک مقدار کمی قرص‌تر برخورد می‌کنند، دوم علاوه بر قرص برخورد کردن، نفرات دیگری می‌آیند به عبارت دیگر هویت شخصی و گروهی، علاوه بر هویت اعتقادی، شما طرفداری از ولایت فقیه که می‌کنید هویت اعتقادی‌تان هست، یک هویت گروهی دارید بنام اینکه فرهنگستان هستید، یک هویت شخصی داری بنام شخص خاصی

هست بسیار خوب، پس بنابراین شما درگیر می‌کنید، هویت افراد را به یک خصوصیتی که آن خصوصیات ممکن هست، تحریک بیشتری را ایجاد بکند.

س: من روی آن فکر می‌کردم یک راهش همین بود، شاید این بعد از این راه دوم باشد و راه سوم باشد که دیدم الان شاید عملی نباشد، ولی خیلی نشاط آورد هست، اینکه واقعاً در جلسه نه تمرین باشد و نه خودمانی‌ها باشند، بلکه از مخالفین دعوت کنیم.

ج: حرف خوبی هست این هم بد نیست، هیچ وقت نگوئید عیبی دارد که کسی دیگر بیاید، خوب هست که بیاورید، یعنی شکست می‌خورند دیگر دوستان، خوب هست شکست بخورند که، آدم یک تکانی که بخواهد بخورد، بهر حال یک افتان و خیزانی دارد. نهایت اینکه شما وقتی که، من بنظرم می‌آید که بله پس بنابراین من بنظرم می‌آید که ایجاد محیط جدید، فعالیت کردن، اینها کار خوبی هست، یعنی شما به اصطلاح محیط را بیاورید در مثلاً دفتر شیرازی‌ها یا مرکز مال زنها و دغدغه‌ایی هم نداشته باشید از این مطلب که حالا اینها یک جلسه هم باقی کار بشوند، بشوند باقی کار، ضرری ندارد که، کار می‌کنند بعدش گفتن به تیمورلنگ که شکست دادن را چه جوری آموختی؟ گفت از بس شکست خوردم. یعنی دعوای بهر حال سیاسی و فرهنگی، باید انجام بگیرد. به اصطلاح سپس از انجام گرفتنش اینکه موضوع بصورت جدی‌تر برخورد بشود، برایش بوجود بیاید این یک، ۲. اینکه شما حتماً هم سعی نداشته باشید حتماً مثلاً افراد خاص حالا بیایند که مثلاً ما بگوئیم چهارتایش نیامدند، دوتایش آمدند. مثلاً می‌گویم خود این طرح را مذاکره بکنند با زن‌های بسیج. یعنی چه؟ یعنی مثلاً می‌گویم شما یک کانالهایی دارید که می‌توانید با بسیج تماس بگیرید، با احیاناً فرهنگی‌ها تماس بگیرید، یک جاهایی که به اصطلاح برخورد جدی‌تر بشود.

س: اگر آن اشکال جلسه اولی که خدمتتان رسیدم.

ج: چه چیزی؟

س: این بود قضیه که گیر به ساختارها پیدا می‌کند.

ج: بله، گیر به ساختارها، گیر به ساختارها، طرف طلاب شیرازی خودشان حمایت‌تان می‌کنند این قدر، میدان می‌دهند، آقای پیروزمند رفته حرف زده نسبت به فرهنگستان.

س: یعنی تست شده است.

ج: تست شده آقای زیبایی نژاد را باید سوال بکنند، تست بکنند که چه جوری هست؟

حجت الاسلام محسنی: با آقای سبحانی صحبتی داشتیم ایشان غیر دفتر مطالعات، مؤسسه فرهنگی طه دارند و اخیراً هم کانون فرهنگی طلاب راه اندازی کردن زیر نظر آیه راستی، ایشان چون ما ۷ الی ۸ سال کار دوستانه هفتگی داشتیم ایشان بصورت رسمی دوباره از مادرخواست کرد که شما در جمع بیائید که تصمیم‌گیری کنیم می‌گفت ما کارهای مختلفی می‌توانیم بکنیم و گفت یکی از کارهایی هم کردیم، همین دفتر مطالعات هست یعنی کار شخصی آقای زیبایی نبود. کار مجموعه آقایان به آقای شرعی آقایان بود. بعد هم می‌گفت که، من هم ذکر کردم اینجوری است ما هم یک فرمولهایی داریم، مدلهایی داریم، حرکت خواهران ۲۰ نفر جمع شدند، می‌گفت خوب خیلی خوب هست ما اینها را تلفیق می‌کنیم با آن حرکتی که اینها دارند، انجام می‌شود.

ج: خوب هست، یعنی به عبارت دیگر شما پایگاه در ساختارهای سیاسی برای مناظره دارید، آنها خودشان رنج می‌برند از اینکه یک شبهاتی در جامعه هست و یک معادله‌ایی به اصطلاح برای برخوردش درست نشده هست. یعنی شما حتی کسانی را که مخالف فرهنگستان هستند، ولی موافق ولایت فقیه هستند می‌گویند اگر اینها در مناظره بتوانند آنطرفی‌ها را بشکنند، به آنها راه بدهید. موضوع محل

منازعه، موضوعی هست که می‌پذیرند که شما وارد بشوید.

س: شیوه قوی‌تر را برای خودشان اخذ می‌کنند.

ج: من بنظرم می‌آید بحث را ببرید بیرون، یعنی این هیئت به حضورتان که عرض کنم، گاهی در پاتوق جمعیتی ندارد، ۷ الی ۸ نفر هستند، ۷ الی ۸ تا فقط اعلم بدست بگیرند، وقتی کم کم می‌روند جلو. جمع می‌شوند.

حجت الاسلام رضوی: روی خود روش که همان سوالی بود که می‌توانند به کار بگیرند ابزار روحی.

ج: عیبی ندارد، کم کم بکار می‌گیرند یعنی شما حالا ببینید، اینها را نه لب استخر هولشان بدهید؛ بیافتند در آب، دست و پا می‌زنند یک مقدار، بعدش شنا یاد می‌گیرند.

ج: از اینکه شما مرتباً بنشینید به آنها نصیحت بکنید که اگر مبتلای به فرار شدید، به رودخانه رسیدید، شنا بکنید، می‌گویند ما انشاء.. مبتلا اول نمی‌شویم، ثانیاً اگر مبتلا هم شدیم دنبال پل می‌گردیم. ثالثاً اگر پل هم گیر نیامد، خوب یک کسی پیدا بشود یک قایقی یا چیزی گیر بیاورد ما برساند به آن طرف.

س: آموزش ضمن.

ج: کار.

س: کار و مناظره گفتم که همین شنا را من خودم تجربه کردم یک موقع شنا هست که طرف می‌رود لب آب یکی هم هلوش می‌دهد یا خودش می‌پرد در آب بالاخره یک کمی آب می‌خورد و اینها دست و پایی می‌زنند یا یعنی در عمل آن قواعد شنا را سطح نازلش را بکار می‌گیرد دیگر زیرا آب نمی‌رود، یک عده‌ایی می‌روند کلاس آموزش ملی یک دوره یک ماهه می‌بینند مثل این می‌تاند، آب تنی کنند یک کسی دیگری هست که نه می‌رود کتابش را می‌خواند، آن کتابش را می‌خواند که قطعاً نمی‌تواند شنا کند، تفاوت اینجا بین اولی و دومی هست آموزش

کتبی را فرمودید که استثناء دارد کسی برود دنبالش، این طرف هم که کسی برود خودش را بیاندازد در آب، آن هم باز کم هستند یعنی در استخر که بودند ما که مثلاً ده نفر با هم می‌رفتیم. مثلاً ۱۵ سال پیش ما را به عنوان همراه‌های خودشان می‌بردند از این ۱۰ نفر، دو نفرشان شنا بلد بودند یکی و دو نفرشان می‌پریدند داخل ۶ الی ۷ نفر دیگر می‌رفتند در کم عمق اصلاً نمی‌آمدن، که هلوشان بدهیم، یعنی اگر بناست هلوشان بدهی، بیاندازیشان شبیه بهتر است.

ج: صورت مسئله را، یعنی بستر صورت مسئله را عوض کنید، بستر صورت مسئله ضعیف هست الان.

س: اطلاعی که دارم حالت رخوت به آنها دست داده هست.

ج: بله دیگر.

س: یعنی آن خواهری که لیسانس علوم سیاسی هست احیاناً در مراکز تحقیقاتی هم کار می‌کند، خودش هم اهل مطالعه و مجله و زونامه هست. موقعی که می‌آید موضوع مناظره را می‌بیند در این سطح هست، اعتراض می‌کنند بعد پیشنهادی هم بعضی خواهران دادن که این خواهرهایی که قوی‌تر هستند، محور هیئت‌ها بشوند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۳
کد جلسه: ۳۴۰۱	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۴/۲۲
کد صوت: ۴۷۷۱	مدت جلسه: ۲۵ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۴۰۶۶

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم م. یکتایی
تایپ:	حسین فاضلی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	محمد فقیهی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	محمد فقیهی
صفحه آرایی:	محمد فقیهی

جلسه سیزدهم

آقای رضوی: [...] چیز هست یک مقدار،...

استاد حسینی: نرم تر هست.

آقای رضوی: نرم تر است بله. آن گروه الف و گروه ب نظرتان چیست؟ حاج آقا؟

استاد حسینی: عیبی ندارد ولکن...

آقای رضوی: باید یک چیز به آن منگنه بشود، در جلسه توضیح بدهند این گروه الف چه کسی هست، آن را...

استاد حسینی: آن وقت تازه گروه الف را نام هم طرفدارهای کدیور می‌توانید بگذارید هم نام طرفدارهای ولی فقیه، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی ابداً رنگ محتوا را ندارد،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: در حالی که ما می‌خواهیم رنگ محتوا را داشته باشد، افراد عوض بشوند، آن وقت این طوری نباشد که...؛ می‌شود البته ابتدای کار هم این هم قبول داریم که مثلاً می‌شود تا مدتی گروه الف و ب، ولیکن گروه الف طرفدار چه چیز هست، گروه ب طرفدار چه چیز هست.

آقای رضوی: گروه الف همیشه مثلاً مخالفین باشند.

استاد حسینی: مخالف چه چیزی؟ وضعیت؟

آقای رضوی: مخالف وضعیت، بله، مخالف ولی فقیه. اگر اسم، به جای مخالفان بگذاریم گروه الف، به جای موافقان بگذاریم گروه ب.

استاد حسینی: اصلاً اسمی در جامعه هست، دگراندیشان، آنها ابایی ندارند از این صحبت.

آقای رضوی: دگراندیشان یعنی مخالفان.

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: حاج آقا سؤال این است که...

استاد حسینی: اندیشه‌های دینی و دگراندیشان.

آقای محسنی: بله، سؤال مهم این است که چرا ناراحتند از عنوان موافق و مخالف؟ یک موقع هست اینها می‌خواهند تمرین کنند داخل خودشان، صوری می‌شود این، موافق و مخالف که الان بین خودشان است صوری هست، استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: یک موقع بیرون می‌خواهند بروند، بیرون که می‌خواهند بروند واقعا آن یکی مخالف است می‌گوید من مخالفم، هیچ ابایی هم ندارد.

استاد حسینی: نه... خب حالا نهایت این است که او اگر نام فرهنگی‌اش را بخواهد نسبی‌گرایی علمی خودش را قبول دارد نام بگذارد. من به نظرم این طوری می‌آید نسبی‌گرایی علمی و نسبی‌گرایی دینی اساسی‌ترین صحبت هست.

آقای رضوی: بله، باز بار شدت وضعیت گرا و چیز را ندارد، تحول گرا را. استاد حسینی: بله، بله معنی این هم هست که...؛ یا تحول گرایی علمی، و تحول گرایی دینی، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این هم می‌توانیم بگوییم: تکامل گرایی دینی و تکامل گرایی علمی. خب اگر این باشد تکامل را برای هر دوی شان به کار ببرید خوب است، تکامل گرایی دینی و تکامل گرایی علمی.

آقای رضوی: بله، همین طور هست. الان دعوا، دعوا هم سر همین می‌کنند دیگر! استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: آنها می‌گویند ما قائل به تکامل هستیم، منظور...؛ علمی هم، تحول علمی باید صورت بگیرد، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: موافقین می‌گویند ارزش‌ها باید حفظ بشود، منتها تحول گرا نیستند،

استاد حسینی: خب اگر...

آقای رضوی: این جا به تعبیری تحول گرا باشند منتها منطقتش را ندارند، ولی تحول گرای علمی منطقتش را دارند، یعنی منطقتش...

استاد حسینی: یعنی تحول گرایی علمی و دینی بگذارید خوب است. آن وقت البته یادمان نرود که این معنایش این است که فقط فرهنگستان روبروی مخالفان می‌تواند بایستد.

آقای رضوی: این معنایش بله، همین طور هست. ولی الان دینی‌ها هم خارج از فرهنگستان قائل به تحول هستند.

استاد حسینی: خیلی خب! حالا همین را بگذارید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یکی می تواند دفاع کند، یکی نمی تواند دفاع کند.

آقای رضوی: خودم به، به نسبت عنوان نسبی گرایی باز مایه ی چیز است، اگر باز باعث...

استاد حسینی: مخالفت

آقای رضوی: ...مخالفت موافقین ولی فقیه با فرهنگستان می شود؛ یعنی می گویند...

استاد حسینی: تکامل ولی تکامل گرایی، کمال گرایی را قبول دارند، که کمال را،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: همه قبول دارند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تعریف شان از کمال فرق پیدا می کند.

آقای رضوی: بله، تکامل گرایی یا کمال گرایی دینی علمی، یا تحول گرایی. تکامل بهتر از تحول هست،

استاد حسینی: بهتر است، بله.

آقای رضوی: نسبی گرایی هم باز دوباره سؤال برای شان پیش می آید؛ نسبی گرایی دینی یعنی چه اصلاً؟

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی موافقین ولی فقیه که می خواهیم زود جذب خودمان بکنیم و بتوانیم اینها را بسیج کنیم برای دفاع از ولی فقیه...

استاد حسینی: می شود تکامل گرایی دینی و تکامل گرایی علمی.

آقای رضوی: بله، تکامل گرایی علمی، بله.

استاد حسینی: حالا تکامل گرایی حسی و تکامل گرایی دینی این چطور است؟
حسی روبرویش ارزش هست. [...]

تکامل گرایی حسی، تکامل گرایی ارزشی. این...

آقای رضوی: ارزشی باشد علم هم شامل می شود؛ یعنی تکامل گرایی ارزشی...؛
یعنی در واقع تکامل، همان عبارت اخیری تکامل گرایی دینی باشد، در پناهش
تکامل حسی و تکامل علمی هم دارد؛ یعنی تکامل گرایی علمی هم...؛ آنهایی که
تکامل گرای دینی هستند به تکامل گرایی علمی هم قائل هستند در سایه ی تکامل
دین.

استاد حسینی: درست است. خوب پس همان بگذارید تکامل گرایی دینی یا
تکامل گرایی علمی.

آقای رضوی: بله، این باز همان، آن دو تا عنوان دین و علم می شود که مقابل هم
قرار می گیرد.

استاد حسینی: بله، مقابل هم قرار می گیرد، لااقل هم فعلاً در جامعه، اینهایی که
تکنوگرات هستند می گویند ولی فقیه نه، علمای حسی بیایند اداره کنند،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی این رک حرف شان همین است دیگر! چیز دیگری نیست.
آقای رضوی: بله. یک روشی که مرحوم امام به خرج دادند در اینکه می گفتند
دین از سیاست جداست، دیگران می گفتند،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: امام آمدند عنوان کردند که دین از سیاست جدا نیست، اکثر احکام
دین سیاسی است. و توجیه کردند و در عمل هم نشان دادند؛ یعنی خواستند ثابت
کنند که دین از سیاست جدا نیست. حالا اگر ما بخواهیم بگوییم که دین از علم جدا
نیست. بله، امام که می گفتند دین از سیاست جدا نیست و اکثر احکام دین سیاسی

هست نظرشان این نبود که سیاست موجود دنیا، که از ایشان سؤال کردند گفتند در کدام دانشگاه شما درس خواندید که این قدر اشراف سیاسی دارید نسبت به مسائل و اینها؟ گفتم من در دانشگاهی، جایی درس نخواندم، در دانشگاه دین درس خواندم. حالا اینها هم اگر بخواهیم همین تکامل گرایی...؛ در عنوان هم بیاییم بگوییم که دین از علم هم جدا نیست، دین خیلی، اکثر مسائش علمی هست؛ یعنی تا آنجایی که چیز،...

استاد حسینی: نه، مثلاً...

آقای رضوی: ...منتها علوم موجود نه.

استاد حسینی: نه، یک چیز دیگر است، کل مسائل دین باید تبدیل بشود به علوم کاربردی.

آقای رضوی: یعنی دین عین علم است.

استاد حسینی: یعنی دین در مرحله ی تحقق عین علم است.

آقای رضوی: خب اگر عین علم باشد باید عنوان موافقین ولی فقیه عنوانی باشد که کاملاً به معنای این باشد که ما طرفدار علمی هستیم. ما می خواهیم...

استاد حسینی: ما می خواهیم بگوییم ما مولد علم هستیم.

آقای رضوی: مولد علم. حالا اگر تکامل گرایی علمی باشد در مقابل تکامل گرایی دینی، به معنای این است که دو گروه هستند: یک عده طرفدار علم هستند، یک عده طرفدار دین هستند. طرفداری دین خب معلوم است، مسلم است که تکامل گرایی اش را مفروض دو طرف هست.

استاد حسینی: خب، دینی شدن علم یا، علمی شدن دین، این حرف اصلی مان هست.

آقای رضوی: یعنی این ریشه‌ای تر از این هست.

استاد حسینی: آیا دین باید علمی بشود یا علم باید دینی بشود؟

آقای رضوی: آن چیزی که الان مطرح هست می‌گویند اگر علم دینی بشود به معنای این است که کلیسا حاکم بشود، قدرت را به دست بگیرد موجب عدم پیشرفت علم می‌شود، از موقعی که دین کنار رفت، علم پیشرفت کرد؛ مخالفین این را می‌گویند،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: اگر این عنوان را بگذاریم که علم دینی بشود فوراً تداعی می‌شود، مثال تاریخی هم می‌آورند شروع می‌کنند به دسته‌بندی کردن و مثال آورن که، الان هم همین کار را کردند، هم در سطح فلسفه‌اش، در سطح کاربردی‌اش، می‌گویند بیا نمونه‌اش بود. دیندار حاکم بود، همین آقای محمدرضایی دکترای فلسفه دارند، مسئول بخش فلسفه و کلام دفتر تبلیغات هم بودند، می‌گفتند که الان همین را می‌گویند مثال می‌آورند، می‌گویند که اگر دین بخواهد تسلط داشته باشد بر مراکز علمی یعنی قدرت دست دین باشد و علم هم در سایه‌ی این قدرت بخواهد پیش رفت کند نمونه‌اش را داشتیم در تاریخ. حالا این را...

استاد حسینی: مثل گاليله و امثالش مثلاً.

آقای رضوی: امثال این هامثالاً، امثال آنها می‌گویند از موقعی که، یعنی قدرت از دست آنها گرفته شد تحول در ساختار سیاسی غرب پیدا شد منجر به پیشرفت علمی شد. حالا هر طور صلاح می‌دانید این را یک عنوانی بزنید، حالا یک عنوانی بزنیم یک مدت بحث بکنند خواهرها،...

استاد حسینی: من به نظرم می‌آید که اگر تکامل را بالای سر دین بیاوریم. تکامل ضد این تحجر دینی هست که علم را این طور؛ تکامل گرایی دینی، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و تکامل گرایی علمی،

آقای رضوی: - ان شاء الله -

استاد حسینی: یعنی معنایش این است که دین محور تکامل باشد یا علم؟
 آقای رضوی: بله، جوابی هم برای آنها هم هست،
 استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی می‌گویند آنها هم علت اینکه می‌گویند دین حاکم بوده، یعنی می‌گویند...

استاد حسینی: دین متحجر الست.

آقای رضوی: دین متحجر است.

استاد حسینی: تکامل گرایی دینی و تکامل گرایی علمی.

آقای رضوی: دو تا عنوان باشد.

استاد حسینی: دو تا عنوان باشد.

آقای رضوی: این هم که نظرشان این بود که نسبت به شیوه دعوت از مخالفین واقعی یا شیوه برخورد با آنها، احتیاج به بحث و دقت دارد، یعنی خواهرها به این توافق نرسیدند. البته این آن هم در جلسه‌ای که خدمت تان بودیم ما پیشنهاد دادیم خدمت تان، شما گفتید خوب است. منتها الان موافق نیستند؛ یعنی احساس می‌کنند آمادگی ندارند درون هم تمرین عقب هستند هنوز، هم اینکه...

استاد حسینی: اصل این پیشنهاد منشا پیدایش یک مرحله تحرک جدید شده یا

نه؟

آقای رضوی: حداقلش آن جلسه ی قبل شروع کردند به بحث و بررسی مفصل و گفتند که باید مثلاً اگر اینها می‌خواهند زمان خاصی را تعیین کنند برای...

استاد حسینی: خب اینها را به آنها بگویید که جامعه نمی‌ایستد زیاد معطل ما،
 آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: به هر حال این حوادثی که می‌بینید و نظیرش انجام می‌گیرد،
 آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اگر شما قدرت ابتکار عمل به دست گرفتن را نداشته باشید حوادث شما را احاطه می‌کند.

آقای رضوی: بله، این پیشنهادی که ما دادیم احساس کردند، بعضی از خواهرها، احساس کردند کانه برنامه دوباره تغییر کرده، کما اینکه ما هم برنامه را تغییر دادیم. و بعضی‌ها مخالفت کردند، گفتند شما آن سیکل اول را که داشتید روی ابزارها کار می‌کردید خیلی نشاط بود، بعد که آمدید مناظره را وسط کار کشیدید باعث شد نشاط از بین رفت.

استاد حسینی: نه، اینها کم کم در قبل از اینکه مناظره را شروع کنیم به ایراد افتاده بودند، به...
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: به روغن سوزی افتاده بودند!

آقای رضوی: حالا، حالا همین اختلاف بود، بعضی هایشان می‌گفتند، جواب دادند نه، اتفاقاً از موقعی که مناظره شروع شد نشاط ایجاد شد؛ یعنی در اینکه چه مرحله‌ای...؛ آن متناسب با روحیه شان، اینها گفتند که اتفاقاً بعد از اینکه مناظره برگزار شد نشاط بیشتری در جلسه حاکم شد. به هر حال این بحث‌ها را با هم داشتند، کانه نسبت به برنامه‌ای که ما می‌دهیم موضوع اختلاف شد. جلسه‌ی بعد از آن، اول جلسه گفتند باید حتماً نوار آقا را گوش کنیم، نشستند دسته جمعی نوار را گوش کردند، از اول تا آخر نوار را با هم گوش کردند؛ یعنی بعضی خواهرها انتقاد داشتند که چرا حاج آقا یک فرمایشی دارند سریع می‌خواهند تغییر ایجاد بشود؟ یعنی دیگران، یعنی بنده، یا همان چیزی که بنده خدمت خواهرها ارائه می‌دهم همان محتوایی که حاج آقا مورد نظرشان است؟

آقای محسنی: ممکن است متفاوت باشد.

آقای رضوی: ممکن است متفاوت باشد؛ لذا درک از این محتوای فرمایش

حضرت عالی که به یک واسطه می خورد، این ها اختلاف داشتند؛ لذا گفتند بعضی از خواهرها گفتند حالا که این طور هست نوار را باید گوش کنیم. نوار را دسته جمعی گوش کردند، باز دوباره در خود گوش کردن نوار تحلیل شد، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: ظاهراً این طوری بوده که تحلیل شده بعضی خواهرها گفتند که خب این معنی این حرفی که اینجا حاج آقا این جمله را این طوری گفتند: این معنی اش این است که آقای رضوی بیايند این طوری بگویند، یا اینطوری گفته باشند؟! حالا این هم...

استاد حسینی: حالا این را رای بگیرند زودتر این را نجات بدهند، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: توقف بد است. حوادث [؟] اجازه نمی دهد که برای زنگ تفریح. آقای رضوی: این را ما همان جلسه ای که خدمت شان رسیدیم حاج آقا، عرض کردیم که حاج آقا می فرمایند: فرصت نیست وقت از دست می رود، بعد هم خودشان هم نوار را گوش کردند دیگر کاملاً مطمئن شدند که ما مطلب را منتقل کردیم.

استاد حسینی: بله؛ یعنی باید هر چه زودتر نشاط این طرفی ها درست باشد، تلاششان بیشتر بشود، بتوانند وارد جامعه شوند. بشوند،

آقای رضوی: صحیح. حالا این راجع به جلسه بود، یک برنامه ای هم حضرت عالی...؛ تقریباً الان این می شود به یک نسبت برنامه سوم. برنامه اول این بود که از ابزارها شروع کنند. یک سیاست هایی هم آنجا فرموده بودید، هم راجع به سیاست ارتباط که فرموده بودید سیاسی کاری مثلاً نشود، قشنگ توضیح داده بشود که بدانند این کار، کار فرهنگستان هست، و بعد فرموده بودید که احیاناً هم اگر بخواهید از ساختارها شروع کنید با مشکل روبرو می شوید، از همین مجموعه پایین

شروع کنید. برنامه دوم هم که گذشت، در برنامه سوم من احساس کردم که یک مقدار آن سیاست‌ها را باید دوباره،

استاد حسینی: تجدید نظر بکنیم.

آقای رضوی: در این برنامه روی آن تأمل بکنیم، آیا همان سیاست‌ها باز اعمال بشود یا اینکه نه؟ نمونه‌اش اینکه الان ما می‌خواهیم با مثلاً دفتر طلاب شیرازی ارتباط برقرار کنیم، سیاست ارتباط مان در گرفتن محیط این چه باشد؟ استاد حسینی: شما هیچ جا خودتان را مخفی نمی‌کنید که ما فرهنگستان نیستیم و حتی وقتی که روبروی مخالف قرار می‌گیرید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ولكن سعی کنید از کلیه ابزارهایی که ممکن می‌شود برای تان امکانات تامین بکنید، آنها را توجیه بکنید که ما لازم می‌دانیم یک طرح اینطوری است، - به حضورتان - طرح تان را بشناسند و بپذیرند که شما وارد بشوید برای آنها. آقای رضوی: بله، یعنی ابزارهای...؛ یا به تعبیر خودم این یک مقدار ابزار هنری را می‌طلبد.

استاد حسینی: یک مقدار از نظر سیاسی باید کلاسه ی صحبت کردن تان طوری باشد که بتوانید آنها را امیداور کنید.

آقای رضوی: یعنی از فن معنایی - بیان خوب استفاده کنیم.

استاد حسینی: بله، معانی - بیان ارتباطات سیاسی.

آقای رضوی: بله. حالا برای صحبت با دفتر طلاب شیرازی، مسئولش آقای امامی هستند،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این را...

استاد حسینی: صریح می‌توانید بگویید.

آقای رضوی: صریح باشد پس.

استاد حسینی: بله، آن را صریح جناب آقای محسنی می‌توانند با آنها تماس بگیرند و بگویند.

آقای رضوی: بله، من همین را هم می‌خواستم بدانم.

آقای محسنی: حتی گروه [؟] خواهران آنجا کاری برنامه ریزی چه محملی برای خواهران در آنجا.

استاد حسینی: آن را بگویید که ما برای اینکه جمعیت بیشتری باشد، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: و یک طرفش فرهنگستان، طرف دیگرش لزومی ندارد فرهنگستان باشد که!

آقای محسنی: یعنی آنها از خانواده طلاب شیرازی‌ها باشند.

استاد حسینی: از خانواده‌های طلاب شیرازی‌ها و احياناً کسانی که از آن خط باشند،

آقای محسنی: انگیزه مهمترین نباشد...

استاد حسینی: اصلاً مهمترین مطلب‌ها این است که شما همین که گفتید که ما یک طرف خطیم، یک طرف دیگر هم ضدمان را قبول داریم باشد، آن وقت اینکه کسی انگیزه نداشته باشد، اولین سؤال است، شما که نگفتید که ما می‌خواهیم فقط سخنرانی باشد، جلسه را برای ما برگزار کند، می‌گوییم این یک نوع کار فرهنگی است.

آقای محسنی: یعنی حضرت عالی به نظرتان نمی‌رسد مثلاً این دفتر طلاب شیرازی دورتر باشد...

استاد حسینی: مثلاً خود...

آقای محسنی: ... به دفتر مطالعات زنان از لحاظ اینکه...

استاد حسینی: مطالعات بهتر است، حتماً بهتر است.
آقای محسنی: بله؛ یعنی اولویت بیشتر این است، اول مذاکره با اینجا داشته باشیم،

استاد حسینی: اول با آقای زیبایی اینها مذاکره داشته باشید.
آقای محسنی: بله، چون ما تا حالا که می‌خواهیم اثبات کنیم...
استاد حسینی: نه! آن اصلاً بحث...
آقای محسنی: که چنین کاری هست، و خواهران هستید هست و بعد، خیلی دور می‌شود.

استاد حسینی: بله.
آقای رضوی: حالا سؤال ما هم همین بود حاج آقا که من، مثلاً من ارتباط بگیرم یا آقای محسنی؟ چگونه ارتباط بگیریم؟ این سؤال مهم بود که الان می‌خواهیم محیط را تغییر بدهیم چگونه باشد؟
آقای محسنی: یعنی علنی به اسم دفتر فرهنگستان و کار را هم به هر حال... و حتی

استاد حسینی: فرهنگستان، اصلاً خود شما تماس می‌گیرید ایشان را به عنوان رابط معین می‌کنید.
آقای محسنی: بله، حتی یعنی آنها هم بگوییم که می‌توانید به شکل فعال برخورد بکنید به این قضیه.

استاد حسینی: بله.
آقای محسنی: - ان شاء الله -
آقای رضوی: این یک مطلب. یک مطلب دیگر هم این است که راجع به مخالفین، حاج آقا،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: اینکه خودشان قائل به بحث و دقت شدند،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: [۹] باید دقت بیشتری کرد که اینکه از مخالفین دعوت بشود یا نه؟ حالا اینکه محیط را ما تعیین کردیم - ان شاء الله -، چه مدت به آنها فرصت بدهیم که اینها...

استاد حسینی: خب اینجا همین که محیط تغییر کرد، این کسی هم که شما را می‌پذیرد در محیطش، مسلماً افرادی را وارد می‌کند.

آقای رضوی: چه موافق، چه مخالف.

استاد حسینی: بله! آن وقت رای گیری می‌شود دوباره.

آقای رضوی: یک مطلب دیگر هم حالا به عنوان حالا احتمال بخواهیم چیز داشته باشیم، که اگر احیاناً خواهرها الان نسبت به تغییر محیط ۷ نفر رای دادند،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: کما اینکه جلسه ی قبل هم از خدمت شما حاج آقا، آقای محسنی سؤال کردند، اگر احیاناً اینها هم رای نمی‌دادند،...

استاد حسینی: می‌ماندیم همین جا، آن وقت در فکر بودیم که اگر مثلاً تحرک پیدا نکنند با چه شیوه دیگری وارد بشویم که ایجاد حرکت کند؛ یعنی اینها باید حتماً...

آقای رضوی: یعنی شما آن جلسه جوابی که از خدمت تان گرفتیم گفتیم، فرمودید اگر اینها هم موافقت نکردند بروید در اینکه مدل تان را با آقای زیبایی مذاکره کنید.

استاد حسینی: حتماً همین طور است؛ یعنی اگر یکی از مسائل تحرک همین که شما شروع کنید مناظره را جاهای دیگر هم طرح کنید، مذاکره کنید.

آقای رضوی: حالا این را به نظر حضرت عالی قابل پیش بینی هست که...

استاد حسینی: نه این را...

آقای رضوی: ...اگر [؟] طرف که...

استاد حسینی: در عین حال اگر بتوانید برای اول اینها راضی کنید بهتر است، اولویت دارد.

آقای رضوی: اگر این خواهرها بتوانیم طبق همین برنامه‌ای که داریم راضی بشوند،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: همراهش هم برویم مثلاً دفتر مطالعات، این می‌شود کار موازی کرد که در دفتر مثلاً شیرازی‌ها یا دفتر دیگر هم طرح را ببریم؟ یک موقع است می‌گویند طرح را ما بررسی می‌کنیم، یک موقع است می‌گویند بیااید اجرا می‌کنیم، این را قبول کردیم. اگر بخواهیم اجرا بکنیم بعضی از خود همین خواهرها ممکن است وقت بیشتری بخواهند بگذارند، آمادگی بیشتری داشته باشند، بیایند شروع کنند مناظره را راه بیندازند، علاوه بر آنجا. مثلاً این طور که من احساس کردم بعضی از خانم‌ها، مثلاً خانم صدوق، خانم آقای صدوق تقریباً تمام وقتش را می‌گذارد روی موضوع مناظره؛ یعنی اگر لازم باشد که مثلاً امروز روی لغت تا پس فردا یک فرهنگ اصطلاحات بنویسند، سی و شش ساعته...

استاد حسینی: حالا اینها آمدند تا بیرون، نمی‌خواهد زود موازی درست کنید، اگر نیامدند آن وقت موازی درست کنید. اگر آمدند بگذارید یک خرده کار جلوتر برود.

آقای رضوی: - ان شاء الله -؛ یعنی اگر همین طور کار تمرینی را انجام بدهند.

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: یعنی حاصل بحث می‌شود اینکه اینها باید تحرک شان بیشتر بشود،

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: و تحرک بیشتر شدن با تغییر محیط است خب حالا اگر رای اکثریت بر این تعلق گرفت که تغییر محیط نمی‌دهیم، یعنی اینها بیشتر از این نمی‌خواهند جلو بروند، باید با کسانی دیگر شروع بشود. بله.

استاد حسینی: با کسانی دیگر شروع می‌شود. یک فرصت هم به آنها بدهید؛ یعنی اگر گفتند الان هم نمی‌رویم بیرون، تا چه وقت؟ رأی بگیرید. مثلاً خوب است فرض کنید تا آخر تابستان، اول مهر، وقت به آنها بدهید، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: که حالا ممکن است بعضی هایشان بخواهند واقعاً مسافرتی بروند، جایی بروند، محدودیت در قدرت تصمیم‌گیری خودشان باشد، زن هستند دیگر، اختیارشان یک مقدار دست شوهران شان هست. ولی قاعدتاً اول مهر که مدرسه‌ها آغاز می‌شود دیگر قطعاً هستند، میزان - به اصطلاح - مانورشان در کار، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و تصمیم‌گیری بیشتر است، محدودیت شان کمتر است، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بنابراین می‌شود - به اصطلاح - تا اول مهر به آنها مهلت داد حداکثر،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: اما دیگر اول مهر اگر نیامدند بیرون، شما جای دیگر درست کنید.

آقای رضوی: حالا اینها که ۷ نفر رای، مثلاً ۷ رای دادند، حالا می‌آیند احتمال زیاد این طوری که صحبت کردند با هم به نسبت به تغییر محیط خیلی حساسیت نداشتند، خیلی اصرار نداشتند که حتماً در نمازخانه مفید باشد. یا در دفتر فرهنگستان

باشد، می‌خواهیم بگوییم الان ما اینها را بردیم دفتر مطالعات زنان، دفتر آقای زیبایی. آنجا...

استاد حسینی: دفتر مطالعات زنان را امکانات را آن وقت حتماً یک مقدار کمی وسیع‌تر از اینجا بگیرید، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی محیط اتاقی که می‌گیرید یک مقدار بزرگتر باشد، میزی وسط باشد، جایی مثلاً فرض کنید که ۴ تا گروه مشخص باشد. آقای محسنی: همین طوری هست حاج آقا، میز، صندلی، مدرسی دارند و یک تشکیلات [۲۲:۳۹ تا ۲۲:۳۷ نامفهوم]

استاد حسینی: بله این - به اصطلاح - [؟]

آقای رضوی: بله، اینها اگر آن جا - ان شاء الله - باعث می‌شود تحرک بیشتری پیدا کنند. اگر خواهرها...؛ یعنی دفتر مطالعات هم بررسی می‌کنند دیگر؛ یعنی ارزیابی می‌کنند عملکردشان را. اگر اینها همین تحرکی که اینجا داشتند، آنجا داشته باشند به یک نسبت، هم کما اینکه برای خود بعضی از خواهرها تأمل شده بود کیفیت مناظره، یعنی میزان تاثیرگذاری این مناظره در این سطح، برای خود دفتر مطالعات هم محل تأمل بشود.

استاد حسینی: - ان شاء الله تعالی - دیگر...؛ یعنی به عبارت دیگر آنها را همراه می‌توانند بکنند یا نه؟

آقای رضوی: نه، اگر نتوانند این خواهرها که در مناظره شرکت می‌کنند دفتر مطالعات همراه خودشان بکنند باز دوباره یک مشکلی هست این.

استاد حسینی: حتماً! بعضی باید دید نقص شان چه چیزی است؟ یعنی بروند آنجا ببینیم چگونه می‌شود، آقای رضوی: شما باید...

استاد حسینی: نمی شود نظر داد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: البته حالات مختلفش را ملاحظه کردن بد نیست در برنامه.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آنجا باید یک تستی هم بکنید که آقای زیبایی نژاد چه کسانی را می خواهد همراه اینها بکند، چه کسانی را دارد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نسبت به خود این برنامه حساسیت شان چقدر است، یا چیز دیگر. آقای رضوی: بله، یعنی گفتم که اگر بشود یک راه دیگری داشته باشیم که اگر احیاناً هم اینها نتوانستند آنها را همراه بکنند، ما بتوانیم آقای زیبایی اینها را با تغییر برنامه مان همراه کنیم.

استاد حسینی: عیبی ندارد؛ یعنی اصل - به اصطلاح - سیستم مناظره را حفظ کنید موضوع برنامه را می شود عوض کنید، موضوع برنامه را می توانید موضوعاتی بگذارید که خود آقای زیبایی نژاد موضوع کارش است، مثل مسائل زنان، جزء و موضوعاتی است که ایشان روی آن حساس است، بی تفاوت نیست، آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: و طبیعتاً دوست می دارد که کسانی روی آن کار کنند.

آقای رضوی: یعنی بشود موضوع مناظرشان.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: صحیح؛ یعنی الان در ارتباطی هم که می خواهند با آقای زیبایی بگیرند اگر همین در شروعش انعطاف در برنامه داشته باشیم،...

استاد حسینی: نه، اول پیشنهاد کنید اولی هست که...

آقای رضوی: اول پیشنهاد، بحث ولایت فقیه باشد.

استاد حسینی: بحث ولایت فقیه باشد.

آقای رضوی: یعنی همان چیزی که برای خود خانم‌ها هم الان شروع شده و دارند تمرین می‌کنند.

استاد حسینی: نه، فقط شروع شده برای خانم‌ها؛ یعنی آن چیزی که در جامعه الان به عنوان حرف اول هست،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: الان مخالفین، موافقین جوّی که در جامعه راه افتاده سر چیست؟

من به نظرم می‌آید سر مسأله ولایت فقیه است، بقیه‌اش همه‌اش تعارف هست،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: صحبت اینکه نیروی انتظامی این کار را کرد نمی‌دانم جوان‌ها، اینها همه‌اش شوخی است. اصل قضیه اینکه می‌گویند ولایت فقیه نباشند.

آقای رضوی: صحیح. اگر فرمایشی نداشته باشید، زحمت را کم کنیم.

استاد حسینی: «و صلي الله علي محمد و آل محمد». (اللهم صل علي محمد و آل محمد).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۴
کد جلسه: ۳۴۰۲	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۴/۲۹
کد صوت: ۴۷۷۲	مدت جلسه: ۳۹ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۶۲۳۲

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم س. صالح
تایپ:	مصطفی الهامی
تطبیق:	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۲):	علیرضا شریعتی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	علیرضا شریعتی
صفحه آرایی:	علیرضا شریعتی

جلسه چهاردهم

استاد حسینی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين و صلى
الله على محمد و آله الطاهرين.

بفرمایید در خدمتتان هستیم.

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم. نسبت به فرمایشاتی که صبح حضرتعالی
داشتید، یک سری سؤالاتی هست. حاج آقا اینجا خدمتتان!
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: [؟]

استاد حسینی: حالا در طرح جامع بایستی کلیات طرح، طرح تفصیلی، نهایتاً
طرح اجرایی تهیه شود، ولی اگر این طوری باشد، بسیار بهتر است.
آقای رضوی: طرح جامع.

استاد حسینی: بله. یعنی به عبارت دیگر، شما در سه مرحله بتوانید ببرید پهلوی
آقای زیبایی و با ایشان؛ مرکز چه چیزی گفتید؟ مدیریت؟

آقای محسنی: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.
استاد حسینی: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، و بتوانید درست ایشان را در جریان بگذارید، خیلی خوب است. یعنی به عبارت دیگر، نخواهید بلافاصله بروید و حرف را تمام بکنید.

آقای محسنی: می‌فرمایید که کلیات طرح را اول بپذیرد،
استاد حسینی: بله.
آقای محسنی: مراحل بعدی را.
استاد حسینی: بله این - به اصطلاح - اجمالی هم از مثلاً همین شِمایی را که دارید،

آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: برایشان ببرید.
آقای رضوی: این حاج آقا، البته این سؤال متناسب با فرمایشی که داشتید صبح که طرح جامع، یعنی در واقع طرح مطلوب؛
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی مطلوب صحبت اجرایی آنچه که مطلوب هست، چیست؟
منتها مطلوب هم در سطوح مختلف [صحبت اجرایی] یعنی با مخاطبین مختلف، معانی مختلفی پیدا می‌کند.
استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی الان مطلوبی که برای اینترنت داریم، یا برای دفتر ریاست جمهوری داریم، غیر از مطلوبی هست که برای این مرکز یا کوچکتر از این مسجد محل مثلاً داریم.

استاد حسینی: درست است.
آقای رضوی: مطلوب برای مثلاً دفتر مطالعات تحقیقات زنان، خیلی جمع و جور

جلسه چهاردهم ۷

و کوتاه و در عرض ۱۲ صفحه می‌شود، که خیلی خلاصه باشد و؛ یعنی به تعبیری، به اندازه این‌ها بخورد.

استاد حسینی: خب، در عین حالی که نباید این قدر حرف را بزرگ بگویید که از جرأت این‌ها بیشتر باشد، در عین حال، تفهیم کنید که تدریجی هم می‌توانید شما رشد کنید.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: یعنی یک طرح جامعی را که ذکر می‌کنید، می‌گویید که تدریجاً به هر حال شما مسأله‌ی سؤالاتی که درباره‌ی مسأله‌ی زن هست، در نظام ولایت فقیه، از سطح بین‌المللی تا داخلی‌اش، پشت سر همدیگر در روزنامه‌ها حضور پیدا می‌کند. آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: و شما این که خیال کنید که برای مسجد محله‌ی قم دارید حرف می‌زنید، نیست در کار.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: شما اگر یک تکنیک جدیدی را نتوانید فراهم کنید، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: که آن تکنیک، بتواند کلیه‌ی نیروهایتان را به کار بگیرد و هدایت کند و تغذیه کند، موفق نمی‌شوید؛ یعنی خیال بکنند مثلاً حالا اگر گروه تحقیقات زنان آمدند دو تا جلد کتاب چاپ کردند، شوق‌الْقمر می‌کنند، خیر، این گونه نیست. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم که - ولی اگر بتوانند یک برنامه‌ی تنظیم کنند که کارآمدی خودشان را اثبات بکنند. من به نظرم می‌آید کلیه‌ی طلاب زنی را که در حوزه هست، برای این‌ها یک امکان تحقیقاتی، اگر قدرت این را داشته باشند که مطلبشان را جزئی جزئی بکنند، به اندازه‌ی کارآمدی خود آنها، به

آنها بدهند که احیاناً از داخل رساله‌هایی را که برای امتحاناتشان می‌دهند، موضوع کارشان قرار دهند، تا سطوح بالاتر. یعنی به عبارت دیگر، به کار بگیرند از نیروی کسانی که اطلاعات سنتی دارند، تا آنهایی که اطلاعات کلاسیک دانشگاهی دارند، این‌ها همه را بتوانند بچرخانند در حقیقت در یک دستگاه. و آنها همه احساس هویت بکنند که دارند از اسلام دفاع می‌کنند، دارند حضور دارند.

آقای رضوی: بله. الان در یک سطحش قبل از این که طرح جامعی باشد، با سرپرستی حضرت عالی خب، خواهرها کار را شروع کردند و انجام دادند. به این سطح که رسیدند، با تمریناتی که داشتند، همین حداقلی که الان توانمندی‌ای که دارند، یک طرح مختصری را تهیه کردند؛ یعنی در واقع من عرض کردم خدمت‌شان،

استاد حسینی: شما همان چیزی را که آنها مهیاء کردند،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: آن را به عنوان قدم اولشان ذکر می‌کنید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: می‌گویید نقطه شروع ما اینجا هست. مراحل رشدان مرتباً این طوری است این طوری است، این طوری است، تا برسیم به آنجا.

آقای رضوی: ما با گزینشی که از جمع خواهرها داشتیم، به دو نفر، سه نفرشان عرض کردیم با یک شاخصه؛

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این شاخصه که طرحتان کاملاً اجرایی باشد؛ یعنی نمی‌خواهید بروید خیلی تلاش فکری و بحث داشته باشید، هر آنچه که تا به حال عمل کردید، این خودش می‌شود طرح اجرایی؛ یعنی نامه عملتان را بنویسید. این نامه عمل، قابل ارائه هست، برای مراکز مثل مثلاً دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. که بعد، با پیشرفتی

که خودتان در آن مجموعه انشاءالله خواهید داشت، طرح بعدی تان را برای یک مرکز بزرگتر خیلی دقیق تر بنویسید. در عین حال، این طرح‌ها همه باید با سرپرستی حضرت عالی باشد و در نهایت طرح جامع سرپرستی کند این کار مناظره را؛ یعنی در واقع، آن طرح جامعی که به مرور زمان تهیه می‌شود، آن کنترل بکند عملکرد مناظره کننده‌ها و کلاً مناظره سازها.

استاد حسینی: یعنی - به اصطلاح - مناظره‌های راه افتاده را سازمان بدهند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: یعنی طرح از کوچک، همین،

استاد حسینی: یعنی شما یک تک سلولی درست کردید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: که ما می‌خواهیم یک ارگانیزم درست کنیم از این سلولهایی که بعداً آرام آرام درست می‌شود سراسر کشور.

آقای رضوی: صحیح! در عین حال، حتماً باید یک جایی باشد که قدرت هماهنگی این‌ها را داشته باشد.

استاد حسینی: بله، مدیریت این‌ها را داشته باشد.

آقای رضوی: درست است. که الان خب دفتر فرهنگستان هست، بعد انشاءالله

طرح جامع باید...

استاد حسینی: طرح جامع باید کاری بکند که همان مرکز مدیریت مسائل

خواهران همان کار را بکند. دیگر لزومی ندارد که ما حضور داشته باشیم.

آقای رضوی: درست است. صحیح است.

استاد حسینی: طرح باید خوب باشد، بتواند؛ یعنی یک تکنیکی را درست کند

که آن تکنیک، کار خودش را انجام بدهد.

آقای رضوی: دارد تکنیک یعنی در این پیش نویسی که تهیه شده، سعی کردند،
[۶:۵۲؟]

استاد حسینی: در حقیقت یک فنی باید درست شود.
آقای رضوی: بله. آن هم سعی کرده بگویند این یک برنامه نرم افزاری هست.
استاد حسینی: بله، همین طور است.
آقای رضوی: برنامه نرم افزاری، هر کسی می تواند وارد اینترنت شود، برود در یکی از این هیئت هایی یا طرفین مناظره، ...
استاد حسینی: همین طور است.
آقای رضوی: قرار بگیرد، و وارد مناظره شود و نتیجه اش را هم ببیند، دیگران هم داوری کنند نسبت به حضورش.
استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: سطحی که حضور پیدا کرده و کیفیت حضورش را داوری بکنند و خودش احساس بکند به سطوح بالاتر برود [؟]
استاد حسینی: شما این طرح را تا چه اندازه می توانید تکمیل کنید؟
آقای رضوی: یک چیزی که الان به ذهنمان رسید، این هست که، همان طور که حضرت عالی صبح هم فرمودید، بعدش ما مطالعه کردیم، دیدیم که این موضوعات را گفته «توسعه، کلان، خرد»؛ اما موقعی که برنامه به صورت نرم افزاری هست، باید معلوم شود که توسعه یعنی چه؟

استاد حسینی: یعنی چه موضوعاتی در...
آقای رضوی: چه موضوعاتی است؟
استاد حسینی: در چه رده هایی، موضوعاتی است که توسعه را تشکیل می دهد.
آقای رضوی: بله. این به نحو عام، یک نفری وارد اینترنت می شود، می گویند من می خواهم در سطح توسعه مناظره کنم. این خیلی عام است.

استاد حسینی: خب باید معلوم باشد که ده موضوع یا صد موضوع، این‌ها هم بحث‌هایی هستند،

آقای رضوی: این هر چند تا موضوع که [؟] هست.

استاد حسینی: که برای موضوعات توسعه هست.

آقای رضوی: موضوعات توسعه است.

استاد حسینی: توسعه سیاسی چه موضوعاتی دارد، توسعه فرهنگی چه موضوعاتی دارد، توسعه اقتصادی چه موضوعاتی دارد،

آقای رضوی: بله. همین که بلافاصله شما سه قید «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی»، وارد می‌کنید، در این نیامده.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی الان این‌جا گفتید توسعه، بعدش می‌خواهید تفصیلش بدهد، این مصورش باید «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» را هم نشان بدهد.

استاد حسینی: «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی»، مثلاً عرض می‌کنم، «فردی، اجتماعی، تکاملی»، این‌ها چیزهایی است که باید حتماً - به اصطلاح - در آن ذکر شود.

آقای رضوی: این یکی، موضوعات است، باید مشخص شود. یکی هم راجع به نحوه ورود و خروج به اینترنت. سه شکل تقریباً به نمایش گذاشته، گفته به این نحوه می‌توانید وارد شوید. اما موقعی که چیز را نشان می‌دهد، قسمت سخنگو و کارشناسی کمی و کیفی را، این شرایط و ضوابط و مدرک و نمی‌دانم چیز و این‌ها را هم مثل همان قضیه موضوعات، فرق نمی‌کند. انتخاب سطح و - خدمتان عرض کنم که - اینکه در گروه داوران قرار می‌گیرد، در چه قسمتی‌اش، الآن مثلاً در قسمت چیز گفته، قسمت طرف موافق و مخالف گفته سخنگو با استفاده از کارشناسی کمی و کیفی حرف می‌زند، این داوران هم باید همین طور باشند.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: الان به داورها اشاره نشده.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: چه کسی کارشناسی کمی و کیفی باید داشته باشد.

استاد حسینی: درست است. این‌ها را باید تکمیل کنید. روند - به اصطلاح -

مناظره هم باید دارای برنامه باشد، هم طبقه‌بندی باشد، هم برنامه باشد، هم بر کُلش روش تحقیق حاکم باشد.

آقای رضوی: بله. این هم یکی از سؤالهایی هست که اینجا خدمتتان عرض کردم.

سؤالهای بعدی هست؛

استاد حسینی: چشم! آیا می‌توان طبقه‌بندی موضوعات مناظره را از ضرب آثار،

قواعد، مبانی، در لوازم پرورشی، فرهنگی لوازم اجتماعی شروع نمود؟ این‌ها خوب

است. - به حضورتان که عرض کنم که - من نمی‌خواهم الان شما را مقید بکنم به

یک دسته‌بندی خاصی. این‌هایی را که نوشتید، خوب است. آیا اولویت بندی

موضوعات مناظره از ضرب سه منزلت، «رشد و گسترش و توسعه» در بخش «تولید،

توزیع، مصرف»، «تحقیق آموزش تبلیغ» به دست می‌آید؟ من عرض می‌کنم فعلاً به

صورت کلی، تقسیم کردن شما را امضاء می‌کنم.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خودتان هم توجیهاتش را بنویسید. علت‌تان چیست. برای این‌که

نمی‌خواهم یک بحث خاص طولانی شود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بنا هست یک طرحی فعلاً برده شود برای آقای زیبایی نژاد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: الان اگر یک طرحی بود که می‌خواست در مقیاس بین‌المللی کار

بکند، آن وقت آن حتماً یک چیز دیگری می‌گفتم. شما فعلاً...

آقای رضوی: پس،

استاد حسینی: از صفر بخواهید شروع کنید، ولی یک دورنمایی، یک چشم اندازی را به آنها بگویید.

آقای رضوی: پس این یک اصلاً نظام سؤالاتش در آن سطح است.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: اصلاً در سطح کار با آقای زیبایی و صرف نیست. این را، یعنی در واقع...

استاد حسینی: این را مذاکره می‌کنید با آقای زیبایی این را یا خیر؟

آقای رضوی: خیر، این نظام سؤالات را نه. یعنی در واقع این نظام سؤالات که به ما جواب داده بشود، این‌ها را به آقای زیبایی مذاکره نمی‌کنیم، سطح کار آنها نیست. و آنها هم ظاهراً نخواستند در صحبتی که با آقای حاج آقای محسنی داشتند، این سطح را نخواستند. علت این که من این سؤال‌ها را دادم، به خاطر این بود که احساس کردم می‌فرماید طرح جامع اگر بخواهید تهیه کنید، مورد نیازتان چی هست.

استاد حسینی: سؤال، می‌خواهیم گاهی آدم یک زمینه‌ای را درست می‌کند که طرف که سؤال ندارد، سؤال به ذهنش پیش بیاید؛ آیا ایشان بهتر نیست تحریک شود به این که خوب است یک طرح جامعی باشد؟ یعنی به هر حال ایشان با صدا و سیما هم کار می‌کنند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: با دفتر مدیریت حوزه هم کار می‌کنند.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: یک هجوم‌هایی را هم در جامعه می‌بیند دیگر.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: یعنی یک ضرورت‌هایی را حس می‌کند. آیا توجه به این که باید به صورت کلی برای پاسخش اقدام کند و یک سازمان داد ببندازد، اولاً زمینه‌ای نیست که چنین چیزی را به او القاء کرد؟

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: یا این که اصلاً القاء لازم نیست، شرایط برایش یک فشاری ایجاد کرده که خودش متوجه هست، ولی نمی‌داند باید چه کار بکند.

آقای رضوی: بله. الان چیزی که ما به عنوان ...

استاد حسینی: یعنی ارزیابی‌تان نسبت به طرفتان چیست؟ آیا این را یک کاری بدانند کنار کارهایش به عنوان یک کار جزئی یک جایی آمده‌اند یک عده زن، خانم هستند، یک کاری شروع کردند، حالا ما این‌ها را هم می‌پذیریم؟ یا این که این کار بعداً می‌شود کار محوری‌شان؟

آقای رضوی: درست است. آقای محسنی ببخشید! حاج آقای محسنی صحبتی که با آقای زیبایی داشتند با سؤالهایی که ایشان داشتند و آشنایی قبلی که حاج آقا با آقای زیبایی دارند، این را مختصراً بگویید.

استاد حسینی: جدیداً صحبتی داشتید؟

آقای رضوی: همان صحبتی که،

آقای محسنی: همان جلسه اولی را که داشتیم،

استاد حسینی: بله،

آقای محسنی: خوب عرض کردم خدمتتان، توضیح روی کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم با تفاوت شیوه‌های مرسوم می‌کند که هست در جامعه، اعم از این است که کاری تدریسی می‌شود، آموزشی می‌شود، کتاب و مقاله و روزنامه، و شیوه‌های متداول، این سطحش و تهییج و به انبعاثی که دارد را، تفاوت‌هایش را گفتیم با ایشان.

ایشان هم توجه داشت که متفاوت است با شیوه‌های مرسوم. یک سؤال‌هایی در ذهنش آمده بود. مهمترینش تقریباً این بود که از کجا ما...

استاد حسینی: اطمینان پیدا کند.

آقای محسنی: اطمینان پیدا کنیم به این که یک کسی فرضاً مدافع اسلام می‌خواهد باشد یا مدافع نظریه ولیّ فقیه می‌خواهد باشد، یا مدافع یه نظر حوزه می‌خواهد باشد، ما این را فرستادیم داخل میدان، با مخالفین دارد بحث می‌کند، ضریب اطمینان‌مان نسبت به صحت گفته‌های این چیست؟ که این هم خب، یک مقداری صحبت با او داشتیم. که این است که این‌طور نیست که هم ابتدا به ساکن یک فرد می‌رود در گود، با میدان بلند و عرض بشود بزرگی که حالا مخالفین صد در صد باشد، طبیعتاً یک اندوخته‌های اولیه است، یک تمریهای اولیه دارد، ...

استاد حسینی: ما حالا یک چیز دیگر می‌فرماییم،

آقای محسنی: بعد هم می‌روید در عمل. واقعاً مگر دشمن چطوری رفته، ...

استاد حسینی: یعنی ما،

آقای رضوی: برنده کسی است که در عمل برنده باشد.

استاد حسینی: یعنی اگر شما نظامی را که ساختید، نظامی باشد که بتواند خودش را بهینه بکند، آن وقتی که یک بار رفته در زمین فوتبال شکست خوردید، دیگر دیگر یک عده دیگر را پرورش می‌دهید که بروند و شکست نخورند.

آقای رضوی: یعنی خود شکست یک نحوه پیروزی است برای کار فردی.

استاد حسینی: یعنی شما آسیب‌پذیری خودتان را شناختید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تا که بدانیم که ما باید یک نفراتی را پرورش دهیم، یک چیزهایی را بدانیم، تحریک انگیزه کنیم، چگونه می‌شود تحریک انگیزه کرد؟ تا یک بستری، یک محیطی، یک فضایی برای مواجه شدن درست نکنید، به چه دلیل

انگیزه درست شود؟ یعنی ما می‌خواهیم در حقیقت مسأله طرفداری از دین را از حالت انزوا بیرون بکشیم، بیاوریمشان در صحنه عمل. خب، صحنه عمل، خودش شرایط - به اصطلاح - اختلاف پتانسیل، اختلاف سطح لازم را ایجاد می‌کند برای این که تحرک پیدا شود.

آقای رضوی: بله. یعنی در واقع حاج آقا، سطح سؤال و نوع سؤالی که می‌کنند، تقریباً نشان می‌دهد که در چه سطحی می‌خواهند الان همکاری داشته باشند. یعنی کانه سؤالی که ایشان می‌کند، آدم احساس می‌کند مثلاً اگر بخواهد تأیید شود موضوع، باید با ساختارها تطبیق پیدا کند. مثلاً، آقای جوادی آملی یا بزرگان دیگر مثل آقای مصباح، باید مثلاً این موضوعی را که شما طرح می‌کنید تأیید کنند.

استاد حسینی: خب، کسی نمی‌گوید که ما برویم میدانشان جواب بدهیم که! ما که نمی‌گوییم حرف‌های فرهنگستان جواب بدهد که.

آقای رضوی: یعنی کانه این‌ها قالب را می‌پذیرند؛ یعنی شما می‌فرمایید .. استاد حسینی: ما، ما اصلاً کاری نداریم که فرهنگستان، حرف فرهنگستان را بزنند، بروند حرف آقای مصباح را بزنند، بروند حرف آقای آملی را بزنند. حرف، یا برنده می‌شود یا بازنده،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اگر برنده شد، که نور علی نور.

آقای رضوی: ظاهراً ایشان،

استاد حسینی: اگر بازنده شد، آسیب‌پذیری‌مان را شناختیم.

آقای محسنی: ما پیشنهاد دهنده طرح هستیم. شیوه‌ی ما آنجا،

استاد حسینی: بله. یعنی ما پیشنهاد دهنده روش برخورد هستیم، در میدان دعوا

اگر ما آسیب‌پذیر هستیم، که خوب است خب روشن شود.

آقای رضوی: از همین چیز اشکال کردند؛ یعنی کانه ایشان قالب و روش را قبول

کردند. گفتند مفروض بر این که روشتان صحیح است، منتها منتجه‌اش؟! استاد حسینی: خب، محتوا را ما نمی‌دهیم! شما از اول کار بگوئید، بگوئید محتوا را بنا ندارد فرهنگستان بدهد! محتوا را چه کسی گفته فرهنگستان بدهد؟! محتوا همان که در حوزه هست و پذیرفته شده است، همان برود میدان. ما که نمی‌گوییم فقط آقا و خانم‌های فرهنگستانی بروند میدان که. آقای محسنی حاج‌آقا این سؤال روی همان افرادی که نماینده حوزه هم هست می‌آید.

استاد حسینی: بله

آقای رضوی: این جواب به شماست.

آقای محسنی: می‌گوئیم آن نماینده حوزه، از کجا معلوم که بتواند واقعاً مدافع قوی این چیز باشد؟

استاد حسینی: خب نتوانست؛ معلوم می‌شود که شما آن مطلبی را که دارید، یا می‌تواند جواب بدهد، یک کسی بلد است می‌آید شرکت می‌کند می‌آید برای داخل میدان.

آقای محسنی: خاستگاه این سؤال همان پرورش یافته حوزه هست دیگر؛ یعنی تلائم نظری را که اصل می‌گیرند،

استاد حسینی: خب، بسیار خب.

آقای محسنی: کارآمدی عینی، ...

استاد حسینی: اگر کسی تلائم نظری اصل است در آن، آن تلائم خب بیاید میدان، ما که نمی‌گوییم آنها نیابند میدان.

آقای محسنی: یعنی کار آمد باشد دیگر؟

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی در میدان باید تلائم نظری را تمام کند.

استاد حسینی: باید آن کسی که، کسی می گوید آقا براساس تلائم نظری، باید بیایم اثبات بکنیم. خب بیاید اثبات بکند، کسی که نمی گوید نیاید بکند.

آقای رضوی: یعنی شما خودتان روششان را به میدان می کشید؟

استاد حسینی: بله دیگر. ما می گوییم آقا این یک روش عینی اجرایی هست، برای اینکه هر کسی می تواند - به اصطلاح - برنده شود، بیاید برنده بشود. ما اصلاً رویش هیچ گونه سعی ای نداریم که حرف های فرهنگستان زده بشود.

آقای رضوی: بله. سؤالشان، سؤالشان ظاهراً همین معنی را می دهد که، خب از کجا معلوم که فرهنگستان می آید نظرش را در مناظره که طرح می کند، نظر اسلام باشد؟

استاد حسینی: ما، ما چه کار داریم نظر فرهنگستان را طرح کنیم؟ ما مناظره، یک شیوه ای هست، این شیوه را تجویز می کنیم، بدون حذف، با فرض فرهنگستان. برای چه چیزی درست می کنیم این را؟ برای تمرین کردن، قوی شدن، حضور جدی پیدا کردن، آسیب پذیری جامعه را تدریجاً به حداقل رساندن. شما اگر جواب ندهید، آنها که - مثلاً عرض می کنم - فمینیسم ها اگر مثلاً شیرین عبادی مقاله می نویسند که می نویسند، ترک که نمی کند که! شما می آورید میدان. اگر توانست - به اصطلاح - شاگردهای جناب آقای مصباح یا آقای آملی جواب بدهد، که نور علی نور است، کسی که حرفی ندارد که!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: حالا فرهنگستان آمد حرفی زد، مثلاً شما جواب نتوانستی بدهی، جناب عالی شاگرد آقای آملی یا آقای مصباح نتوانستی جواب بدهی، در جواب شکست خوردی، فرهنگستان پیروز شد، خب، خود فرهنگستان را بکش سینه بحث. قبول نکن که پیروزی اش دلیل بر حقانیتش است.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: مناظره با او بکن، عیبی ندارد که! مشت فرهنگستان خب باز می شود، خب باز بشود، آسیب پذیری اش روشن می شود دیگر!

آقای رضوی: بله. این آقای حاج آقای خاتمی، حجه الاسلام خاتمی. این ایشان همین این طرح را خیلی، منتها الآن کاملاً قرص هستند که می توانند جواب بدهند. در قانون مطبوعات درخواست کردند از وزارت کشور، که در روزنامه‌ها، تک تک روزنامه‌ها، هر کس هر مطلبی می خواهد بنویسد.

استاد حسینی: خب،

آقای رضوی: هر کسی هر نظری دارد بنویسد. منتها هر کس هم نظری دارد، بیاید در این قسمت مربوطه، جوابش هم داده بشود.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: جوابش را در روزنامه بدهد؛ در هر کدام نظر بیاید، جوابش هم بیاید.

استاد حسینی: در هر دوتایش؛ درست است.

آقای رضوی: یکی این که پشت سرهم نظرات مخالفین مطرح شود، هیچ کجا جواب داده نشود.

استاد حسینی: یک، یک جانبه غوغا سالاری نشود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: پیشنهاد آقای خاتمی؛ بعد احساس کردم اگر برای خود آقای خاتمی هم این گفته شود، خودش استقبال می کند از این طرح. داماد آقای سعیدی استاد حسینی: خیلی خوب است. من به نظرم می آید داماد آقای؛ به وسیله، به وسیله آقای بهداروند می توانید ارتباط با او بگیرید.

آقای رضوی: البته یک بار هم گفتند که ایشان مخالف است.

استاد حسینی: می‌دانم، باید مخالف باشد! این - به اصطلاح - بد نیست که مخالف باشد.

آقای رضوی: می‌گفت مخالف صد در صد هست.

استاد حسینی: بله. هیچ عیبی ندارد. ما را در حد لعنت کردن هم بداند، عیبی ندارد.

آقای محسنی: نعوذ بالله!

آقای رضوی: می‌گفت شما چرا می‌روید فرهنگستان؟

استاد حسینی: خب بگویید این طرح فعلاً این جا به هر حال این کشور که طرح از یهودی و نصرانی دارد می‌گیرد، این هم یک طرحی است از ایشان.
آقای رضوی: مصیبت است.

استاد حسینی: نه دیگر، بد هم نیست. آنها هم حساسیتشان روی دینشان هست، خوب است.

آقای رضوی: به نه مصیبت این است که از یهود و نصرانی طرح می‌گیرند، اما از خودی طرح نمی‌گیرند!

استاد حسینی: خب، این را ببرند بینیم چه می‌شود.

آقای رضوی: این، حالا اگر این طور هست، حاج آقا این با خود آقای زیبایی که خدمتشان می‌رسیم، طرح را خلاصه این طرحی که تهیه شده، خدمتشان بدهیم، بعد بگوییم قابل توسعه هست،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: قابل پیش رفت هست،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: هر چه بیشتر کار کنند، خودتان می‌توانید روی این طرح کار کنید، مجموعه‌ای که ان شاء الله در آینده اصل کار این است که گسترش بدهند ...

استاد حسینی: بگویید باباجان! این یک روش برای - به اصطلاح - گسترش علمی هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: چگونه مدیریت کنیم حرفهایی را که در جامعه می‌زنند. آقای رضوی: این قابل گسترش هست. یک موقع حالا این سطح ساده‌اش را در قالب یک مقدمه، یک «ضرورت، موضوع، هدف»، و ابزاری که در مناظره به کار گرفته می‌شود، شکل مناظره و نتایجی که مناظره دارد، در واقع همان هدف، این عنوان شده، این جا، توضیحاتی داده شده. حالا اگر می‌خواهید مطالعه کنید یا؟ اینک؟

استاد حسینی: نه [؟]

آقای رضوی: همین خوب هست؟

استاد حسینی: بله. بفرمایید حاج آقا.

آقای رضوی: آن سؤالها را ما برای طرح مطلوب داده بودیم.

استاد حسینی: حالا این طرح مطلوب را هم تدریجاً رویش کار بکنید خوب است، ولیکن نخواهید یک جلسه و تشکیلاتی، نیاورید که از یک زاویه دیگر شروع بشود.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: یعنی شما اگر مثلاً می‌گوییم، یک کسی بخواهد واقعاً کار بکند برای ایجاد مثلاً مناظره در یک چنین افق بین‌المللی مثلاً، یا مثلاً، خب طبیعی است که این وقت لازم خودش را می‌برد؛ یعنی طبقه‌بندی موضوعاتش را کردن، برنامه ریزی‌اش را درست کردن، آن می‌شود یک کاری که رویش هر هفته مثلاً یک جلسه بحث باشد، پیاده بشود، درست بشود، تنظیم بشود، مثل کارهای دیگری که در دفتر هست.

آقای رضوی: بله، یک کار اصلی می‌شود.

استاد حسینی: یک کار اصلی می‌شود. نه این که رفتن و مذاکره کردن با آقای نجابت باشد. اگر یک کمی بخواهید این‌ها را تکمیل بکنید، یعنی یک علائمی برای برنامه، یک علائمی برای طبقه‌بندی موضوعات، این‌ها را بکشید خوب است؛ ولیکن خیلی زیاد نباید به گونه‌ای باشد که چندین جلسه ببرد از ما. همین یک جلسه‌ای که الان خدمتتان هستیم.

آقای رضوی: بله. متوجه شدیم.

استاد حسینی: حتماً این سؤال هفته‌ای هم که دارید که باید مثلاً متناسب با موضوع مناظره و مخاطبین طرح با قید خاص درست بشود، چرا، طبقه‌بندی‌ای که می‌شود، گفته می‌شود در محلات، سطح مناظره‌ای که دارند، در موضوعات خرد است، رده‌اش هم این رده‌ها می‌تواند باشد. در مثلاً از محلات که می‌آئیم بالاتر، در مراکز استان،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: عین این است که شما یک فوتبالی دارید در محلات،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک فوتبالی هم دارید برای داخل استان.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: یک فوتبالی هم دارید مثلاً برای کشورتان با بیرون.

آقای رضوی: درست است. یک چیز دیگری هم که مورد نظر بود، این بود که الان هر مجموعه‌ای، مثلاً مجموعه آقای زیبایی یک ضرورت‌هایی برای خودشان الان تشخیص می‌دهند. طبق آن ضرورت‌ها دارند کار می‌کنند. اگر ما این روشمان را،

استاد حسینی: انعطاف پذیریشان را ببرید در اولویت‌ها. شما در چه موضوعاتی...

آقای رضوی: در اولویت های خودشان؟

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی بگوئیم که این روش موضوع شما، قابل پیاده شدن هست.

استاد حسینی: یعنی می توانید ...

آقای رضوی: یعنی در واقع طرحمان را، مثلاً الان این ها سازمان شان مثلاً مرکز.

استاد حسینی: نه. این که این طرح انعطاف پذیر است نسبت به سفارشات

مختلف، این به آنها تفهیم بشود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این طرح، یک طرحی است، یک روشی است که می توانید شما

ببرید در اولویت های خودتان، به هر حال نیرو باید پرورش بدهید. پرورش فقط از

طریق کار ذهنی تنها، مطالعاتی نیست؛ از طریق رساندن به موضع گیری در عمل

است.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: این کار را برای شما انجام می دهد.

آقای رضوی: منتها در خود طرح هم ما این قید را آوردیم. مثلاً طرح مناظره

سازمانی می فرمائید که عام هست.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: نسبت به همه موضوعات انعطاف دارد. ولی چون که این ها

مرکز شان زنان هستند. آن کسانی هم که می خواهند بروند آن کار را انجام بدهند،

خانم ها هستند، در خود این طرح مسأله توانمندی زنان و،

استاد حسینی: بله دیگر،

آقای رضوی: این که چه ضرورت هایی نسبت به مسائل زنان هست، این در طرح،

طرح شده که متناسب با خود این مرکز باشد.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: اگر یک مرکزی مثلاً مرکز سیاسی باشد، می‌شود طرح را با قید موضوعات سیاسی برایش بگذاریم.

استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: بگوییم مناظره سازمانی روی یک موضوعات سیاسی مثلاً.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی برای یک روزنامه مثلاً بشود این کار را کرد، یا برای یک مؤسسه سیاسی، کار سیاسی بکنیم.

استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: حالا اینجا گفتند که طرح، لذا اسمش را گذاشتند طرح مناظره سازمانی زنان.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: که به درد این مجموعه بخورند. پس دیگر مشکلی ندارد؟

استاد حسینی: به یاری خدا!

آقای رضوی: اما حاج آقا نسبت به تمرین خواهران که روی لغت و اصطلاح، دستور زبان منطق انجام گرفت، دیگر عملاً تمرینی ندارند. تمرینشان را بعد از پایان یافتن منطق، تبدیل کردند به مباحثه؛ یعنی مباحثه می‌کنند که جلسه بعد، یا در جلسه بعد مناظره بشود. ولی

استاد حسینی: من به نظرم می‌آید این انعطاف را بپذیرید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن چیزی را که آنها ضروری می‌دانند، ضروری قرار بدهید.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: یعنی سعی بکنید که همراه آنها حرکت کنید.

آقای رضوی: بله. ما هم دیدیم که منطق که تمام شد، خودشان با رأی خودشان به این نتیجه رسیدند که مباحثه داشته باشند.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: ما آن چیزی، سؤالی که از ما دارند، می‌گویند که شما چه پیشنهادی برای ابزار؟ پیشنهاد لغت، به اصطلاح، دستور زبان منطق را شما پیشنهاد دادید، اما نسبت به بعدش شما چه ضروری می‌دانید؟

استاد حسینی: بسیار خب، حالا می‌خواهند مباحثه کنند روی موضوعاتی که در جامعه هست، ما الان ابتدائاً موضوع ولایت فقیه را قرار دادیم.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: در همین هم چند جلسه صحبت کردند، همین را یک خرده‌ای بیشتر تمرین بکنند؛ یعنی زود از این مطلب بیرون نروند.

آقای رضوی: صحیح. یعنی مباحثه به عنوان یک،

استاد حسینی: ما همان...

آقای رضوی: به عنوان یکی از ابزارها هست.

استاد حسینی: بله. بله.

آقای رضوی: ابزار، ابزاری هست که با آن می‌توانند حضور بهتری در مناظره داشته باشند.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: اما آن معانی بیان و فنون دیگر را...

استاد حسینی: این‌ها را، این‌ها را کلاً بگذاریم هر وقت خودشان احساس کردند که کم دارند، فهمیدند که در این مناظره که وارد شدند، طرفشان با یک، استفاده از یک شگردهایی توانست برنده شود که از دست این‌ها در بُرد، استدلال هم نداشت، آن وقت می‌روند معانی و بیان لازم‌ش را ببینند.

آقای رضوی: معانی بیان، یا فلسفه، یا منطق، ...
 استاد حسینی: اصلاً، اصلاً هیچ کدام از این حرف‌ها را ما به آنها به عنوان یک چیزی که می‌خواهیم دیکته کنیم، به هیچ وجه نیست.
 آقای رضوی: آن حالت هم برایشان به وجود نمی‌آید الا اینکه واقعی، استاد حسینی: در عمل، در...
 آقای رضوی: در صحنه واقعی قرار بگیرند.
 استاد حسینی: در عمل، صحنه هستند.
 آقای رضوی: یعنی مخالفین واقعی مقابلشان باشند، و الا در جمع خودشان خیلی احساس نمی‌کنند چه کمبودی دارد برای مناظره.
 استاد حسینی: بله!

آقای رضوی: خب سؤال بعدی هم قاعدتاً دیگر جواب داده می‌شود که ...
 استاد حسینی: ببینید، مهم‌ترین؛ من یک نکته‌ای را عرض کنم! این در بحث، طرفی که بحث می‌کند، می‌خواهد مطلب خودش را مظلوم جلوه بدهد؛ یعنی معانی بیان، مطلبش را ها! نه شخص خودش را. خودش را مستدل، مطلبش را مظلوم. طرف مقابلش، می‌خواهد یک آدم زورگو، مطلبش را هم یک مطلب کم محتوا و فریبنده‌ی - به اصطلاح - بی خاصیت، این معنی کار معانی بیانی است. او می‌خواهد،

آقای رضوی: در یک سطحی‌اش این ...
 استاد حسینی: او می‌خواهد یک مثال بزند، در یک مثال، یک مرتبه روحیه جمع عوض بشود. یک پاسخ بدهد، در همان پاسخش، حین گفتنش قضیه را عوض کند. این‌ها الان آن سطح را شاید هم لازم هم اصلاً نداشته باشند، این‌ها باید بروند جلو، تدریجاً می‌رسند به آنجا که می‌بینند که برابر حریف‌های مختلف چگونه باید برخورد کرد..

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی مثل، منطق عملاً قواعد معانی بیان را به کار می گیرند، اما نمی دانند قاعده اش چیست، نمی دانند چیست و چه وقت به کار بگیرند.

استاد حسینی: بله، احسنت! بله، احسنت!

آقای رضوی: و الا؟ یعنی انسان نمی شود بدون استفاده از معانی بیان عمل کند.

استاد حسینی: همین طور است، همین طور است.

آقای رضوی: یعنی قواعدش را بفرماید.

استاد حسینی: به عبارت دیگر، شما...

آقای رضوی: یا مثلاً با درخواست شان ما چیز داشته باشیم خدمت شان.

استاد حسینی: بله، احسنت! به عبارت دیگر، یک ذره شما بیش از آن چیزی را که آنها مشتاقانه دنبالش حرکت می کنند و بروز اشتیاق شان هم در عمل است نه در لفظ، برایشان محیط - به اصطلاح - فشار درست نکنید. به هیچ عنوان، نه در رو درباستی دیر آمدن، نه - به اصطلاح - مسئولیت شرعی درست کردن، ابداً! این را باید بیابند، نه این که شما بگویید مسئول هستید شرعاً.

آقای رضوی: حالا این یک مطلب هست حاج آقا از ناحیه آنها، که باید بیابند. اما این که ما چه کاری می توانیم بکنیم؟ یعنی در عین این که حمل به فشار نشود! یعنی در واقع ما نه فشار بیاوریم، یا زور بگوییم، در عین حال هم بتوانیم تحریکشان کنیم. مثلاً تحریکاتی که تا به حال داشتیم مثلاً، [؟]

استاد حسینی: خب همین با شرایط محیطی را که عوض می کنید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خودش خوب است؛ یعنی این ها را هم یک مقدار، به عبارت

دیگر، شما چندتا کار تا حالا کردید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: متناسب با این که این ها را برایشان ایجاد انگیزه کنید. اول خود این که مناظره را قبل از این که یک دور بگذرانند، شروع کردید.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این خودش را یک تکانی داد. بعدش همین که دیدید در مناظره هم سُست شدند، جای شان را عوض کردید. بعد حالا می خواهید ببریدشان بیرون. این ها کارهایی است که شما دارید می کنید برای ایجاد تحریک.

آقای رضوی: منظورم این است که این ها، اینها از طرف ما انجام می گیرد.
استاد حسینی: بله. خب این ها هر چه بروند داخل میدان، جدی تر می شود کارشان. نواقصشان را بیشتر می فهمند، بعد بهتر کار می کنند. البته یک نکته دیگر هست و آن این است که شما یک کلاس آموزشی هم دارید برای محتوا یا خیر؟
آقای محسنی: بعضی از خواهر ها هم هستند در آموزش ده نفری، در واحد دو هستند چهار نفری هم در واحد یک. که در جمع این ها، تقریباً هفت، هشت نفر از خواهرهای آموزشی هستند.

استاد حسینی: آموزش امسال دارند یا خیر کلاً؟

آقای محسنی: برای سال جدید؟

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: ادامه اش که داریم، اگر، ولی پذیرش جدید نداریم. چون قرار

بود...

استاد حسینی: چه چیزهایی را، چه چیزهایی را خواندند مثلاً؟

آقای محسنی: سال اول یک مقدار معارفه و معرفی بروشور دفتر بوده، بررسی کارهایی که دفتر انجام داده، حکومت جهانی را خواندند، فقه سنتی و نظام سازی، موضوع شناسی و اسلامی شدن دانشگاه.

آقای رضوی: جهت داری علوم.

آقای محسنی: جهت داری علوم، همان موضوع شناسی هست.

استاد حسینی: برای سال دوم می خواهند چه چیزی بخوانند؟

آقای محسنی: طبق آن برنامه هایی که، ...

استاد حسینی: قبلاً داشتیم،

آقای محسنی: قبل داشتیم، سیر این که بحث هایی نظری را کار می کردند، اصول روش تنظیم می شود. اما آن تأملی که هست که کاربردی اش کنیم و موضوع خاص باشد برای خواهرها یا برادرها، باید به جهت استعدادی که دارند و دسته بندی هایی که برای هر کارش می شود داشته باشد، موضوع را استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: متفاوت کنیم. مثلاً فرض بفرمایید بحث ولایت فقیه را داشته باشند موضوعی، در ارتباط کار خودشان آن وقت هم نه فقط کتاب آقای پیروزمند، چندین بحث دیگر هم که هست؛ ولایت فقیه هست که گفته شده در آن اصالت تعلق قبلاً فرموده بودید، یا بحث های دیگر که می گویم این ها را باید بعد بررسی شود.

استاد حسینی: انشاءالله.

آقای محسنی: یک سؤال هم برای بنده پیش آمد این است که این پیش نویس های کلیات طرح شبکه گفتگو، همان مناظره هست در اینترنت. استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: یعنی این طور نیست که

استاد حسینی: یعنی مناظره را باید شما در روزنامه ببرید، در جلسه عادی ببرید، در اینترنت ببرید، باید در

آقای محسنی: یعنی محمل مناظره می تواند متفاوت باشد. می تواند این میز و

صندلی و جلسات حضوری باشد، می‌تواند روزنامه باشد.

استاد حسینی: غیر حضوری از طریق اینترنت باشد،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: یا از طریق روزنامه باشد.

آقای محسنی: الان موضوعی که برای خواهران هست، همان حضوری هست برای این کاری که الان در پیش دارند.

استاد حسینی: خب، این الان حضوری را هم نشان می‌دهد؟

آقای رضوی: بله.

آقای محسنی: بله، درست است. حالا این که عرض می‌کنم که خواهران منظورم این است که، الان ذهنشان مشغول نشود به این که حالا ما برویم در کار اینترنت...

استاد حسینی: اینترنت، نه بابا، نه! نه، بابا! این...

آقای محسنی: برویم در همان کار حضوری الان.

استاد حسینی: بله. یعنی به عبارت دیگر، بهتر هست که حضوری در مثلاً محلات مختلف باشد،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: در سطوح مختلف باشد، هماهنگ سازی موضوعات و این‌هاش به وسیله اینترنت بشود. در خود اینترنت هم البته می‌تواند وقوع پیدا کند.

آقای محسنی: بله، درست است.

استاد حسینی: مثل، مثل بازی فوتبال که شما می‌توانید داشته باشید در عینیت، در جاهای خاصی می‌توانید مرتباً تحلیلش را هم ببرید در صدا و سیما و در مثلاً اینترنت و این‌ها. نهایت این می‌تواند چون این موضوع همین موضوع فرهنگی است، خودش هم می‌تواند در اینترنت بیاید.

آقای محسنی: این درست است. حالا محلی، کشوری و بین‌المللی می‌تواند

حضور می‌تواند هم صدا و سیمایی باشد، می‌تواند هم روزنامه‌ای باشد. ما این درجه‌بندی را الان فعلاً می‌گذاریم محملین و حضوری. و و که بتواند از محله و از یک شهر و استان و به کشور هم برسد.

استاد حسینی: خب، نهایت این است که طرفتان تا وضعیت فکری و روحی‌اش، همتش چقدر باشد. ممکن است ایشان بگویند که حضوری ما پرورش می‌دهیم، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: بعد از حضوری، زمینه درست می‌کنیم برای اینکه واقعاً اگر راست می‌گویند، بیایند در اینترنت و در سطح - مثلاً می‌گوییم - فرض کنید این‌جا، جا دارد که در مثلاً با دستگاه خواهران، مرکز مطالعات خواهران، قطعاً می‌تواند ارتباط بگیرد به اینترنت نور، امکانات آنها هست. این مناظره‌های حضوری‌ای که درست می‌کند، تدریجاً نفر درست کند بگوید آقا حرف بزن برابر ایشان، ایشان برای پانچ می‌کند یا ترجمه می‌کند یا می‌فرستد این طرف و آن طرف. یعنی لزوماً این طوری نیست که لازم باشد خود خواهرها بروند در اینترنت یاد بگیرند و با زبان انگلیسی حرف بزنند.

آقای محسنی: بله. آن وقت یک سؤال هم این طرف دارم خدمتتان. و آن این‌که، آیا ترتب زمانی و یا رتبی، بین این‌ها هم قائل می‌شوید؟ یا این‌که خیر، فرض کنید اگر خواهران، اگر واقعاً قوی شدند، نیازی نیست که حتماً بروند روزنامه را کار کنند، مقالات کار کنند یا در صدا و سیما بیایند؟ فرض کنید الان دیدند با اینترنت بهتر مطلبشان را می‌توانند ارائه کنند، دیگر در یک حد حضوری خودشان را برسانند به اینترنت و بعد کارشان را انجام بدهند؟

استاد حسینی: یعنی شما باید آقای زیبایی‌نژاد برایشان شرایط را مهیاء بکند اگر

پسندید،

آقای محسنی: ایشان همین کار را دارند می‌کنند؛ در برنامه خودشان،

استاد حسینی: که بروند در اینترنت [؟]

آقای محسنی: اتصال به اینترنت در برنامه‌شان هست.

استاد حسینی: بله. بروند - به حضورتان که عرض کنم - در آن قسمت؛ یعنی برای خواهرها این طوری نیست که ما بگوییم حتماً محدود باشند که بنشینند با خانم کدیور حرف بزنند.

آقای محسنی: بله.

آقای رضوی: منتها از این طرفش می‌گوییم ما محدود باشیم، حاج آقا. استاد حسینی: حضور فرهنگستان محدود هست. فرهنگستان روش را به آنها می‌دهد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نه بیشتر.

آقای رضوی: بله، یعنی فرهنگی‌ای که بخواهد کار موازی بکند یا مجموعه دیگری را فراهم بکند یا چیز، نه، ندارد. این این طرح هم غیر از این که مثلاً باید بهینه بشود،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: جدا از بهینه شدنش و معایبی که دارد باید بر طرف بشود، غیر از این، برای این سطح از طرح، خیلی هم مناسب هست، می‌شود، همین که مصور بودنش،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: هست می‌شود برای این طرح استفاده کرد.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی از محاسن بسیار زیادی که دارد، از جمله مصور بودنش، برای این استفاده کرد، و از جمله ادبیاتش. ادبیاتش خیلی اثباتی است. و می‌گوید این

کار خیلی خوب و عالی است، این می‌شود، این طوری هست و...
استاد حسینی: یعنی با تردید حرف نمی‌زند.
آقای رضوی: نه، خیلی قرص و محکم گفته.
آقای محسنی: ادبیات لیت و لعلی حرف نمی‌زند.
آقای رضوی: این که بهینه شود و فلان شود و، یک چنین چیزهایی خیلی قرص و
محکم گفته این [...]...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۵
کد جلسه: ۳۴۰۳	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۵/۲۷
کد صوت: ۴۷۷۳	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱): <	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی: <	خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۲): <	علیرضا شریعتی
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	علیرضا شریعتی
صفحه آرایی: <	علیرضا شریعتی

جلسه پانزدهم

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم. برای راه اندازی مناظره در دفتر مطالعات زنان، آقای زیبایی فرمودند که یک نوشته‌ای، طرحی بیاورید که البته ما با تأخیر این طرح را آماده کردیم، و خدمتشان بردیم و گفتند باید مطالعه کنیم تا با دوستان دیگر نظر بدهیم. تا اینکه سه، چهار روز بعد آقای محسنی تماس گرفتند و نظر از ایشان خواستند، گفتند علاوه بر بنده دوستانمان نیز باید نظر بدهند که آن‌ها هم قریب به سه هفته مسافرت هستند. که ما باید برای نتیجه‌گیری سه هفته صبر کنیم. نظر حاج آقای محسنی و نظر من این بود که برای جای دیگر پی‌گیری کنیم.

حجه الاسلام والمسلمین حسینی: یعنی اقدام همزمان در محورهای موازی. (س) بله. ممکن است اینها سه هفته‌ی دیگر نظر مساعد بدهند و یا موافقت نکنند. بعد آقای محسنی مراکزی بدهنشان رسید مثل دفتر تبلیغات، دانشگاه، بسیج یا انجمن اسلامی دانشگاه، تشکل‌های دانشجویی، و دفتر طلاب شیرازی که شما فرموده بودید. (ج) آن می‌شود غیر دولتی.

س) بله غیر دولتی است. اما گزارش راجع به جلسات خواهران: خواهران بعد از آن که ما شدت نشان دادیم و گفتیم برنامه‌هایتان باید این تغییرات را داشته باشد، تصمیم گرفتند نوارهای بحث ولایت فقیه جناب آقای میرباقری را گوش بکنند که ۱۸ جلسه بود و بخش حکومت دینی که خلاصه‌هایش را، نیک منش در آورده‌اند. و کتابش بنام «حکومت دینی» در آمده و مباحثه کنند و بعد از هر مباحثه، مناظره داشته باشند روی آن جلساتی که مباحثه کرده‌اند و جلسات آن‌ها هم از دو جلسه در هفته به سه جلسه ارتقاء دادند. شنبه و چهارشنبه مباحثه، و دوشنبه مناظره. مناظره‌ها را در فرهنگستان انجام می‌دهند و مباحثاتشان را در نمازخانه مفید. تقریباً یک جلسه یا دو جلسه که نوار گوش می‌دهند بصورت «جمعی» یک مباحثاتی دارند و بعد هم مناظره را برگزار می‌کنند. تقریباً مناظره‌هایشان هم ارتقاء پیدا کرده است. منتهی شاید یک مقدار شکلش از حالت مناظره خارج شده باشد، و به این خاطر است که مدیری که بعنوان هیئت مدیره حاضر است، بحث را برای طرفین داغ می‌کند و یک سؤال‌هایی را مطرح می‌کند توضیحاتی را اضافه می‌کند تا آن‌ها به تحرک بیشتری وا داشته بشوند و بحث مناظره داغ بشود.

ج) یعنی در حقیقت تأیید برای طرفین. می‌گوید:

س) یا تأیید یا مثلاً سؤالی مطرح می‌کند که زبانشان باز بشود. احتمالاً این طور باشد. یک ارزیابی خود خواهران نسبت به جلسه مناظره داشتند و یک ارزیابی هم خودم داشته‌ام. خواهران نظرشان اینست که کیفیت مناظره، یک مقدار ارتقاء پیدا کرده اما نسبت به وظائف هیئاتی که هستند (هیئت علمی، هیئت مدیره) یک مقدار مفصل‌تر وظائفشان چیست؟ چه کمکی می‌توانند بکنند به ارتقاء کیفی مناظره؟ و همین طور در وظایفی که طرفین مناظره دارند مثل ورود و خروجش و کیفیتش و نوع طرح بحث اشکال دارند.

ج) یعنی به عبارت دیگر تحلیل هیئت علمی، باید مهمترین مطلبی باشد که نقطه

ضعف‌های طرفین را درست نشان بدهد و امتیازبندی بشود. بگویند با چند امتیاز به هر کدام از طرفین صحبت کرد.

س) اینکه خصوصیات اجرائیش مشخص شود برای خواهران جای سؤال بود. بعد ارزیابی که بنده داشتم اینکه خواهران بدانند اینکه بیشتر تلاششان روی دستیابی به اطلاعات «کمی» است. یعنی بحث آقای میرباقری و بحث‌های دیگر را گوش کنند. یا کتاب آقای پیروزمند را بخوانند. ولی اینکه این قاعده را داشته باشند که بتوانند از یک نمونه و یک موضوع استفاده کنند و پیرامونش، گمانه‌های مختلف بزنند تا بعد بتوانند یک گزینش و پردازش خوبی داشته باشند.

ج) زود است، اینها یک خورده باید جلو بروند معنای نمره و تشویق و توبیخی که برای شخص خودشان هست را بفهمند. بعد یک خورده رشد پیدا می‌کنند، تشویق و توبیخ نسبت به مطلب، یعنی دیگر برای شخص نیست برای اعتقاد شخص است، آنوقت روی اعتقاد شخص باید هویت بالاتر از هویت شخصی، طرح بشود. هویت آرمان و مکتب، طرح بشود. آن وقت باید مثلاً برسد به آنجا تا آدم انتظار داشته باشد که «هوشمندی» بکار بگیرد.

س) مطلب دیگر اینکه واقعاً بدانند اخلاف استدلال‌هایی که بکار می‌برند همان جور که حضرت عالی فرمودید، اختلاف استدلال‌ها به قضایا بر می‌گردد. اختلاف قضایا به.

ج) مواد

س) موضوع و محمول و موضوع و محمول به تعریف آن بر می‌گردد، تعریف به احتمالاتی که می‌دهند.

ج) اینها هنوز زود است.

س) ولی نهایتش باید منجر به این بشود که بدانند تمام اختلافات بر می‌گردد به نظام احتمالات. که آن باز براساس نظام ولایتی است، که اختلاف در احتمال پیدا

می‌کند. یعنی تکامل یافته مناظره این است که این تسلط را داشته باشند و از فن معانی و بیان به نحو احسن استفاده کنند که طرف ...

(ج) احسنت. یعنی ضرورت دقت‌های منطقی و بالاتر (بسترهای گمانه) یعنی از معانی و بیان تا منطق و بسترهای گمانه، هنوز نمی‌شود انتظار داشت.

(س) یعنی اینکه بتوانند از معانی و بیان بگونه‌ایی استفاده کنند که بستر گمانه را برای مخاطب فراهم کنند. که همان ...

(ج) یک نکته‌ایی را در نظر داشته باشید که چقدر درس خوانده‌اند؟ حالا مثلاً خانم صدوق و خانم نجابت یک مقدار این مطالب را خوانده‌اند، یعنی تمرین ذهنی روی آن دارند. ولی اکثر جلساتشان چگونه و چه اندازه آشنا هستند؟

(س) اکثر جلسه، ظاهراً اشرافی به بحث‌های دفتر ندارند.

(ج) به بحث‌های بیرون، چقدر اشراف دارند. (اشراف جدی؟)

(س) بعضی از خواهران لیسانس دارند. مثلاً لیسانس علوم سیاسی یا...

(ج) کسی که لیسانس علوم سیاسی دارد، در عین حال به معنای کسی که در بحث ولایت فقیه کار کرده باشد، نیست.

(س) بله؛ کما اینکه بیرون هم بحث علوم سیاسی، خیلی بحث جدی نیست. کسی که تا لیسانس علوم سیاسی می‌خواند، زیاد اشراف به بحث ولایت فقیه ندارد.

(ج) یا ضدش. حتی ضدش را هم، کسی که اشراف قوی [داشته باشد] و از نظر فلسفی؛ تئوری دموکراسی! زیر و زبر کند، کسی را ندارید.

(س) بله؛ آنهایی هستند که حداقل، کارشناسی ارشد را خوانده باشند و مطالعات هم داشته باشند و موضوع فکرشان هم باشد.

(ج) حالا ببینیم شما درسی هم برای خواهران بنا دارید بگذارید؟

(س) ما آخرین جلسه‌ایی که خدمتتان بودیم، فرمودید که بگذاریم خود خواهران احساس نیاز بکنند و اعلام آمادگی بکنند. در عین حال اگر هم بفرمائید که باز باید

تحرك‌های بیشتری ایجاد بکنیم، در خدمتشان هستیم ولی الان با توجه به اینکه گزارش که از خواهران گرفتیم، خود خواهران در بعضی از جاهای بحث نظام ولایت فقیه آقای میرباقری که نوار آنرا گوش می‌کنند و مباحثه می‌کنند و بعد هم مناظره می‌کنند احساس می‌کنند یک سری سؤالاتی دارند که مثلاً اینجای بحث کامل گفته نشده و یا باید گفته شود. احساس می‌کنند اگر بخواهند در مقابل مخالفین، مناظره داشته باشند باید این بحث یک مقدار.

ج) عمیق‌تر

س) عمیق‌تر بشود. یا یکسری سؤالاتی که به آن پرداخته نشده، پرداخته شود. لذا پیشنهاد خودشان این بوده که ظاهراً نظام سؤالاتی تهیه کنند و آن نظام سؤالات را خدمت آقای میرباقری ببرند و از محضرشان استفاده کنند. چون ۱۸ جلسه صحبت‌های ایشان بصورت خطیب [سخنرانی] بوده حال آنکه مخاطبشان اشکالات را وارد نکرده‌اند. یعنی گروهی خدمتشان نبوده‌اند که نظام سؤالاتی را از مخالفین بیاورند. در عین حال خواهران در مناظراتی با مخالفین دارند، احساس می‌کنند یک مقدار باید بیشتر بدانند. اما اینکه ما جلسه بگیریم، می‌توانیم داشته باشیم.

ج) چند رقم جلسه می‌توانید داشته باشید. یکی، جلسه‌ای که هم سطح‌سازی اعضا جلسه باشد. یعنی مثلاً خانم صدوق، خانم نجابت یا دیگران که بلدند مثل خانم یقظین، یک درس‌هایی از مباحث فرهنگستان داشته باشند، لزوماً هم این نیست که حتماً یک کلاس واحد داشته باشند و هر کدامشان دو الی سه تا را به عهده بگیرند، که با هم سازگاری می‌دادند و وقتشان با هم می‌سازد، برایشان درس بدهند. تدریجاً شروع بکنند به درس خصوصی دو الی سه نفره زیرا بهتر از کلاس است حداکثر ۳ نفر و حداقل ۲ نفر باشد، به عبارت دیگر طرف را بار بیاورند [ورزیده کنند] مُصر بشوند نسبت به اینکه این مطلب را این دو فهمیدند یا نفهمیدند؟ به اصطلاح، معلم خصوصی بشوند. نه معلم برای کلاس.

س) تضمینی باشد.

ج) احسنت. یعنی کلاً دنبال این باشند که می‌خواهیم افراد را برای مناظره تربیت کنیم، نه متوسط مطلب را آشنا شدن. برای مناظره باید افراد درس داده بشوند، از آنها تقریرات خواسته شود، یعنی اول کار هم باید متناسب با وضعیتی که دارند بر ایشان، ایجاد اشتیاق بشود. باید روی آنها کار بشود تا اینها «بار» بیایند [ورزیده شوند]. فرضاً اگر در یک دوره‌ای قرار می‌دهند که بحث از اول مبادی بحث فرهنگستان (اجتهاد، موضوع شناسی، اصالت ربط، اصالت تعلق، فاعلیت و ولایت) برایشان گفته می‌شود، عمیقاً سعی شود که در مباحثه و تقریرات نوشتن، خلاصه نوشتن و فهرست نوشتن، قوی بار بیایند. من این مطلبی را که عرض می‌کنم از کلاس‌های آموزشی هر روزی حضوری، بالاتر است. چه برسد به اینکه کسی حسابش بکند به بحث‌های غیر حضوری و بحث‌هایی که نسبت به آشنایی به کلیات است. هرگز به عنوان آشنایی به کلیات بحث، اکتفا نشود. بنا هست که اینها ساخته بشوند برای میدان داری و دعوای فکری. این مطلب را اگر انجام بگیرد یک کار خوب می‌دانم. باید تمام اعضای مناظره‌مان، افراد مشرف بر مطلب باشند. افراد ضعیف نباشند.

س) مشرف بر مطلب، یعنی مبادی و مبانی دفتر را خوب بدانند.

ج) تا مقاصدش. یعنی تا جدول‌های مثلاً جدول نویسی و روش تحقیق، را خوب بدانند. مبادی، مبانی و مقاصد را خوب بدانند. خوب بدانند یعنی یک وقتی است که مطالب را حفظ کرده‌اند، یک وقتی است که به گوششان خورده برای نمره گرفتن در نتیجه یک خورده هم حفظ کرده‌اند. یک وقتی است که اصلاً صحبت از [اینکه طرف] متوسط مطلب را بلد بود و نمره‌اش ۱۷ شد، نیست. این اصلاً بدرد نمی‌خورد. آنهایی را که بلد نبود، باید بلد بشود و از این جلسه برود بالاتر. یعنی آن نمره باید حتماً بشود از هر درس ۲۰ و بگذرد. به عبارت دیگر یک زنجیر مقدار مقاومتش، تابع

شکنده ترین حلقه اش است، محکمترین حلقه اش. در مناظره، احتمال اینکه شکنده ترین حلقه، منشاء تردید در ذهنش بشود، بدون اینکه طرف اسمش را آورده باشد، یعنی خودش که بخواهد بچرخد داخل مطالب و مطلب بیاورد، در دست یابی به آن دچار تردید بشود.

س) بله، به آن مطلب که می‌رسد، دورش می‌زند و سراغش نمی‌رود.
ج) احسنت. سراغش نمی‌رود معنایش اینست که آسیب پذیر است و اگر طرفش زرنک باشد باید زود بفهمد.

س) معمولاً اگر مخاطب از یک روانشناسی کافی برخوردار باشد، می‌فهمد.
ج) یعنی اینجائی را که در رفت، باید برگردم و در همین قضیه وادارمیش.
س) البته اگر آن طرف هم وارد باشد از قصد مطلب را نمی‌گوید تا اینکه مخالف سراغش بیاید حسابی؛ به آن برسد. این هم می‌شود.

ج) بله؛ ولیکن اگر ته دلش بلرزد نمی‌تواند. بنابراین افرادی را که برای مناظره بار می‌آورید، باید به کمتر از ۲۰ نسبت به نمره‌شان قانع نباشید. یعنی همه درس را فهمیده باشد. این مطلب را شما حتی در گروه آموزش مردها ندارید. یعنی من نمی‌توانم اعتماد داشته باشم که هر بحثی گفته شده تا نظام ولایت، دوستانی که خوانده‌اند، همه‌شان بلد باشند. خودشان هم معلوم نیست اینقدر مطمئن باشند. مقداری از آن را بلد هستند. آنوقت این بلد بودن تازه با ذهنی شدن و تسلط پیدا کردن و در حالت‌های مختلف روحی فراموش نکردن که معنایش این است که خودش را مهیمن بر همه جای بحث بداند [خیلی فاصله دارد]. بهر حال مناظره، کلاسش غیر از آموزش کارشناسی و مراجعه به کتاب و بیا کار بکن، است.

س) شکل آموزش، این جوری است که می‌فرمائید. اما نسبت به بحث ولایت فقیه و خارج از آن آیا بحث ولایت فقیه را تغییر بدهند با این آموزش یا نه؟
ج) نه؛ ولایت فقیه را بگذارند برای اینکه معلوم بشود که یک نیاز بالاتری هم

دارند، ولایت فقیه الان بصورت ۱۸ جلسه انجام بگیرد. بعد چند جلسه که گذشت و نظام سؤالات دادند به آقای میرباقری و ایشان جواب داد، می فهمند که و یک مقدمات دیگری لازم دارند. آنوقت طرح بحث اینکه باید بر مبانی مطلب مسلط باشیم برای آنها بشود.

(س) یا قبلش مبادی.

(ج) بله.

(س) یعنی الان جلساتشان به همین صورت که می گذرد، عین مباحث دفتر که...
(ج) فعلاً بحث ولایت فقیه اضافه شود به مناظره، بحث های دفتر هم خوب است از اول بینیم و بینیم اینها چه چیزی را می گویند.

(س) و بعد آقای میرباقری احیاناً برایشان در مورد ولایت فقیه بحث می گویند بعد از این که یک مقدار گذشت همزمان با این پیدا کردن این احساس که مباحث دیگری هم لازم دارند، از مبادی شروع می کنیم. مبادی هم یعنی همین مبادی دفتر که بحث های اجتهاد، موضوع شناسی، برنامه ریزی و بعد هم مبانی فلسفه ها و نهائیش هم روش تحقیق.

(ج) شما اینکه دفتر را حتماً ببرید در جاهای مختلف، کار خوبی است.

(س) اما تمرینات و کلاسهایش را بیرون از این مجموعه داشته باشیم.

(ج) احیاناً اگر دیدید هر جا که می روید اگر زمینه اش باشد درستش را هم ببرید، خوب است.

(س) نسبت به اساتید این جلسات آموزش به این سبک (بصورت معلم خصوصی) باشند و ...

(ج) اول باید از زنها را شروع بکنید. یعنی من بذهنم می آید که اول اگر شما بصورت خصوصی، رقمی شد، دیگر یک نحوه ی آشنایی می شود که صحیح نیست آقایان باشند. باید یک زن، دو تا زن دیگر یا سه تا زن دیگر در اختیارش باشند. مثلاً

گروه واحد الف بشود از روبرویش رسیدگی بکنند که خوب جلو برود. واحد به واحد او را بسنجند. یعنی سه یا چهار تا زن که وارد هستند، شروع کنند به کار کردن. (س) در حینی که آموزش می‌بینید ارتباطش با مناظره چگونه برقرار می‌شود؟ یعنی مثلاً بحث اجتهاد یا بحث موضوع‌شناسی را که دارند آموزش می‌بینند، همان را بیایند مناظره کنند؟

(ج) اگر بشود همان را هم موضوع مناظره قرار بدهند، خوب است، خود همان. را هم بگویند که چرا اصلاً قیاس نباشد؟

(س) یعنی همزمان که کلاس‌های متعدد برقرار است و موضوع آن بحث قیاس است همان بحث قیاس را بیاورند در مناظره و گروه‌ها با هم مناظره کنند این گروه با آن مناظره کنند.

(ج) یک تطبیق‌هایی را هم بتوانند بدهند. خیلی خوب است، یعنی بگویند مثلاً فلان بحثی را که مدتی است روزنامه‌ها می‌گویند، این بصورت شرط لازم نباشد، بلکه شرط کمال باشد. این دارد قیاس می‌کند. این دارد استصلاح می‌کند. این دارد استحسان می‌کند.

(س) اگر خواهران هفته‌ایی سه جلسه داشته باشند و اگر شوقی پیدا کنند برای سال تحصیلی جدید (مهر ماه امسال) که احیاناً بعضی برنامه‌هایشان ...

(ج) برای یک عده از اینها، اگر بتوانند هر روزی هم باشد، روزی یک ساعت از وقتشان هم کم بگذارند و خانه‌هایشان و امکاناتشان نزدیک باشد و مشکلی نداشته باشند و با همدیگر، خوب است. بستگی دارد به میزان اشتیاقی که پیدا می‌کنند و رابطه‌ایی که مثلاً آن استادشان به یک‌الی دو نفر و سه نفر، اینها را دیگر به عهده خودشان بگذارید. یا اینکه حتماً همه کلاسها مثل گروه‌های الف، ب و ج همه‌شان دو جلسه داشته باشند، یا همه سه جلسه داشته باشند، یا همه شش جلسه داشته باشند، بگذارید آزاد باشند.

س) این مدتش هم چقدر طول می کشد؟ ظاهراً بیش از یک سال طول می کشد. اینکه می فرمائید گذرا باشد یا اجمال باشد یا در بحثِ اجتهاد [به صورت] مفصل؛ مسلط بشوند.

ج) اینکه گفتیم جوری بشود که اینها، در مطالب نمره هایشان ۲۰ باشد معنایش این است، که هر چه طولانی بشود، هیچ عیبی ندارد. مثلاً عرض می کنم اگر بشود شش سال، بهتر از ۴ سال است، بشود ۴ سال، بهتر از سه سال است. بشود سه سال، بهتر از دو سال است. بشود یک سال، بهتر از شش ماه است.

س) بعد از اینکه مدت طولانی بشود با اینکه اشتیاقشان کم نشود...
ج) فقط تنها چیزی که مهم است همین است که اشتیاق باید مرتباً، دائم افزا باشد.
س) یعنی اگر احساس کنند مثلاً این برنامه سه سال طول می کشد.
ج) آنوقت باید بگویند یک برنامه دراز مدتی داریم، هفته ای دو جلسه، سه ساعت طول می کشد. یک برنامه کوتاه مدتی داریم هفته ای یک جلسه، مثلاً.
س) سریعتر بحث آن.

ج) نه اصلاً مسأله بحث ها نیست، ممکن است وقت روی یک موضوع اجتماعی بگذارند. ببینند چه چیزی مذاق است دیگر مطلبی ندارید.
س) من مطلبی ندارم اگر آقای محسنی...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۶
کد جلسه: ۳۴۰۴	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۶/۰۶
کد صوت: ۴۷۷۴	مدت جلسه: ۲۶ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۴۰۵۵

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم م. یکتایی
تایپ: <	حسین فاضلی
تطبیق: <	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱): <	حسن ناصری
کنترل نهایی: <	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲): <	محمد فقیهی
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	محمد فقیهی
صفحه‌آرایی: <	محمد فقیهی

جلسه شانزدهم

استاد حسینی: اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشیاطین. بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين. منتظر لطف شما و سوالاتان هستم.

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم. طی مباحثه‌ای که خدمت حاج آقا محسنی بودیم، یک، مسأله اول نسبت به اصل کار مناظره مطرح شد. استاد حسینی: بسیار خب.

آقای رضوی: که اصلاً مناظره چه ضرورتی دارد؟ جایگاهش چیست؟ نسبت به کل کارهای دفتر.

استاد حسینی: این جزء کارهای دفتر نیست، ها!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ما یادمان نرود! وارونه حساب شده.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: مناظره اصلاً جزء کارهای دفتر نیست.
آقای رضوی: درست است.
استاد حسینی: به عنوان کار دفتر نمی آید.
آقای رضایی: حالا یک صحبتی داشتیم ...
آقای رضوی: حالا یک صحبتی داشتیم
آقای محسنی: متأسفانه تکلیف همه قسمت های بانک ...
استاد حسینی: بله.
آقای رضوی: با توجه به اینکه قبلاً هم فرموده بودید یک، ما نسبت به کل مباحث
«تولید، توزیع، مصرف» داریم،
استاد حسینی: بله.
آقای رضوی: که اگر تولید را بگیریم کار فرهنگستان،
استاد حسینی: ای زنده باد!
آقای رضوی: توزیع را بگیریم بانک اطلاعات،
استاد حسینی: بله، احسنت!
آقای رضوی: مثلاً مصرف را بگیریم مراکز تحقیقاتی.
استاد حسینی: مصرف اصولاً یکی از مصارف اجتماعی اش مناظره هست،
ورودش به تبلیغش در جامعه است.
آقای رضوی: و صحبتی کردیم که مناظره، اصلاً اصلش چه ضرورتی دارد. آیا
برای این هست که، حالا خواهان یک تقاضایی کردند، می خواهیم تقاضای آنها
را برآورده بکنیم؟ یا نه، برای انتقال مباحث دفتر کلاً به جامعه، ...
استاد حسینی: که دفتر دیگر متصدی اش نیست، دفتر متصدی انتقال نیست. یعنی
به عبارت دیگر، دفتر هرگز هزینه های انتقالی را، نمی پردازد...
آقای رضوی: صحیح،

استاد حسینی: نشر، چاپ، کتاب، به هر حال مربوط به دفتر نیست.

آقای رضوی: از جمله خود مناظره،

استاد حسینی: از جمله خود مناظره چه پرورش نیرو؛ یعنی ما بالاتر را عرض کنیم، آموزش را به راحتی نمی‌پذیریم که از دفتر باشد، دیگر چه برسد به مناظره! دفتر کارش صرفاً «تولید» است. بانک اطلاعات هم به دلیل اینکه ابزار تولید قرار بگیرد؛ یعنی تطبیق در حقیقت، آن وقت یک صحبت دیگر هست که آیا بانک را می‌توانیم بگوییم جزء فرهنگستان است یا نمی‌توانیم بگوییم؟

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: یعنی اینجا، انتشارات فجر ولایت قبول نکرده جزء دفتر باشد، مگر فجر ولایت قصدش چه بود؟ قصدش این بود که بتواند به دفتر هم خدمات اقتصادی برساند، هم خدمات ترویجی، انتشاراتی.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: وقتی این طوری شد، دیگر قطعاً نوبتی اصلاً نمی‌رسد به مناظره. مناظره جزء کار دفتر نیست.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: مناظره برای جامعه لازم است، آن یک حرف دیگر است. حتماً لازم هست.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: به عبارت دیگر خیلی چیزها برای جامعه لازم است. و از یک چیزهایی‌اش هم هست که «مما یختل به نظام المسلمین»؛ یعنی واجب هم هست که مردم برایش اقدام نکنند. نکنند، لنگ می‌ماند جامعه مسلمین، صدمه می‌خورد جامعه مسلمین.

آقای رضوی: صحیح، ما و، که خیلی هم به حساب خواستیم مناظره را بزرگ

جلوه بدهیم، از این حیث که گفتیم.

استاد حسینی: مناظره باید بشود ابزار مهم پرورش اجتماعی

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: یعنی از آموزش باید قدرتش در ایجاد موضع سیاسی بیشتر باشد؛

یعنی اگر مناظره به صورت جدی هم در جامعه، در هر جامعه‌ای پیدا شود، طرف پیدا می‌کند، در دعوا مطلب رشد می‌کند.

آقای رضوی: درست است. یعنی به صورت خلاصه فرهنگ ایجاد می‌کند.

استاد حسینی: فرهنگ ایجاد می‌کند

آقای رضوی: در سایه ی آن فرهنگ هست که فلسفه و روش شکل می‌گیرد در

جامعه.

استاد حسینی: در جامعه حضور، تحقق عینی پیدا می‌کند

آقای رضوی: تحقق عینی پیدا می‌کند

استاد حسینی: بله، یعنی به عبارت دیگر، به پذیرش اجتماعی می‌رسد

آقای رضوی: درست است. یعنی ما گفتیم...

استاد حسینی: ابزار تبلیغ، ...

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بهترین ابزار پرورشی است.

آقای رضوی: صحیح، ما هم اینطوری برایمان تداعی شد که این فلسفه و روشی

که در فرهنگستان تولید شده، ناشی از یک فرهنگی بوده که موسس‌اش داشته.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: این فرهنگ بخواند قاعده مند شود در سطح اجتماعی، ورودی ...

استاد حسینی: نخیر. بخواهید، نفرمایید قاعده مند، قاعده مند یک حرفی است،

بخواهد - به اصطلاح - محقق شود.

آقای رضوی: محقق شود، ...

استاد حسینی: محقق بخواهد شود، به وسیله ی آموزش تنها نمی شود، محال است بشود. یعنی باید طرفدار و مخالف پیدا کند و به صورت جدی برخورد کنند. این تسریع می کند مناظره، یعنی به عبارت دیگر، مناظره فرق دارد با اینکه کتاب حالا نوشته شود، ردش ۶ ماه دیگر نوشته شود، - به حضورتان که عرض کنم که -

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: یک کتاب نوشته شود روش ده سال دیگر نوشته شود خیلی فرق دارد.

آقای رضوی: درست است. یعنی در واقع به تعبیری اگر در صورت فردی اش شما خودتان مناظره نداشتید در تاسیس مبانی و بررسی مبادی و بعد از آن تاسیس مبانی و رسیدن به مقاصد، آن مناظره فردی و آن تلاش فردی، جهت گیری، موضع گیری، مجاهده را نداشتید که به این تولید نمی رسیدید. حالا اینکه آن استاد حسینی: این لزوماً ممکن است من انگیزه شخصی علی حده از جای دیگر داشتم

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: ربط نداشته به مناظره، یعنی انگیزه را مناظره ایجاد نکرده در من. آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: ولی ما به وسیله ی مناظره می خواهیم ایجاد انگیزه بکنیم، خیلی فرق دارد

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: من به وسیله، به دلیل یک محیط پرورشی، به وسیله، به دلیل یک شرایط اجتماعی خاصی که انقلاب داشته و به دلیل یک مجموعه عواملی شروع کردم. این غیر از مناظره هست به این معنایی که ما ابزار قرار می دهیم

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: یعنی من دنبال این می‌گشتم که روی مطلب بحث کنم و اجازه هم نمی‌دادم که مطلب را متفرق کنم، حفظ جهت خودم می‌کردم،

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: این با آن کسی که اصلاً انگیزه ندارد برای این کار، و می‌خواهد به وسیله‌ی مناظره برایش انگیزه درست کنید، زمین تا آسمان فرق دارد. بنده در درس خارج آقا مرتضی آدم ضعیفی نبودم، درس خارج را ترک کردم.

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: محیط‌های اجتماعی هم برای اشتغال پیدا می‌شده، آن‌ها را ترک کردم، معنایش این است که انگیزه داشتم، یک فکری داشتم که مثلاً یک مطلبی رها نماند. به عبارت دیگر اگر بنده می‌خواستم زندگی معمولی آخوندی داشته باشم

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: حتماً راهش این نبود که آمدم تا الان. راهش همان بود که درس آقا مرتضی را که خیلی خوب هم متوجه می‌شدم، همان را ادامه بدهم، خیلی زودتر از این حرف‌ها! از چهره‌های شناسای مجتهدین می‌شدم.

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: سال ۵۲ من درس آقا مرتضی را ترک کردم، در حالی که تا الان، ۵۲ تا خود ۵۷ که انقلاب پیروز شد، خبر این یک مقدار قابل معتنابهی را درس خارج را دیده بودم. اگر نمی‌خواستم که در انقلاب هم وارد بشوم، که باز هم ادامه می‌دادم، می‌خواستم در انقلاب وارد بشوم، در هر منصبی می‌خواستم وارد شوم مجتهد بودم دیگر.

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: پس بنابراین، این فرق دارد، برای چه کسی؟ برای چه مقصدی؟

آقای رضوی: صحیح. حالا اینکه مناظره می فرمایید.

استاد حسینی: پس بنابراین مناظره را اول از فرهنگستان خارج کنید

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: الان فرهنگستان هم به معنای مناظره نیست. الان هم بنده - به اصطلاح - در حین فعلی اش، بدلیلی آقا امر کنند که تو برو فلان جا، نباش اینجا، هیچ دلیلی ندارد که فرهنگستان بماند تولید کند. حداکثرش دوستان جمع و جور می کنند حرف هایی را که زده شده

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: بله

آقای رضوی: این حالا این تداعی شده بود که خدمت آقای محسنی عرض کردم و مباحثه ای صورت گرفت یا اینکه این سوالش را خواستیم به صورت دقیق تر خدمتان مطرح کنیم که جوابش را فرمودید؛

آقای محسنی: حاج آقا من با عرض معذرت صریح تر این را باز کنم مطلب را، چون اثر مستقیم روی کار می گذارد.

استاد حسینی: بله

آقای محسنی: خدمت حضرت عالی که عرض کنم، یک بررسی ای داشتیم با آقای رضوی که از کجا به این جا رسیدیم به کار خواهران،

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: و کار خواهران چه افت وخیزی و نوساناتی داشته

استاد حسینی: صحیح

آقای محسنی: مثلاً [...] بیخشید!

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: و اصولاً اگر ما الان بخواهیم یک ارزیابی بکنیم

استاد حسینی: بیلان کار داشته باشیم

آقای محسنی: بیلان کار؛ همین را عرض می‌خواستم بکنم خدمتتان، بیلان کار داشته باشیم ما دنبال چه چیزی می‌گشتیم که حالا چه راندمانی گرفتیم یا نگرفتیم؟

استاد حسینی: درست است

آقای محسنی: خدمت حضرت عالی که عرض کنم ما آمدیم از ریشه با آقای رضوی این مطلب را طرح کردیم گفتیم، که اصلا مناظره به چه درد می‌خورد؟ حالا آیا واقعا چون خواهران یک تقاضایی داشتند ما داریم یک جوابی به آن‌ها می‌دهیم؟ خب ممکن است خواهران ده تا تقاضای دیگر هم داشته باشند. دلیل ندارد که ما پاسخ به آن‌ها بدهیم. حالا چون خیلی این جا بودند حالا ما هم یک عنایتی کنیم، مشغولشان کنیم. یا می‌خواهیم نیرو تربیت کنیم، یا واقعا یک کار تبلیغی هست برای دفتر، و امورات و احتمالات دیگری که ممکن است این وسط به ذهن برسد. اصل خود مناظره را زیر سوال بردیم که ما چرا خودمان درگیر کار مناظره

استاد حسینی: مناظره بکنیم

آقای محسنی: آن هم برای خواهران بکنیم. این یک مطلب بود. دلیلش هم این جا نمودهای متعددی پیدا می‌کرد. ببینید خود حضرت عالی بعضا مطالبی را فرمودید که، در کار خواهران مناظره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، این کارها انجام بگیرد، بعضا یا توسط بنده و آقای رضوی خوب پیگیری نشده یا توسط خواهران، یک مثلا نحوه انقلتی یا مشکلاتی، مسائلی، دقیقا همان منویات یا مطلوبات حضرت عالی جلو نرفته، یعنی ما نمی‌توانیم یک راندمان صد درصد از اعمال نظرات جنابعالی داشته باشیم در کار خواهران

استاد حسینی: بله

آقای محسنی: طبیعتا این را باید یک بررسی کنیم ببینیم که ما چه ادراکی داشتیم از خود مناظره آن خواهران چه ادراکی داشتند و چه توقعاتی دارند. ما ممکن است

یک ادراک خاصی داشته باشیم، یک ابهاماتی هم الان در کار مناظره یا کار اینکه واقعا کار اصلی و جدی مان هست داشته باشیم، طبیعتا دل ندهیم و خیلی هم محکم برخورد نکنیم، یعنی همان ابهام و تردیدمان در عمل هم محقق شود
استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر، حاج آقا یک نکته دیگر هست. شما یک کارهایی در جامعه دارید انجام می‌دهید. همه کارهایتان که - به حضورتان که عرض کنم که - برای فرهنگستان نیست

آقای محسنی: درست است. آن وقت همین سوال همین بود که اصلا استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر - مثلاً عرض می‌کنم - اما اگر جنابعالی آقا زاده تان را کسالت پیدا کند ببرید دکتر، چه ربطی دارد به فرهنگستان؟
آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: دکتر یک جایی است برای کسالت برطرف کردن، ضروری هم هست. کاری هم به فرهنگستان ندارد.

آقای محسنی: حالا همین سوال باز دارد تعقیب می‌کند مطلب را می‌گوییم که استاد حسینی: من به عنوان یک گروه خارج از فرهنگستان
آقای محسنی: درست است،

استاد حسینی: صرفاً مشاوره می‌دهم
آقای محسنی: آن وقت الان حالا سوال این جا مطرح می‌شود، چه نیازی هست الان ما مشغول به این کار شویم؟

استاد حسینی: شما اگر کار بیرون از این جا می‌خواهید بکنید کارهای تبلیغی
آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: یکی از راه‌هایش راه مناظره هست. این ربطی به این جا ندارد.
آقای محسنی: درست است. الان حالا آن طرفش، مثلاً فرض کنید آقای رضوی ممکن است توانایی داشته باشد الان در تدوینیاتی، در یک تطبیقاتی

استاد حسینی: حتما

آقای محسنی: کارهای

استاد حسینی: به عنوان ساعت کار فرهنگستان تلقی نمی‌شود.

آقای محسنی: در کارهای دفتر

استاد حسینی: نه، ببینید! این مهم اینجاست که یک وقتی ایشان سوال می‌کند من می‌خواهم طرفداری از آقای خامنه‌ای بکنم دو روز، دو ساعت در روز خارج از دفتر

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: می‌گویم برو دنبال مناظره. یک وقت می‌گوید دو ساعت از کار دفتر، می‌گویم نرو دنبال مناظره.

آقای رضوی: حالا یا به تعبیری می‌گویم که طرفداری از آقای خامنه‌ای را در طرفداری از شما دانستم، در کار دفتر دانستم

استاد حسینی: نه، کار دفتر تشریف می‌آورید مشغول بحث اصول می‌شوید، مشغول کار روش تحقیق می‌شوید، مشغول کار تدوین می‌شوید، مشغول کار این کارها که می‌شوید. ما آموزش را هم جزء کار دفتر نمی‌دانیم، کار دفتر صرفا کار تولیدی است. هیچ چیز دیگر اضافه‌اش نیست. به اضافه تولید آن چه که تولید شده است سرو سامان پیدا کند، حفظ شود. حفظ آن چه که تولید شده، معنایش این است که یک دوره اول مثلا کتاب‌ها را بیاوریم ما، بر حسب تاریخ روزانه بنویسیم، بعد از آن حداقل سیر معین کنیم، بعد از آن جدول حداکثر سیر معین کنیم، بعد از آن ببینیم که از امور فلسفی اگر سه سطح بکنیم «توسعه مفاهیم، مفاهیم کلان، مفاهیم خرد»، این مرتبا گردش چگونه بوده، در ایام، تا به این جا رسیده؛ یعنی «روند پژوهش» را می‌توانیم مدون کنیم. این می‌شود کار فرهنگستان. هرکاری، صنعت خارج از فرهنگستان است. شاید خارج از این جا هم بشود سرویس داده

شود.

آقای محسنی: طبق این تعریف خیلی از چیزهای دیگر همین مطلب را دارد

استاد حسینی: بله

آقای محسنی: حتی این پزشکی و دارو

استاد حسینی: اینها

استاد حسینی: و فلان، ...

استاد حسینی: همه‌اش خارج از فرهنگستان است. معنا ندارد ما به آن‌ها پردازیم. ما این جا «اصول» داریم، «روش تحقیق» داریم، دوتا. سومی هم ندارد، پایه‌اش برویم، «فلسفه» داریم. اگر «تطبیق فلسفه و تطبیق اصول و تطبیق روش تحقیق» بشود، سرجای خودش بسیار بسیار کار عظیمی انجام گرفته. به خاطر انجام گرفتن اینها، بحث نیروی انتظامی می‌پذیریم، بحث خرد کلا. هیچ کدام از این‌ها را هم قائل نیستیم که به افراد شرط بکنید که خرج شان را بدهید. مگر خرج اصول و خرج فلسفه و خرج روش تحقیق. یعنی - مثلاً عرض می‌کنم - آقای رضایی می‌رود صنعت می‌گیرد، می‌گوییم مشروط به اینکه اصول را [؟]

ولی هیچ وقت به اصول، اگر مثلاً پولی گیر بیاید برای اصول، هرگز یک ریال را به صنعت نمی‌دهیم. اگر بحث نیروی انتظامی هست، باید مشروطش بکنیم، بگوییم مشروط به اینکه یک کاری هم برای دفتر بکنید.

آقای رضوی: دوتا مطلب می‌رساند، یکی اینکه اگر نیرو و وقت کافی در اختیار

حضرت عالی قرار بگیرد، شما وقت تان را حتی صرف چیز دیگر هم نمی‌کنید

استاد حسینی: یعنی اگر - مثلاً عرض می‌کنم - نظام به گونه‌ای بود که می‌آمد

می‌گفت ما کلیه لجستیک‌های شما را می‌دهیم، نه، خیلی هایش را قطع می‌کردیم.

لااقل ۵۰ درصد از کارها عوض می‌شد، اقلاً ۵۰ درصد؛ یعنی اگر همین الان فردا

صبح بفرستند بگویند که ما اصول را می‌خواهیم تحقیقاتش را ببریم جلو، شما وقت

هایت را چقدر خالی می‌کنی؟ خیلی از وقت‌ها من فوری خالی می‌کنم. هیچ تامل هم نمی‌کنم، حتی نصفه کاره می‌گذارم، اصلاً اهمیت نمی‌دهم که این حالا رفتم دو جلسه، ده جلسه، ۵۰ جلسه حرف زدم

آقای رضوی: اینکه از اول کاری کردید که آماده شود

استاد حسینی: بله، اصلاً این بحث را بحث دیگری می‌دانم.

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: پایه‌های فرهنگ باید عوض شود، پایه‌های فرهنگ بحث‌های

منطقی یا متدی

آقای محسنی: حاج آقا می‌شود اینطوری استفاده کنیم که نوعاً این پروژه‌ها و یا

تحقیقات یا مثلاً کاری استاد حسینی: این‌ها را هم خوب گرو می‌کشم

آقای محسنی: لجستیک سیاسی و لجستیک اقتصادی بوده برای بقیه کارها

استاد حسینی: به یک دلیل، اصلاً گرو می‌کشم. نقل اینطوری نیست. به آقای

رضایی می‌گویم صنعتی را که با هر جا که قرارداد ببندی، باید اینقدرش را برگردانی

به اصول

آقای محسنی: حاج آقا!

استاد حسینی: ایشان آمده برای هنر زیبایی و نمی‌دانم فلان و این حرف‌ها، ساده

می‌گویم من اصلاً حال این بحث‌ها را ندارم، مگر اینکه شما بگویی برای تولید پول

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: برای بخش اصول شما دو ساعت وقت به من بده. می‌گویم چشم

من دو ساعت وقت می‌دهم به شرط اینکه خرج خودش را در بیاورد، نصف خرج

اصول را هم بدهد.

آقای محسنی: درست است. بعضاً هم این پذیرش‌های هزینه همراه حضرت‌عالی،

لجستیک برای گروه سیاسی هم بوده؟

استاد حسینی: برای همین هست دیگر!

آقای محسنی: اقتصادی‌اش که حاج آقا دست است

استاد حسینی: خیلی خب. برای سیاسی هم همین هست دیگر! یعنی شما

آقای محسنی: یعنی طرف رغبت پیدا کند برای آن کار اصلی، حالا

استاد حسینی: نه رغبت پیدا بکند. نقل این است که شما اگر کارهای عینی تان

مطلقاً صفر بشود، باید یک شخصیت‌های سیاسی یک جایی شما را تایید کنند.

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: والا شما در جامعه شروع می‌کنید به انزوا، بعد از آن هم مشکل

می‌شود برایت اصلاً درآمد

آقای محسنی: فشار روحی

استاد حسینی: بله، نقل، فشار روحی نیست، نقل فشار عینی مادی روی شما

می‌آید.

آقای محسنی: عینی و مادی بله

استاد حسینی: فشار روحی به ما نمی‌آید، ما اگر منزوی منزوی باشیم و آن

بودجه‌ای که لازم داریم برسد، هیچ کدام از این کارها را نمی‌کنیم. اصلاً هم یک

ذره - معذرت می‌خواهم از حضورتان - تکبر علمی نیست، به حساب نمی‌آوریم بقیه

را

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: ما باید پهلوی آقایمان روسفید باشیم، پهلوی - به حضورتان -

جامعه برو و بیا که نمی‌خواهیم. اگر می‌خواستیم برو بیا داشته باشیم که یک کار

دیگری می‌کردیم

آقای محسنی: حالا فرض را این طرف می‌گذاریم، اگر آقای رضوی بگوید نه،

من این دو ساعت هم نمی‌خواهم برای کار بیرون بگذارم، می‌خواهم بیایم مشارکت

در

آقای رضوی: می‌گویید شما می‌گویید

آقای محسنی: تولید کنم و این شکلی

آقای رضوی: شما می‌گویید حاج آقا حقوق به تو نمی‌دهیم

آقای محسنی: حقوق چه چیزی را نمی‌دهیم

آقای رضوی: نه، می‌گویید که بیا کار بکن ما هر کاری که ما لازم می‌دانیم در

کارهای دفتر

استاد حسینی: دقیقا باریک الله! خوب متوجه شدی، زود هم گفتنی. اگر بانی داشته باشید برای مناظره، برای گروه خواهران، بانی برای زندگی ات داری در حقیقت. البته بانی شریفی داری نه مثل بانی بخاری هست. برای آموزش با پرورش خاصی نسبت به بحث‌های فرهنگستان بانی دارید، می‌گوییم اهلا و مرحبا. اگر از من پرسند، ما یک چیز دیگر می‌گوییم، می‌گوییم جنابعالی را هم باید آقای محسنی گروه بکشند، بگویند شما کل خرج زندگی ات را بر آنها، به دوش آنها بنداز، - مثلا عرض می‌کنم - چهار ساعت کار برای آنها کن، پول ۸ ساعت بگیر، ۴ ساعتی را که برای این جا کار می‌کنی، رایگان کار کن. دلیلشان هم این باشد که فلانی که مشورت همین طور مفت نمی‌دهد!

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: حق مشاوره خودش را صرف بکنید به اینکه نیروی خودتان

هست، ۴ ساعتش را بدهید به دفتر

آقای محسنی: خب یک مقدار زیاد حل شد آقای رضوی. یعنی بعضی ابهام و

تردید

استاد حسینی: یعنی

آقای محسنی: چه برای خودمان، چه برای آنها این،

استاد حسینی: آن وقت یک نکته‌ای را

آقای محسنی: مطلب سیاست تکلیف را معلوم می‌کند

استاد حسینی: نخیر حاج آقا! ما که تعارف نداریم! ما بحث اساسی مان، اصلاً آموزش دادن به جامعه نیست.

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: بخش آموزش مردان هم فعلاً تا وقتی که کاری‌اش بکنید،

آقای محسنی: بله، داریم در حالت انتقالی کار می‌کنیم.

استاد حسینی: [؟] می‌شود. که در آمد خودش، خودش را اداره بکند،

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: این جا بحثش بحث فقط روش است. روش هم می‌آید تا اصول و روش علوم کاربردی. در خودش روش، خرج خود گروه روش باید از گروه‌های دیگر تامین شود

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: آن که در تولیدش حضور دارد، در تولیدش حضور دارد یعنی بنده بحث می‌گویم، می‌رود نظام سوالات می‌آورد، دقت می‌کند که بحث غنا پیدا کند، این معنای در تولید حضور دارد. نه اینکه کسی که بعد گوش می‌دهد مطلب را، حالا یک احصاء، اشکال جزئی هم به ذهنش بیاید او در تولید حضور دارد. او که در تولید حضور ندارد، حداکثر در تفهیم و تفاهم حضور دارد. آن کار باید برای جامعه اسلامی انجام بگیرد. کلیه کارهای دیگر جنبی که انجام می‌گیرد، البته نفع دارد یا ندارد؟ خیلی نفع دارد، آن شد یک حرف دیگر، اصلاً ربط به این مطلب ندارد. نفعش این است که - به حضورتان که عرض کنم که - جامعه از سردرگمی در می‌آید، - فرض کنید - حالا کتاب آقای پیروزمند در بحث ولایت فقیه، نفع برای جامعه دارد، ولی برای تولید فرهنگستان دو ریال نفع ندارد! مگر اینکه بگویید که

این یک وزن سیاسی می‌دهد، یک وزن اقتصادی می‌دهد، من می‌گویم روش علوم چگونه شد؟ بگویید محیط سیاسی تثبیت هم که شود، باز تابش بر می‌گردد به فرهنگستان بالواسطه، بالواسطه، می‌گویم آقای محسنی: از آن طریق قبول کنیم.

استاد حسینی: بگویید از آن طرف بگوییم ما قبول کنیم، ولیکن آن کار فرهنگستان نیست، چیزی نیست که فرهنگستان پایش بحث کند آقای محسنی: حالا حاج آقا! من آن طرف عرض کنم. بعضی خواهران خیلی علاقه‌مند باشند بخواهند کمک به دفتر کنند، این به نظرتان چگونه است؟ استاد حسینی: کمک به

آقای محسنی: یعنی آیا راهی برای آن‌ها وجود دارد؟ استاد حسینی: کمک می‌خواهند به دفتر بکنند همین مثل همین امثال گروه آموزش، مناظره هر چیزی که دوست بدارند، راه می‌اندازند. - به حضورتان که عرض کنم - کمک در تولید یا در توزیع؟

آقای محسنی: در هر بخشش که بضاعت شان برسد استاد حسینی: رودر بایستی ندارد! در تولیدش آقای محسنی: تولید که خیر، استاد حسینی: که نمی‌توانند آقای محسنی: بله

استاد حسینی: آقای میرباقری که می‌آید در اصول، ایشان دوره درس خارج

دیده

آقای محسنی: [؟]

استاد حسینی: حکمت هم دیده، نیستند دیگر. در درس دانشگاهی هم بگوییم که حالا مثلاً در روش تحقیق می‌توانند در تولید کار کنند

آقای محسنی: دکتری باشند دکتر، نیستند

استاد حسینی: نیستند. می ماند مقداری را که می توانند در توزیع کمک بکنند، معنایش این است که یاد بگیرند به دیگران یاد بدهند، منشا ترویج بشوند، اینطوری می توانید بگویید کمک

آقای محسنی: از طریق خود مناظره می توانند این کار را داشته باشند؟

استاد حسینی: یکی از کارهایی که می توانند بکنند برای پرورش افراد، مناظره هست، این ربطی ندارد به اینکه در مطالب دفتر حضور داشته باشند. - معذرت می خواهم از حضورتان -

آقای محسنی: خواهش می کنم!

استاد حسینی: منهای پیاده کردن نوار و فهرست زدن و خلاصه نویسی، خود برادرهای دفتر چقدر در تولید حضور دارند؟ بسیار بسیار کم.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: یعنی نظام سوالاتی را که می آید، بسیار بسیار محدود. چیزی نیست که - به حضورتان - روندی - به حضورتان - کاری، بله،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: بله، آقای میرباقری بحث هایی را که می کنند حضور در تولید دارند. حضور در تولید هم ایشان به عنوان «نقد» فقط حضور در تولید دارند، نه به عنوان «طرح».

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: حالا جلسه فرضا شبکه در تهران، این جلسه شبکه در تهران، در درست شدن مدل، اشکال های کارشناسی که می کنند، در کل که روی هم می ریزید، در کل، آن هم خیلی ضعیف؛ چون آن امکان هم ما نداریم که بگوییم که آقا، ۵ تا ۱۰ تا دکتر روش تحقیق را بیاورید با ما مناظره کند - آمدند آقایان؟

آقای س: [؟]

استاد حسینی: بسیار خوب، من زنگ می‌زنم.

استاد حسینی: آقای صدوق، بله بسیار خوب - خوب در طول این مدت تدریجا با بحث‌هایی که شده، فرض کنید که اگر جلسه ی آقای میرباقری را من شاخص بگیرم، هر ده جلسه ی آن‌ها به اندازه یک جلسه بحث با ایشان اثر داشته،

آقای محسنی: درست است

استاد حسینی: یعنی نقدی را که آن‌ها آورند، انباشتش که بکنید ده جلسه، یک جلسه می‌توانم حساب کنم. لذا در صد و خرده‌ای جلسه‌ای که انجام گرفته در بحث شبکه، من قدرت نقد جلسه را در مقابل بحث‌های خودمان، برابر با ده جلسه قوی می‌توانم حساب بکنم این را. این هم دیگر مقدور ما هست دیگر، بیشتر از اینکه مقدور نداریم!

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: دیگر بهینه سازی سیستم آقای مرعشی - به اصطلاح - تحصیلش را کرده، به هر حال یک مقدار کارشناسی که به صورت منظم تا حالا حضور داشته.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: آن وقت می‌آییم سراغ بحث آقای پیروزمند در روش تحقیق، خوب روش تحقیق، ایشان مثلاً یک مقداری تلاش می‌کند که نظام سؤالاتی را بیاورد، ولی نه اینکه در مطلب به صورت جدی بیاید برخورد کند؛ یعنی مسلط و مهیمن بر مطلب باشد. ما به هر حال برنامه‌ای را که الان، برنامه ی تحقیقاتی را که با ایشان داریم، ایشان صرفاً برای این است که بعداً بشود یک بانک توسعه تحقیقاتی درست کرد که از این وضع خارج بشویم.

«وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین»

آقای محسنی: خیلی متشکر حاج آقا! فکر کنم کلیاتش خیلی راه گشا بود..

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۷
کد جلسه: ۳۴۰۵	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۶/۲۰
کد صوت: ۴۷۷۵	مدت جلسه: ۳۵ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۵۷۶۵

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم م. کریمی
تصحیح (۱): <	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی: <	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲): <	محمد فقیهی
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	محمد فقیهی
صفحه آرایی: <	محمد فقیهی

جلسه هفتم

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم. ما جلسه قبل خدمتتان رسیدیم فرمایشاتی را داشتید، خوب برای ما تأمل بود و این ها، فکر کردیم یک مقدار برنامه‌ای هم که قبل از این جلسه از شما استفاده کرده بودیم خدمت خواهرها منتقل کردیم و خواهرها همان را دارند انجام می‌دهند، پیگیری می‌کنند، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: و آن عنوانش بود هم سطح سازی آموزش، استاد حسینی: بله، بله.

آقای رضوی: هم سطح سازی علمی خواهران، ما پیشنهاد دادیم خواهران هم حداقل در موضوع ولایت فقیه این کار را پی گیری کردند، هر چند در کار محتوا هنوز وارد نشدند،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: اما نسبت به اصلش ما، یعنی خودم عرضم این بود که اصل مناظره

را که خب من اطلاعی نداشتم، حضرت عالی فرمودید که یک کاری می‌خواهد انجام بشود، شما هم انجام بدهید،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: که اولش هم خودم هم باورم نمی‌شد گفتم نه من بلام،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: نه این توانایی اش را دارم،

استاد حسینی: درست است

آقای رضوی: ولی فرمودید که حالا شروع بکنید آرام آرام کار جلو برود و اینها،

استاد حسینی: خب.

آقای رضوی: تا به این جا رسید، حالا جلسه گذشته شما فرمودید این کار را ما

برای خرج زندگی ات کردیم.

استاد حسینی: [خنده استاد] یا این که خرج همه چیز، نه فقط زندگی،

آقای رضوی: بله..

استاد حسینی: خرج رشدتان، خرج توفیق تان، خرج خواندن تان.

آقای رضوی: بله، صحیح، حالا...

استاد حسینی: بله، یا نه این که خرج شما، مجموعه، متقوماً،

آقای رضوی: بله، بله.

استاد حسینی: یعنی خواهرها و شما همه با همدیگر، یک بستری درست شد،

اگر بخواهید ادامه بدهید،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: یعنی - در حقیقت - بستر مشارکت در مفهومی که باید هم درست

بشود.

آقای رضوی: حالا از آن جهتش که خرج چیز باشد، خرج مالی اش و این‌ها باشد

جلسه هفتم ۷

من خودم هم فکرهايم را کردم؛ يعنی تصميم را گرفتم گفتم که بنده به سهم خودم، نه منزل می خواهم، نه بیمه می خواهم، نه حقوق، به عبارت دیگر ...

استاد حسینی: يعنی به عبارت دیگر تبرعی می آیم فقط درس می خوانم.

آقای رضوی: من می آیم حالا یا درس می خوانم یا سفارش شما را انجام می دهم.
استاد حسینی: خب، حالا ...

آقای رضوی: سفارش شما این است که مناظره را انجام بدهید، می گویم که چشم!

استاد حسینی: خب این را یک مقدار کمی از شما اجازه بدهید ما سؤال بکنیم.
آقای رضوی: بفرماید.

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم که - حضرت عالی که بنا ندارید که در زمره ملکوت ملک، اعلی جنت مکان باشید، خلد آشیان.

آقای رضوی: البته آن را، چیز منبع در آمدش هم روی آن فکر کردیم حاج آقا،
استاد حسینی: آن را برای ما بگویید

استاد حسینی: بله، آن را برایمان بگویید،

آقای رضوی: این است که [خنده]

استاد حسینی: [خنده استاد] زود خودتان را لو دادید، ببینید، بفرماید.

آقای رضوی: خداوند روزی رسان است دیگر!

[خنده استاد و شاگرد] «من یتق الله يجعل له مخرجاً»، خلاصه یک جایی یک

مخرجی خلاصه.

استاد حسینی: خب پس بنابراین ...

آقای محسنی: توکل شان حاج آقا زیاد است.

استاد حسینی: آخر، عیبی ندارد اگر بخواهید هم در میان نگذارید، خصوصی

باشد ما هم اصراری نداریم که اطلاع پیدا کنیم.

آقای رضوی: یعنی شخصی است، اشکال ندارد که؟

استاد حسینی: بله، نخیر، اشکال ندارد.

آقای رضوی: یعنی درآمدش مایه گرفتن از مباحث دفتر یا مثلاً - خدمت تان عرض کنم - کمک ...

استاد حسینی: یک کسی را شما پیدا کردید برای شخص خودتان، فرقی ندارد که...

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ... بگویید که من - به اصطلاح - یک کاری را می‌کنم در خارج،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: قطعاً هیچ عیبی ندارد از مطالب دفتر خرج کنید، یا نه، فرقی، هیچ فرقی ندارد. اگر از مطالب دفتر خرج کنید بهتر است؛ برای این که نشر پیدا کند حرف. شما وقتی از مطالب دفتر خرج می‌کنید که این طوری نیست که این حرف - به اصطلاح - در بسته بماند که! دارید یک بحثی را می‌گویید جایی، خیلی خوب؛ خوب پس بنابراین این مطلب برای...

آقای رضوی: حاج آقا، یک لحظه قطع کنید آن را حاج آقا [...]

استاد حسینی: [...] یا اداره کنید، یک سؤالی است، سر جای خودش محفوظ. بفرماید.

آقای رضوی: - خدمت تان عرض کنم - برای گروه هم ما یک صحبتی که خدمت آقای محسنی داشتیم...

استاد حسینی: اما ساعاتی را که برای دفتر کار می‌کنید،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن را حتماً باید کاری را که با آقای محسنی می‌کنید، باید حقوقش گرفته بشود، شما این را قسمت تبرعی، می‌خواهیم کار کنیم، نه! بنده

راضی نیستم تبرعی کار کنید! کار دفتر را منظم کنیم، کوچک کنیم، تعریف کنیم کم به قدری که داریم، ولی تبرعاً کار بخواهیم بکنیم، نمی‌خواهیم؛ یعنی مضر است برای دفتر،

آقای رضوی: بله، مضر برای...،

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر نظام را به هم می‌ریزد.

آقای رضوی: بله. صحیح است.

استاد حسینی: بفرمایید.

آقای رضوی: بعد از یک مختصر صحبتی که خدمت حاج آقای محسنی داشتیم در مورد برنامه‌هایی که تا به حال خدمت خواهرها ارائه شده به یک نسبتی خوب پیاده شده و من خودم به این نتیجه رسیدم که این جمع خواهرها، مجموعه شان روی هم، سعی وافر داشتند برای این که این برنامه‌ها را پیاده کنند؛ یعنی به آن حالا به آن دلیل که ربط به فرهنگستان دارد و ربط به حضرت عالی دارد من احساس کردم از مجموعه خواهرها که ما برنامه را که منتقل می‌کنیم، حالا این برنامه برای آنها ...

استاد حسینی: برنامه را خودشان در آنها ابتکار برای این که بتوانند تحرک بیشتری درست کنند تا حالا که ما گزارش نشنیدیم؛ یعنی این‌ها عده شان روز به روز زیاده‌تر نشده،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: چرا این طوری است؟

آقای رضوی: یک مقدار آن احساس می‌کنم آن برنامه‌ای که ما خودمان باید پیگیری می‌کردیم راجع به تغییر جا، ...

استاد حسینی: خود آنها چرا جا را پیگیری نکنند؟! یک مقدارش را از آن طرفی می‌خواهیم، آنها خودشان از این به بعد وارد به کارهای خودشان بشوند.

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: مراکزی هستند که زن‌ها عهده دار مسئولیتش هستند،
آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: مراکزی هم هستند احیاناً مرد‌ها هستند این‌ها هم این طوری نیست
که به هیچ مردی حرف نزنند؛ یعنی مسئولیت را به عهده خودشان بدهید که
خودشان ببرند جلو،
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بسیار بد است که متکی این قدر باشند که به تعطیل کشیده
بشوند، ولی خودشان هیچ اقدامی نکنند! یعنی چه؟!
آقای رضوی: بله، درست است. حالا همین، همینی که حضرت عالی می‌فرمایید
اگر ما حالا احیاناً من باب تذکر باشد یا احساس بکنند خواهرها که در این قسمت
کاملاً آزاد هستند و فعال برخورد بکنند،...
استاد حسینی: بله! فعال برخورد کنند،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی من به نظرم می‌آید مثلاً اگر خانم رضایی به دو تا ده تا مرکز
زنانه مربوط هست، چرا تماس نگیرد،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بسیج است جای دیگر است هر چه،
آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: خانم آقای نجابت اگر مربوط به حالا از فاطمیه گرفته تا بخش
زنان، اینها هست، چرا ارتباط نگیرد؟ خانم آقای ساجدی اگر به مدرسه مربوط
است، به جای دیگر مربوط است چرا تماس نگیرد؟ هر کدام شان به هر نسبی که
حضور دارند،
آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: اگر این که خانم از آقایان به بهداری مربوط هست، خب بهداری. کلاً این طور باشد که خودشان را شریک و سهیم و - به اصطلاح - این که برای ما دستور بگویید چه کار کنیم، این اصلاً بد است، این صورت مسأله غلط است، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خودشان دارند کاری را می کنند، یک مشاوره هایی هم می گیرند از ما،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: می بینند برای کارشان آموزش بهتر شلوغش می کند، خب آموزش بگذارند، می بینند - به حضورتان که عرض کنم - نهایت در هر کاری سعی کنند بودجه و همه چیز را خودشان تأمین کنند.

آقای رضوی: صحیح. البته نسبت به این هم اقدام کردند، نسبت به همین برنامه ای که در یک قسمت از فرمایش های تان داشتید که دعوت کنند از دیگران، یک دعوتی هم کردند، از بیرون هم آمد، مختصر افرادی آمدند در جلسه شان در نمازخانه مفید و باز رفتند، این ها هم دیگر پی گیری نکردند مبنی بر این که ...

استاد حسینی: ببیند این ها اگر باید قبلش ویزیتوری بکنند، دعوت فقط خشک نکنند. اداره نیست که،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تماس اجتماعی نمی دانم که در بین شان زن هایی که واقعاً فعالیت اجتماعی داشته باشند هستند، نیستند، زن هایی که اهل تحرک اجتماعی باشند ارتباط می گیرند، صحبت می کنند، مذاکره می کنند. اولین اصل بر این باشد که اصلاً حرف های اینجا را اصل قرار ندهند،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: مشاوره به خود من را هم اصل قرار ندهند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: می‌خواهند خدمتی بکنند به اسلام، دفاعی کنند از ولی فقیه، - به حضورتان عرض کنم - یکی از جاهایی که حرف دارد درباره بحث ولایت فقیه دفتر است، به نسبت از آن استفاده بکنند، می‌خواهند - به حضورتان که عرض کنم که - ...

آقای رضوی: ولایت فقیه که یکی از موضوعات مناظره هست.

استاد حسینی: بله، می‌خواهند - به حضورتان که عرض کنم که - قوت فرهنگی خواهرها را بالا ببرند، حضور فعال داشته باشند در بالا بردن - به اصطلاح - سطح فکری خواهرها، خب یکی از جاهایی که فلسفه دارد، فلسفه فرهنگستان است. اصلاً خودشان را محدود نکنند.

آقای رضوی: صحیح است.

آقای محسنی: حاج آقا یک مدت اینها تشخیص می‌دادند...

استاد حسینی: قسمت دوم، در مناظره یکی از شیوه‌های عینی کردن کار، مناظره. این که ما حالا محدود بکنیم به این، این طوری نباشد؛ یعنی قدرت ارتباط خودشان را محدود به مفاهیم نکنند، اگر مفاهیم کارا باشد در بستر فعالیت آن‌ها، خودش را نشان می‌دهد.

آقای رضوی: صحیح.

آقای محسنی: - با عرض معذرت - این برداشتی که بنده از این چند ماه کارکرد خواهرها دارم این است که - همان طوری که در ساعت کاری فرمودید - این‌ها الان توقف سنگینی روی مطالبی که می‌خواهند از حضرت عالی استفاده کنند دارند یعنی خیلی حساس هستند به این که ببینند حضرت عالی نقطه نظرتان چیست، حتی در جزئیات اجرایی کار. آن وقت آقای رضوی از جانب حضرت عالی چه مطلب را مطرح می‌کند برای شان، وقتی به حالت به نظرم می‌رسد یک ایستایی برای شان...

استاد حسینی: بله دیگر!

آقای محسنی: ایجاد کرده، که ذهنشان برای کارها و بعد اقدامات و جرأت شان برای تحرکات اجتماعی و عینی کم شده؛ و گرنه هستند بین این خواهرها کسانی که قبلاً یا ارتباط با جاهای دیگر داشتند الان زمینه ارتباطی شان زیاد است، اما چون یک چند تا کار عملیات قبلی ای داشتند و شکست‌هایی خوردند احساس می‌کنند که نکند ما دست از پا خطا کنیم و این دفعه هم مثل سابق بشود. یک چنین مطلبی لااقل

...

استاد حسینی: بله، من سابق شان را روی همین جهت می‌دانم که این‌ها فقط ...

آقای محسنی: با تحرک لازم... خودشان را داشته باشند.

استاد حسینی: بله، نه، شکست سابق شان هم این بوده که حتماً بحث‌های

فرهنگستان فقط درست،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: این غلط است،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: و همین بحث‌های فرهنگستان را در جریان یک تطبیق باید

درستی آن روش بشود. نه بر خودشان،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بر آن محیطی را که فراهم می‌کنند.

آقای رضوی: صحیح. حالا همان یک قسمتی هم که فرمودید برای این که

مناظره راه بیفتد و فعال بشود، یک کار این است که از ارتباط برقرار کنند بیرون،

ولی نشد. این که نشد بر می‌گردد به خود ما،

استاد حسینی: نه! می‌گوییم...

آقای رضوی: می‌گوید که ما یک مجموعه‌ای هستیم که می‌خواهیم فعالیت بکنیم

نتوانستیم یا می‌گوئید تجربه نداریم یا قدرت ارتباطی نداریم، ما به هر حال همین‌هایی هستیم که چند نفری هستیم که شما خصوصیات فکری و عملی ما را می‌دانید چه چیزی هست دیگر! به هر حال اگر آن خصوصیت را داشتند خوب الان باید قطعاً مثلاً ۸۰ نفر می‌شدند یا کمتر می‌شدند، ولی نه به همان تعداد باشد، بلکه حالا یکی - دو نفر رفتند، یک - دو نفر دیگر آمدند، ولی به هر حال مجموعه بیشتر از ۱۰ نفر ۱۰ - ۱۵ نفر نشده

آقای محسنی: یعنی مطلب حاج آقا این است که اگر تلقی این خواهران از کارکرد عوض بشود به این که خودشان باید تلاش ویژه داشته باشند، آقای رضوی: صحیح.

آقای محسنی: به نظر تان نمی‌رسد که در این کار بعد موفق می‌شوند؛ یعنی تلقی شان را عوض کنند.

آقای رضوی: حالا این برای این که آن تحرک ندارند خودشان یا بعضی از خواهرها به ذهنشان رسید که ما متناسب با این برنامه‌هایی که پیشنهاد می‌شود، ما سازمان راه نینداختیم، که قبلاً خدمت حضرت عالی استفاده کردیم فرمودید که هنوز زود هست که این‌ها آن چارت سازمانی خاص و اداره و این‌ها داشته باشند، ولی بعضی‌ها الان خودشان پیشنهاد می‌دهند که یکی از علل عدم تحرک خواهران و چه تعدادشان هم هنوز همچنان کم هست و رشد آن چنانی نداشتند و احیاناً اگر بخواهند از مسئولین کسی در مناظرات شان دعوت کنند تا از طرف آن‌ها استقبال بشود این هست که سازمان نداریم؛ یعنی کارها تقسیم نیست، صندوق مشخص نیست، هیچ کدام این مسائل اداره مشخص نیست؛ یعنی این به تعبیری هر برنامه‌ای سازمان خاص خودش را می‌خواهد.

استاد حسینی: ببینید!

آقای رضوی: بله.

جلسه هفتم ۱۵

استاد حسینی: یک وقتی است که این‌ها رأی می‌گیرند که سازمان باشد یا نه، ۵ تا می‌گویند سازمان باشد، ۴ تا می‌گویند نباشد،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: دلیلی ندارد که این جلسه شان را تعطیل کنند که ۹ نفر هستند، یک جلسه‌ای با آن ۵ تایی که می‌گویند سازمان باشد در یک روز دیگری می‌گیرند می‌گویند حالا سازمان شما را چه کسی حاضر هست صندوق دار بشود، چه کسی چقدر می‌پردازد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اول معلوم باشد که این جا از بیرون بنا نیست که...؛ یعنی به عبارت دیگر فرهنگستان بنا ندارد سازمان راه بیندازد یا گروه اصلاً داشته باشد زنان،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: برایش فرقی ندارد که؛ بدون رودربایستی ما نه سعی داریم بر این که گروه دکتر مکنون این‌ها تهران باشد، نه سعی داریم در این جا،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن‌ها خودشان اصرار می‌کنند، نفر معین می‌کنند، کار می‌کنند، یک قران که از فرهنگستان نمی‌گیرند که!

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بنابراین - به حضورتان که عرض کنم که - اگر به صورت جدی کار بکنند خودشان، کار خودشان را جلو ببرند. اگر - مثلاً می‌گویم - گفتند آمار را اگر گرفتیم یک چهار نفر گفتند سازمان باشد، چهار نفر گفتند نباشد، آن چهار تایی که گفتند سازمان باشد با آنها تماس خاص بگیرند بگویند خیلی خوب، این جلسه سر جای خودش هست فعلاً تا ما ببینیم آن‌هایی که می‌گویند سازمان باشد چگونه جلو می‌روند.

آقای رضوی: یعنی به صورت جدا عمل بکنند، تعداد...

استاد حسینی: دو تا جلسه دارید من هم جزء هیئت ابافضل می آیم می نشینم شب های جمعه، هم بعد می روم یک بسیجی دارم، در بسیج هستم، چه ربطی دارد؟! آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: انشعاب نمی خواهد که!

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: همه ۵ نفر در این جلسه می آیند، یک جلسه دیگر هم خصوصی دارید،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: اگر آن شکست خورد، دیگر لااقل این را داشته باشید، آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: اگر هم جلو رفت، این ها ملحق می شوند.

آقای رضوی: ادامه پیدا می کند.

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: این کار آیی را در عینیت باید مدیریت قبول کنیم، استاد حسینی: بله دیگر!

آقای محسنی: که کدام شان موفق می شوند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خیلی از تشکیلات های مردانه بزرگ بود در تاریخ که خیلی زود به هم خورده، خیلی از تشکیلات های - به حضورتان که عرض کنم که - هیئت هم بوده، خیلی دوام آورد، بالعکس آن هم هست، خیلی از تشکیلات های سازمانی بوده که خیلی رشد کرده تا نصف دنیا را هم گرفته، آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: شما این که کارتان چگونه هست که باید راه بروید، بینیم چگونه، با چه سرعتی می‌توانید حرکت کنید. می‌گویند حالا چگونه راه بروم؟ - به حضورتان که عرض کنم که - قدم آهسته بروم یا بدوم؟ می‌گویم هر طوری که خودت تنظیم می‌کنی.

آقای محسنی: حاج آقا دو تایش را می‌توانند جداگانه از حضرت عالی مشورت بگیرند؟

استاد حسینی: مشورت‌هایی را که ما می‌دهیم، ما هر مشورتی را که آقا بیاید واسطه بشود، ما می‌دهیم.

آقای محسنی: یعنی ایشان می‌توانند مطالب دو تا بیاورند؟

استاد حسینی: برای من هیچ فرقی ندارد، مشورت را عادی. شما بگو ما الان چیزی را که در دور می‌بینیم این بهتر می‌تواند، موفق‌تر است، مشورت می‌دهیم، آن بهتر می‌تواند...

آقای رضوی: آن الان خواهرها خودشان مباحثه‌ای که دارند و اختلاف هست، بعضی چیزها...

استاد حسینی: ممکن است شما سه دسته بشوید، یک دسته بگویید سازمان بهتر است، یک دسته بگویید مناظره بهتر است، یک دسته بگویید اصلاً آموزش بهتر است، هیچ کدام از این دو تا خوب نیست! برای من فرقی ندارد، ما هفته‌ای یک ساعت داریم؛ پس هفته‌ای یک ساعت تقسیم به نسبت بکنید روی بیشترین آرای که می‌آورد وقت می‌دهیم.

آقای رضوی: حالا این راجع به - خدمت‌تان عرض کنم - آن گزارش این هست که ما خدمت خواهرها منتقل کردیم که گروه‌بندی بشود، سر گروه داشته باشد و افرادی...

استاد حسینی: ضمناً برای خواهرها گفته بشود ما در خود فرهنگستان هم این

طوری نیست که درس برای همه شخصاً خودمان بدهیم؛ یعنی آموزش یک، دو، سه، اگر چهار بگیرند این چهار، اینها هیچ کدام شان من مدرسش نیستم.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: صرفاً بحث‌های تولیدی هست که من حضور در آن دارم،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بحث‌های تولیدی از قبیل بحث‌های آموزشی نیست.

آقای رضوی: صحیح. حالا ما هم یک توجیهی که کردیم به ذهن مان رسید این

که ...

استاد حسینی: یعنی - مثلاً عرض می‌کنم - بحث «اصول» تولیدی است، بحث

«روش برنامه» تولیدی است، بحث - به حضورتان که عرض کنم که - بفرمایید

«اقتصاد» تولیدی است، بحث «نیروی انتظامی» تولیدی است، همه این‌ها تولیدی

است؛ یعنی در دفتر یک بار گفته نشده و کسی مدرسش نیست و الا ما نمی‌گفتیم.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: حالا - خدمت تان عرض کنم - یک همین که می‌فرمایید ما

دسته‌بندی که خودمان داشتیم، می‌گفتیم «تولید، توزیع، مصرف»، یعنی یکی از

مصارف اجتماعی مناظره هست، ما گفتیم حاج آقا اگر مصرف هست، پس چرا

حاج آقا دارند مشاوره می‌دهند؟ حاج آقا ما هم این طوری تداعی شد برای مان که

شما هم دارید سیستم مصرف را می‌گویید؛ یعنی دارید تولید می‌کنید، می‌گویید که

سیستم مصرف،

استاد حسینی: ما مشاوره‌ای می‌دهیم، وقت روی آن نمی‌گذاریم به صورت یک

تولید جدی،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: من در وقت‌های تهران هم وقت جدی نمی‌گذارم، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: وقت جدی ما روی اصول هست و روش تحقیق.

آقای رضوی: صحیح، خب توزیع هم باید بشود دیگر!

استاد حسینی: خب در توزیعشان... - به حضورتان -

آقای رضوی: سیستم توزیعشان را خودتان تولید می‌کنید.

استاد حسینی: یک مقدار تولید است.

آقای رضوی: مثل این که کس دیگر هم غیر از خودتان نیست که بتواند سیستم

توزیع درست کند برای بحث اصول و ...

استاد حسینی: به هر حال در خدمت تان هستیم.

آقای رضوی: - خواهش می‌کنم! - بعد این راجع به برنامه‌ای که فرمودید، در

مورد محتوا، فرمودید مباحث را به صورت مبادی الان این گزارش مختصرش این

است که ما خدمت خواهرها راجع به بحث همان ولایت فقیه، خود نظر خواهرها این

بود که ۱۸ جلسه بحث آقای میرباقری باشد و بعدش نظام سؤالات خدمتشان ببرند،

این گروه‌بندی آنها ایشان گروه‌بندی کردند و الان دارند بحث را به همین صورتی

که فرمودید انجام می‌دهند، تا بحث «ولایت فقیه» تمام بشود. اما ما پیشنهاد بحث

محتوا را هم دادیم خدمتشان، که سؤال کردند چند سال طول می‌کشد؟ گفتیم منوط

به این هست که خواهرها چقدر فعال باشند،

استاد حسینی: کار بکنند.

آقای رضوی: نشاط داشته باشند، بخواهند انجام بدهند اصلاً محتوا را یا نه. اما

نسبت به خصوصیات خود محتوا شما نظر تان این هست که برای این که خواهرها

بتوانند در مناظره قوی باشند این هست که حتماً سیر تاریخی‌ای که بر بحث‌های دفتر

گذشته خواهرها مسلط بشوند یا این که نه، ممکن است بفرمایید آخرین مباحث را

اگر مسلط بشود، این می‌تواند در مناظره قوی بشوند؟
 استاد حسینی: خلاصه‌ها را در جریان‌ش قرار بگیرند در مثلاً بحث‌های مثل ولایت فقیه و این‌ها خوب است، بحث‌های دیگر را من نمی‌دانم تا چه اندازه این‌ها حاضرند به صورت جدی و فعال بخوانند،
 آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: اگر بخواهند بخوانند که خوب است که الان بخوانند؛ یعنی خوب است مسلط استدلالی به همه بشوند، ولی گمان نمی‌کنم ذهن همه شان این مطلب را بکشد.

آقای رضوی: همین را عرض می‌کنم که اگر بخواهیم از مبادی، یعنی از ضرورت‌ها شروع بکنیم که بحث مثلاً هفته‌ها.

استاد حسینی: هفته‌ای دو جلسه بخواهند بیایند،...

آقای رضوی: بله. این برنامه‌ای که شما فرمودید گفتید که خوب آن هست که این طوری باشد، «مبادی، مبانی، نتایج» باشد و بحث‌ها را از اول تا آخر ببینند؛ چون ممکن است چند سال هم طول بکشد،

استاد حسینی: بله!

آقای رضوی: اما اگر با توجه به این که می‌فرمایید گمان هم نمی‌رود که بتوانند مجموعه خواهرها...

استاد حسینی: این‌ها می‌توانند هم من به نظر من معنی از ناحیه ما روی هیچ چیز نباشد، هیچ، می‌خواهید همه‌اش را بخوانید قوی، بخوانید. ما اصلاً مشورت این طوری بنا نیست بدهیم،
 آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: دو نفرتان می‌خواهید همه‌اش را بخوانید دو نفر بخوانید، ده نفر می‌خواهید بخوانید ده نفر بخوانید،

آقای رضوی: صحیح است.

استاد حسینی: روی آن با حساسیت برخورد نمی‌کنیم.

آقای رضوی: به هر حال یک چیزی که هست این است که الان من مناظره می‌خواهد،

استاد حسینی: برای بعضی‌ها خب...

آقای رضوی: هر روز که می‌گذرد قوی‌تر بشود

استاد حسینی: خب حالا ممکن است یک عده خاصی از آن‌ها بگویند ما حاضر هستیم تخصصی کار کنیم،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: در همه طلابی که می‌آیند قم که همه نمی‌خواهند مرجع بشوند که! یک عده منبری می‌شوند، یک عده مرجع می‌شوند، یک عده‌ای - به حضورتان که عرض کنم که - مدرس می‌شوند، بگذارید آزاد باشند، ممکن است دو نفر، سه نفرشان بگویند که ما حاضر هستیم، شرایطمان هم ایجاب می‌کند،
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: که دوره بحث‌ها را عمیقاً بخوانیم برویم جلو،

آقای رضوی: البته برای مناظره...

استاد حسینی: ۵ نفرشان بگویند که برای مناظره بعداً آن‌ها بشوند هیئت علمی یا بشوند متناظر.

آقای رضوی: البته همه این‌ها را که می‌فرمایید با حفظ وحدت موضوع است که مناظره باشد، این طوری می‌فرمایید؟

استاد حسینی: نه! این را هم آزاد می‌گذاریم.

آقای رضوی: یعنی در واقع شما مناظره را هم به عنوان یکی از کارها می‌دانید.

استاد حسینی: یکی از کارها، یکی از روش‌ها مناظره هست برای پرورش، قطعاً

قوی است.

آقای رضوی: خب باز هم آن حرف...

استاد حسینی: یکی از آن هم آموزش است، یکی از آن هم درس خواندن به صورت آموزشی است، یکی هم اصلاً نه آموزش است، نه مناظره، - مثلاً عرض می کنم - می گوید من مقاله نویسی شروع می کنم؛ یعنی بگذارید یک مقدار یک کم آزاد باشند تا نگویند ما به دلیل مشورت شما، این طوری کردیم. این به «دلیل» را حذف کنند.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: این ضعیف شان می کند، ضعیف شان می کند و طلبکار!

آقای رضوی: صحیح. یعنی...

استاد حسینی: پای کسی را نشکنید عصا بدهید زیر بغلش، بگویند با پای خودت راه برو! تکیه کردن به ما برای چه؟!

آقای رضوی: یعنی...

استاد حسینی: ما نرم اگر رفتیم به خطا می ترسیم برویم، نه، به خطاء نمی روید، از این ترس ها نداشته باشید.

آقای رضوی: یعنی الان خب مجموعه خواهرها یکی دانشجوی پزشکی است، یکی کارمند است، یکی حوزه خواهران کار می کند، یکی مجتمع قضایی کار می کنند،...

استاد حسینی: به همین دلیل متنوع هم کار بکنند، بعد بگویند که ما - مثلاً عرض می کنم - بگویند ما دو تایمان برای آموزش بیشتر صحیح می دانیم برویم کار کنیم، ما چهار تا برای مناظره بیشتر دوست می داریم کار کنیم، گرایش تخصصی ما آموزش است، مدرس می خواهیم بشویم، گرایش تخصصی ما مناظره است، گرایش تخصصی ما سازمان درست کردن است.

آقای رضوی: حالا آن چیزی که پیشنهاد شده تا به حال مناظره بوده، استاد حسینی: بله! مناظره بوده.

آقای رضوی: و این ها هم علت جمع شدنشان، به این نحو این مناظره بوده. استاد حسینی: خب این منوط به این که درست پایش بایستند. الان می گویند مناظره نشده چون سازمانی نبوده، مناظره نشده چون آموزش نبود در کنارش، یک وقت جمع همه آن محور را می گذارند مناظره، می گویند: هم باید کنارش سازمانی کار کنیم هم باید درس بخوانیم بخوانند می گویند نه، جمع نمی شود؛ یعنی ما درباره اینکه حتماً مناظره هم باشد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اهتمامی نداریم.

آقای رضوی: یعنی...

استاد حسینی: طرف باید خودش مشتاق باشد، کار بکند،

آقای رضوی: صحیح؛ یعنی...

استاد حسینی: این که یکی بیاید دو تا نیاید، ۵ تا بیاید ۲ تا نیاید، نشد، آن شد، که نشد که کار!

آقای محسنی: اما در عین حال می توانند مطلوبیت های مناسبی که خود حضرت عالی مد نظر تان هست را بگیرند؟

استاد حسینی: یعنی چه مطلوبیت؟! مطلوبیت برای چه کسی؟ کسی که کار می کند یا کسی که کار نمی کند؟

آقای محسنی: همان کسی که کار می کند.

استاد حسینی: کسی که کار می کند باید مناظره کل شهر را تکان داده باشد.

آقای محسنی: بله! نه اینجا این طوری هی معطل بمانند.

استاد حسینی: یعنی مناظره مگر چیز ساده ای است! مناظره اگر کسی اهلش باشد،

واقعاً شهر را تکان می‌دهد. شما در بحران درگیری ولی فقیه با مخالفانش بگویید نتوانستید در شهر هیچ کاری بکنید! این قیدی که من اسمش را عرضه نمی‌گذرم که! شما اگر چهار متر چهل وار - به اصطلاح - با قلم برداشته بودید، پلاکارد زده بودید، می‌شد جمعیت جمع نشود!

آقای رضوی: در همان بحبوحه...

استاد حسینی: بله! شما تندترین موج‌های اجتماعی به نفع موضوع‌تان آمده، قدرت ایجاد جمعیت نداشتید. نشستید ببینید یک کسی زیر بغل ما را می‌گیرد ما را راه ببرد،

آقای رضوی: بله، همین طور است.

استاد حسینی: حالا چه کار کنیم؟ حالا آن وقت گاهی من خندم می‌گیرد، بنا است امروز عصر بحثی باشد، جزوه‌ای مثلاً گفته شده، این هنوز دست افراد نرسیده، کسی که حزبی کار بکند یا این که اهل مناظره باشد یا دنبال مطلبی باشد که محال است این طوری باشد که! ولو ده صفحه را بکند یک صفحه، که یک صفحه را بشود روی کاغذ کاهی بگذارد به ده تایی شان برساند. به هر حال تحرک نیست در آن‌ها اصلاً!

آقای رضوی: با این وضع این طور که حضرت عالی می‌فرمایید باید به آن‌ها منتقل بشود، بگوییم که [با خنده]

استاد حسینی: منتقل! ببینید همه چیز منتقل می‌شود،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک چیزهایی هم به هر حال باید داشته باشد مثلاً.

آقای رضوی: صحیح، یعنی نوار را گوش می‌کنند به هر حال.

استاد حسینی: نوار را باید گوش کنند!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: باید بدانند که تلخ ترین برخورد به آن‌ها می‌شود!

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: اِدا هم دنبال این نیستیم که حتماً باشند.

آقای رضوی: یعنی اگر مناظره در این سطح که شما می‌فرمایید باید تا به حال

محقق شده باشد،...

استاد حسینی: یعنی به هر حال این‌ها بروند فکر کنند که چه چیزی شان است

که نمی‌شود.

آقای رضوی: یعنی هر چه را که دلیل می‌دانند آن را...

استاد حسینی: آن را دوباره نمی‌خواهد سؤال کنند، تحلیل بیاورند ببینند که آیا

این...

آقای محسنی: دوباره به حاج آقا عرضه کنند! [با خنده]

استاد حسینی: ... درس خارج می‌شود روی آن گذاشت.

آقای رضوی: یعنی می‌فرمایید در عمل...

استاد حسینی: در عمل خودشان را نشان بدهند.

آقای رضوی: یعنی اگر بنا است از برنامه‌هایی که من...

استاد حسینی: بابا! من صریحاً عرض کنم. جا عوض می‌شود ۵ تا تلفن نمی‌کنند،

که به همه اعلام بکنند که چطور شد؛ یعنی یک نفر نگذاشتند، بگویند آقا! مشهدی

حسن شما زنگ بزَن به همه، اطلاع بده، بسیار بسیار ضعیف عمل می‌کنند!

[...] اول کار بنای سرپرستی را ما نه برای آن‌ها نداریم، برای گروه‌های داخلی

فرهنگستان هم نداریم، ما دنبال فرد پرورش دادن نیستیم. تولید مفهوم به عهده بنده

است آن - بحول الله و قوته - کوتاه نیامدیم،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اصلاً دنبال این که تشکیلات درست کنیم، منحل کنیم، عشق

ایجاد کنیم از نصف از افراد، نسبت به همین یا نسبت به خود بنده، من یک نماز جماعتی را هم اینجا حاضر نیستیم بایستم جلو، دعا که سرم می شود بخوانم! یک جلسه دعایی حاضر نیستیم بگذارم؛ برای این که رابطه عاطفی مذهبی ایجاد نکنم،

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: طرف درست اشکال کند، سؤال کند، بحث کند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این جا با استدلال باید برود جلو، نه به این که ما علاقه مندیم، چون فلانی گفت: «مرشد گفته است قبول می کنیم»، مرشد گفته این جا قبول کن نداریم!

آقای رضوی: حالا همین حرف هایی...

آقای محسنی: خودشان هم بچه مرشد می شوند حاج آقا!

استاد حسینی: بله! باید - به حضورتان که عرض کنم - استدلال کنند، باید بحث کنند، درگیر بشوند، - به حضور - یعنی ما که با مخالف که بحث می کنیم که مخالف معتقد به ارزش های ما نیست!

آقای محسنی: درست است.

آقای رضوی: حالا یک مقدار صحبت هایی هم که بنده خدمت تان عرض کردم

یک مقدار همین قضیه مرشد و بچه مرشد بود، البته عذر می خواهم،

استاد حسینی: نخیر.

آقای رضوی: بعد حالا..

استاد حسینی: کلاً این حرف های ما را هم دو ریال قبول نکنید، کار نکنند، اگر دیدند در حرف ها به دردشان خورد بردارند، به درد نخورد، هیچی. ما می ترسیم به خطا برویم و فلان، از این کارها هم رها کنند، نه، نمی خواهد بترسند از هیچی.

آقای رضوی: یعنی اگر بنا هست فعالیت اجتماعی بکنند، مشورتی که از شما یک

بار گرفتند گفتید مناظره، اگر می‌گویید آن وقت خودشان...
استاد حسینی: مناظره اگر یکی از ابزارهای بسیار خوبی است برای کسی که بتواند راه بیاندازد، بسیار بد است برای کسی که نتواند.

آقای رضوی: مثل قضیه شمشیر بله؟ از غلاف بتواند در بیاورد.
استاد حسینی: بله، بتواند بایستند کار کند دیگر! اگر نمی‌تواند کار کند - به حضورتان که عرض کنم - برود دنبال آموزش؛ یعنی نه سازمان می‌تواند بدهد و نه مناظره می‌تواند بدهد، مناظره یک معرکه گیری قوی فنی هست برای یک مطلب، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این یک آدمی می‌خواهید که از او بیاید.

آقای رضوی: حالا...

آقای محسنی: واقعیت به ضرر خودش تمام می‌شود،

استاد حسینی: بله دیگر!

آقای محسنی: که معرکه درست کرده...

آقای رضوی: حالا ما یکی از دوستان هست لیسانس تاریخ دارد در سه سطح مثلاً کفایه می‌خواند، بعد این گفت کجا هستی؟ گفتم فرهنگستان و این‌ها، گفتم گفت معاونت پژوهش شورای مدیریت مشغول کار هستم، گفتم یک کتابی فرهنگستان نوشته، خیلی هم استقبال نشده از آن، این کتاب را نشان دادم گفتم قبل از این که بخوانی ما آن چیز، ۱۲ تا عنوانش را گفتیم مختصراً گفتیم اگر به درد می‌خورد به درد می‌خورد، اگر نه، اصلاً کتاب را نخوان! کل کتاب همین را می‌گوید، بعد ایشان تعجب کرد گفت که خب این‌ها...؟ این حرف خیلی عملی است، این خیلی به درد می‌خورد، این سه تا سه تاها را از کجا آوردید شما؟! اینها خیلی...؟ ما هم داریم از این‌ها، منتها نه این طوری، این نحوه دسته بندی. گفتم پس برو کتاب [...] حالا خواهرها! برای مناظره این طور که شما می‌فرمایید خب باید کار بکنند. اما چیزی

که بنده باید این جا ...

استاد حسینی: هر چیزی آن که می‌بینیم باز، در جزییات غرق می‌شدند،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: مثل اینکه کسی که بگویند نماز بخوان، این قدر در قرائتش می‌ایستد که اصلاً وقت قضاء می‌شود. به آن‌ها می‌گفتیم که عیبی ندارد که بیایید تجزیه ادبی بکنید، در تجزیه ادبی آن، حالا یک داستانی در آمد. گفتیم بیایید تجزیه منطقی بکنید هکذا، گفتیم اصلاً این‌ها را لازم نیست حالا محض رضای خدا، [با خنده] اصل کار؛ یعنی کلاً نتوانستند یک معرکه‌ای بگیرند،
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: که بگویند ما یک - به اصطلاح - مناظره‌ای راه می‌اندازیم بیرون،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: شلوغ و جنجالش می‌کنیم، بعد می‌نشینیم خصوصی تحلیل می‌کنیم که ضعف مان چه چیزی بود، قدرت مان چه چیزی بود. اصلاً راه نتوانستند بیاندازد که بعد بخواهند بنشینند تحلیلش بکنند!
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: گفتیم بیایید بیرون بگذارید. بیرونشان شد از - به اصطلاح - سالن مسجد آمدن در سالن نمایشگاه، [خنده استاد] خیلی واقعاً ترقی کردند!! [خنده استاد]
آقای رضوی: حالا این‌ها هم...

آقای محسنی: جای دیگری نداشتند حاج آقا!
استاد حسینی: این‌ها در مسجد رفعت باید بگذارند، در مسجد محمدیه باید بگذارند، در...؛ جابجایی شهر باید شلوغ باشد، باید در مدرسه‌ها بگذارند،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: باید جا پیدا کنند، بتراشند جا، نه این که یک جایی را بروی برای شان درست کنی، میکروفونی هم بگذاری، ضبطی هم بگذاری، اگر میزی هم می‌خواهد بگذاری، بعد اعلانیه اش هم بچسبانی، نفر هم با کارت دعوت کنی «آقا لطفاً بیا».

آقای محسنی: حاج آقا آنها واقعاً در بعضی کارها زرننگ هستند ولی بحث شورا را که راه انداختند، بعد شورای هر مدرسه راه انداختند، شهردار هر مدرسه راه انداختند، یک شور و برنامه‌ای راه انداختند به هر حال.

استاد حسینی: نه، بلکه بالاتر از راه انداختن شان عناصری که همراهشان دارند کار می‌کنند می‌دانی چیست؟!
آقای محسنی: بله!

آقای رضوی: حالا حاج آقای می‌فرمایید در این...؛ حالا ما که رابط هستیم، ما می‌خواهیم خدمت خواهرها خب این بحث را گوش می‌کنند، بعد...
استاد حسینی: هر کاری که خودشان می‌دانند که می‌توانند بکنند این کار را بکنند هیچ کاری را من توصیه نمی‌کنم. اگر هیچ کاری، هیچ کدام از این کارها را هم نمی‌توانند بکنند، راحت خیال خودشان را تخت کنند. در خانه مشغول زندگی باشند.

آقای رضوی: خب این چیزی که من برایم الان با توجه به این صحبت شما دستگیرم می‌شود، یعنی این که شما برنامه مناظره را گفتید.
استاد حسینی: و شدیداً هم زیر سؤال بردیم آن را فعلاً، اگر - به اصطلاح - این طور عمل کردن باشد، شدیداً زیر سؤال است،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی ما نمی‌خواهیم چیزی را به زور ایجاد بکنیم،
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: کاری را که می‌توانند انجام بدهند.

آقای رضوی: یعنی می‌فرمایید این طور که من طی برنامه‌هایی که اعلام فرمودید، یعنی می‌شود کار خیلی بزرگی را هم ...

استاد حسینی: آقا! شما در جامعه، دیگران هم دارند کار می‌کنند، شما می‌گویید ما از نظر اطلاعات یک اطلاعات درست‌تری را داریم، دیگران می‌آیند از من سؤال می‌کنند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: شما آخر این جا اگر از نظر خط سیاسی بخواهید با آقای شرعی دوست نیستید، ایشان یک خط ندارد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خواهرها نمی‌توانند از قدرت آقای شرعی، آقای راستی، این‌ها دیگر؛ یعنی شما خیال می‌کنی کسانی که کار می‌کنند بیشتر از این کانال‌ها را دارند.

آقای رضوی: صحیح. از لحاظ قدرت فکری و علمی هم که خیلی...

استاد حسینی: بنیه‌شان ضعیف‌تر است، در عین حال می‌توانند کار کنند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: من به نظرم می‌آید بدترین چیزی که برای این‌ها هست که این‌ها را متوقف می‌کند، وابستگی است،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: این است که تضعیف کرده قدرت عمل‌شان را.

آقای محسنی: وابستگی به چه چیزی؟

استاد حسینی: نه به خودمان! این وابستگی باید کنار برود،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۸
کد جلسه: ۳۴۰۶	تاریخ جلسه: ۱۳/۰۷/۱۳۷۸
کد صوت: ۴۷۷۶	مدت جلسه: ۲۲ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۳۴۲۸

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱): <	حسن ناصری
کنترل نهایی: <	احمد عابدی
تصحیح (۲): <	محمد فقیهی
مقابله: <	اسماعیل حق شناس
تصحیح (۳): <	محمد فقیهی
صفحه آرایی: <	محمد فقیهی

جلسه هجدهم

استاد حسینی: بسم الله الرحمن الرحيم ، اللهم صلي علي محمد و آل محمد

به نظر می‌رسد که ابتدائاً سالن استانداری از طریق وکلای شهر، درخواست شود - به حضورتان که عرض کنم - و گذاشته شود، - به اصطلاح - سیاسی شود بهتر، نشد، دانشگاه آزاد. نشد، این در اولویت است همین طور، دیگر تضعیف آن وقتی می‌خواهید بکنید و لکن حتماً وقتی در سالن استانداری بگذارید خیلی بهتر است. یعنی به گونه‌ای باشد که سیاسی باشد، شیوه، شیوه سیاسی است اصولاً، مناظره را بدانید هر چند موضوع، فرهنگی است، کار، کار فرهنگی انجام می‌گیرد، ولی در آن تحقیر و تجلیل از مطالب واقع می‌شود. و اجازه؛ یعنی نهایت این است که سیاسی مقنن است، سیاسی - به اصطلاح - ببینید! سیاسی غیر مقنن خیلی بد است در آن هرج و مرج پیدا می‌شود. این، سیاسی مقنن است در یک بحث کار فرهنگی، سیاسی انجام می‌گیرد، و لکن خیلی منظم، خوب آن جا که باشد خیلی بهتر است

آقای رضوی: صحیح، این راجع به زمان و مکانش اما راجع به این که چگونه

برگزار ...

استاد حسینی: زمانش هم وقتی بنا شد سالن استانداری باشد ابتدائاً ماهی یک بار باشد تا استقبال شدید شود، شود ۱۵ روزی یک بار، نه این که ۱۵ روز یک بار باشد بعد مجبور شوید عقب گرد کنید.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بفرمایید!

آقای رضوی: نسبت به این که حالا موضوع مناظره چه چیزی باشد، این موضوعات را تقریباً پیشنهاد دادند؛ یعنی ۷، ۸ مورد را، بعضاً هم خواسته‌اند همین موضوع جامعیت و عدم جامعیت دین ادامه پیدا کند راجع به این که چگونه مدیریت و صاحب نظر علمی، خانم‌ها مناظره را برگزار کردند، نسبت به خانم ساجدی اکثریت خوب و عالی بود. نسبت به بیان‌شان و این‌ها، نسبت به خانم صدوق یا ضعیف بوده یا اکثراً خوب و متوسط بوده، نسبت به خانم پیروزمند هم باز اکثراً خوب و متوسط بوده، نسبت به خانم یقطین هم اکثراً خوب و متوسط بوده، نسبت به آقای محسنی اکثریت عالی بوده، نسبت به آقای پیروزمند اکثریت خوب و عالی بوده، نسبت به خانم همتی هم اکثراً خوب و متوسط بوده، این از لحاظ اجرای مناظره بوده، از لحاظ کیفیت خود ارائه بحث، بعضاً گفته شده ظاهراً خیلی علمی نبوده، یعنی خیلی پر بار، نه مخالفین نه مدافعین، به صورت علمی استدلال‌ها را طرح نکردند. دیگران گفتند، حالا آقای محسنی هم خودش حضور دارند، ایشان هم نظر بدهند.

استاد حسینی: نه، سعی کنند که در عین حالی که محیط و شرایط را سیاسی قرار می‌دهند، ولی علمی ساده؛ یعنی مطلب علمی را بتوانند با مثال، روان و ساده به جامعه تحویل دهند.

آقای رضوی: بله، درست است. بعضاً گفته بودند که خشک بوده یا روان نبوده،

یا...

استاد حسینی: نه روان باید باشد

آقای رضوی: یا استدلالهایش ...

آقای محسنی: نقد عمده‌ای که داشت همین بود.

استاد حسینی: بله،

آقای محسنی: یعنی بحث، راحت و روان و مستند و مثال این‌ها نبود

استاد حسینی: نه، این کارها را باید انجام دهند، مخصوصاً فرض کنید که یک ماه وقت دارند، تا مناظره آینده، یا سه هفته وقت دارند، در این سه هفته کار کنند. بعد تبلیغش را هم خوب کنند؛ یعنی اگر در سالن استانداری قرار شد، کاری کنند که آن جا، جا دیگر نباشد، در مدرسه عالی قضایی، دانشکده ها، این‌ها ۴ تا پوستر چسبانند، حالا پوستر که نه ولیکن چهار تا مقوا فرستادن، به هر حال مطلب را راه بیندازند.

آقای رضوی: صحیح، از لحاظ تبلیغ

استاد حسینی: تبلیغ

آقای رضوی: از لحاظ خود محتوا ظاهراً بر می‌گردد به شیوه تمرین، شیوه‌ای که تمرین دارد، شیوه تمرینشان بیشتر فکر می‌کنم به خاطر این که یک مقدار...

استاد حسینی: ببینید! این‌ها باید طوری شوند که برای خودشان هر روز روزی دو ساعت مناظره بگذارند، خودشان، یعنی چه؟ یعنی لزومی ندارد که ده نفر بیایند، لزومی دارد که دو نفر مثل مباحثه که می‌کنند، بنشینند با همدیگر مباحثه مطلب موافق را بکنند دو نفر دیگر هم باز مباحثه کنند؛ یعنی خودشان را مرتباً مثل ورزشکاری که، ورزشکار روزی که تیم‌ها می‌روند برای مقابله، آن روز که بلند نمی‌شود فوتبال دست بگیرد برود داخل زمین که! صبحش، ظهرش، شبش، همه‌اش زندگی‌اش در چه چیزی هست؟ در بازی کردن - به اصطلاح - فوتبال است آن وقت

بعدش می‌رود برای داخل میدان

آقای رضوی: صحیح،

استاد حسینی: این فکر می‌کنم غیر از تعداد تمرین، آن شیوه‌ای هم که هست که البته به نظر بنده می‌رسد آن ابزارهایی که قبلاً فرموده بودید، این که لغت، اصطلاح، دستور زبان، منطق، احتمال دارد این‌ها را خوب به کار نگرفتند؛ یعنی اگر لغوی و اصطلاحی و این‌ها با خود همان متن

استاد حسینی: و بعد تمثیل، مخصوصاً تمثیل‌های فنی عدد و آمار گفتن، حساس بودن برای پیدا کردن راههای تفهیم

آقای رضوی: درست است. ما در جزوه شبیه آن جزوه شبکه گفتگو، این جا گفتیم که یک سخن گو باشد دو نفر به عنوان کارشناس کمی و کیفی در اختیارش باشند

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضوی: یعنی اگر هم یک خانمی می‌خواهد مناظره تمرینی هم داشته باشد، دو تا کمک کار داشته باشد

استاد حسینی: یا لااقل خودشان یک مباحثه، امروز، روز سه شنبه است خانم ساجدی با یکی از دوستانش که کار روی کمیت می‌کند، مباحثه دارد، آقای رضوی: درست است این آمار و ارقام ...

استاد حسینی: فردا روز چهارشنبه هم دیگر با او مباحثه ندارد، با یک دوست دیگرش که روی کار کیفی، یعنی استدلال هست، با او مباحثه دارد به حضورتان عرض کنم - پس فردا خودش با رقیبش مناظره دارد، پسین فردا، یعنی مرتباً هر روز جزء اشتغالشان باشد. این قدر مطالعه در این باره می‌کند؛ یعنی خودش را مرتباً تمرین می‌دهد، تهیاء می‌دهد، کار می‌کند، روزی دو ساعت از وقتش را، تا رسید سر یک ماه، مثلاً بیست روز دیگر می‌خواهد در سالن استانداری روبروی، مثلاً ۲۰۰

نفر که احياناً داخلشان افرادی هم هستند که منتظرند که - به اصطلاح - هورا بکشند، کف بزنند، سوت بزنند، مخالفت کنند، صلوات بفرستند، تکبیر بگویند؛ یعنی همه این چیزها را هم باید ...

آقای رضوی: پیش بینی کرد.

استاد حسینی: ملاحظه و پیش بینی کرد دیگر! حالا شما سعی می کنید که این چیزها را پیش نیاید اصلاً سعی هم می کنید که بگویید که نظرها را مقنن تحویل بدهید. ولی این طوری نیست که شما اگر برنده شدید همه بشوند گچ، هیچ چیز نگویند که! شما باید کاری کنید که - به اصطلاح - نبض اداره آن جا را کاملاً خوب به دست بگیرید.

آقای رضوی: صحیح، حالا تقریباً به خاطر آن؛ یعنی هر چه فضای سیاسی بازتر می شود و محیط و زمان و مکان و مدعوین بیشتر می شوند و فضا هم مهمتر می شود از لحاظ سیاسی از لحاظ علمی هم خیلی حساسیت پیدا می کند.

استاد حسینی: بله،

آقای رضوی: حالا اگر ما رفتیم در استانداری، ولی باز خانمها همین نحوه مناظره؛ یعنی مقدار...

استاد حسینی: خب دیگر بعدش مجبورید، اول این که مناظره را آن جا که شما بردید، آرام آرام مناظره کشیده می شود به کار جامعه ولزومی هم ندارد که حتماً همین خانمهایی که می گوید، دنبال بحث پیدا کردن باشند، متدینین هم می آیند دنبال مطلب می گردند. فرض کنید مثل آقای میر باقری هم حاضر می شود وارد مناظره بشود

آقای محسنی: حتی یکی از خانمها آخر جلسه انتقاد کرد که سطح علمی پایین بود ما دعوتش کردیم گفتیم بیا کمک کن.

استاد حسینی: بله، زنده باد! یعنی شما بیاید داخل میدان؛ یعنی به عبارت دیگر،

شما نگویید که ما شمشیر باز اصلاً نمی‌آوریم، چون خودمانی‌ها شمشیر زدن بلد نیستند، یعنی چه؟ شما اگر بلد نیستند دفاع کنید از ولی فقیه، میدان درست کنید لااقل دیگران بیایند دفاع کنند.

آقای رضوی: یکی هم راجع به مدعوین، چون که در این مناظره مدعوین هم دبیرستانی بود، هم دانشجو، هم کارشناس، هم فوق لیسانس، یعنی هم لیسانس، ... استاد حسینی: خب این‌ها همین که آرام آرام سنگین شد، طبقه‌بندی می‌شود، بگذارید شما یک خرده در استانداری بگذارید یک خرده شلوغش کنید، یک مقدار جمع شوند. بعد کلاسه‌بندی‌اش کنید، بگویید حالا مناظره برای کارشناس‌ها در استانداری، مناظره برای دانشجو‌ها؛ یعنی شکل مطلوبش، در دانشگاه آزاد، مناظره مثلاً برای دبیرستانی‌ها سالن مفید

آقای رضوی: یعنی طبقه‌بندی از لحاظ سنی و اطلاعات

استاد حسینی: طبقه‌بندی سنی، اطلاعاتی، قدرت سیاسی، این بعداً انجام می‌گیرد. اول کار می‌آن را می‌بریم یک جایی که - به اصطلاح - قدرت جلب نفری آن بالا باشد، بعد وقتی باید آن طوری شود که جا نباشد آن جا، وقتی آن جا جا نشد آن وقت دیگر بگوییم که حالا بیایید بکنیدش اول دو قسمت از دانشجو و کارشناس با هم در استانداری، فرضاً دبیرستانی‌ها بروند برای سالن گلزار شهداء بعدش مثلاً باز در استانداری اگر جا نشد، آن وقت بگویید دانشجو‌هایش حالا دانشگاه آزاد، کارشناس‌هایش فقط آن جا؛ یعنی طبیعتاً کلاسه‌بندی‌اش را بعد می‌کنید.

آقای رضوی: درست است، اعلام موضوع هم می‌شود کرد که مثلاً برنامه‌ها را مسلسل اعلام کنید.

استاد حسینی: در عین حال، نه اعلام موضوع اگر مسلسل کنید، شاید - به اصطلاح - بگذارید ملت اعلام موضوع را هم؛ یعنی به مشاوره عمومی بگذارید آقای رضوی: صحیح، البته بعضاً همین جامعیت و عدم جامعیت را موضوع خوبی

دانستند و بحث را هم کافی ندانستند، خواهان ادامه‌اش هم شدند اما موضوعات دیگر هم در کنارش بوده که پیشنهاد دادند احیاناً، همین‌هایی که عرض کردیم خدمتتان،

آقای محسنی: حاج آقا، در مجموع بالاترین حسن این کار جرأت خود باوری خود خواهران بوده، که بالاخره در عینیت وارد شدند و همت کردند، اصل مناظره را راه اندازی کردند، حتی پیش بینی نمی‌شد این قدر جمعیت بیاید، اما دو سه نفر از این خواهران به نظر می‌رسید با همان احساس مسئولیت و روحیه بسیجی شان خیلی‌ها را جمع کرده بودند، یکی‌اش خانم منصوری بود که ایشان رفته بودند یک ابتکاری به خرج دادند از ناحیه بسیج خواهران، از این پایگاه از آن پایگاه، بالاخره از رده‌های مختلف مسئولین و فرماندهی رسیده دست مسئول اصلی، مسئول اصلی خوب تصمیم گرفته، گفته این برنامه را ابلاغ کنید به نواحی مختلف بسیج خواهران در قم، و این که می‌گویند سالن فرمانداری، گروه مقاومت فرمانداری برای خواهران آمدند که پیشنهاد دادند

استاد حسینی: خیلی خب، پس بنابراین

آقای محسنی: ولی بسیج خواهران ...

آقای رضوی: مسئول پایگاه بسیج هستند، خیلی خب، پس نیازی شما ندارید به این که از طریق وکلای شهرداری امضاء کنید.

آقای محسنی: بله خودشان اصلاً می‌توانند تنظیم کنند.

استاد حسینی: خودشان می‌توانند ببرند آن جا

آقای محسنی: و خیلی از این افرادی که آمدند تقریباً قریب ۵۰، ۶۰ نفرشان شاید همین حالت بوده.

استاد حسینی: خیلی خب، ...

آقای محسنی: یکی دیگر خانم حسینیان؛ یعنی خانواده آقای حسینیان، ایشان با

این که یک روز قبل یا همان صبح مناظره بود به او خبر داده بودند و همان عصر هم جشن بوده در مدرسه شان، چون مثل این که معاون آموزشی دانش‌سرای، جایی هستند، تنظیم کرده بود یک اتوبوس از این خواهرها را برداشته بود آورده بودند برای مناظره، حتی اتوبوس هم از وزارت آموزش و پرورش برداشته بودند آورده بودند، آن وقت از بین خواهرها نمونه خواهرها پیدا می‌شوند که به تدریج همت می‌کنند کار جلو می‌رود.

استاد حسینی: بله، ایجاد دلهره و ترس می‌کند برای بعضی از خواهرها، هم ایجاد یک مقدار جدی تر شدن، نشاط داشتن، حرکت کردن. آقای رضوی: درست است، بعد این مطلب که فضای سیاسی آن این است که یک سری از خانم‌ها که با هم جمع بودند مخالف بودند نسبت به برگزاری این مناظره، اصلاً به عنوان مهمان هم نیامدند.

استاد حسینی: عیبی ندارد، یعنی به عبارت دیگر خواستند با احتیاط مطلب را تلقی کنند، گفتند شاید بدتر شد.

آقای رضوی: بله، یکی این مطلب که آقایان هم احیاناً ممکن است نظراتی داشته باشند نسبت به مثلاً آن‌هایی که دعوت کردیم، پیشنهاد آقای محسنی هم بود من هم به عنوان این که معاون صدا و سیما هم...

استاد حسینی: اصلاً ما نمی‌خواهیم آرام آرام راه بروند، می‌خواهیم هر چه می‌شود شما میدان دویدن را بیشتر فراهم کنید حتماً طرفدارهای آقا در آن‌ها افراد پر کاری پیدا می‌شوند که اگر هر جا مطلب باشد پیدا کنند بیاورند بایستند میدان.

آقای رضوی: یک صحبت این است که خانم‌هایی که حتی این مناظره را برگزار کردند در این هفته اخیر که می‌خواستند مناظره بکنند روزی سه چهار ساعت فقط فعالیت فکری و کاری کردند، بعد یکی از خانم‌ها که دیروز جلسه خدمت شان بودیم گفتند اگر بخواهید مناظره بعدی این طوری باشد من نیستم روزی سه چهار

ساعت خانه و زندگی بعد می‌ریزد، بعد عرض کردم که اگر برنامه ریزی باشد و عموم هم ببینند شما رهبری می‌کنید دیگران را، ...
استاد حسینی: بله احسنت! دیگران کار کنند.

آقای رضوی: یکی رهبری می‌کنید یکی هم این که خودتان هم منظم اگر در طول زمان کار کنید وقت می‌کنید. نه شما بگویید، که وقتی کار وسیع شد کارهای متعدد در آن جا پیدا می‌شود که بعضی از کارهایش را شما می‌کنید بعضی از کارهایش را هم خانم‌های دیگر می‌کنند
آقای رضوی: بله این تقسیم کار می‌شود.
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: شما هدایت می‌کنید؛ یعنی هر کدام از آن خانم‌ها ان شاء الله بعداً باید بتوانند مناظره‌ها را رهبری کنند.

استاد حسینی: یعنی مناظره یک مجموعه کار سازمانی بعداً پیدا می‌کند از نظم نفرات که ببینند چه طوری بنشینند، آرایش جلسه تا آرایش کلیه خصوصياتی که باید آن جا طرح شود، خود همین درست کردن نظام سوالات، پخش کردنش، جمع آوری کردنش، دسته‌بندی کردنش، - به اصطلاح - تأمین منابع اصلاً، آمار چطوری می‌توانیم برای این مطلب جمع کنیم این‌ها کارهایی است که هر کاری را یک عده می‌توانند انجام دهند، مطالب کیفی چه طوری می‌توانیم جمع آوری کنیم پس بنابراین - ان شاء الله تعالی - تمثيل، به صورت تصویری برای دبیرستان است، نموداری برای از دانشجو به طرف کارشناسی است. که زبان اصطلاحی است کاملاً معلوم می‌شود که این عده حرفی را که می‌زنند می‌توانند مستدل از آن دفاع کنند.

آقای رضوی: صحیح، راجع به اختلافی را که حاج آقا فرمودید بعضاً آقایان...

استاد حسینی: مخالف هستند بعضی از آقایان؟

آقای رضوی: اشکال کردند، آقای میرباقری مثلاً مخالف بود، بعد به من هم

گفت که برای آخرین بار باشد که من را دعوت می کنید.

آقای محسنی: [؟ ۱۵:۱۲]

استاد حسینی: آن زن کدیور چه کسی است؟

آقای محسنی: جمیله کدیور

استاد حسینی: جمیله کدیور را یک کسی باید بنشانند سر جایش یا نه، یا بگذاریم آزاد باشد همین طوری؛ یعنی این که ما بگذاریم جمیله کدیور حرف بزند احیاناً به فرض محال، خاتم صفاتی نتواند جوابش را بدهد، من از کجا می دانم که خانم صفاتی می تواند جواب جمیله کدیور را بدهد؟ خب شما چه کار می خواهید بکنید؟ شما می آید - به اصطلاح - می شکنید او را؛ یعنی این به عبارت دیگر، تحقیر می کنید کسی را که حمله به ولی فقیه می کند و - به اصطلاح - پرو شده، بد است این کار؟

آقای رضوی: بله، اصل این هست نه جنسیت

استاد حسینی: بله، اصل این است که ایشان طوری شود که دیگر رویش نشود در هیچ دانشگاهی حرف بزند.

آقای محسنی: ولی خب رعایت سیر مرتبه هم خوب است حاج آقا، اگر از زن ها پیدا شود در سطحی که بین خودشان باشد. ولی اگر کار رسید به جایی که هیچ کس پیدا نشد، مردان می آیند.

استاد حسینی: به عبارت دیگر ما اگر زنانی را داشتیم که می توانستیم زن ها را جواب محکم بدهند، که من بعید می دانم، حتماً آنها مقدم بودند در مناظره جلسه آنها هم بهتر بود که اصلاً از مردانه مطلقاً تفکیک کنید. اما اگر شما، می بینید که آنها دارند مثلاً جمیله کدیور را در این دانشگاه و آن دانشگاه و این طرف و آن طرف دعوت می کنند،

در همین دانشگاه فاطمیه ظاهراً دعوتش کرده بودند، از یک غفلت کوچک

مدیریت استفاده کرده بودند، فوری این را دعوت کرده بودند. در دانشگاه‌های مختلف نباید ایشان گل کند که حرف دارد، باید معلوم شود که حرف ندارد. بشکنند این‌ها را.

آقای رضوی: یا بعضی آقایان یک نظر داده بودند که مثلاً حتماً چیز باشد، موقعی که آقایان در نهایت ضعف قرار گرفتند، خانم‌ها حضور اجتماعی پیدا کنند؛ یعنی اول برای مناظره، آقایان باید بیایند جلو، نه خانم‌ها

استاد حسینی: من به نظرم می‌آید ما این محدودیت‌ها را که می‌گذاریم، اولین قسمت و اولین اولویت را قرار بدهیم بینیم وضعیت جامعه مان چه طوری هست. در این وضعیت جامعه تصمیم بگیریم نه در یک جامعه دیگر.

آقای رضوی: صحیح، یا نسبت به شرایط محیطی گفته‌اند از لحاظ اقتصادی امکانات نیست از نظر سیاسی استقبال سیاسی نیست، گفتند، یعنی شرایط محیطی هم برای مناظره مساعد نیست.

استاد حسینی: حالا وقتی در استانداری باشد البته یک چیزهای از آن اساساً از دوش شما برداشته شده است دیگر یک تصمیم گیری‌هایی را بدهید به بسیج بسیج اگر می‌خواهد مختلط باشد، مختلط باشد اگر می‌خواهد زنانه باشد، زنانه تنها باشد، اگر می‌خواهد مردانه تنها باشد، مردانه تنها باشد؛ یعنی این چیزها را بدهید اختیار را به بسیج

آقای رضوی: بعد هم یک مطلب دیگر هم که فرمودند این که می‌گویند باید وضعیتی که حاج آقا ترسیم کردند آن را مورد ملاحظه قرار دهیم، استراتژی‌ای که حاج آقا برای دفتر تعیین کردند حاج آقا توصیه‌ای که کردند، باید آن را عمل کرد، نه به این کارهای مناظره و این چینی، خانم‌ها باید لجستیک کنند آقایان را در خانه و تربیت نیرو کنند برای فرهنگستان و بعد هم در ویراست مباحث مثلاً احیاناً تدوین مباحث کنند.

استاد حسینی: یک عده‌ای هم آن کار را کنند و لکن این معنایش این نیست که این کار، کار مهمی نباشد. یعنی چه؟ یعنی به عبارت دیگر ممکن است یک کسی بی‌رو در بایستی از او نیاید که بیاید در مناظره، خوب نیاید. اشکالی ندارد و لکن مناظره، بستر تولید مطالب فرهنگستان در خود جامعه هست؛ یعنی پیدایش موضع‌گیری و حساسیت نسبت به موضوعاتی که فرهنگستان کار کرده روی آن.

درست است حاج آقا این را بیشتر توضیح بفرمایید

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر شما فکر را نمی‌توانید تبدیل به اخلاق کنید مگر به وسیله «جهت‌گیری، موضع‌گیری، مجاهده» یعنی نمی‌تواند یک فرهنگ وارد در جامعه شود به صرف این که شما یک عده مخصوصی را بیاورید تدریجی پرورش دهید.

آقای رضوی: بله، به خاطر همین هم گفتند که خیلی از موضوعات مثل مناظره، بانک اطلاعات، نظرشان این است که زمانش بعد از انقلاب فرهنگی است؛ استاد حسینی: بله، خوب، گاهی هم می‌شود بالعکسش را گفت، یعنی گفت به وسیله همین هاست که امکان انقلاب فرهنگی پیدا می‌شود؛ یعنی این جا مطلب الان خیلی درست شده و لکن اصلاً به جامعه تزریق نمی‌شود، هیچ!

آقای رضوی: می‌گویند چون که مفاهیم، مفاهیمی است که در سطح حکومتی کارآیی دارد، باید حتماً هم ابزارهای حکومتی به کمکش بیاید و الا اگر حکومت پشتیبان آن نباشد حتی مناظره‌اش هم موفق نمی‌شود

استاد حسینی: مناظره می‌تواند از هر بستر اجتماعی استفاده کند برای حضور، وقتی حضور درست شد، بستر درست می‌شود تا حکومت هم کمک کند

آقای رضوی: بله، یعنی شما برعکسش را می‌گویید

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: آیا می‌شود از این مسئله استفاده کرد که حضرت عالی الان راه

انتقال و مفاهمه با جامعه را همین مناظره مناسب می‌دانید.

استاد حسینی: مناظره، بانک اطلاعات، این چیزها است راه انتقال،

آقای محسنی: بله، آن وقت با این تغییرها و برنامه‌ها...

استاد حسینی: یعنی به بخش تخصصی از طریق چه چیزی؟ بانک اطلاعات،

آقای محسنی: بانک اطلاعات

استاد حسینی: یعنی آرایش اطلاعات، برای غیر تخصصی و عمومی به وسیله

مناظره.

آقای محسنی: آن وقت استفاده می‌شود این طوری کرد ما اگر بخواهیم تنظیم

مناسب تری برای آموزش مباحث دفتر هم داشته باشیم باید آن را به خدمت بگیریم

برای...

استاد حسینی: مناظره

آقای محسنی: مناظره هم

استاد حسینی: یعنی شما ایجاد فضا که کنید، بعد یک مقدار اگر کار شما جداً

جلو برود؛ یعنی بتوانید پاسخ گو باشید، مردم می‌آیند می‌گویند این پاسخ‌ها از کجا

است؟

آقای رضوی: بله، یکی از خانم‌ها که ظاهراً مسئول یکی از پایگاه‌ها بوده یا احیاناً

قبلاً دبیر بوده، گفته اگر راه‌هایی دارید برای مسلط شدن بسیجی‌ها، ارائه دهید. ولی

مناظره از لحاظ کیفی و علمی اگر پاسخ گو باشد می‌تواند استقبال عمومی را برای

آموزش داشته باشد.

استاد حسینی: بله احسنت! این اگر نباشد در یک دور ضعف پیدا می‌کند، دور

دوم یک عده حساس می‌شوند می‌آیند حتماً به قوت می‌رسانند آن را.

آقای رضوی: انشاء الله

استاد حسینی: پس از به وقت رسیدن آن وقت پیگیری‌ها آغاز می‌شود

آقای رضوی: استقبال برای آموزش هم پیدا می‌شود

استاد حسینی: بله، احسنت!

آقای رضوی: یعنی ببینید که این‌ها یک نحوه ورودی، خروجی‌ای دارند،

استاد حسینی: که دیگران ندارند

آقای رضوی: یک نحوه آرایش مطلب دارند برای مخاطبین که دیگران ندارند

استاد حسینی: احسنت!

آقای رضوی: الان چون که ضعیف هست می‌خواهند که مثلاً آقای مکارم

شیرازی و آقای قرائتی و آقای کی باشد [قطع صوت]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۹
کد جلسه: ۲۴۰۷	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۷/۲۷
کد صوت: ۴۷۷۷	مدت جلسه: ۲۷ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۳۵۷۹

شناسنامه تدوین

پیاژه:	خانم م. یکتایی
تایپ:	حسین فاضلی
تطبیق:	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه آرایی:	حسن ناصری

جلسه نوزدهم

آقای رضوی: ... این مناظره خواهران مصمم شدند براینکه ماهی یک مناظره بیرون داشته باشند. این موضوعاتی هم که حالا از ما خواستند و خودشان هم فکر کردند همین موضوعات، یعنی سر فصل‌های کتاب آقای پیروزمند هست. سیر منطقی دارد، همان سیر منطقی را به عنوان موضوعات مناظره قرار بدهند. مثلاً مدیریت و ولایت اولین بحث هست، یعنی ولایت یعنی چه اصلاً؟ آیا به معنی حضانت و نگهداری از ایتام و مهجورین هست یا به معنای مدیریت در سطح توسعه هست؟ که این را موافق و مخالف بحث می‌کنند. و بعد هم ولایت دینی، - مشروعیت - ضرورت ولایت فقیه، بعد هم اطلاقش و بعد هم نقش مردم. همان سیر آن چیزی که هست. حالا که اگر، البته متناسب با پیشنهادی، پیشنهاداتی هم که بسیج مراکز دیگر دارند، این قابل انعطاف هست، موضوعات می‌تواند تغییر پیدا بکند. و منتهی خواهرهای دیگری هم که یک سطح پایین تر از اینها هستند، ما پیشنهاد دادیم خدمت خواهرها که اینها هم به صورت مستمر حضور فعال داشته باشند در مناظره‌ها،

آموزش ببینند همان، همان موضوع را. و برای خودشان هم مناظره داشته باشند، منتهی اگر هم توانمندی پیدا کردند با تمرین‌ها، حتی آنها هم مناظره بگذارند بیرون، این خواهرهایی که در آن سطح نیستند. حالا از لحاظ پیگیری هایش و اینها هم، آخرین اطلاعی که بنده پیدا کردم این هست که بسیج خواهران، هزینه‌های فیلم برداری، پذیرایی، - خدمتتان عرض کنم - مکان، تبلیغات، همه اینها را به عهده گرفتند، و در عین حال گفته هیچ چیز به اسم ما نباشد.

استاد حسینی: خیلی خوب.

آقای رضوی: حتی نسبت به جا هم سؤال کردند، خواهرها فرموده بودند ۲۰۰، ۳۰۰ نفر جا داشته باشد، من عرض کردم بفرمایید به بسیج که هر چقدر بزرگتر باشد مکان و جای، جای برای افراد بیشتر داشته باشد، آن برای مناظره بهتر هست. که این از لحاظ چیزش، از لحاظ اجرایش و اینها. فقط می‌ماند خود مسأله مناظره. که مناظره ادعا می‌شود که یک شیوه نوینی هست این نحوه مناظره، حالا اخیراً هم مناظراتی در تلویزیون، در، حتی در قم هم راه افتاده. آقای مصباح در قم مناظراتی دارند با آقایان دیگر، و خود پژوهشکده، همان پژوهشکده امام خمینی، موسسه امام خمینی در تلویزیون مناظره پخش می‌کند. ما گفتیم حالا این مناظره ای که عنوانش هست مناظره سازمانی، این، اینکه این سازمان شکل بیشتری پیدا کند، بله، رؤسش مشخص شده، که هیئت علمی باشد و هیئت مدیره و طرفین موافق و مخالف و ناظر و بعد هم حضار. اما هرچه جلوتر می‌رود، برای اینکه این سازمان بیشتر شکل بگیرد، سؤالاتی برایمان پیش می‌آید راجع به قواعد برگزاری مناظره، که حالا طرفین مناظره چه قواعدی را باید رعایت بکنند که هم در عین اینکه مناظره جذابیت خاص خودش را دارد، بتواند هیئت علمی، هیئت مدیره، نمره بدهد و براساس همان قواعد، مخاطبین هم قضاوت کنند. یک چیزی شبیه مثلاً فوتبال. اما اینکه چگونه این چیز بشود، این جای تأمل دارد، ما خدمتتان استفاده کنیم.

آقای رضوی: خیلی هایش بله، در عمل مشخص می‌شود و اینها، استاد حسینی: الان عرض می‌کنم چطور می‌شود.

آقای رضوی: بله. این در مورد این قواعد هست. در مورد محتوای علمی هم فرموده بودید که برای شروع بیان، با بیان علمی ساده برگزار بشود؛ یعنی به صورت علمی و ساده مناظره برگزار بشود. یکی هم تمثیل آورده شود، تمثیل‌های تنبیهی. این نحوه دست‌یابی به این که بله، یک مستندات هست، خواهرها یک کارهای تبعی می‌کنند، چندتا منبع پیدا می‌کنند، از این منابع از فهرستش استفاده می‌کنند، آن چیزی که مربوط به موضوع باشد استخراج می‌کنند با هم مباحثه می‌کنند. اما آن چیزی که بیشتر سؤال روی تمثیل هست، که نحوه دست‌یابی به این تمثیل‌ها بیشتر چه طوری می‌تواند باشد. که بنده هم نتوانستم خیلی زیاد خدمتشان، چیز، مطلبی داشته باشم. یکی هم حالا آن راجع به بعد هست، موضوعات مناظره هست، که آیا همین موضوعات به این صورت خوب هست یا اینکه نه این یک قواعد خاصی دارد؟ مثلاً بعضی‌ها می‌گویند شاخصه بگذارید برای انتخاب موضوع، یکی از شاخصه هایش مثلاً مطرح بودن باشد. اینکه موضوع موضوع روز باشد. یا یک شاخصه‌های دیگری ممکن است مورد نظرشان باشد. مطلب آخر هم در مورد پیگیری‌هایی که لازم هست در مورد گسترش کمی و کیفی مناظره، از جمله آن پیگیری‌ای که خدمت آقای شرعی داشتیم، این را چه می‌فرمایید؟ یعنی قید خاصی به آن می‌زنید حاج آقا؟

استاد حسینی: نه، شما...

آقای رضوی: یعنی تهران باشد، قم باشد، شخصیت‌های مختلف باشد، استاد حسینی: شما، مهمترین مطلب این است که انگیزه ایجاد بشود. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اساساً وجود فضای مسموم فرهنگی هست، آن وقتی که ما

در کش نمی کنیم بد است. یعنی اینکه می گویند شما آمدید مناظره کردید یک عده شبهه پیدا کردند، این شبهات در جامعه هست، یک عده خودشان را رفتند پنهان کردند، این شبهه ها را نمی بینند.

آقای رضوی: بله، یا ...

استاد حسینی: این شبهه ها دارد بچه هایشان را می برد.

آقای رضوی: بله. یا می گویند که از طریق مطبوعات و جبهه ای که ...

استاد حسینی: یعنی کلاً دارد شبهه می بارد،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: بعضی خودشان را پنهان می کنند، می گویند حالا که شما مناظره گرفتید، شبهه برای ما پیدا شد، جواب نتوانستید بدهید. جواب دهنده که فقط نباید کسی که در میدان مناظره پاسخ می دهد، او باید اعلام بکند بگوید من حاضر هستم بیایم جواب بدهم.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: ۵ دقیقه وقت می خواهم بیایم جواب بدهم. یا قضاوت بکنند این درست جواب نداد، حل نکرد. به هر حال قضاوت شان فقط مکتوب نباشد، حتماً شما سعی داشته باشید این مناظره را به طرف جدی شدن، واقع شدن، عینی شدن ببرید. یعنی حتماً اگر - مثلاً می گویم - جناب آقای شرعی تماس می گیرید، تماس تان محدود به یک خط نباشد؛ یعنی به صورت جدی تر، هر چه جدی تر بهتر. منشأ القاء شبهه، شما که نمی گوید که ما این جلسه تمام می شود که، می گوید آقا این موضوع باقی ماند، کسانی که داوطلب هستند برای جواب، بیایند برای - به اصطلاح -

[۷:۲۹]

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: خب این اصلاً شما نباید که محدود بگذارید که مثلاً خانم آقای

صدوق جواب بدهد که!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: کسی دیگر می گوید من بهتر می توانم جواب بدهم، خب بیا جواب بدهد دیگر. مگر دین اسلام ولایت فقیه مال خانم صدوق است! مال برای همه مسلمین است.

آقای رضوی: صحیح. در همین راستا هم حاج آقا که می خواهیم...

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر، شما هر چه می توانید جدی تر بکنید تماس تان را. اما - به اصطلاح - ضوابطش؛ ضوابطش از موضوع شاخه به شاخه نشدن، حفظ موضوع، اولین اصلی است که در شاخه به شاخه شدنش حتماً باید اخطار بشود. نظم منطقی استدلال، هر قدر استدلال کوتاه تر، روشن تر - به اصطلاح - عامه فهم تر باشد. در مناظره بهتر است. هر قدر استدلال، با مقدمات بعیده آغاز بشود، آن مال یک کار پژوهشی است، مال مناظره نیست. بنابراین اگر ما می توانیم از پنج مقدمه استفاده کنیم، از سه مقدمه هم استفاده کنیم، سه مقدمه بهتر است. اگر می توانیم از سه مقدمه استفاده کنیم با یک مقدمه هم می توانیم به نتیجه برسیم، حتماً باید استفاده کنیم از یک مقدمه به نتیجه برسیم. یعنی طول راه را هر چه می توانند کوتاه بکنند. یعنی به نظرشان نیاید که بهتر است که ده قدم راه برویم. بله، اگر طرف خیلی سنگین وارد شده باشد، مجبور شود در گرفتن اعتراف ها را پشت سر هم دیگر، از یک راهی وارد بشود که او - به اصطلاح - او را دور بزند طرف مقابلش را. ولی فقط برای دور زدن هست که لازم است مقدمات طولانی شود، و الا اگر برای دور زدن نباشد، باید کوتاهترین راه انتخاب بشود. کسی که با کوتاه ترین راه و با روش همان منطق اندراجی، منطق صوری برای مناظره باید به کار برود. مگر وقتی که مدل سازی به گونه ای در نزد حضار مشخص شده باشد که تعریف متغیرها را بفهمند. یعنی می رود در دانشگاه، دانشجو هستند، همه می توانند بفهمند معنای مجموعه سازی متغیر را، در

سطح اساتید هستند، کار کردند با این مطلب. خب، آنجا شما حتماً باید با مدل حرف بزنید، نظام بدهید. طرف در؛ یعنی به عبارت دیگر، سطح ارتکاز، متوسط ارتکاز بینندگان را باید در نظر بگیرید، و مناظره بکنید. اگر می‌تواند منطق صوری حلش کند، نیازی نیست که برود در منطق مجموعه. اگر دیدید آن منطق نمی‌تواند حل کند، منطق مجموعه هست، آن وقت باید حتماً ذهنیت مخاطب تان را در نظر بگیرید.

آقای رضوی: صحیح. این راجع به محتوای علمی می‌فرمایید که اینطوری باشد. استاد حسینی: هیئت مدیره، نظم را باید رعایت کند؛ یعنی اخطار باید بدهد، باید بگوید از موضوع خارج شدید. برخورد روانی نکنید، با تجلیل به هم برخورد کنید. صیانت برخورد علمی را حفظ کنید. البته خروج از موضوع، باید به معنای بدترین نوع - به اصطلاح - خطا باشد. در خود موضوع باشدش، تحقیر به جای مطلب و استدلال آوردن، - به اصطلاح - اگر بگوییم که منهای صفر، مثلاً بیستش می‌شود منهای صفر، یعنی بدترین نوع، بیستش می‌شود - به حضورتان که عرض کنم که - فرض کنید خارج شدن از موضوع، فرض کنیم پانزده‌اش می‌شود مثلاً تحقیر کردن. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ده‌اش می‌شود - به حضورتان که عرض کنم که - اینکه منطق به کار نمی‌گیرد، منطقی ضعیف است. این را باید هیئت علمی دیگر نظر بدهد، شخص مدیر نباید نظر بدهد، سکوت باید بکند در آنجا. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن وقت ارزش‌های اداری، می‌شود از بیست تا ده. از ده، ارزش - های علمی باشد. در مناظره بسیار بد است که در طرفین یا از موضوع بروند خارج، یا به هم برخورد روانی غیر مؤدب بکنند، بخواهند هم دیگر را ساکت کنند، خب نظم مناظره به هم می‌خورد!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: حفظ موضوع اگر شد، برخورد بد هم نشد، مثلاً برای هر کدام از اینها دوتا، ۵ نمره قائل بشوند، اگر در طول مدت یک ساعت، مثلاً فرض کنید که ۵ تا خطا آورد در اولی یا در دومی، معنایش اصلاً اینکه محروم بشود دیگر از این مناظره. کما اینکه اگر دوتا ۵ تا قرار دادید برای منطق و موادش، ببینید از روش منطقی استفاده نمی‌کند یا مواد اصلاً نه، این مواد نمی‌دهد این نتیجه را، خب به آن صفر می‌دهید دیگر. مثل کسی که می‌خواهد با داد و قال و دعوا وارد شود، این، این جایش در مناظره نیست. کسی که هم که می‌خواهد از یک چیز دیگر سؤال می‌کند برود یک جای دیگر، مدیر می‌گوید جایش نیست. کسی هم که نه، انضباط حضور جلسه مناظره را رعایت می‌کند، می‌پذیرد که جلسه مناظره باشد، ولی منطقی حرف نمی‌زند. منطقی باید حرف بزند و از طریق تمثیل کار کند، نه اینکه منطق نداشته باشد. یعنی گزینش نمونه‌هایی که به وسیله منطق آنها را اثبات می‌کند، باید نمونه-هایی باشد که همه فهم باشد. آن نمونه‌ها می‌شود تمثیل.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تمثیل، مغالطی نیست. بله.

آقای رضوی: بله، حالا عرضم این بود که خود این تمثیل‌ها، یک سری مستندات راجع به موضوع هست، که آنها شاید خیلی هایش تعریف و ادعا و استدلال و - خدمتتان عرض کنم - مواد را بدهد. اما در، از داخل مستندات و اینها نشود نمونه‌ها را در آورد. نمونه‌ها را مثلاً خارج از...

استاد حسینی: چرا! گاهی نمونه‌ها از نظر کمی و مقایسه ای هست، نقل اقوال بزرگان می‌شود. گاهی نمونه‌ها از نظر کمی نیست که بگوییم نقل اقوال بزرگان است؛ کمی از نظر عدد و آمار و ارقام است که می‌شود کمی علمی. گاهی کیفی هست، یک برهانی را نقل می‌کند، ولی برهانی است که همه مردم آن را می‌شناسند.

مثلاً عرض می‌کنم، شما اگر بخواهید بگویید توسعه لازم است برای جامعه، مثال توسعه را باید بتوانید در نمودهایی بیاورید که نتوانند بگویند این را. آقای رضوی: بله، صحیح. یا مثال‌هایی که ...

استاد حسینی: من باب مثال عرض می‌کنم، شما الان در شهرک مهدیه می‌توانید سکونت داشته باشید، در قم هم محل کارتان باشد، این برای همه ملموس است. شما می‌گویید که اگر وسیله خودرو نباشد، اگر کسی بخواهد پیاده از شهرک مهدیه بیاید قم و پیاده هم برگردد، نمی‌رسد به کارش، خب پرواضح هست. خیلی‌ها هستند محل کارشان تهران است، ولکن منزلشان کرج است، منزل شان شاه عبدالعظیم است، منزلشان شهرک‌های نزدیک است. خب اینها، یا قم هست منزلشان، محل تدریس شان کهک است، یا اگر بخواهد پیاده برود که تا ظهر می‌رسد آنجا، بعد برگردد شب باید بیاید خانه، دیگر اصلاً کار نمی‌تواند بکند که! اینکه وقتی که یک ابزاری می‌آید، امکان تسهیل که پیدا می‌شود، روابط، ارتباطات می‌تواند تغییر بکند، بافت جمعیت عوض شود. مسائلی را که بافت جمعیت دارد، یک مسائلی است که در دوره ای که آن وسیله ارتباطی نباشد، آنها قابل طرح نیست. برای هر کسی بگویید ۱۰ میلیون، شهر ۱۰ میلیونی تهران اگر اتومبیل نبود، کسی میوه که نمی‌توانست به آن برساند، آب هم نمی‌توانست به آن برساند. شهر ۱۰ میلیونی اگر شما بخواهید میوه‌اش را با الاغ ببرید، نه جاده‌اش را دارید، نه امکان دارد که صرف بکند که الاغ این قدر تربیت کنید.

آقای رضوی: یعنی مثال‌های...

استاد حسینی: یعنی این مثال‌ها، مثال‌هایی است که کمیت را می‌گذارد جلو، توسعه را می‌فهماند. که مسأله حمل و نقل، که توسعه تکنیک حمل و نقل نسبت به دو ران چهارپا، یک موضوع دیگری آمده، یک مسائل دیگری را آورده، که تعداد الاغ را کمیتش را اضاف نمی‌کنید. مثلاً اگر بگویید هر ده نفر در تهران یک روز،

یک کیلو میوه می‌خورند، به صورت متوسط، آن وقت این معنایش این است که ۱۰ میلیون، یک میلیون کیلو، یعنی نزدیک به چیز حدود هزار تن - به حضورتان - میوه مصرف می‌کنند. هزارتن، اگر ببرید آن را به - به اصطلاح - بار الاغ، که هر الاغی حدود فرضاً صد کیلو، یک خروار، بلند می‌کند، معنایش این است که هر یک تن را ۱۰ تا الاغ می‌خواهد، ۱۰ هزار الاغ باید راه بیافتد. راه افتادن ۱۰ هزار الاغ، برای هر روز باید ۱۰ هزار الاغ در تهران باشد. با فاصله مکانی بارها، باید شما حداقل - به حضورتان که عرض کنم - حدود یک میلیون الاغ در حال حرکت داشته باشید. خود یک میلیون الاغ، هدایت و نگه‌داری‌اش برای شهر تهران و وارد و خارج کردنش در جاده‌ها، مسائل عظیمی را دارد که هزینه‌اش صرف نمی‌کند، یعنی صرف نمی‌کند که شما یک میلیون الاغ نگه دارید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک میلیون الاغ، هر ده الاغی را یک نفر بخواهد تیمار کند، صد هزار نفر الاغ دار شما لازم دارید.

آقای محسنی: ما حاج آقا [؟] این پیشکش.

استاد حسینی: خود حملش، نقلش، بُردش، آوردش، این - به حضورتان که عرض کنم که - صرف نمی‌کند. علاوه بر این، اگر زندگی، زندگی معیشتی دوران گاو آهن باشد، نمی‌تواند میوه این حجم تولید بشود و توزیع بشود؛ چون گندم کاری را دیگر - به حضورتان که عرض کنم که - یعنی توزیع جمعیت به نسبت مساحت. اینکه تمرکز پیدا می‌شود، این ممکن است همه‌اش دو دقیقه وقت بگیرد این تمثیل، ولی می‌تواند توسعه را برای یک عدد زیادی بفهماند. عدد و رقمش را هم می‌شود پشت سر هم دیگر نشان داد. مهم ترین مطلب مناظره این است که طرفین مناظره وقت بگذارند برای سناریو نویسی. برای اینکه این حرفی را که می‌زنند، از چند محور، از چند زاویه او چه فرض‌هایی دارد، من چه کار می‌توانم بکنم.

مشاعره چه طوری آدم شعر حفظ می کند؟!

آقای محسنی: یعنی قبل از مناظره آماده باشد.

استاد حسینی: خب، یعنی یک ماه وقت دارد دیگر،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بنشیند برای خودش انواع و اقسام محورهایی را که طرف می تواند - به اصطلاح - بچرخد، معین بکند؛ محور یک، دو، سه، ده. چه طوری می تواند آدم روزنامه ها را مطالعه بکند، دسته بندی بکند، بگوید اینها چه صحبت هایی را کردند. یک وقتی می خواند، اوقاتش تلخ می شود، می گوید پدر سوخته ها بد حرف زدند، خیلی چه کار کردند، یک وقتی می نشیند اینها را کنار هم دیگر می چیند، می گوید این ۵ تا که یک حرف بیشتر نمی خواستند بزنند، این یکی دوتا حرف می خواست بزند آن یکی اینقدر حرف می خواست بزند، جمع می کند اینها حرف ها را، نمونه ها را، مثال ها را. باید یک خرده سرشان درد بگیرد برای کار، سردرد کار را داشته باشند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اینکه ما همه،

آقای رضوی: این به کثرت تتبع هم نیست حاج آقا، این گونه که می فرمایید.

استاد حسینی: این...

آقای رضوی: این کار کثرت تتبع...

استاد حسینی: کثرت تتبع، نه کثرت تبعی که یک آدم می خواهد دانشمند شود برای خودش ثابت شود. کثرت تتبع کسی که می خواهد بفهماند به دیگران. خطیب، تتبع می کند، مجتهد هم تتبع می کند، ولی دو سنخ هستند؛ خطیب دنبال این هست که نمونه، قصه، شعر، همه اینها را. از آیه ای را که می بیند، دارد مجموعه سازی می - کند، که یک آیه بگویم، یک تکه تاریخ بگویم، دوتا شعر بگویم، یک - به

حضورتان - ضرب المثل بیاورم، مجلس را این طوری گرم کنم. این خطابه چه طوری درست می شود؟!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تفهیم یک مطلب است. ولی حالا همین را بدهند به یک فیلسوف. بگویند که آقا تو برو درباره این آیه - به اصطلاح - پایه های عقلانی که هماهنگ با این باشد پیدا بکن. آن یک کار دیگری می کند. مناظره در عین حالی که باید استدلال داشته باشد، در نمود و نمونه، باید به نحوه ای بتواند نمونه بیاورد که طرف نتواند جلوی مردم انکار بکند.

آقای رضوی: صحیح. حالا انشاءالله اینها را رویش کار بکنند، همین فرمایشاتی که...

استاد حسینی: طبقه بندی - به حضورتان که عرض کنم که - اینکه طرف توانست از چه انگیزش های اجتماعی استفاده بکند؛ اینها را ببینید، یک وقتی است که خود مناظره شناسی می شود یک درس علمی، آقای حسینی هم خوب است بیاید این درس ها را بگوید. ما هم خوب است پیاده بکنیم، خوب بخوانیم.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این مناظره نمی شود!

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: بیاید یک تحلیل بکنید که ادبیات بر چند دسته هست، انگیزش - های روانی بر چند دسته هست، ساختارهای منطقی بر چند دسته هست، استدلالها بر چند دسته، این مثل این است که من پیام آیین نامه رانندگی، رانندگی را خیلی از حفظ بکنم، ولی یک بار هم پشت ماشین ننشینم، اینکه نمی شود رانندگی کردن.

آقای رضوی: توأمان باید باشد.

استاد حسینی: باید برود - به حضورتان - میدان، نیازهایش را حس بکند، برگردد

اصلاح بکند. این مناظره برای ایجاد مطلب در ذهن و روح هست، برای موضع گیری و مجاهده است، نه برای محاسبات است. برای «گمانه، گزینش، پردازش» نیست. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: «گمانه، گزینش، پردازش» کار فلسفی است. آقای رضوی: درست است. حالا نسبت به موضوعاتی که اینگونه می فرمایید، موضوع اصلی را قرار دادند ولایت، ... استاد حسینی: موضوع را می شود طبقه بندی کرد، اینها من به نظر می آید که کار نمی کنند، مرتباً می گویند چه کار بکنیم.

آقای رضوی: بله. استاد حسینی: من صریحش را عرض کنم، بچه تنبل، می گویند کسی که عادت نداشته باشد به یک کاری، مرتباً می گوید من چه کار بکنم. بچه زرننگ کار از دیوار از آسمان می تراشد، کار، چه کار بکنم چه چی است! این همه روزنامه هست، اگر هر کسی در هر کتابخانه ای برود و روزنامه های پارسال تا حالا را ورق بزند، ببیند انبار شبهات را می تواند دسته بندی کند یا نه؟ ولی می تواند برود آنجا ورق بزند بگوید، ما اینها را چگونه دسته بندی بکنیم؟ برایشان چگونه دفتر معین درست کنیم؟ آقای رضوی: بله، الان...

استاد حسینی: وصل الله علی محمد [...]
آقای رضوی: اللهم صلی علی محمد و آل محمد
استاد حسینی: من این را می گویم! ببینید! من این را دوباره در نوار می گویم برای این که خواهرها گوش بگیرند. اگر اهل مناظره خودشان را نمی دانند، مناظره را تعطیل کنند، کلاس ملاس هم تعطیل کنند، خودشان شروع کنند خواندن نزد یکی از دوستان فرهنگستان، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بروند - به حضورتان که عرض کنم که - آخر عمرشان یک کتابی چیزی بنویسند. اهل دفاع از ولایت فقیه هم نیستند، تعارف هم نکنند. اگر اهل مناظره هم باشند، اولش جلسه با من تعطیل می شود، بگویند ما می رویم دعوا، اگر هر کسی مطلب داشت استفاده می کنیم از جمله فرهنگستان.

آقای رضوی: بله.

آقای محسنی: پس دیگر آقای رضوی آخرین جلسه هست [خنده آقای رضوی]
[؟] چه کار کنیم دیگر!

استاد حسینی: بله. یعنی، - به اصطلاح - یعنی واقعاً همه اش برگشتن اینکه حالا چه کار بکنیم. خب چه کار بکنید که ندارد!

آقای رضوی: حالا، این...

استاد حسینی: من معذرت می خواهم! مدیریت آقای محسنی بد بود، بروند با خواهشی که از آقای ساجدی ببرند برای مدیریت. او هم مدیریتش بد بود، بروند از خط سه بیاورند برای مدیریت. یعنی بدشان نیاید که خط سه مدیر بشود، ها! نه فقط طرف مناظره، یعنی بدشان نیاید از شکست خوردن، تا یاد بگیرند شکست دادن را.

آقای رضوی: بله.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: کسی که اهل دعوا هست، می گوید که من امنیت دشمن را باید به هم بزنم. می گوید امنیت به نفع کلمه حق چطور است؟ نیست. کدام امنیت؟ امنیتی که من ساکت باشم، او هر چه می خواهد علیه دین بنویسد. می گوید این چه رقم امنیت است؟ می گوید بله، من کنف نشدم، ولی دین کنف شده. من الحمدلله رب العالمین در جامعه، آهسته آمدم، آهسته رفتم، ولیکن - به حضورتان - این اینطور است. این - به حضورتان که عرض کنم که - باید جدی تر از این حرف ها وارد بشویم. یک وقتی می گوید آقا! چرا خودت این طوری کار نمی کنی؟ ما خودمان

مشغول تولید هستیم، هر کسی مثل من مشغول تولید است، نکند مناظره. هر کسی دارد تولید می کند، و دنبال این هست که ریشه های منطق ها را از جا بکند، معنای مناظره را بُرده در این سطح، او لازم نیست مناظره بکند. ولی اگر کسی دنبال آموزش هست، خیر بدانید دیگران هم می توانند بیایند آموزش ببینند.

وصلی الله علی محمد و آل محمد (اللهم صل علی محمد و آل محمد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲۰
کد جلسه: ۲۴۰۸	تاریخ جلسه: ۱۳۷۹/۰۹/۳۱
کد صوت: ۴۷۷۸	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم م. یکتایی
تایپ:	حسین فاضلی
تطبیق:	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه آرایی:	حسن ناصری

جلسه بیستم

آقای رضوی: برای مناظره سازمانی گفتگوی سازمانی یک تحرّکاتی انجام گرفت. بذهنمان رسید که برویم یک موسسه ایی یا سازمانی چیزی بزنیم و اساسنامه ایی تشکیل دادیم. یک عضوگیری کردیم. مهم این بود که الان این اعضا چهل نفری که هستند ما می‌خواهیم کار را با اینها شروع کنیم آیا خود گفتگو را شروع کنیم روی یک موضوع مشخصی،

حجت الاسلام و المسلمین حسینی الهاشمی: یا روی سازمان گفتگو
س: یا روی سازمان گفتگو اگر روی سازمان گفتگو هست؟ خود سازمان را چگونه با این دوستان؟

ج: آنوقت خود این را با گفتگو انجام بدهید. خود آن را سه فاز برایش قرار بدهید. یک فاز مذاکره بدون سازمان گفتگو. یعنی بدون اینکه یک گفتگوی منظمی باشد. مثلاً می‌گوییم شکل هیئت به اصطلاح مجمع عمومی ها، یعنی یک مدیر سنی اول قرار می‌دهند یا انتخاب می‌کنند یا مدیری که براساس اساسنامه تان مدیر هست.

این از افراد مختلف نظر خواهی می کند. نظر را چند دور می چرخانید تا نظر به یک سطحی برسد که قابلیت طرح داشته باشد در کجا؟ در مناظره. طبیعتاً نظر، ممکن هست یکی دو نفر مخالف داشته باشند.

س: نظر در مورد چی؟

ج: نظر درباره خود سازماندهی مطلب، چه جوری باشد. شما می آئیم اینجا اصلاً موضوع را. دو بخش می کنیم یک سازمان مدیریت که با شماره «الف» مشخص می شود. وقتی درباره اش صحبت می کنیم اشتباه نشود. یک مناظره سازمانی که شماره «ب» مشخص می کنیم، درباره چگونگی پیدایش تصمیم، برنامه، سازمان برای اداره کردن سازمان شماره الف، ۲ مرحله از کار شروع می کنید: یک بصورت مجمع عمومی و صحبت کردن و دلیل آوردن اعضا، بعد به دونه نظر که می رسد نظر قاطع کمتر پیدا می شود. می آئیم روی خود این موضوع شبیه کاری را که در بخش دو می خواهیم انجام بدهیم «ب» می خواهیم انجام بدهیم برای الف، می آئیم انجام می دهیم. یک مناظره می گذاریم، می آیند استدلالهایشان را انجام می دهند. دوباره یک جلسه جمع بندی دیگری می گیریم. تا می رسد به چه چیزی؟ تا می رسد به یک نظر واحدی. درباره چه چیزی؟ موضوعاتی از قبیل تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجراء برنامه ریزی، طبقه بندی موضوعات، نحوه کار کردن هایی را که دارید. بعد روی این بیائید کار کنید. باید سازمانتان را با رأی مردم شکل به آن بدهید. کانه می خواهید همان قانون اساسی را هم به رأی بگذارید. یعنی هیچ جایش را نتوانند بگویند القائی بود، دستوری بود.

س: به ذهن می رسد خود قضیه گفتگوی سازمانی، اصلاً طرحش در جامعه ما محقق نشده.

ج: بله یعنی «ب» محقق نشده است تا بحال. سازمانی که بخواهد آن را ایجاد بکند یعنی «الف» الفش هم محقق نشده است.

س: یعنی این چنین نمونه سازمانی آن نیست.

ج: نیست نه سازمانش هست، نه فعالیت سازمانی. یعنی برگزاری به اصطلاح مناظرات. شما یک جایی دارد که یک رئیس دولتی دارد. اسمش چه چیزی هست؟ در باب تربیت بدنی. یک سازمانی هست. او حمایت می کند بوسیله قوانین اش. چه کسی را؟ تیم های فوتبال را. شما سازمانی را که در اینجا دارید، مدیریت می کند چه قسمتهایی را؟

س: تیم های مناظره را.

ج: تیم های مناظره را، دوبخش دارید. دو بخش را از هم جدا کنید تا دچار چیز نشوید.

س: قسمت «الف» ما سازمان مدیریت که می خواهیم تأسیس بکنیم، نسبت به اینکه سازمان چه چیزی باشد؟ چگونه باشد؟ محورهایش چه باشد؟

ج: یعنی تصمیمات سازمانی چگونه ایجاد بشود؟ چگونه گرفته بشود؟ تصمیم سازی چه گونه بشود؟ تصمیم گیری چه گونه بشود؟ اجراء چه گونه بشود؟ این مال خود سازمان هست. پس یاد داشت می کنید «تصمیم سازی»، «تصمیم گیری»، «اجراء» مال خود سازمان هست. مال خود سازمان شماره الف است. بعد برنامه فعالیت سازمانی، طبقه بندی موضوعات و تعیین اولویت، ارزیابی جامعه و اولویت های عینی، غیر از اولویت های نظری بخش یک، اولویت های عینی بخش دو، مقدمات برای عمل، اولویت های اجرایی.

س: این ها برای چه بود؟

ج: اینها برای برنامه، موضوعاتی که می خواهد در برنامه.

س: برنامه فعالیت.

ج: فعالیت.

س: فعالیتهای سازمانی.

ج: فعالیتهای سازمان مدیریت برای اینکه معین بکند که چه تیم‌هایی با چه امتیازاتی روی چه موضوعاتی شروع بکار بکنند. حالا یک تیمش را درست می‌کنید. مقدور ما بیشتر از یک تیم نیست. ولی درباره چه موضوعی صحبت بکند؟ اولویت‌های نظری، یعنی مطلوبیت‌ها را اصل قرار بدهیم. موجودیت جامعه را اصل قرار بدهیم. مقدورات خودمان را اصل قرار بدهیم. کدام‌ها را اصل قرار بدهیم؟ حتماً باید تناسب بین این سه تا برقرار کنید و مطلب را ارائه بدهید. اگر بیائید در مقدورات، بریده از احساس نیاز اجتماعی کسی دورتان جمع نمی‌شود. اگر بروید در احساس نیازهای اجتماعی، کاری به مقدورات نداشته باشید. مناظره نمی‌چرخد. اگر بروید در مقدورات و نیازمندی‌های، کاری به مطلوبیت‌ها نداشته باشید، مناظره تان سرگردان می‌شود. هر روزی یک طرفی حرکت می‌کند، موفق به برنامه انتقال و رشد نمی‌شوید از یک وضعیت به وضعیت دیگر، بنابراین سه تایش را باید توجه داشته باشید. بارم بندی بکنید به نسبت. بگوئید که چه درجه ایی را اول کار ممکن است برای مطلوبیت‌ها، اصل عددی را که به آن می‌دهید، یک بدهید. برای واقعیت اجتماعی دو بدهید. برای مقدورات چهار بدهید.

س: ضریب هایش را هم.

ج: بله. دیگر بعدش ممکن است یک مقدار که رفتید جلوتر. بگوئید حالا عوض کنید.

س: متوجه شدم. ضریب‌ها تفاوت پیدا می‌کند. بعد نسبت‌های ریاضی‌اش باید ارزیابی بشود که چه وقت باید تغییر کند.

ج: بله دیگر ما اگر شناسی شدیم. روشن شد، درست شد کارمان. آنوقت شما حتماً مطلوبیت‌ها را ما باید اصل قرار بدهیم. یعنی اگر توانستیم ایجاد موج بکنیم.

س: آن ضریب چهار پیدا می‌کند.

ج: ای احسنت. ولی اولش حتماً نیازهای اجتماعی ضریب چهار دارد. دو آن هم

مقدورات هست. یک آن هم مطلوبیتها هست.

س: حالا این قسمتی را که فرمودید ما یک محتوایی داریم که در واقع همان گفتگو هست. ولی می‌خواهیم محتوی راه بیاندازیم که اسمش را گذاشتیم شماره ب. محتوای را بعداً می‌خواهیم برسیم.

ج: الان سازمان هست.

س: الان این محتوی، یک سازمان می‌خواهد. یک برنامه ایی برای این سازمان.

ج: چرا لقب محتوی به آن دادید؟ ما یک مناظره ایی داریم مناظره که محتوی نیست. مناظره خودش یک کار سازمانی هست. یک فعالیت است.

س: یعنی غیر از محتوی.

ج: محتوی یعنی چه؟ غرضتان از محتوی یعنی چه چیزی؟ یعنی حرفهایی که، در سازمان می‌زنند، در مناظره می‌زنند.

س: نه منظورم این بود که محتوی یعنی موضوعی که این سازمان برای آن موضوع هست و برنامه هم برای آن سازمان یعنی محتوی، یک سازمان می‌خواهد یک برنامه. یعنی ما اگر یک موضوع مشخصی را داشته باشیم.

ج: می‌توانید اینجوری تعبیر بکنید، که بگوئید ما سازمان و برنامه مان برای مناظره هست که از طریق مناظره اثر می‌گذارد روی جامعه مثلاً.

س: این سازمان که اسمش شماره «الف» هست، این قسمت دو شد برنامه این سازمان دیگر، یعنی برنامه فعالیت‌های این سازمان.

ج: قسمت دو نه.

س: قسمت دو، یعنی طبقه بندی موضوعات و تعیین اولویت که عنوان برنامه فعالیت هست.

ج: آن مال (ب) نیست.

س: نه برنامه فعالیت سازمان مدیریت هست.

ج: ای احسنت یعنی اگر آن طوری بخواهید تقسیم بکنید باید سه تا تقسیم بکنیم. یک بگذارید خود سازمان؛ دو فعل سازمان برنامه اش، سه پس از برنامه ایجاد چه چیزی؟ مناظره سازمانی که اثرش هست.

س: مناظره سازمانی که اسمش فعلاً (ب) هست.

ج: فعلاً گذاشتید (ب) خوب آنوقت دیگر باید دوتای دیگر بالای سرش باشد، یکی برنامه‌ای که می‌خواهد این را اداره کند. یکی سازمانی که آن برنامه را می‌خواهد اجرا کند.

س: این برنامه ای که در قسمت دوم گفتید. قسمت اول سازمان؛ قسمت دوم برنامه؛ قسمت سوم اثرش یا اجرایش.

ج: یا ایجاد یک سازمان دیگری برای گفتگو چون در سازمان اولی که گفتگو کسی نمی‌کند. سازمان شماره الف، تصمیم گیریهایش برای حل موضوعات اجتماعی نیست. برای حل موضوعات خودش هست.

س: منتهی شیوه اش

ج: شیوه اش می‌تواند مناظره سازمانی بشود. ولی این مناظره‌ای نیست که بخواهد نیازهای جامعه را حل بکند، می‌خواهد نیازهای خودش را در مدیریت حل بکند. در برنامه حل بکند. قسمت دوم آن هم که باز کاری به جامعه ندارد یعنی کاری ندارد که چه چیزی گران هست. چه چیزی ارزان هست. قسمت سوم آن می‌خواهد نیازهای جامعه را حل کند.

س: علت اینکه اول شما الف و ب گذاشته بودید می‌خواستید بگوئید که خود سازمان، سازمان یعنی اعم از سازمان خودمان باشد. یک سازمانی باشد مردمی باشد مجموعه جامعه را بپوشاند. یا همین منظور بود.

ج: نخیر همین منظور فقط همین مدیریت بود.

س: پس منظور از الف و ب درست کردن سازمان برای مناظره است.

ج: الف سازمان برای مناظره، این الف هست. اینجا می‌شود سازمانی که مدیریت می‌کند برگزاری مناظره‌ها را یا از طریق یک الف، کیفیت به وجود آمدن خودسازمان مدیریت در تصمیم‌گیری.

حجه الاسلام محسنی: تصمیم‌سازی

ج: تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجراء. این برای شما کاملاً روش هست. اینجا ۲ درونی الف؛ می‌خواهد چه کار بکند؟ می‌خواهد برنامه ریزی اش را معین بکند. برنامه ریزی تعیین اولویت‌ها، مطلوب، موجود، مقدور، مقدور اجرایی یا انتقال. حالا ما بعد از الف یک (ب) گذاشتیم (ب) در یک صفحه دیگری. (ب) مان خودسازمان هست. خودسازمان مناظره نه مدیریت آن. که موضوعی می‌شود که بوسیله این ایجاد می‌شود. حالا جناب عالی بگویید در این کاملاً روشن شده یا اینکه برایتان یک ابهام و تداخلی دارد؟

س: این کاملاً از این جهت مشخص هست که ما می‌خواهیم مناظره سازمانی را راه بیاندازیم ابتدا باید یک سازمانی را درست کنیم. این سازمان می‌خواهد آن مناظره‌ها را مدیریت بکند. خود این سازمان دو تا قسمت را خودش دارد. قسمت اول این هست که چگونه این سازمان را، ابتدا، کیفیت،

ج: چه گونه خودش را بوجود بیاورد. چه گونه بعد برنامه داشته باشد بعدش.

س: دو قسمت دارد. قسمت بعد می‌آئیم می‌گوئیم حالا می‌خواهیم خود مناظره را راه بیاندازیم بوسیله آن سازمان.

ج: ای احسن آن سازمان مدیریت.

س: ای احسن آن سازمان مدیریت.

س: این خودش مأموریتش این است که مناظره را راه بیاندازد.

ج: این موضوعش کلاً نیازهای اجتماعی هست. مناظره درباره نیازها، نیازها و حل نیازهای اجتماعی و حل آن.

س: برمی گردد به بحث هایی که دربارهٔ مناظره بود که مناظره چیست، مناظره انگیزش اجتماعی می کند تا مشکلات ارزیابی بشود بعد آسیب شناسی و ارائه راه حل دادن آن.

ج: البته می توانید این تقسیم بندی را به گونه دیگری هم بدهید. می توانید بگوئید که ما در حالا می خواهیم ما برای افرادی که یک کار دیگر هم بکنیم، بگوئیم. این جا اساس قرار دادیم در تقسیمان صرف ساختار، یک ساختار، یعنی سازمان اینجا است. یک سازمان اینجا. ولی اگر شما بگوئید یک ساختار دارید شماره الف. یک ساختار فعل داریم شماره ۲ یک ساختار نتیجه داریم. موضوع داریم. ساختار ۳. آنوقت می گوئیم ۳. وحدت یا هماهنگی، هماهنگی نظام های مدیریت، برنامه، اجراء. آنوقت می گوئیم این را اسمش بگذارید الف. این را بگذارید (ب). این را بگذارید (ج). شما هر کدام از این دو تا طریق را می توانید انجام بدهید. هماهنگی اش هم طبیعتاً مال مدلتان هست. آنوقت می گوئید که مدیریتش برابر و مساوی هست با خود سازمان. کیفیت بوجود آمدن،

س: یعنی این یک.

ج: بله خود سازمان. که نتیجه اش چه چیزی می شود؟ تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای درونی سازمان، اجراء یا گردش عملیات در سازمان. این می شود اولی. دومی اش را می آئید می گوئید.

س: در واقع این هماهنگی نظام های مدیریت یعنی بخش الف را می پوشاند، بخش (ب) را هم می پوشاند.

ج: ج را هم می پوشاند. این معنای مدل هست. آنوقت مدل این. یک دستگاه باید پیش فرضی داشته باشید که این سه تا را بتواند هماهنگ بکند. این هماهنگی از طریق یک نظامی مثلاً می گویم فلسفی، منطقی، (هرچه که لزومی ندارد حالا آن مطرح بشود) یک نظام هماهنگی اش را به عهده دارد، یک نظام زیرساختی هست

که این سه تا را هماهنگ می کند.

س: یعنی اگر اینجور باشد اصلاً از این نظام هم که نداشته باشیم.

ج: بله این الف آن هست.

س: قبل از این که این را ملاحظه کنیم، خود این الف باشد. خود این هم (ب) باشد، یک (ج) هم داریم که اجرای مناظره ها است. که شما آمدید این تقسیم بندی را کردید.

ج: بله ما اجراء را چه چیزی آوردیم؟ مال آن که اینجا می گوئیم (ب) اشتباه نشود.

س: یعنی (ج) همان ب هست.

ج: توضیحش را بدهیم، اینجا (ب)، برنامه، این دیگر عین همین را می نویسیم، برنامه برنامه تعیین اولویت ها، یا یا تحرک سازمان نسبت به بیرون با چه نظامی؟ نظام افعالی انجام می گیرد. این فعل سازمان هست نه فعل مناظره هست. فعل سازمان، نه گردش عملیات، گردش علمیات داخلی و نه فعل مناظره. بلکه هدایت، هدایت ثمربخش مناظره هاست. این موضوعش هست.

س: با این تعبیر اینجا می شود فعل سازمان تعیین و نوشتن برنامه هست، اصلاً فعل سازمان جزء نوشتن برنامه تنظیم برنامه ندارد.

ج: البته فقط برنامه هم نیست. برنامه هست. معین کردن قیمت یا بارم بندی امور هست. به عبارت دیگر براساس ضوابطی که در برنامه مشخص می شود، می تواند بعداً عملیات مناظره انجام بگیرد یعنی این قانون می نویسد، ساختارها را معین می کند. تعریف می کند. حکم برایش می دهد. این قسمت، این قسمت اینجا فصل زیرساخت. اینجا فصل اول. فصل دوم. فصل سومش خود سازمان. مناظره سازمانی. (ج) وارد این قسمتش بشوید. قانونش اینجا معین شده هست. کسی که حاکم هست، حکومت می کند بر جریان قانون، آن هم معین شده هست. اینجا دیگر خودش معین

می‌شود.

س: قواعد داخلی مناظره. یعنی آن چیزی که الان در مورد مناظره می‌دانیم در این قسمت بررسی می‌شود.

ج: بله آنوقت نتیجه و راندمان باید از همین جا بدست بیاید. از به اصطلاح هدف، بوسیله مناظره در جامعه حل نیازمندیها باید باشد. نیازمندیهای گفتگو. این نباید اینها را قاطی بکنید. اگر قاطی بکنید، حتماً دچار مشکل می‌شوید. برنامه خودش یک نظامی هست. در عین حالی که نظام فعل هست. اگر ساختارها را اصل قرار بدهید، برنامه را نباید ذکر کنید. مثل محتواهایی را که در اینجا بحث می‌کنند. اگر آنها را هم بخواهید بیاورید، آن یک چیز دیگر هست. اگر ساختار بخواهید بگوئید باید بگوئید دوتا ساختار داریم. ساختار شماره یک. ساختار شماره دو. اگر برنامه هم که حکومت دارد بر تعیین، به عبارت دیگر این همیشه خرد هست. این کلان هست. این ضامن توسعه است.

س: یعنی هماهنگی نظام ها، توسعه را تضمین می‌کند.

ج: یعنی اگر اینجا زیرساخت‌تان درست باشد، باید تضمین بکند که از این طریق برنامه خوب می‌ریزم و از طریق خوب ریختن، اجرای عملی عینی خوبی می‌کنم.

س: حالا در نسبت این دو تا که فرمودید، این مطلوب هست برای مجموعه ما.

ج: بله شما طرفه‌ایتان، برنامه را چقدر متوجه می‌شوند به عنوان نظام؟

س: الان اعضای عمومی داریم از ریایی روی اعضای عمومی نداریم.

ج: شما می‌توانید در عین حال تشریح بکنید. خودتان را مقید بکنید به میزان ادراک آنها. تشریح بکنید بگوئید یک نظام داریم که ارگانیزه باید بکند. مدیریت باید بکند. یک نظام فعل دارد نسبت به خود این برنامه هست. یک نظام داریم که پس از اینکه فعل انجام داد، یک سازمانی را بوجود می‌آورد. محصولش هست. نظام محصول می‌شود چه چیزی؟ مناظره.

س: نظام فعل می شود برنامه.

ج: هدایت آن دستگاه هایی که باید بوجود بیاید، متناسب با مراحل مختلف.

س: هدایت بخش مناظره را به عهده دارد.

ج: یعنی اصلاً می گوید مناظره در این موضوع لازم هست باشد یا نه. مقدورش را داریم یا نه. مطلوب هست یا نه؟ یعنی طبقه بندی می کند. بارم بندی می کند. به اصطلاح سرنوشت کار را معین می کند مثلاً می گویم ممکن هست که شما مناظره را سرگردان ول کنید در مردم. یک روز شور بزنند روی یک چیزی. یک روز دیگر ضدش را شور بزنند. شما می خواهید به اصطلاح یک جور باشد که مرتباً رشد بکنند. در محله چه گونه مناظره باشد. در شهر اگر شد مناظره، چه گونه باشد. در کشور چه گونه باشد. اینها باید معین بشود.

س: این قسمت اولش که مدیریت هست یعنی فصل اول بعد از فصل زیرساخت، فصل زیرساخت که یک فصل عامی هست که در مجموعه اصلاً نمی شود بیاوری اش.

ج: ابداً

س: یعنی باید از بیرون از مجموعه این مجموعه را هدایت بکند. حالا قسمت یعنی هماهنگی مدیریت، برنامه اجراء با یک عده دیگری هست. خارج از این سازمان.

ج: یعنی دیگر زیرساخت.

س: همین دیگر زیرساخت.

ج: این یک مجموعه فرهنگی باید به اصطلاح تئوریش را معین کنند.

س: همان است که بیرون دورادور می پرسند که توسط چه کسی هدایت می شود؟ یعنی کارشناس آموزش و پرورش آقای دکتری که آنچه نشسته تا می بیند همچنین طرحی هست. می گویند طرح را بخواهید. اجراء بکنید قواعدهش و فلان،

فوراً می‌پرسد که از طریق چه کسی هدایت می‌شود؟ این قسمت زیرساخت هست.

ج: یعنی می‌دانند ضرورت دارد که این یک جایی روی آن کار بشود.

س: بنده نسبت به تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا، بصورت تجربی عملی. حالا بیرون هم هستند دارند، ما نسبت به این مفاهیم، تسلط آنها به این مفاهیم مشکل هست. موقعی که شما توضیح می‌دهید تصمیم سازی می‌بینیم همان چیزی که ما در عمل داریم اجرا می‌کنیم منتهی غیر قاعده‌مند، غیر حساب

ج: آنوقت که دعوا می‌شود سرچه چیزی دعوا می‌شود نوعاً؟

س: مهمترینش همان تصمیم سازی هست.

ج: ای احسنت می‌گویند تصمیم سازی. می‌گویند کارشناسی باید شده باشد. مثلاً می‌گویم شما فردا می‌خواهید برنامه بگذارید. برنامه درباره اش باید چطور بشود؟ تصمیم گرفته بشود

یعنی روش پیدایش تصمیم را اگر ندانید، برنامه چه گونه می‌توانید معین بکنید.

س: یعنی فصل دوم و سوم ما هم مشکل پیدا می‌کند، یعنی تصمیم گیری و اجراء الان قضیه تصمیم سازی همان کارشناسی هست. حالا می‌فرمائید همین را هم به مذاکره به دوستان بگذاریم قبل از تصمیم گیری و اجراء. خود فصل اول سه ماه باشد یا کل آن سه ماه باشد؟

ج: بنظرم می‌آید سازمان و برنامه را، یعنی فصل اول و فصل دوم سه ماه بیشتر نکنید. خسته می‌شوند. بعد بهینه بکنید. این اجازه را به خودتان بدهید که بروید طرف مناظره. برگردید و دوباره بهینه کنید.

س: ذهن گرایی می‌شود و قدرت هماهنگی بحث ها را از دست می‌دهند. بعد می‌گویند آفتابه لگن هفت دست، شام ناهار هیچی.

ج: اینکه تصمیم ها می‌خواهید بگوئید فردی نیست. می‌گوئید یک منطقی دارد. می‌گویم آن منطق چه گونه جریان پیدا می‌کند؟ چه کسانی مسئول مطالعه چه چیزی

هستند؟ ضوابط همفکری شان چه چیزی هست؟ چه گونه یک تصمیم از ابهام در می آید و تبیین می شود؟ هر کسی بگوید به تشخیص من باشد. مثلاً می گویم می گوئید، رأی اکثر. می گوئید مناظره کردن. خود همین یک روش برای پیدایش تصمیم هست. که می گوئیم یک روز مذاکره بکنید یک روز مناظره بکنید، یک روز جمع بندی بکنید. این میدانی را که ما می دهیم برای اینکه ابداع احتمالات کاملاً بشود.

س: یعنی در واقع یکی از روشهای تصمیم سازی این هست که جمع می تواند روی همین به توافق برسد. این شد منطق تصمیم سازی.

ج: ای احسنت! منطقتان چه چیزی هست که اینکه گمانه ها بهر حال یک مقداری باید حتماً گمانه زده بشود، گزینش بشود، پردازش بشود تا یک مطلبی مشخص بشود که چه چیزی هست. این را به اصطلاح نمی آئید بگوئید که یک نفر می آید دیکته می کند. می گوید اینگونه باید باشد. نمی گوئید یک رأی گیری ساده هم باشد. می گوئید ما میدان دادیم برای گمانه زدن یکبار. باز میدان برخورد داریم. باز میدان جمع بندی دارید.

س: اجرایش هست. مرحله بعد تصمیم گیری هست که خودش یک روشی دارد. ج: خوب معلوم شد که تصمیم ساخته شد، بعد که ساخته شد، دیگر بگوئیم که به رأی اکثر می گذاریم، نهایتاً می گوئیم دستور جلسه این هست این دو مرحله را گذرانده دیگر الان روی آن تصمیم می گیریم. دیگر مصوباتمان قوانین اجرایی هست نه مذاکرات علمی.

س: روی آن دوباره رأی گیری می شود.

ج: رأی گیری می شود جمع بندی می شود چه چیزی؟ قوانین و ضوابط.

س: یعنی آن جمع بندی که در آخرین مرحله تصمیم سازی.

ج: روی آخرین مطلب فقط یک قید به آن می زنید، مثلاً می گوئید برای دو سال،

برای شش ماه، برای یک سال. تا یک زمانی به آن ملتزم هستید.

س: به آن تصمیمی که ساخته شده.

ج: ساخته شده. احسنت. مثلاً می‌گوئید به مدت شش ماه، به مدت دو سال، برای آزمایش این کار را اینگونه قانون می‌گذاریم، ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۰۵ در مذاکرات قبلی اش، در اولین مذاکره اش گمانه‌ها بصورت احتمالات نظری هست، تئوریک هست. بعدش دوباره یک برخورد منطقی می‌شود. بعد براساسش قانون گذاشته می‌شود جمع بندی می‌شود، ببینیم نتیجه عملی اش چیست.

س: مرحله تصمیم سازی بسته می‌شود. بعد در مرحله تصمیم گیری دوباره روش این هست که می‌آئیم به رأی می‌گذاریم حالا چه قانونی تصویب بشود.

ج: براساس این چیزهایی که بررسی شد.

س: براساس این تصمیمی که ساخته شد، حالا چگونه.

ج: براساس این تأمل‌هایی که انجام گرفت، کار کارشناسی که شد، حالا برای چه مدتی می‌توانیم این را تصویب کنیم که ملتزم بشویم.

س: این می‌شود تصمیم گیری.

ج: این می‌شود تصمیم گیری.

س: روشش هم رأی گیری هست.

ج: ای احسنت. بعدش هم اجراء هست. اجراء معنایش این هست که درباره خود سازمان هم گفتیم تقسیم کار اینگونه باشد. سطوح کار اینگونه باشد. مسئولیت‌های هرکسی و اختیاراتش معین باشد.

س: در مرحله اجرا هم اجراء آن تصمیم گیری.

ج: گردش عملیاتی که می‌خواهد معجری تصمیم گرفته شده، باشد.

س: روی آن هم دوباره روش مذاکره هست.

ج: عیبی ندارد شما دوباره مذاکره می‌کنید. کارشناسی می‌کنید. تصمیم

می گیرید.

س: نه غير از عيب داشتن يا نداشتن آن يعني روش همين است؟

ج: روش همين هست. يعني براي توليد اينكه چگونه تصميم بسازيم. چگونه تصميم بگيريم، چگونه اجراء بكنيم در سه تايش مي آييد ابداع احتمالات را مي گذاريد، تا تصميم گيري تا عمل.

س: اما موضوعش فرق مي كند. اينجا موضوع اجراء هست. يعني مي خواهيم تصميم گرفته شد، مي خواهيم برويم در عيني عمل كنيم. گردش عمليات چه گونه باشد؟ تقسيم كار چه گونه باشد؟

ج: اي احسن كى مسئول هست؟ اگر بد شد، خوب شد چه كار بايد بكنيم؟ درباره چه چيزي؟

س: اين قسمت اولي كه در چند جلسه تمام مي شود، قسمت دوّم يا بايد يك جلسه ديگر برسيم يا همين مباحث تصميم سازي و تصميم گيري را داشته باشيم.

ج: درباره چه قسمتش؟

س: يعني قسمت تصميم سازي و تصميم گيري، اجراء را بيان كردم بروم مراجعه به مباحث كنم. عملاً فرموديد كه چگونه انجام مي گيرد. يعني براي خودم واضح شده هست.

ج: خوب قسمت سوّم آن كه اجرا هست.

س: ابهام براي خودم در جلسه نيست.

ج: بله قسمت سوم كه اجراء باشد.

س: نه قسمت دوّم، فصل دوّم يعني،

ج: قسمت دوّم: فصل دوّم يعني.

س: فصل اول كه مشخص شد يعني.

ج: فصل دوم برنامه، برنامه، كارش درباره به اصطلاح تصميمات درون سازماني

نیست. می‌خواهد سازمان در بیرون کار کند. موضوعش دوباره یک موضوع دیگری هست. پس بنابراین در حقیقت، همه اش با یک روش کار می‌کنید تا آخر.

س: حتی در تنظیم برنامه.

ج: بله با یک روش کار می‌کنید، اصلاً آن بخش تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، اجراء برای این بود که بتوانید بعد فعالیت سازمان را، سرنوشت آن را مشخص کنید. روی موضوعات می‌گوئید، نیازهای جامعه چه چیزی هست؟ مقدورات ما چه چیزی هست؟ مطلوبیت‌ها چه چیزی هست؟

س: پس روش تنظیم برنامه عین روش دست‌یابی به تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، و اجراء هست. منتهی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌ساخته می‌شود اما در برنامه اولویت‌ها تعیین می‌شود.

ج: بله اولویت‌های اجرایی، تحقق در حقیقت که نسبتی هست بین مطلوبیت‌ها و نیازها، مقدورات.

س: یا بعد اولویت‌های اجرایی، برنامه فعالیت‌های سازمان می‌شود.

ج: بله.

س: در فصل سوم هم که خود مناظره هست.

ج: بله اگر اینها دو تا را داشته باشید، معنایش این است که مناظره را از هر جهت روی چه موضوعی باشد؟ با چه ضابطه‌ای باشد؟ با چه ضابطه‌گزینی باشد؟ برای چه سطحی باشد؟ اینها دیگر برای تان مشخص هست.

س: چون برنامه و سازمان آن را داریم و در اجراء مشکلی نداریم.

ج: ای احسن! نباید مشکلی داشته باشید.

س: حالا واقعیت این هست که ما فصل سوم را شروع کردیم، می‌خواهیم کارمان را هم گسترش بدهیم. دائماً در همه این قسمت‌ها که فرمودید با مشکل داریم. ج: خوب حالا اولین مجمعی که گرفتید دیگر شروع می‌کنید.

س: برعکس هست مجمع از بالا می‌آید تا به مرحله نهایی که می‌رسد این مشکلات را الان با آن روبرو هستیم.

ج: حل می‌کند.

س: حل می‌کند این هم تازه یک مرحله پیدایشی هست بعد انشاء گسترده تر می‌شود و

ج: بهینه می‌شود.

«و صلّی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲۱
کد جلسه: ۳۴۰۹	تاریخ جلسه: ۱۳۷۹/۰۳/۰۴
کد صوت: ۴۷۷۹	مدت جلسه: ۲۱ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۲۳۰۳

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم س. صالح
تایپ:	مصطفی الهامی
تطبیق:	خانم م. کریمی
تصحیح (۱):	حسن ناصری
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	محمد فقیهی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	محمد فقیهی
صفحه آرایی:	محمد فقیهی

جلسه بیست و یکم

آقای رضوی: ... افراد و تشکل‌های دیگر خواهیم داشت.

استاد حسینی: کلاً سازمان‌های غیر دولتی، اگر نظام پیدا نکنند؛ یعنی یک ساختاری، یک نظامی در جامعه‌ای پیدا نشود، که میزان کارآمدی کارشناسانه و قدرت ارزیابی مشکلات و حلّشان را تحویل بدهد، اگر پیدا نشود چنین ساختاری، آن وقت حتماً کار، یک کار سیاسی در شکل استفاده هنری برای تحریک در وهله انجام می‌گیرد. تحلیل‌هایی که نوعاً به مردم داده می‌شود و به جامعه داده می‌شود در همه جای دنیا غیر از تحقیق‌های تخصصی است. خود این مطلب، گویای این است که سیاست را به عامیانه کردن حل مشکلات و طرح مشکلات تعریف می‌کنند. د حالی که قطعاً چنین نیست. هر مدیری خوب می‌داند که پیدایش تخصص در هر رشته‌ای، در رشته برق، آب، تخصص هست. در رشته‌های علوم اجتماعی هم تخصص هست. در طبقه بندی، معضلات، معضلات نرم افزاری سنگین مثلاً مدل‌ها، الگوها، الگوی تولید، الگوی توزیع، الگوی مصرف، این‌ها یک کار تخصصی

می‌برد. رسانه‌های اجتماعی، یک رسانه‌های تخصصی داریم در دنیا، مثلاً مجلاتی داریم درباره مدیریت است، مجلاتی داریم درباره اقتصاد است. ولی ایجاد مناظره در کل این‌ها به صورت سازمانی، چه در یک شکل همایش و سمینارهای علمی طرح می‌شود ولی باز در آن جا هم به مناظره گذاشته نمی‌شود این گونه که در مناظره سازمانی می‌گوییم. امکان تحریک‌های عوام فریبانه را، برای هر دسته‌ای متناسب با فصول مختلف شرایط اجتماعی فراهم می‌کنند، که این بیشتر می‌شود نامش را «ملوک الطوائفی هنر سیاسی» گذاشت، نه حل معضلات اجتماعی. هنر سیاسی می‌تواند ملوک الطوائفی درست کند. هر طایفه‌ای به نام یک تجمعی باشد، ولی تعمیق دادن این تجمع‌ها، سازمان دادن به آن‌ها، هماهنگ کردن شان، نه از مجرای دولت، از مجرای مشارکت و تفاهم خودشان با هم، با حفظ ویژگی‌های موضوعی و کارهای تخصصی خودشان، منزلت نظارت و حتی دخالت و حضور تا عالی‌ترین سطح نه فقط در مسائل داخلی، بلکه در مسائل جهانی به وجود بیاورد.

پس بنابراین ما از این که چرا سازمان‌های غیر دولتی در دنیا، حضورشان یک حضور نیمه فرمایشی هست، و نمی‌تواند در یک طبقه‌بندی خاصی به گونه‌ای حضور پیدا کند که منشاء نه فقط استیضاح، بلکه وارد کردن سازمان‌های جهانی و ابراز اجراء قرار دادن آن‌ها، برای اعمال نظر مردم و مشارکت مردم دانست. این یک سوالی است. تصمیم‌گیری‌های غیر دولتی چرا نمی‌تواند فضایی را درست کند که الزام کند سازمان‌های دولتی در مقیاس جهانی را که آن‌ها مجری باشند؟ عین همین سوال همیشه در داخل هم طرح می‌شود. این به دلیل این که هنر سیاسی اصل هست، در تحریک را و تحرک‌های جمعیت‌ها. واقعیت مشارکت عمقش بیشتر از این است. واقعیت مشارکت کار کارشناسانه تحویل باید بدهد. شما حتی می‌دانید مجلس‌ها را هم دستگاه‌های کارشناسی تغذیه می‌کنند، در حقیقت مجلس‌ها مجری آرای کارشناسان هستند. ولی اگر این، سازمان، گفتگوی سازمانی طبقه‌بندی

جلسه بیست و یکم ۷

موضوعات و کار آمدی‌ها در غیر شکل دولتی انجام بدهد، عملیات کارشناسی حتی در مرحله ساختن الگوها و مدل‌ها برای هماهنگی سازی تولید، توزیع، مصرف اقتصادی و کلیه دستگاه‌ها، به حدی افقش بالا می‌رود که سازمان‌های دولتی را مجری خودش می‌کند.

این سوال مهم هست که آیا سازمانهای دولتی مجرا هستند یا مجری؟ اثر سازمانهای دولتی، بتوانند کارشناسی خودشان را توسعه دهند، به واقع مجری نظرات عمومی می‌شود سازمانهای دولتی. ولی اگر مجبور نشدند، و گفتیم این‌ها مجاری جریان مشارکتند، مجرای که خودش در تصمیم سازی، (این قید مهم است) مجرای که در تصمیم سازی، حضورش بیش از حضور مجرای تصمیم گیری است؛ مجرای تصمیم گیری کجاست؟ قوه مقننه،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: مجرای تصمیم سازی چه کسی است؟ کارشناسان

آقای رضوی: کارشناسان

استاد حسینی: حضور و مشارکت در تعیین موضوع تصمیم چه کسی می‌گیرد؟

کارشناسان

آقای رضوی: کارشناسان

استاد حسینی: اگر تصمیم سازی را مجریان بستر سازی کردند، تصمیم گیران

پاسخ گو به صورت مسأله‌هایی هستند که از قبل پاسخش تهیه شده

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: و تصمیم گیری مجرای مجریان می‌شود.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: مجریان مجریان می‌شود. مجریان مجری تصمیم گیران عملاً

نیستند، چون در تصمیم سازی شان حضور دارد.

آقای رضوی: یعنی مجریان در تصمیم سازی حضور دارند

استاد حسینی: تصمیم سازی حضور دادند

آقای رضوی: یعنی تصمیم سازان کارگزاران کارشناسان مجریان هستند

استاد حسینی: بله

آقای رضوی: یعنی اطلاعشان از آنها است، بله؟

استاد حسینی: چون حقوق از آنها می گیرند، اطلاعشان از آنها است،

سفارشات - به اصطلاح - تولید را از آنها می پذیرند. در این صورت طبیعی است که

تصمیم گیران در بستر تعیین شده، آن وقت دیگر نمی شود گفت که مجرای

مشارکت عمومی تصمیمی از تصمیم سازان است؛ یعنی مجلس....

آقای رضوی: [؟]

استاد حسینی: مجلس که تصمیم گیری می کند از طرف مردم، در بستر خاصی

تصمیم می گیرد که کارشناس برایش درست کرده.

آقای رضوی: یعنی در واقع مجری تصمیم مردم نیست، مجرای تصمیم سازان

آنها است.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: مجرای تصمیم آنها است.

استاد حسینی: بله احسنت! لذا مشارکت عمومی را بالا نمی برد در حل معضلات.

این درست اگر تفهیم شود و تفکیک شود که دو شکل دارد. مجلس چه وقتی

می تواند مجرای مشارکت عموم در تصمیم گیری باشد و دولت مجری؟ و چه وقتی

کارشناسان بستر ساز هستند، مجرای سفارشات دولت هستند، تصمیم گیران، مجر در

تصمیم گیری؟ و بعد وقتی مجری شد ریال قوه مجریه عملاض چه طوری می شود؟

آقای رضوی: مجری تصمیمات مردم می شود.

استاد حسینی: نه، وقتی که کارشناسان بستر درست کردند.

آقای رضوی: مجری تصمیمات تصمیم سازان می شود.

استاد حسینی: خودش می شود.

آقای رضوی: مجری تصمیمات خودش می شود،

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: یعنی خودش تصمیم می گیرد، خودش هم اجزا می کند.

استاد حسینی: خودش سفارشات در تصمیم، حضور دارد در سفارشات در

تصمیم....

آقای رضوی: چرا؟ چون که صورت مسأله را برای مجلس از قبل، بسترش فراهم

کرده

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: در آن بستر تصمیم می گیرد مجلس

استاد حسینی: بله احسنت! بنابراین در نمایش می شود و نمایشگاه دو تا مجلس را

نشان داد. مجلس که مشارکت در مجرای مشارکت علوم، در تصمیم سازی هستند و

تصمیم گیری. مجلسی را که در بستر تصمیم سازی قوه مجریه قرار دارد، و خود

مجلس مجری در تصمیم گیری است نسبت به تصمیم سازی انجام گرفته و دولت

سفارشات را که از قبل یک بار تعیین کرده

آقای رضوی: از طریق کارشناسان

استاد حسینی: از طریق کارشناسان، بستر سازی برای مجلس که آن ها را انجام

می دهد

آقای رضوی: این مثبتش چه چیزی بوده که فرمودید، یک بار دیگر بفرمایید؟

این منفی اش بود.

استاد حسینی: بله احسنت! مثبت این بود که مجلس به وسیله این که هماهنگ

سازی با هنر سیاسی انجان نگیرد برای پیدایش مجلس و تعیین راه حل ها. در یک

ساختارفتکوی سازمانی با حفظ تخصص‌هایی که در جامعه وجود دارد به صورت غیر دولتی، به تفاهم پردازند و تصمیم سازی‌ها از آن جا در بیاید، از دل مردم. تا قوه مقننه شود چه چیزی؟

آقای رضوی: بستر

استاد حسینی: بستر تصمیم گیری مردم. و دولت مجبور شود که خدمت گزار و مجری مجلس باشد. روشن شد؟

آقای رضوی: بله کاملاً

استاد حسینی: پس نیاز به به «ساختار تفاهم تشکل‌ها» با هم و تعمیق‌شان و عهده داری هر کدام‌شان، موضوعی را به فراخور،

آقای رضوی: تخصص‌شان،

استاد حسینی: تخصص‌شان و توانمندی‌شان

آقای رضوی: یا استعداد و علاقه شان

استاد حسینی: استعداد و علاقه شان. پس بنابراین یک ساختار عملاً آن وقت بگویید ما که بحمد الله شرکت‌های بزرگ مالی حکومت برودم ندارند و فرهنگ می‌تواند حضور در تصمیم سازی و تصمیم گیری داشته باشد. اگر چنین هست، باید «ارتقاء تفاهم» بالا برود تا یک نمونه از یک دولتی که بجای احزاب که بوسیله شرکت‌ها به وجود می‌آید، رونق می‌گیرد. این جا شرکت‌ها نباشد، یک فرهنگش باشد که تعمیقش نه «میل در وهله اش»، می‌تواند این، ساختارها را غنا بخشد و این ساختار هم می‌تواند آن‌ها را هماهنگ کند.

آقای رضوی: یعنی سه بخش تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا را هماهنگ کند

استاد حسینی: بله، اول هماهنگ کند تشکل‌ها را

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: و غنا ببخشد. محصول و راندمان نهایی اش، مجلس را تغذیه

کند؛ یعنی

آقای رضوی: یعنی عملاً سازمان‌های غیر دولتی جوانان، می‌شوند سازمان‌های تصمیم‌سازی غیر دولتی

استاد حسینی: بله احسنت! که آن وقت دیگر معنای رساند جمعی شان، معنای کار روزنامه‌شان، معنای کار وسایل ارتباطی شان زمین تا آسمان با الان تفاوت دارد. آقای رضوی: بعد منطقی

استاد حسینی: سیاست را به عنوان یک هنر،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: برای رفتارهای ساده اجتماعی به کار نمی‌گیرند.

آقای رضوی: درست است. منتهی این جا یک مطلبی هست، آن است که این این‌ها که می‌خواهد تصمیم سازان شوند در ساختار موجود، دولت؛ یعنی قوه مجریه از طریق سفارشات که می‌دهد، نیروی انسانی می‌گیرد برای آموزش استاد حسینی: حالا ...

آقای رضوی: در یک ساختار آموزش خاص خودش برای آن‌ها تخصص ایجاد می‌کند؛ بعد که تخصص ایجاد کرد، موظفش می‌کند تصمیم سازی کند. حالا این جوانانی که اگر بخواهند همان مسیر را طی کنند، عملاً جوانانی خواهند بود که حقوق از دولت نمی‌گیرند، اما عملاً تصمیم سازان دولت خواهد بود. اگر در همان ساختار فرهنگی می‌تواند حضور پیدا کند.

استاد حسینی: که می‌تواند که می‌تواند موضوع کارشان، خود وضعیت نظام آموزشی هم باشد.

آقای رضوی: این اشکال ندارد، این ...

استاد حسینی: نه، کل موضوعات را می‌تواند بپوشاند.

آقای رضوی: بله، این طور هست که می‌فرمایید. پس اگر این طور هست به تمام

موضوعات جدای از آن سیستم آموزشی
 استاد حسینی: می‌تواند - به اصطلاح - خود سیستم آموزشی را هم می‌تواند
 موضوع بحث باشد.
 آقای رضوی: موضوع بحث باشد؛ یعنی عملاً مناظره سازمانی، گفتگوی سازمانی
 خودش ساختار آموزشی، همان ساختار که ...
 استاد حسینی: ساختار پرورشی، آموزشی، تفاهم در تخصص‌ها، همه این‌ها را
 می‌تواند بیوشاند.
 آقای رضوی: یعنی در واقع خودشان یک دانشگاهی هستند.
 استاد حسینی: بله یک مثل
 آقای رضوی: یعنی در واقع یک دانشگاه دادند؛ یعنی دانشگاه دادند برای آموزش
 خودشان؛ یعنی در واقع کسانی که در مناظره سازمانی.
 استاد حسینی: یعنی عملاً نتیجه کار دانشگاهی را ایجاد می‌کنند در جامعه، نه
 این که دانشگاه دارند، دانشکده دادند، مخصوص خودشان.
 آقای رضوی: بله، درست است
 استاد حسینی: ثمره آن کار را دارند
 آقای رضوی: درست است، ثمره همان را دارند، منتهی ممکن است ساختار
 کنکور و نمی‌دانم تشکیلات و امکانات الان را نداشته باشد.
 استاد حسینی: کنکور اینجا، متناسب با خود کارش است
 آقای رضوی: بله، درست است
 استاد حسینی: یعنی متناسب، کنکور اینجا؛ یعنی برنده شدن در مناظره
 آقای رضوی: درست است
 استاد حسینی: یعنی ارتقاء فرهنگی در این قسمت
 آقای رضوی: منتهی این خود همین ساختار، درونش یک مطالب دارد که آن

قابل تأمل هست و این‌ها قطعاً اگر تا این حدش با ما مفاهمه کنند؛ یعنی به تفاهم برسیم در این حد و احساس نیاز کنند، بعد توقع دارند. توقع دارند این طور که من متوجه شدم، شما می‌فرمایید پاسخ گویی به توقع‌شان هم از طریق خود مناظره انجام می‌گیرد.

استاد حسینی: بله، از طریق خود مناظره انجام می‌گیرد.

آقای رضوی: یعنی در هر دو صورتش مناظره غیر قابل انکار می‌شود.

استاد حسینی: بله، این یک ساختاری می‌شود که به آن، همه ابزارها باید تهیه شود.

آقای رضوی: بله، درست است؛ یعنی می‌فرمایید، یعنی آن‌ها می‌گویند که خب ما چگونه آموزش ببینیم؟ می‌گوییم این آموزش را به مناظره بگذارید. از درد دل مناظره در می‌آید که چگونه آموزش ببینیم من یک احتمال می‌دهم، دیگر یک احتمال. من احتمال می‌دهم که ابتدا از لغت شروع کنید این طوری شروع کنید تا مسلط شوید تا به هر اطلاعی که رسیدید منفعل نشوید با نسبت با اطلاعاتی که دارید نزولی نشوید بلکه فعال برخورد کنید. فعال برخورد کردنش و حتی ایجاد ساختار آموزشی در سایه همین گفتگوی سازمانی هست. هر چه گفتگوی سازمانی دقیق‌تر شود، سرعت دست یابی به نیازمندی برای رسیدن به یک سازمان تصمیم‌سازی، برای این که ما یک سازمان ضویم که قوه مقننه و قوه مجریه را تحت تأثیر قرار دهیم، باید دائماً گفتگوها ادامه پیدا کند.

استاد حسینی: احسنت! این موضوعی را که در ذهن من می‌آید باید طرح شود.

آقای رضوی: حالا این موضوعی را که فرمودید حاج آقای این در سطوح مالی

هم همین هست

استاد حسینی: در سطوح عالی هم می‌رود جلو تا سازمان ملل و تصمیم‌گیری

درباره ملت‌ها

آقای رضوی: نه، یعنی فعلاً درون خود ایران
استاد حسینی: در درون، کل سطوح از سطح آموزش گرفته، خود پژوهش،
کل کارهایی که الان داریم.

آقای رضوی: خود پژوهش، روش پژوهش همه این‌ها به مناظره گذاشته می‌شود
استاد حسینی: بله،

آقای رضوی: و ...

استاد حسینی: تفاهم احزاب با همدیگر، دسته جات با هم دیگر.
آقای رضوی: بله، لذا به همین خاطر مقام معظم رهبری که روز جمعه فرمایشاتی
داشتند من این جا احساس کردم که خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم که یا به
هم خدمت‌شان که این فرمایشی که شما داشتید سمعاً و طاعتاً، راه کار عملی که
برای این قضیه سراغ دارم این هست. این راه کار پیشنهادی هست این با این راه کار
پیشنهادی می‌تواند، آن فرمایشاتی که شما دادید باید‌هایی که فرمودید در عمل
تحقق پیدا کند،

استاد حسینی: درست است

آقای رضوی: حتی خیلی از صحبت‌های رییس جمهور، صحبت‌های
شخصیت‌های سیاسی؛ یعنی نیازهایی که اعلام می‌کنند، یک کلیاتی را می‌فرمایند.
اما راه کار عملی را ما نمی‌بینیم محقق شود. آن وقت احزاب و شخصیت‌ها و
سازمان‌های دولتی، غیر دولتی حمایت از صحبت می‌کنند، اما حمایت عملی به
خاطر این که ابزار ندارند نمی‌توانند بکنند. باز دوباره همان خلاف فرمایش ایشان
تحقق پیدا می‌کند.

استاد حسینی: یعنی در عمل یک چیز دیگر انجام می‌شود.

آقای رضوی: یک چیز دیگر تحقق پیدا می‌کند. حالا فکر می‌کنم این راه کاری
که فرمودید هم برای آن جا هم برای جای دیگر هست؛ یعنی جواب مان را در یک

جلسه بیست و یکم ۱۵

سطح گرفتیم، خیلی ممنون.

استاد حسینی: کمال تشکر را دارم

آقای رضوی: والسلام علیکم.

استاد حسینی: والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲۲
کد جلسه: ۳۴۱۰	تاریخ جلسه: ۱۳/۰۳/۱۳۷۹
کد صوت: ۴۷۸۰	مدت جلسه: ۴۳ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۶۲۶۱

شناسنامه تدوین

.....	پیاژه:
..... حسین فاضلی	تایپ:
..... خانم م. اسماعیل پور	تطبیق:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۱):
..... حسن سبحانی مجد	کنترل نهایی:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۲):
..... خانم ز. کریمی	مقابله:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۳):
..... محمد فقیهی	صفحه آرایی:

جلسه بیست و دوم

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم.

استاد حسینی: موضوع بحث را طرح بفرمایید.

آقای رضوی: بعد از گذشت چند جلسه به این نتیجه رسیدیم؛ جمع به این نتیجه رسید که دو تا نظر هست،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یک نظر اینکه به گفتگوی سازمانی پرداخته بشود؛ یک نظر نقطه مقابل آن این است که نه، ابتدا مدیریت مشخص بشود؛ بعد از پرداختن به مدیریت، گفتگوها را در جامعه راه اندازی کرد. و اما اینکه چگونه درون هم درون سازمان سامان پیدا بکند از طریق گفتگوی سازمانی،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: و هم بتواند یک هیجان اجتماعی ایجاد بکند که جمع هر دو نظر هم عملاً بشود،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی هماهنگ بکند هر دو نظر را از طریق مدیریتی که در سازمان ما اعمال می‌کنیم. از یک طرف باید این دو نظر را مقابل هم قرار داد. ابتدا، گروه موافق و مخالف؛ یعنی موافق گفتگوی سازمانی و مخالف گفتگوی سازمانی در مقابل هم قرار بگیرند.

استاد حسینی: یعنی کسی که می‌گوید که دربارهٔ وضعیت تصمیم‌گیری مدیریت اولین ابتلاء ما هست، اولین مسأله ما هست،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و کسی که می‌گوید نه، گرانی، سایر مشکلات جامعه،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اولین مشکل، این، این را باید چه کارش کرد؟

آقای رضوی: به نظر می‌رسد که ابتدا باید، کسانی که قائل...؛ یعنی مخالفان. مخالفان؛ این ما عملاً یک الگویی داریم و آن الگو این است که سعی می‌کنیم موافقان وضعیت موجود و مخالفان وضعیت موجود ترسیم کنیم. از این دو نظر کدام موافق وضعیت موجود و کدام مخالف هستند؟ به نظر می‌رسد آن گروهی که موافق وضعیت موجود هستند، همان گروهی هستند که موافق راه اندازی گفتگو سازمانی باشند؛ یعنی موافق گفتگوی...؛ یعنی مطرح کردن معضلات را، معضلات اجتماعی در ابتدائاً؛ اینها در مقابل هم قرار بگیرند، این دو تا چیز؛ یعنی موضوع مشخص، گفتگوی سازمانی هستند. یک عده موافق گفتگو سازمانی هستند، یک عده مخالف؛ یعنی با توجه به اینکه مخالف هستند از این حیث که قبل از مدیریت باشد. والا خود همین‌ها هم موافق گفتگو سازمانی هستند. که این هم اگر بخواهد به گفتگو گذاشته بشود قبل از این مرحله هست که یک عده موافق گفتگو هستند ما یک عده مخالف هستند. این مرحله قبل آن هست. اما این مرحله قبل را حالا فرض را بر این می‌گیریم

جلسه بیست و دوم ۷

که مجموعه آمادگی دارند برای راه اندازی گفتگو سازمانی و توافق کردند، مفاهمه، به این تفاهم دست یافتند که گفتگوی سازمانی باید محقق بشود. منتها اختلاف بر سر این هست که آیا مدیریت ابتدا باشد یا گفتگو؟ این دو تا که مقابل هم قرار گرفتند؛ [...] این کاری هست که درون خود مجموعه انجام می گیرد و اعضا مطلع می شوند، و گفتگو را به گونه ای برگزار می کنیم که عملاً همه اعضای حاضر در جلسه مشارکت داشته باشند در امر گفتگوی سازمانی. هیئت علمی، هیئت مدیره، هیئت ناظران و دو تا تیم موافق و مخالف و احیاناً اگر جمع اقتضاء بکند، مربی داشته باشند، سرمربی داشته باشند، اینها، عملاً مجموعه اعضایی که در درون خود سازمان هستند این را فعال در خود گفتگو هستند، در یک جلسه گفتگو. و به نظر می رسد این هم انگیزه برای آنها ایجاد می کند و هم ممحض شان می کند در امر آن موضوعی که به گفتگو گذاشته شده. و هم اینکه عملاً یک کار عملی کردند، موقعی که از جلسه می روند احساس می کنند که یک کار عملی هم صورت گرفته و برای موضوعات دیگر هم به همین ترتیب می توانند فعال باشند. این برای یک جمع کوچکی هست که درون خود سازمان هست؛ یعنی گفتگوی سازمانی چگونه مشکل خودش را حل می کند از طریق گفتگوی سازمانی؛ یعنی ما یک سازمانی هستیم که ابتدا مشکل خودمان را باید از طریق گفتگو سازمانی بتوانیم حل بکنیم.

استاد حسینی: اگر مشکل خودتان بخواهید مشکل اساسی جامعه بدانید به عنوان زیرساخت بحران ها، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: می توانید این را توضیح بدهید؟

آقای رضوی: بله. ما با تأملی که روی قضیه گفتگوی سازمانی داشتیم، به نظر می رسید گفتگوی سازمانی در درجه اول به جامعه هم ثابت می کند همه کارها باید سازمانی انجام بگیرد؛ یعنی تشکلی، مجموعه ای انجام بگیرد. ثانیاً، تمام تشکّل ها و

مجموعه‌ها چه تشکّل‌هایی که موضوع کارشان، موضوعات خرد هست، چه تشکّل‌هایی که در سطح کلان مشغول فعالیت هستند، با معضل و مشکل مهمی روبرو هستند. و آن تعدد است و اختلاف نظرها هست برای اداره خودشان، برای کار فکری کردن روی حل موضوعی که موضوع تخصص شان هست، و کارآمدی اجتماعی شان. و این از سر تا ذیل مجموعه‌های نظام محسوس هست.

استاد حسینی: یعنی در حقیقت مشکل تصمیم‌گیری، «تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا» مشکل خود نظام هست و مشکل جامعه هست.

آقای رضوی: مشکل جامعه هست، حالا چه سازمان‌های کلان اجتماعی مثل مجلس، قوه مجریه و نظام کارشناسی و مسأله...؛ و یکی از مسائل خیلی اساسی و قابل توجهی هست که نظام کارشناسی ما و نظام تصمیم‌سازی ما کاملاً ملموس هست، از اظهار نظرهایشان، از سمینارهایشان، از کتاب‌ها و مقالاتی که می‌دهند، کاملاً اختلاف و تشتت و ناهماهنگی روشن هست و این با یک حداقل تبعی و مستند سازی، آمار و ارقامش دقیق روشن هست. هم خود کارشناس‌ها برای شان تا حدود زیادی، کارشناس‌هایی که به این موضوعات می‌پردازند؛ یعنی خود نظام کارشناسی، موضوع فکری شان هست قائل به این قضیه هستند. هم می‌توان برای مجموعه‌های دیگر، یعنی برای نظام تصمیم‌گیری و نظام اجرایی و برای عموم مردم جامعه این معضل بزرگ نظام تصمیم‌سازی را برای شان نشان داد که تشتت و ناهماهنگی در نظرات وجود دارد...

استاد حسینی: و اینکه ابزاری ندارند که بتوانند اینها...

آقای رضوی: ... و ابزاری برای هماهنگی نظرات خودشان ندارند. این البته می‌شود در یک سطح آن تعمیم داد در سطح جهانی آن هم، همین طور هست.

استاد حسینی: به یک معنا باید این را در یک سطح...

آقای رضوی: چرا؟ چون که نظام کارشناسی هم به هر حال اینها بی سواد که

نیستند، اینها تحصیل کرده...؛ بعضی های‌شان هستند آخرین اطلاعات علمی در اختیارشان قرار می‌گیرد، حضور دارند در بولتن‌های علمی دنیا، و در تحقیقات علمی و اطلاع دارند از آخرین دستاوردهای علمی آنها و آخرین بحران‌ها و مسائلی که با آن روبرو هستند، که دنیای روز در مسأله روش تحقیق خودشان اذعان کردند که یکی از معضلات ما هست. اما به هر حال فعلاً می‌گوییم در سطح ملی، در سطح نظام خودمان این نظام کارشناسی کاملاً مشخص است. این در سطح کلان قضیه هست. در سطح خُرد هم که خب برای تشکُل‌های مختلف، برای مجموعه‌های مختلفی که از سطح جوانان گرفته تا اصناف و شغل‌های مختلف، این کاملاً برای‌شان با یک توضیح مختصری، با یک...؛ با توجه به موضوع تخصصی‌ای که خودشان مشغول آن هستند، این کاملاً ملموس هست. هم برای خودشان هم برای ما کاملاً روشن هست که این قضیه می‌تواند حل [...]

استاد حسینی: یعنی مشکل گفتگو.

آقای رضوی: بله، مشکل گفتگو؛ یعنی گفتگوی سازمانی، من الان عرض کردم این یکی از برادرهای مان با دو تا...؛ چند تا جوان صحبت کردند. و این را به طریق اولی برای نظام کارشناسی علمی‌تر و دقیق‌تر آن را می‌شود بیان کرد و خودشان هم اذعان دارند به این قضیه. اما در مورد جوان‌ها عرض کردم جوانی که خودش عضو بوده و احساس می‌کرده که شاید این مجموعه هنوز شکل نگرفته یا نمی‌تواند معضل آنها را حل بکند یا معضل جامعه را حل بکند، ولی موقعی که با ادبیاتی که جدیداً به آن دست پیدا کردیم که گفتگو سازمانی واقعاً چه ابزاری هست، عرض کردم شما موضوع کارتان چیست؟ گفتند ما یک مجموعه‌ای هستیم، یک کانونی تشکیل دادیم به امر نویسندگی می‌پردازیم. گفتیم در مجموعه خودتان در مورد اینکه نویسندگی تعریف آن چیست؟ چرا اصلاً نویسندگی را از بین موضوعات دیگر انتخاب کردید؟ چه رسالتی را برای خودتان تشخیص دادید که نویسندگی را

انتخاب کردید؟ حالا که نویسندگی را انتخاب کردید، اینکه نویسندگی را در چه سطحی مسلط بشوید؟ چگونه مسلط بشوید؟ و در چه موضوعاتی به نویسندگی پردازید؟ این اختلاف هست بین تان، باید بحث، بررسی روی آن بشود. گفتند قطعاً باید بحث و بررسی، اگر بحث و بررسی نشود خب...؛ گفتم پس اگر بحث و بررسی و گفتگو صورت بگیرد، آن هم در شکل سازمانی آن که ما عرض کردیم، موفقیت آمیزتر نخواهد بود؟ رشد و تعالی پیدا نمی کند؟ گفتند قطعاً این طور هست. بعد خودشان در تأیید عرایضی که خدمتشان داشتیم، فرمودند که این به معنای این هست که شما روابط عمومی همه تشکل ها هستید؛

استاد حسینی: اینها برای...

آقای رضوی: یعنی شما و اذعان هم کردند که شما هماهنگ کننده خواهید بود. استاد حسینی: برای تولید برنامه هست که چه موضوعی، چگونه کار بشود این تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا ضروری آن هست.

آقای رضوی: بله. و حتی تشکل دیگری خودشان پیشنهاد آوردند گفتند که ما موضوع کارمان ورزش هست. می توانیم موضوعاتی که در ورزش اختلاف زیاد هست. بعد از اینکه البته صحبت هایی با آنها داشتیم در یک روزی که خدمتشان بودیم، گفتند در خود ورزش هم موضوعات اختلافی زیاد هست. از جمله ورزش قهرمانی، مورد تأکید مقام معظم رهبری. این اختلاف هست در تعریف آن، اینکه در مثلاً در یک استان چه ورزشی به عنوان ورزش قهرمانی پیگیری بشود، چه ورزشی نه، خود ورزش قهرمانی تعریفش چه هست و اینها، می تواند موضوع گفتگو قرار بگیرد. ما حاضرم تشکل ما با تشکل شما همکاری داشته باشند که یک موضوعی را به نام موضوع، یکی از موضوعات داخلی ورزش که اختلافی هست، موضوع خاصی را، این را به گفتگو سازمانی بگذاریم و جامعه ورزشکاران خیلی زیاد استقبال می کنند. این استقبال در مورد جامعه ورزشکاران یا نویسندگان نیست. این برای...

استاد حسینی: خب پس نتیجه این پاسخی را که بنده از قول خود شما به دست می‌آوردم، این است که مشکل «گفتگو و تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» مشکلی عام البلوی [؟] نسبت به همه موضوعات جامعه هست، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی در زیرساخت همه و عام ترین مشکلی که داریم، مشکل گرانی، مشکل اصلی نیست، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: درباره گرانی چگونه به وحدت نظر برسیم، این مشکل هست. آقای رضوی: والا در خود گرانی وحدت نظر هست. استاد حسینی: والا خود صورت مسأله را همه قبول دارند، که بد هست. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: حل آن را چگونه بکنیم؟ چگونه به وحدت نظر برسیم؟ آقای رضوی: ابتدا باید تغایرها معلوم بشود.

استاد حسینی: ابتدا باید حتماً درباره «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرای» خود برخورد با مسأله گرانی باید قابلیت تفاهم داشته باشیم، در تصمیم سازی اش چه موضوعاتی دخیل هست، در گفتگو باید طرح بشود.

آقای رضوی: به نظر می‌آید در تصمیم سازی آن یعنی این را...

استاد حسینی: چه موضوعاتی دخیل در گرانی هست؟ یک کسی می‌گوید که کمی سرمایه هست. یک کسی می‌گوید کمی انگیزه هست، یک کسی می‌گوید نظام سرمایه داری اصل در گرانی است، یک کسی می‌گوید نخیر! نظام سرمایه داری نیست، نداشتن تکنولوژی، نداشتن سرمایه، اصل در گرانی هست. نظرات مختلفی که درباره گرانی هست. باید چه کار بشود؟ محوربندی بشود، موضوع گفتگو قرار بگیرد، به تفاهم برسد، به وحدت نظر برسد.

آقای رضوی: بله؛ یعنی یک، به یک تصمیم برسند.

استاد حسینی: یعنی به یک تصمیم برسند، بله احسنت! گفتگوی سازمانی می‌شود سازمان تفاهم، مشخص شدن نظریه‌ای که بتواند خودش را اولاً در مرحله تئوریک اثبات کند. این می‌شود چه چیزی؟ تصمیم سازی درباره اینکه گرانی علتش چیست؟ براساس این تصمیم سازی، آن وقت تصمیم گیری می‌کنیم که حالا چگونه برخورد کنیم نسبت به آن. باز خودش چگونه باید تصمیم...

آقای رضوی: یعنی قانونش را تصویب کرد؟

استاد حسینی: باز چگونه بخواهیم برخورد کنیم را در آن مرحله تصمیم سازی می‌گذاریم، هم صورت مسأله تشریح می‌شود که علتش چیست؟ یعنی اینکه از یک علت اجمالی به علت تفصیلی می‌رسیم، بعد در حل آن مشکل دوباره به وحدت نظر می‌رسیم. می‌رسد به مرحله اینکه چگونه اجرا کنیم، تصمیم می‌گیریم باز درباره اینکه گفتگو درباره برنامه‌اش صحبت کنیم تا نهایتاً برنامه را با تصمیم گیری تصویب کنیم،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: در هر مرحله هم طبیعتاً به تصمیم می‌رسیم، ها!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اگر گفتیم به چند محور می‌رسیم، بعد تصمیم می‌گیریم که از این به بعد بنا را بگذاریم روی این چند محور پس صحبت کنیم، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بعد دوباره می‌گویید درباره اینکه چگونه برخورد کنیم به آن، می‌رسیم دوباره به اینکه با این برنامه برخورد کنیم. بعد در اینکه نحوه اجرای آن چگونه باشد، کل اینها مرحله تصمیم سازی دارد، پشت سرش هم تصمیم گیری دارد.

آقای رضوی: تصمیم گیری و نهایتاً اجرا.

استاد حسینی: بله و نهایتاً اجرا.

آقای رضوی: الان در خود مسأله تصمیم سازی که یک موضوع به عنوان مثال موضوع گرانی هست، این گرانی می‌خواهد به تصمیم سازی گذاشته بشود؛ خوب اینکه می‌خواهد به تصمیم..

استاد حسینی: این اول می‌خواهد بیاید کارشناسی، تصمیم سازی یعنی کارشناسی.

آقای رضوی: بله، خود همین کارشناسی...

استاد حسینی: علل پیدایش؛ خود همین که علل پیدایش آن چه چیز اختلافی است. به وسیله گفتگوی سازمانی باید چطور بشود؟ برتری یک نظر تمام بشود.

آقای رضوی: بعد آن موقع سؤال پیش می‌آید که خود این تصمیم سازی هم باز اختلافی هست؛ یعنی ما نسبت به تصمیم سازی، یعنی چگونگی رسیدن به وحدت نظر، شما می‌فرمایید سازمانی است گفتگوی سازمانی می‌تواند این کار انجام بدهد،...

استاد حسینی: گفتگوی سازمانی درباره خودش هم می‌تواند حرف بزند، بگوید چگونه کارشناسی کن.

آقای رضوی: بله! یعنی روش «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» گفتگوی سازمانی است. اگر کسی روی این روش..

استاد حسینی: روش...

آقای رضوی: ...تصمیم سازی اشکال داشته باشد، خودش هم می‌شود [..]

استاد حسینی: خودش هم می‌شود.

آقای رضوی: بله؛ یعنی ولی اگر بخواهد به این..

استاد حسینی: یعنی یک نظمی داشته باشد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: حاکمی داشته باشد، قاضی‌ای داشته باشد، قاضی یعنی همان هیئت علمی، حاکم یعنی هیئت مدیر. طرفین دعوا، یعنی آنهایی که مناظره می‌کنند. حضور مردم باشد، به تحلیل بعداً بنشینند. این چیزی نیست که کسی بتواند بگوید نه، نمی‌خواهد.

آقای رضوی: بله، این درست است. بعد منتها فرق در تصمیم سازی، تصمیم... استاد حسینی: خود اینکه آیا روش عینی آن آیا روش سازمانی هست یا نه، خود همین را می‌شود به «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» گذاشت؛ یعنی خودش را می‌شود کارشناسی کرد.

آقای رضوی: خود همین روش گفتگو سازمانی را؟

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: در قسمت تصمیم گیری هم فرمودید چگونه اینکه، چگونه برخورد بکنیم حالا؟

استاد حسینی: چگونه هست علتش؟ چگونه علت یابی کنیم؟ چگونه علتی را که یافتیم برای آن راه حل به دست بیاوریم؟

آقای رضوی: در تصمیم گیری این دومی؟

استاد حسینی: همه اینها. هر، اول، دوم، سومش را، سطوح تصمیم گیری را مرتباً تعمیم بدهیم.

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: چگونه بشناسیم؟ چگونه درد را بشناسیم؟ چگونه دوا را بشناسیم؟ چگونه اجرا کنیم؟ چگونه حتی به تصمیم برسیم درباره این تصمیمی را که شناسایی کردیم؟ همه اینها می‌تواند موضوع گفتگوی سازمانی قرار بگیرد، در مرحله تصمیم سازی، یعنی عملیات کارشناسی.

آقای رضوی: بعد اینها در مورد تصمیم سازی شد، در تصمیم گیری هم دوباره یک مرحله بعدی آن می شود.

استاد حسینی: مرحله بعدش باز خود تعریف علمی تصمیم گیری با رأی اکثر باشد؟ با رأی چگونه باشد؟ با چه شروطی باشد؟ سه چهارم باشد؟ نصف به علاوه یک باشد؟ اصلاً رأی علمی باشد، نه رأی - به اصطلاح - رأی اکثری سیاسی؟ به صورت چه چیزی باشد؟ باز خود همان را هم، آقای رضوی: موضوع گفتگو.

استاد حسینی: موضوع، گفتگو است.

آقای رضوی: اما اگر این به توافق رسید و به نتیجه رسید، براساس این نظام... استاد حسینی: عمل می شود.

آقای رضوی: ..تصمیم گیری عمل می شود.

استاد حسینی: و تصمیم گرفته می شود.

آقای رضوی: یعنی آن گرانی ای را که...

استاد حسینی: یعنی اجرا...

آقای رضوی: ...مربوط به علت...

استاد حسینی: اجرا می شود تصمیم گیری.

آقای رضوی: بله؛ یعنی آن مرحله ای که گرانی تعیین شد که تصمیم واحد گرفته شد که علت آن چیست...

استاد حسینی: اصلاً تصمیم سازی چگونه باشد، موضوع است.

آقای رضوی: بله، این هم یک موضوع هست.

استاد حسینی: تصمیم گیری چگونه باشد، این هم یک موضوع است.

آقای رضوی: این یک موضوع است.

استاد حسینی: اجرا چگونه باشد، این هم یک موضوع است.

آقای رضوی: این یک موضوع است.

استاد حسینی: درباره هر موضوعی این می‌شود این را [؟]

آقای رضوی: اما به عنوان یک مثال خاص که گرانی باشد، گرانی بعد از اینکه تصمیم واحد رسید، در نظام تصمیم سازی...

استاد حسینی: درباره اینکه علت یابی آن را چگونه بکنیم.

آقای رضوی: بله! بعد از اینکه علت یابی آن را چگونه پیدا کنیم، تصمیم پیدا شد، تصمیم واحد.

استاد حسینی: تصمیم به اینکه این طوری علت پیدا کنیم. بعد علتش را پیدا کردیم، دوباره می‌آید درباره اینکه به این علت چگونه برخورد کنیم؟
آقای رضوی: یعنی در مرحله اجرا.

استاد حسینی: نه، درباره برنامه، برنامه برخورد، دوباره در تصمیم سازی هست.
آقای رضوی: بله! یعنی بعد...

استاد حسینی: یعنی تصمیم سازی را چرا در خودش چندین بار ضرب نمی‌کنید؟

آقای رضوی: باید...

استاد حسینی: در مدل خودمان مثلاً ۸۱ بار تصمیم گیری باید در خودش ضرب بشود،

آقای رضوی: بله، همین طور است.

استاد حسینی: بنابراین تصمیم گیری می‌تواند مرتباً موضوع خود تصمیم گیری قرار بگیرد در سطوح مختلف گرانی. تصمیم گیری درباره علت یابی گرانی، تصمیم سازی درباره علت گرانی، تصمیم سازی درباره برنامه گرانی، تصمیم سازی برای خود تصمیم گیری نسبت به برنامه گرانی تصمیم سازی درباره اجرا،
آقای رضوی: بله، در هم ضرب می‌شود، درست است.

جلسه بیست و دوم ۱۷

استاد حسینی: می‌تواند این طوری باشد؛ و این باید تمرین هم بشود، نباید گنج بشوند، بگویند این نحوه تصمیم سازی برای این مرحله است.

آقای رضوی: اما مفاهیم اولیه‌اش همین «مدیریت، برنامه، اجراء» است که می‌فرمایید، و درون مدیریت، «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» است استاد حسینی: مدیریت...

آقای رضوی: درون برنامه هم که فرمودید و «مطلوب، موجود، انتقال» هست، اولویت‌های مجموع. و داخل اجرا هم که همان خود گفتگوی سازمانی هست. استاد حسینی: بله. بفرمایید.

آقای رضوی: خواهش می‌کنم. این در مورد خود گفتگوی سازمانی پیاده می‌شود در مورد هر موضوع دیگری هم پیاده می‌شود؟ استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: این می‌شود، اصل و اساس کار. استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: حالا اینکه براساس این اصل و اساس ما فعالیت اجتماعی مان را هم زمان انجام بدهیم،...

استاد حسینی: آیا

آقای رضوی: را آنها هم به موضوع گفتگو قرار می‌گیرد، استاد حسینی: بله! این...

آقای رضوی: یعنی مثلاً تبلیغ، الان می‌خواهیم تبلیغ را شروع کنیم، می‌خواهیم خودمان را در سیما اعلام کنیم، تشکّل‌های قم اعلام بکنیم. این خودش می‌تواند موضوع گفتگو قرار بگیرد، در مجموعه ی خودمان، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: در جامعه هم می‌شود به گفتگو گذاشته بشود، ولی اینکه چه وقت؟

چه زمانی؟ خب برنامه آن باید مشخص بشود. این اگر این طور باشد، به معنای این است که شما قبل از اینکه به اینها پرداختید، نباید وارد موضوعاتی بشوید که هنوز گفتگو روی آن انجام نگرفته.

استاد حسینی: حالا! یک تبلیغاتی شما می گوید من می کنم برای اینکه یک عده ای پیدا بشود در همین باره با من صحبت کنند، عیبی ندارد! یعنی به عبارت دیگر می گوید برای معرفی کارم فرضاً در صدا و سیما، روزنامه، اعلامیه، آگهی، اینها را شروع می کنم طرح کردن، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این کلش چه چیزی است؟ کل این کاری که شما می گوید؟ آقای رضوی: کل این کار همان چیزی هست که موضوع کارمان بود، یعنی گفتگو است - بفرمایید - یعنی این که گفتگوی سازمانی بین مجموعه ها و تشکّل ها در موضوعات مختلف راه اندازی بشود.

استاد حسینی: نه! کل کارش برخورد با خود موضوع در جامعه هست! آقای رضوی: کل موضوع چه چیزی؟ استاد حسینی: یعنی یک، یک - به اصطلاح - تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرائی در خود جامعه وجود دارد، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: شما طرح سازمانی را که می کنید، به آن نحو وضعیت تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا دارید برخورد می کنید، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و عملاً جامعه را در مسند داوری می نشانید، آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: و اجرای آن هم این است که بعدش یک عده ای می آیند همراه

شما؛ یعنی برخورد سازمانی را آیا می‌توانید تعمیم بدهید؟ بگویید وقتی من تبلیغ می‌کنم، دارم به وضعیت برخورد می‌کنم،

آقای رضوی: یعنی خود،...

استاد حسینی: از فلسفه گفتگوی سازمانی دارم استفاده می‌کنم، از فرهنگ گفتگوی سازمانی دارم استفاده می‌کنم،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی خودم را دارم مطرح می‌کنم برابر با وضعیت. مثل طرفین مناظره که خودشان را روبروی هم...

آقای رضوی: یعنی این سطح کارش، غیر از سطح کار در خود یک سازمان هست،

استاد حسینی: بله حتماً.

آقای رضوی: این به معنای این هست که ما مجموعه سازی...

استاد حسینی: برخورد با فرهنگی که سازمان را طرح نمی‌کند برای گفتگوی سازمانی.

آقای رضوی: بله همین طور است؛ یعنی به معنای این است که در وضعیت موجود یک «تصمیم سازی تصمیم گیری، اجرا»، برنامه ریزی و اجرای براساس برنامه تحقق پیدا می‌کند، ولی با طرح گفتگوی سازمانی، ما می‌آییم می‌گوییم که مجموعه اینها...

استاد حسینی: منظمش کنید، مقننش کنید.

آقای رضوی: بله! مجموعه اینها قابل تامل هست، مجموعه اینها قابل بررسی هست. یک معضلاتی در جامعه موجود هست، اعم از معضلات «سیاسی، فرهنگی،

اقتصادی» در تمام سطوح آن،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: اینها پشتوانه‌اش این نظام، این نظام «مدیریت و برنامه و اجرا» هست. حالا خود همین‌ها، و در سایه اینها آن معضلات قابل بررسی هست و آن ساختاری که ما به نظرم می‌رسد می‌تواند جامعه را سامان بدهد از حیث «مدیریت و برنامه و اجرا»، این گفتگوی سازمانی هست، استاد حسینی: درست است، بله.

آقای رضوی: از این جهت هست که می‌گوییم ما خودمان را معرفی می‌کنیم و تبلیغ می‌کنیم من باب اینکه ما بتوانیم تشکّل‌ها را در سطوح مختلف، ابتدا تشکّل‌های جوانان مثلاً، استقبال ممکن است بکنند در موضوعات خاص خودشان و موضوع خاص خودشان هم که وارد می‌شویم مثلاً ورزش، آن چیزی که می‌توانیم به آنها مشورت بدهیم، اگر قبول بکنند مثلاً مدیریت ما را، اگر نخواهند ما فقط مباشرت داشته باشیم، اگر مدیریت ما را بپذیرند، می‌گوییم که ابتدا بیایید روی تصمیم‌سازی خود ادبیات [...]

استاد حسینی: در ادبیات بیاورید، یعنی چه؟ یعنی گفتمان گاهی است که به وسیله قواعد منطقی انجام می‌پذیرد، گاهی است به وسیله [...] بینید یک بحث، بحث منطق هست،

آقای رضوی: مفاهمه از طریق قواعد منطق

استاد حسینی: قواعد منطق است؛ یعنی نظمی درست می‌شود بین مفاهیم. یک نظمى ابتدائاً درست می‌شود بین آواها، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی علائم، علائم حسی،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: یک بستری درست می‌شود برای - به اصطلاح - ارتباط گرفتن. ولی ارتباطی که گرفته می‌شود با حواس، یعنی در حقیقت قدرت آواسازی انسان با

قدرت استماع انسان می‌تواند ارتباط برقرار بکند. پشت سر این مطلب، یک بحث هست مفاهیم؛ مفاهیم را منطق می‌آید نظام می‌دهد. خب اگر ما قبلاً می‌گوییم حروف و کلمه و کلام و قواعد مثلاً معانی - بیان، قسمت دوم می‌گوییم قواعد منطق، قواعد منطق هم یک مطلب هست. ولی این دو مرحله کار بسترسازی عینی را درست نمی‌کند، دو تا نظم درست می‌کند، که این دو نظم گفتمان را در بین دو نفر بسترسازی می‌کند. هماهنگ سازی گفتگوهای متعدد و نظرات مختلف، این اجتماعی شدن، بستر عینی هماهنگی را می‌خواهد، سازمان می‌خواهد، گفتمان سازمانی نقش منطق را در عینیت برای به تفاهم رساندن گفتگوهای مختلف را دارد، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: هر قدر این مقنن تر بشود، بهتر این کار را می‌تواند بکند،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: نظم اولیه آن این است که بگوییم که دو نفر که گفتگو می‌کنند،

حاکم و قاضی داشته باشند،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: نظم بعدی آن این است که بگوییم که تصمیم سازی چگونه

باشد، تصمیم گیری چگونه باشد، اجرا چگونه باشد، چه مسائلی و الی آخر، در خودش مرتباً ضرب بشود.

آقای رضوی: خود این «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» روی خود گفتگوی

سازمانی هم هست؟

استاد حسینی: عین اینکه می‌گویید که منطق اساسش، کلیه قضایایش برمی‌گردد

به یک قضیه، قیاس شکل اول. ولی به هر حال علم منطق یک - به اصطلاح -

تعاریف کلیات خمسی دارد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک - به حضورتان که عرض کنم که - تعاریفی دارد دیگر! آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: معرفی دارد، حجتی دارد، قضایایی دارد، نظامی دارد، نظام [؟] آقای رضوی: بله، انواع استدلال‌ها هست، استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: بعد موادی دارد،

استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: صناعاتی هست. و پس ما احساس‌مان همراه با این قضیه بود که حتماً باید ما در جامعه حضور داشته باشیم و معرفی کنیم این قضیه را.

استاد حسینی: منطق در عینیت،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: باید ضرورت منطق در عینیت، خودش عملاً موضوع طرح گفتگو و نهایتاً گفتگوی سازمانی قرار بگیرد. منطق در عینیت یک ساختار و نظام و نظام ارتباطات عینی است، نه نظام مفاهیم نظری. نظام ارتباطات عینی، آن قیاس شکل اولش گفتگوی سازمانی است، که باید کلیه موضوعات خودش را مرتباً طرح و پردازش کند.

آقای رضوی: آن هم در عینیت یک چنین چیز است،

استاد حسینی: آن هم در عینیت باشد.

آقای رضوی: نه اینکه یک فیلسوفی...

استاد حسینی: یک کتاب بنویسند، بله.

آقای رضایی: یک فیلسوفی یا یک منطقی بنشیند،

استاد حسینی: یک کتاب بنویسند.

آقای رضوی: یک کتاب بنویسید و نظام ارتباطات مفاهیم را با هم برقرار بکنند،

استاد حسینی: نخیر.

آقای رضوی: این جز در بستر اجتماعی تحقق پیدا نمی کند.

استاد حسینی: سازمان خودش را باید ایجاد بکند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ایجاد سازمان بشود، نه اینکه ایجاد مفاهیمی در این باره.

آقای رضوی: بله؛ یعنی با...

استاد حسینی: یعنی هماهنگی ارتباطات را در عینیت ایجاد کند.

آقای رضوی: درست است. ما همین ها حاج آقا به گفتگوی سازمانی که گذاشته نشده.

استاد حسینی: خب، این خود همین ها معنای طرح گفتگوی سازمانی است که می تواند دانه دانه اینها را بچیند و بگذارد، مثل قیاس شکل اول.

آقای رضوی: یعنی همین مفاهیم درست است، از یک طرف می آید در جامعه، مطرح می شود، روی آن گفتگوی سازمانی هم انجام می گیرد.

استاد حسینی: بله، تا خودش را پیدا کند، تا خودش را ایجاد کند.

آقای رضوی: تا خودش را در جامعه ایجاد کند،

استاد حسینی: ایجاد کند.

آقای رضوی: بله. این بر یک، فرد یا یک مجموعه خاصی ایجاد شده..

استاد حسینی: نه. بله باید، باید در عین حال حضور اجتماعی خودش را...

آقای رضوی: ...اما موقعی اجتماعی پیدا می کند که در جامعه تولید بشود،

استاد حسینی: همین طور است

آقای رضوی: و در جامعه تولید شدن آن به این هست که ما نظام ارتباط عینی مان

روز به روز مقنن تر و گسترده تر شود، یعنی..

استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: ... در واقع پوشش بیشتری را داشته باشد در جامعه، استاد حسینی: همین طور است.

آقای رضوی: حالا خود همین امر را ما موضوع فکرمان قرار گرفتیم، که ما بخواهیم این گفتگوی سازمانی را در جامعه محققش بکنیم. سطوح مختلف به ذهن رسید: یک سطحش این است که مراجعه به مجلس بکنیم، مجلس شورای اسلامی، با بیان کارشناسی. یک سطح آن مراجعه به خود قوای دیگر مثل نظام کارشناسی حالا فرهنگستان شده، فرهنگستان علوم [...] استاد حسینی: [...] جوانان.

آقای رضوی: خب، این سطح، سطح عالی آن هست، ولی این به ذهن هست، اما اینکه در برنامه این الان موقع آن هست ما توان آن را داریم، و تخصص آن را داریم، حضرتعالی را عرض نمی‌کنم.

استاد حسینی: نه! من یک چیز دیگر می‌گویم. می‌گویم ما هم توانش را نداریم برای ایجاد. برای اینکه یک ساختار ارتباطات موجود جامعه دارد، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: کسی گوش نمی‌دهد به این حرف که،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: کسی دنبال...

آقای رضوی: یعنی اولویت‌های جامعه این نیست. ما باید اولویت‌های جامعه را با توان اجرایی از پایین شروع کنیم، تغییر بدهیم،...

استاد حسینی: یعنی شما با خود جوانان که صحبت کنید و معضلات خودشان، در کارهای موضوعی بخش خودشان، در ورزش موضوع شان خود گفتگوی سازمانی، این شما بهترین کار این است که به واحدهای موضوعی خاصی که جوان‌ها دارند به خود آنها مشاوره بدهید در حل درونی کار خودشان، نه بیرونی. بعد

که اثرش را ملاحظه کردند تدریجاً سخن از بیرونش گفته بشود.

آقای رضوی: فقط موضوعاتی که بیرون از مجموعه هست،

استاد حسینی: یعنی بگوییم که حالا دو تا، سه تا - به اصطلاح - تشکّل جوانان چگونه به همدیگر ارتباط داشته باشند، این می شود بیرونی.

آقای رضوی: بله، اینجا است که تبلیغ ما باید واقعاً، تبلیغ، تبلیغ واقعی باید باشد یعنی، یعنی تبلیغ باز دوباره همان ذهنی و انتزاعی و فکر بکنیم یک چیزی هست که، استاد حسینی: ابداء...

آقای رضوی: این نباید باشد؛ لذا است که عرض کردم ما همین هم موضوع فکرمان واقع شد، اما اینکه چگونه اولویت بندی بین اینها برقرار بکنیم، می فرمایید از سطح پایین. قاعده آن هم این هست که تغییر از پایین شروع بشود.

استاد حسینی: یعنی یک جامعه جوان است، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک جامعه که الان دست به یک کارهایی زده و ناهنجاری خودش را حس می کند، [؟] این روی دغدغه...

آقای رضوی: بدون اینکه در نظام اطلاعات موجود باشد؛ یعنی در نظام جا نگرفته هنوز خودش.

استاد حسینی: هنوز جا نگرفته.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر هم ناهنجاری را درک می کند، هم نیاز را حس می کند که حل بشود ناهنجاری اش، هم در قُرم ساختاری موجود نیامده

آقای رضوی: خودش رفته دنبال راه حلش، استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: و...

استاد حسینی: ما مشاوره بدهیم و کمک بکنیم که چگونه می‌تواند کار تو را حل کند. هرگاه این حل در جامعه حضور پیدا کرد، طبیعی است که...
آقای رضوی: یعنی در عینیت مشکل را حل کرد این ساختار،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی این تشکل توانست آن مشکلی که، موضوعی را حل کند در جامعه که آن موضوع خودش یکی از موضوعات یکی از نهادهای دولتی و نظام هست.

استاد حسینی: ابتداءً ما کاری نداریم که جزء مشکلات نظام باشد یا نباشد،
آقای رضوی: بله، هست یا نیست.
استاد حسینی: ابد! مشکل آن مجموعه هست. کارآمدی خودش را برای خود آنها،...

آقای رضوی: ثابت...
استاد حسینی: در تفاهم نشان داد.
آقای رضوی: این آثار اجتماعی‌اش هم حتماً برای ساختار موجود هم ملموس می‌شود،

استاد حسینی: بله دیگر!
آقای رضوی: یعنی اینها کارآمدی را می‌بینند، اما در خودشان کارآمدی نمی‌بینند، یا معضل می‌بینند در ارائه‌ی راه حل،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: و این به معنای ایجاد ساختار موازی هست.
استاد حسینی: نه، پیدایش یک زبان اجتماعی است. زبان اجتماعی در نحوه موضع‌گیری‌ها و برخوردها.
آقای رضوی: بله، متوجه شدم حاج آقا. خیلی ممنون از شما!

استاد حسینی: یک مسأله [؟]

آقای رضوی: این در مورد ادامه کار بود که،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: الان این روند را باید طی بکنیم. حالا بنده به عنوان دبیر این

مجموعه،

استاد حسینی: خب

آقای رضوی: که می‌خواهیم این، این کار سنگین را انجام بدهم،

استاد حسینی: خب!

آقای رضوی: ارتباطات این چینی و فلان و اینها و تمام مسائلش را پیگیری کنم

با خود مجموعه‌ای که مجموعه حداقلی که داریم و همکاری گرفتن از خود تشکّل

ها. یک صحبت این است که،...

استاد حسینی: مشاوره دادن به تشکّل‌های دیگر که موضوع شان، موضوع

کارهای دیگر هست،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این برای شما خیلی مهم است؛ یعنی - مثلاً عرض می‌کنم - شما

شروع می‌کنید درباره «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرای» ورزشکاران بحث

گفتگوی سازمانی را طرح می‌کنید، اگر آنها پذیرفتند و به نتیجه رسیدند، طبیعی

است که این مطلب، گزارشش در گروه خودتان اثر می‌کند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی آنها می‌گویند که عجب، سپس «تصمیم سازی، تصمیم

گیری»، اجرا چیز مهمی است.

آقای رضوی: کما اینکه در تشکّل‌های دیگر هم غیر از گروه خودمان،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی اثرش چند جانبه هست. این مطلبی که هست این است که ما حالا مشاوره‌ای که می‌خواهیم بدهیم، یک موقع مشاوره در «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» هست، خب این سه تا عنوان دارد...

استاد حسینی: یعنی می‌گویید که مشکل شما، مشکل «سازماندهی، برنامه، اجرا» است به خود تشکّل ها، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: در سازماندهی مشکل تصمیم گیری بزرگترین مشکل تان هست. گفتگوی سازمانی را در این روند بیاورید؛ یعنی در حقیقت روند برای گفتگوی سازمانی خود آنها برای شان به صورت مشاوره کارشناسی طرح بکنید، آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: آنها در صورتی که در این روند راه بروند، - به اصطلاح - طبیعی است که مراجعه شان به شما زیاد بشود.

آقای رضوی: بعد هم نهایتش به اجرای گفتگوی سازمانی روی موضوع می‌پردازند،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: بعد از اینکه نظام شان شکل گرفت، یعنی در واقع خودشان سازمان را شکل دادند در سایه آن سازمان یک گفتگوی سازمانی می‌کنند.

استاد حسینی: یعنی گفتگوی سازمانی در موضوعات مختلف شروع می‌کند «تصمیم سازی، تصمیم گیری، اجرا» در «سازمان، برنامه، اجرا» ضرب می‌کند و عمل می‌کند

آقای رضوی: خب ما با همین توانمندی حاج آقا، با همین طبقه‌بندی چیز قابل، یعنی می‌توانیم موفق باشیم، با توجه به این فرمایشاتی که فرمودید حتماً مسلط به مباحث دفتر باشیم؟

استاد حسینی: بله، همین طور - به اصطلاح - مباحث دفتر در این موضوع به صورت کاربردی مثلاً می‌گوییم اجرایی را که در سازمان به کار می‌برید معنی گردش عملیاتی می‌دهد، اجرایی را که پس از برنامه به کار می‌گیرید، اجرا کردن یک سازمان نسبت به بیرون است.

آقای رضوی: این فعالیت بیرونی هست.

استاد حسینی: بله احسنت! اینها نباید موجب خلط بشود.

آقای رضوی: بله، درست.

استاد حسینی: شروع کنید به نامه نگاری، مشغول بشوید به یاری خدا.

آقای رضوی: یعنی به صورت کاربردی مباحث، همین مباحث را، همین عناوین را پیگیری بکنیم،

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: یعنی با مشاوره‌ای که خدمت حضرت عالی داریم روی همین‌ها ممحض بشویم.

استاد حسینی: به یاری خدا!

آقای رضوی: همین، این به معنای چیز دیگر نیست که من، من...

استاد حسینی: بخواهید فلسفه‌اش را بیاورید.

آقای رضوی: یا بخواهیم در فرهنگستان...؛ بله! من می‌خواهم، فکرم را، کارم را،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: اینکه توان شخصی من این هست که خب وقتم در ۲۴ ساعت باید بهینه استفاده بشود،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: اما اینکه این در ذهنم باشد که باید من اگر به فلسفه،...

استاد حسینی: - مثلاً عرض می‌کنم - شما الان درست کردن مدل ضرب اینها را،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و، نه اینکه در ذهن حتماً، منظم تنظیم کردنش را، تبدیل کردنش به یک طرح مشورتی و فرستادن برای کل این گروه‌هایی که با شما بودند. آقای رضوی: تشکّل ها.

استاد حسینی: تشکّل ها، نامه نگاری و اینکه ما حاضریم در کار شما مشورت بدهیم، احیاناً ذکر هم می‌کنیم هیچ گونه انتظار مالی از شما نداریم. ما تأمین مالی‌مان خودتان می‌دانید از جای دیگر انجام می‌گیرد، ما دنبال این هستیم که فرآیند این کار را در کل جامعه به آزمایش بگذاریم.

آقای رضوی: همین کار، کار گفتگو سازمانی؟

استاد حسینی: بله بله، کارآمدی آن را هم ببینیم.

آقای رضوی: بله. نقدش را هم [؟]،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این عناوینی که شما فرمودید، سازمان...؛ مدیریت، برنامه، اجرا یا سازمان، برنامه، اجرا و زیربخش هر کدامش، خب زیربخش البته مدیریت شد را یا سازمان شد،

استاد حسینی: تصمیم سازی.

آقای رضوی: تصمیم سازی، تصمیم گیری. زیربخش - خدمت تان عرض کنم - برنامه شد «مطلوب، موجود، انتقال». و زیربخش اجرا هم شد اجرای آن موضوع...؛ یعنی اجرای گفتگو که، گفتگو هم مثلاً سه بخش دارد.

استاد حسینی: بله، آن را باید، باید در اجرائیش هم ببینیم که چه زیربخش‌هایی دارد، - مثلاً می‌گوییم - مثل ناظرین.

آقای رضوی: اجرای بعد از برنامه.

استاد حسینی: ...بله، دو طرف مناظره هست، یک قاضی هست، یک حاکم.

طرفداری از وضعیت، نقض وضعیت، قاضی و حاکم؛ یعنی مدیر و ناظر.

آقای رضوی: ناظر.

استاد حسینی: یعنی هیئت علمی.

آقای رضوی: هیئت علمی. قاضی هیئت مدیره هست، داور هست،

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: حاکم هم هیئت علمی هستند.

استاد حسینی: یا برعکس. حاکم مدیر هست، قاضی علمی، هیئت علمی.

آقای رضوی: هیئت علمی. این می شود سه رکن مثلاً...

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: بعد اینها، حالا ابتدا هم می شود قبل از ضربش همین نه تا را منتقل کرد با توضیحش، تنظیمش در یک نامه تنظیم کرد برای همه تشکّل ها. و اگر استقبال هم کردند می شود درون خودش ضربهایی ایجاد کرد.

استاد حسینی: آن وقت می آید می گوید که ما در موضوعات کار خاص خودتان این را می توانید طرح - به اصطلاح - برنامه گفتگوی آن را تنظیم کرد.

آقای رضوی: در موضوعات تان این قابل پیاده شدن هست، هر موضوعی که موضوع،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این را می شود حاج آقا ما یک لیستی تهیه کنیم از آنها بگیریم

یعنی، موضوعاتشان را از قبل بدانیم چه هستند؟

استاد حسینی: اول لیست خودشان، آدرس های شان به صرف اینکه می شود

گرفت، نباشد. بگیرد در بایگانی تان موجود باشد.

آقای رضوی: نه! آنکه قطعی است، آن را قطعی می گیریم حاج آقا.

استاد حسینی: خب قسمت دوم...

آقای رضوی: قطعی می‌گیریم، الآن
استاد حسینی: ... ارتباط به آنها هست،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ارتباط یعنی نامه نوشتن، ابراز همفکری کردن، ببینید چند درصدشان جواب مساعد می‌دهند. قسمت سوم اینکه یک بروشورهای معرفی نامه‌ای بیش از این چیزی نوشتید درباره ضرورتش، در مثلاً همین تشریح‌هایی را که الان می‌کنید.

آقای رضوی: یعنی تصمیم سازی، تصمیم گیری.
استاد حسینی: بله احسنت! اینها را بیان کردن. قسمت چهارم اینکه دقیقاً برنامه ریزی برای کارشان، در خود موضوع شان حضور پیدا کنید؛ یعنی شما مرتباً یک مشاوره کارشناسی دائمی را داشته باشید نسبت به آنها.
آقای رضوی: با تشکّل ها.

استاد حسینی: بله احسنت! بعضی از افرادی که - به اصطلاح - با شما - به اصطلاح - در گفتگوی سازمانی هستند، سازمان‌تان هستند. در این کار سازمانی که ارتباط می‌گیرید با دیگران و طرح می‌کنید، طبیعتاً موافق هستند، آنهایی که طرفدار گفتگوی سازمانی هستند.

آقای رضوی: بله، همین طور است.
استاد حسینی: مفهوم تبلیغ را همین می‌گیرید، نه اعلامیه، اعلامیه دادن.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بله.
آقای رضوی: یعنی ارتباط ما تبلیغ ما می‌شود.
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: هم تبلیغ ما می‌شود، هم به...؛ یعنی آموزش می‌شود،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: هم عملاً تحقیق عینی خودمان هم می‌شود؛ یعنی ما با ارتباط گرفتن و درگیر شدن هست که تحقیق مان هم؛ یعنی خودمان هم به مطالب جدیدتری دست پیدا می‌کنیم در عینیت. - ان شاء الله -

استاد حسینی:

«وصلی الله علی محمد و آل محمد».

دیگر مطلبی ندارید؟!

آقای رضوی: عرضی ندارم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲۴
کد جلسه: ۳۴۱۱	تاریخ جلسه: ۱۳۷۹/۰۳/۱۹
کد صوت: ۴۷۸۰	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

.....	پیاژه:
..... حسین فاضلی	تایپ:
..... خانم م. اسماعیل پور	تطبیق:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۱):
..... حسن سبحانی مجد	کنترل نهایی:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۲):
..... خانم ز. کریمی	مقابله:
..... محمد فقیهی	تصحیح (۳):
..... محمد فقیهی	صفحه آرایی:

جلسه بیست و سوم

استاد حسینی: اینکه در مسابقه دو به گروهها بینیم موضوع کار گروهها چه چیزی است؟ این موضوع نیاز جامعه نسبت به این موضوع هست یا نیست؟ اگر هست، یعنی نیاز شناخته شده جامعه است. بازار دارد یا ندارد؟ اگر بازار دارد، رونق اجتماعی هم پیدا شده است که مردم برای حل نیازشان پول خرج کنند. اگر این هم انجام گرفته است، ورود به این بازار چه شرایطی دارد؟ اگر شرایط ورودش را بدست بیاوریم، معنایش این است که پول به طرف ما می‌آید. از طرف چه کسی؟ جامعه. حالا این شناخته شده نیست، باید سرمایه‌گذاری برای شناسایی‌اش انجام بگیرد. چه دستگاهی می‌خواهد این سرمایه را بگذارد؟ دولت یا بخش خصوصی، یا یک صنف خاص؟ ولو بصورت خاص، تعریف یک نیاز اجتماعی برایش شناخته شده است ولو عمومی نباشد. این مشتری‌های خاصی می‌خواهد این کارها را بکنند. باید معلوم بشود که آن قشر یا طبقه یا سازمانی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری بکند ابتدائاً "برای معرفی یک نیاز چه کسی است؟ چیست؟ حالا هیچ کسی برای این کار

نیست. خلاء را به چه شکل می‌توانیم به جامعه معرفی کنیم؟ با کدام ساختار؟ با کدام نظام؟ خب شما معنای تنظیم اهدافی را که می-گوئید، باید بگونه‌ای مطالبی را که تا الان عرض کردم داخل آن باشد. برنامه‌ی حضور در منزلت پررونق اجتماعی، برای بهینه یک موضوع. خب نمی‌توانید برنامه بهینه نداشته باشید باید اول ببینید که وضع جامعه چطوری است، وضعیت بهینه‌اش چطوری است که این موضوع منزلتش پررونق‌تر بشود.

حجه الاسلام رضوی: اینها باید داخل اهداف باشد. اگر اهداف نباشد باید آنها را تنظیم کرد.

ج) احسنت! اگر اهداف نباشد باید لااقل اهداف به حدی کلی باشد که اهداف برنامه بتواند اینها را در خودش بپذیرد. ممکن است اساسنامه‌ای را صد سال هم نمی‌خواهند، به چه چیزی دست بزنند، پس باید اهداف برنامه بشود. می‌گوئیم آن اهداف، اهداف اساسنامه‌اند، کلی هستند؛ بیائید اهداف برنامه معین کنید. پس موضوع را در وضعیت فعلی جامعه بشناسید، در وضعیت مطلوب که در ذهنتان برای جامعه ترسیم می‌کنید بشناسید، اولین کار سیاست‌گذاری‌تان این است که یک موضوع رونق اجتماعی داشته باشد و جامعه برای آن پول تخصیص بدهد. خب این یک مطلب است. بعد بهینه درک اجتماعی و بهینه خدماتی که داده می‌شود. اینها مرحله دوم برنامه است.

س) بهینه خود برنامه می‌شود.

ج) بله، یا اینکه مراحل برنامه می‌شود. موضوع تغییر می‌کند. از این مرحله می‌رویم، وارد مرحله بعد می‌شویم.

س) یعنی تولید برنامه الگویی است برای حل نیازمندیهای هر مجموعه و تشکل آن.

ج) احسنت! آن وقت گفتگو را در این موضوعات بکار می‌گیرید. دیگر،

جلسه بیست و سوم ۵

چگونگی پیدایش تصمیم، چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجراء، بوسیله این انجام می‌شود.

(س) بوسیله گفتگوی سازمانی.

(ج) بوسیله گفتگوی سازمانی در این موضوعات.

(س) یعنی تصمیم‌سازی مثلاً در تأمین منابع به چه صورت واقع می‌شود.

(ج) احسنت! که بگوئیم تأمین منابع رونق دارد یا ندارد؟ و چطوری دنبال رونق آن برویم.

(س) یعنی ابتدا اهداف برنامه را باید مشخص کنند بعد که اهداف برنامه را مشخص کردند می‌گویند حالا...

(ج) نه چگونگی تصمیم را معین می‌کنند در چه موضوعاتی.

(س) ابتدا موضوعات را براساس گفتگوی سازمانی انتخاب می‌کنند که چه موضوعاتی. الان می‌گویند این چهار نوع، مشکل ما است ولی وقتی می‌آیند می‌گوئیم اصلاً "شما چه برنامه‌ای دارید؟ موضوع کارتان رونق دارد یا ندارد؟ (ج) چه سازمانی دارید؟ چه سازمانی ندارید؟ موضوع کارتان رونق دارد یا ندارد؟ اینها دیگر.

(س) یعنی ما سؤال «سازماندهی، برنامه‌ریزی و اجراء» را از خودشان می‌پرسیم. می‌گوئیم برنامه‌ریزی شما چیست؟ یعنی برنامه‌ریزی شما وضعیت مطلوب دارد؟ موضوع شما در جامعه اگر وضعیت مطلوب داشته باشد، معنایش این است که جامعه بودجه تخصیص می‌دهد.

(ج) اگر تخصیص هم می‌دهد، به شما نمی‌دهد ولی پول را به کسان دیگر می‌دهد معنایش این است که شما ورودیهای بازار را ندارید.

(س) یعنی کار شما رونق اجتماعی ندارد.

(ج) نه، گاهی لیوان‌سازی رونق دارد. اینکه شما را جزو لیوان‌سازها به حساب

بیاورند رونق ندارد. شما ورود به بازار، بازار موضوع خاص... .

س) این فقط در مورد موضوعات مالی نیست در همه موضوعات است.

ج) بله، به عبارت دیگر مردم مسکن می‌سازند، شما را به بنایی نمی‌برند. پس معلوم می‌شود که مسکن بازار دارد، بازارش رونق هم دارد. پس ورود شما به بازار مسکن‌سازی باید موضوع بحث قرار بگیرد.

س) کما اینکه در یک تشکّل خاص باید خود موضوع فعالیتش را، فعالیت فرهنگی را

ج) اصلاً کار هنری ممکن است الان واقعاً بازار خوبی داشته باشد. رشته هنر سینما و رسانه‌های جمعی تا درست کردن هنرهای، من باب مثال تابلوی نقاشی تا همه هنرها را می‌پوشاند. بازار هم فکر این است که مردم پولشان را خرج کنند و لکن اینها در این بازار چه طوری می‌توانند راه‌حش ...

س) این صحبت شما ظاهرش این است که تمام این موضوعاتی که این تشکّل‌ها تقریباً به آن می‌پردازند یک موضوعاتی از نیازهای شناخته شده است و این نیازهای شناخته شده، هم دولتی‌اش هست و هم عمومی‌اش. اما اینکه شما به عنوان یک تشکّل و یک صنف خاص می‌خواهید وارد بازار جامعه بشوید. این نیازتان نیاز شناخته شده است. اما

ج) اولین سؤال این است که شما بایستی - اگر نیاز شناخته شده است - ساختار «تولید، توزیع، مصرف» این را بدانید، یعنی این صنف چگونه کار می‌کنند؟ این صنف اصلاً شما را می‌پذیرد که عضوش باشید؟

س) مثلاً شما تشکّلان ورزشی است صنف ورزشی کار می‌کنید. آیا سازمان ورزش می‌پذیرد فعالیت ورزشی داشته باشید؟

ج) و شما را بالای آن پیچ یا قله ببرد؟ یا اینکه حداکثر شما را ببرد تا آن پائین‌ها باشید.

جلسه بیست و سوم ۷

س) یعنی عملاً "شما هم مشکل مالی و اقتصادی دارید، هم مشکل سیاسی و عمده‌اش هم....".

ج) مشکل سیاسی هست.

س) چون ساختار مدیریتی نمی‌پذیرد حالا چه برنامه‌ای باید تنظیم بشود؟

ج) درست هست نمی‌پذیرد ساختار موجود را!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲۴
کد جلسه: ۳۴۱۲	تاریخ جلسه: ۱۳۷۹/۰۳/۲۷
کد صوت: ۴۷۸۲	مدت جلسه: ۳۱ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۳۷۰۰

شناسنامه تدوین

پیاژه: <	خانم س. صالح
تایپ: <	مصطفی الهامی
تطبیق: <	خانم ل. کاظم دینان
تصحیح (۱): <	حسن ناصری
کنترل نهایی: <	خانم م. کریمی
تصحیح (۲): <	حسن ناصری
مقابله: <	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): <	حسن ناصری
صفحه‌آرایی: <	حسن ناصری

جلسه بیست و چهارم

استاد حسینی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين، انه خير ناصر و معين و
صلی الله علی سیدنا و نبینا ابالقاسم محمد (اللهم صل علی محمد و آل محمد)
باید ما وقتی می‌گوییم که مناظره ابزار هماهنگ سازی جامعه هست، یک ابزار
عمومی داریم که رنگ هیچ خصوصیتی را نمی‌گیرد شبیه مفاهیم عمومی هم هست.
در آن جایی که خیلی عام است، خیلی به نظر خشک می‌آید. یعنی چه به نظر
خشک می‌آید؟ یعنی ارتباطش خیلی نظری است با عاطفه و تحرک عینی، ارتباطش
صفر است. به همین دلیل به آن می‌گوییم «خشک» است. ریاضیات صرف، منطق
صرف، قبل از کاربردی شدن، مباحثش بسیار مباحث خشکی می‌تواند باشد. هر گاه
گره می‌خورد به حل نیازمندی‌های مصداقی، از «عام» بودن در می‌آید. می‌شود چه
چیزی؟ می‌شود یک موضوع خاص متعین، که یک نیازی را برطرف می‌کند. به
میزانی که حضورش در این موضوع، بهتر باشد، گرایش به طرفش بیشتر می‌شود. در
یک اوجی از گرایش، کجا هست که ما بگوییم این - به اصطلاح - منطق دیگر شده

دلپسند و دل انگیز مردم؟ وقتی بتواند رنج هایشان را برطرف کند، آن‌ها از یک رنج که خارج می‌شوند، خوشحال می‌شوند، سرور پیدا می‌کنند. از یک محدودیت خلاص می‌کند، در انبساط می‌آورد سرور پیدا می‌کنند. این سروری که پیدا می‌کنند، منشأ پذیرش عمومی این جا داده می‌شود.

در مسأله مناظره سازمانی خاصاً، این درباره خود مسأله «روش» بود. وقتی که شما در مصداق نمی‌یریدش، درست است روش عینی است، ولی شکل منطقی خشک پیدا می‌کند. وقتی با یک مصداق، هماهنگش می‌کنید، یک طرف کمک می‌کنید به هماهنگ سازی یک گروه؛ مثلاً گروه هنر یا ورزش، که تا حالا رجوع کردید؛ یک طرف، آن‌ها تأثیر بر شما می‌گذارند؛ یعنی شما کم کم آن موضوع را به صورت فلسفی، خوب می‌شناسید، کار آمدی‌اش را هم بعد متوجه می‌شوید، اول به صورت تحلیل فلسفی و نظری، بعد می‌گوییم آن وصف در عینیت جامعه که تحلیلش کردید، شناختیدش، شناخت اثرش چه چیزی است؟ حل چه نیازی را می‌کند؟ چگونه این حل را انجام می‌دهد؟ «موضوعاً، موضوعات، آثار» وقتی که شما این را توانستید، باید بتوانید مناظره را به گونه ای برقرار کنید در پایان که مثل موزیک یک دستگاه موسیقی، بتواند مستمعینش را به تحریک و ترقص بیاورد. رقص، بی خود شدن در حرکاتی که مبرز نشاط هست. این چگونه ممکن است؟ یک محدودیت را می‌تواند برطرف کند. یک رنج از محرومیت را می‌تواند برطرف کند به صورت صوت. شما یک نظامی دادید آرامش می‌دهید. باید شما نحوه آرایش‌تان و مدیریت‌تان این باشد که بتوانید از مناظره، دستگاهی درست کنید که حل معضلات مردم را بتواند به حدی زیبا انجام دهد، به حدی - به اصطلاح - مطلب در پایان دستگاه مدیریتش خوب کار کند، که تماشاچی‌ها را به تحرک در بیاورید در فهمیدن یک مطلب، در حقیقت به رقص در بیاورد. خب، من صحبتی را که دارم این است که شما پس یک داده ای دارید به بخش موسیقی و هنر، یک دریافت هم دارید که آن

جلسه بیست و چهارم ۷

دریافتی را هم کم نباید حساب کنید. دریافت از آن‌ها بسیار مهم است. باز خورد خوبی است، بهینه می‌کند سازمان شما را.

آقای رضوی: بله، اصلاً به تعبیری سازمان ما را ایجاد می‌کند.

استاد حسینی: سازمان شما را یک تولد دیگر به آن می‌دهد. این باید برخورد به تمام بخش‌ها همین کار را کنید. در ورزش در ورزش مسأله قهرمانی و برتری مسأله ای است که علت جمع شدن یک عده می‌شود برای تماشا، شما باید فرهنگ ورزش را، حتی اگر خیلی جلو بروید، باید قدرت تناظر سازی داشته باشید؛ یعنی این که دو تا تیم فوتبال چگونه قرار می‌گیرند؟ تیم‌های مناظره ما چه طوری قرار می‌گیرد؟ اخبار مناظره را که می‌بینند، چگونه باشد که کار اخبار یا دیدن - به حضورتان که عرض کنم که -

آقای رضوی: اخبار ورزشی

استاد حسینی: ورزشی داشته باشد؟ باید شما بتوانید به بخش‌های مختلف جامعه، در هر جایی که کمک می‌کنید، یک کمک در هماهنگی سازی داشته باشید، یک بهره‌گیری در آن حل نیازمندی خاص اجتماعی.

آقای رضوی: درست است

استاد حسینی: یا آن حل نیاز را تعمیم بدهید، ببینید در مناظره چگونه می‌شود آن فرهنگش را آورد.

آقای رضوی: در مجموعه خودمان.

استاد حسینی: در مجموعه خودتان؛ یعنی حاصلش می‌شود که غنای دستگاه خودتان از نظر دل‌انگیزی، از نظر کارشناسی و منطق، در تمام قسمت‌ها، سرآمد همه بخش‌ها شود؛ یعنی از همه کس داشته باشد و در پایان بتواند جامعه را، نه فقط سازمان را، هماهنگی‌اش را به دست بگیرد.

آقای رضوی: بله، درست است.

استاد حسینی: یعنی یک ابزار سیاسی بسیار نیرومند در ارتباطات اجتماعی با برنامه ریزی انجام بگیرد که - ان شاء الله - درست می شود.

آقای رضوی: ان شاء الله. بله، همین طور است.

استاد حسینی: خب حالا سوال دیگر هم اگر دارید بفرمایید.

آقای رضوی: الان عملاً از ما مثلاً سوال کردند در مورد تأمین منابع مالی. خب این تأمین منابع مالی ما یک متنی آماده کردیم در اختیارشان قرار دادیم. حاج آقا این متن مورد استفاده در مجموعه خودمان هست، در خود مناظره هم به کار گرفته می شود در تأمین منابع مالی مناظره و تأمین منابع مالی مجموعه خودمان و تأمین منابع مالی تمام جامعه، کل جامعه و همین طور از ما مثلاً مسئول سازماندهی تشکلهای از ما سوال می کند که ما می خواهیم ارزیابی داشته باشیم. شاخص های ارزیابی چیست؟ این یک اثری برای آنها دارد که ما متنی را آماده می کنیم مشورت می - دهیم در هماهنگ سازی شان و تأثیری که دارد در خود ارزیابی در خود مناظره چگونه واقع می شود؟ ارزیابی در تشکلهای مان چیست؟ اصلاً ارزیابی در جامعه چه هست؟ بهترین نحوه ارزیابی چه هست؟ هنر ارزیابی یا همان که می فرمایید حتی دل انگیز کردن خود ارزیابی از حالت خشک در آوردنش.

استاد حسینی: بله، یعنی یک حال، همیشه یک حالت نظری محض دارد، باید آن حالت، مناسباتش تبدیل شود به یک مناسبات قابل پذیرش اجتماعی.

آقای رضوی: بله این سیری هست که کار ما باید داشته باشد. اما در مورد خود مسأله ارزیابی این ها از ما خواستند که یک فرم ارزیابی گفتند، که فرم ارزیابی شامل ارزیابی تشکلهای از یکدیگر و ارزیابی ستاد از تشکلهای باشد. بعد هم اهداف ارزیابی را گفتند حمایت از تشکلهای قابل تعریف شود، تشکلهای فعال تر شوند و ارتباطشان بیشتر شود، ارتباطشان با یکدیگر. شاخصه هایی را هم که گفتند، اعم از شاخصه های

جلسه بیست و چهارم ۹

ارزیابی ستاد از تشکل‌ها و شاخص‌های ارزیابی تشکل‌ها از یکدیگر. اما این جا عنوان نکردند این شاخصه‌هایی که برای ما لیست کردند این کدامش است ولی حدس زدم که منظور شاخصه‌های ارزیابی ستاد از تشکل‌ها هست فعلاً که حدوداً ۱۴ مورد این‌ها بیان کردند. که من این را، بله [...]

استاد حسینی: خیلی خب شما فرمودید که موضوعاتی را که دارید، یکی‌اش

...

آقای رضوی: عرض کردم ارتباط،

استاد حسینی: ارتباط،

آقای رضوی: گزارش،

استاد حسینی: ارتباط، گزارش،

آقای رضوی: مشارکت.

استاد حسینی: مشارکت.

آقای رضوی: بله. البته برداشتی است که حاج آقا من از موضوعات پیشنهادی

این‌ها دارم.

استاد حسینی: خیلی خب، این‌ها را بگوییم موضوعات.

آقای رضوی: بله، یعنی موضوعات ارزیابی شان است که البته درون خودش

ظاهراً این‌ها «فعل موضوعاً» هست.

استاد حسینی: خب آن وقت این جا غیر از یعنی این قسمت، افعالی را که

دارید چه چیزی هست؟

آقای رضوی: کیفیت، برنامه، زمان

استاد حسینی: افعال؛ یعنی خوبی و بدی.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: معذرت می‌خواهم این‌ها موضوع فعل هستند، این‌ها کیفیت فعل هستند، ها؟ این‌جا می‌شود یکی‌اش زمان،
آقای رضوی: یکی‌اش کیفیت
استاد حسینی: کیفیت، سومی؟
آقای رضوی: برنامه.

استاد حسینی: برنامه، که در عین حال این‌جا هم داخل پراکنش بنویسیم «زمان، مکان، ارتباط»، خیلی خوب، دیگر چه چیزهایی دارید؟
آقای رضوی: ما عرض کردیم عنوان‌های «ستاد، تشکل، فرد» هست و مدیریت و برنامه ریزی.

استاد حسینی: «ستاد، تشکل، فرد» این‌ها را بهتر است چه کسانی باشند؟ این‌ها مثلاً فاعل‌ها هستند؟
آقای رضوی: بله؛ یعنی ارزیابی‌هایی هست که این‌ها از خودشان از، از یکدیگر خواهند داشت.

استاد حسینی: خیلی خوب، این فاعل موضوع فعل هست در یک‌جا.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: درست است؟
آقای رضوی: بله فاعل هست.

استاد حسینی: این‌جا می‌گویید مدیریت چه چیزی؟
آقای رضوی: برنامه، اجرا
استاد حسینی: برنامه،

آقای رضوی: این‌ها همان سه رکن سازمان بودند، تشکل
استاد حسینی: درست است. خیلی خوب. خوب حالا ما دیگر چه چیزی سه‌تای

دیگر چه طوری داریم؟

آقای رضوی: چیزی که فعلاً به ذهنم رسیده بود همین‌ها بود حاج آقا. استاد حسینی: خب این‌ها را اگر ما بخواهیم همه را در هم ضرب کنیم چه طوری باید ضرب کنیم؟ اول اگر ضرب کنیم هشتاد و یکی می‌شود، جدول تعریفان تمام است.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: دوم این که آیا آخرین قسمت «ستاد، تشکل، فرد» است؟ یعنی اضافه می‌شود آخر آن قسمت می‌شود این؟ یعنی بگوییم «مدیریت ستاد، برنامه ستاد، اجرای ستاد»، «مدیریت تشکل، برنامه تشکل، اجرای تشکل»، «مدیریت فرد، برنامه فرد، اجرای فرد»؟

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این یک چیز است،

آقای رضوی: یک ضرب هست.

استاد حسینی: یک ضرب است. آن وقت که بالای سر این می‌توانیم بگوییم زمان مدیریت، آیا این می‌شود جدول «زمان مدیریت ستاد، کیفیت مدیریت ستاد، برنامه مدیریت ستاد»؟ خب یکی دیگر هم

استاد حسینی: این جا، ارتباط

آقای رضوی: این زمان ارتباط است.

استاد حسینی: بله، زمان ارتباط است، پس باید زمان، مقدم بر این بشود. زمان ارتباط، زمان مدیریت ارتباط، ارتباط باید این جا بیاید.

آقای رضوی: یعنی «ارتباط ستاد، ارتباط تشکل، ارتباط فرد».

استاد حسینی: آن وقت بگوییم «زمان مدیریت ارتباط است و ارتباط این

استاد، زمان - به اصطلاحی - مدیریت گزارش ستاد، زمان

آقای رضوی: یعنی مشارکت

استاد حسینی: مشارکت، حالا این اگر این طوری باشد؟!

آقای رضوی: منتهی حاج آقا من یک چیزی است که فکر کردم دیدم که این حروف اضافه هست «از، به، در» این ها که تغییر پیدا می کند، معنی هم عوض می - شود.

استاد حسینی: حتماً! علتش این است که ربطش عوض می شود، منزلتش به وسیله حروف ارتباط است، منزلت نه در جدول، در سیاق عبارات.

آقای رضوی: درست است آقا! آن موقع یک چیز دیگری هم فهمیده می شود.

استاد حسینی: احسنت!

آقای رضوی: موقعی که می گوئیم ارتباط در سطح، غیر از ارتباط با فلان هست.

استاد حسینی: حتماً! خوب اگر این طوری باشد.

آقای رضوی: خوب، حالا این را یک مقدار چیز هم من حروف اضافه اش را هم نوشتم دیدم در این مثلاً احتمالاتی که ایشان داده «از، به، در، با» همه این ها هست، این ها را باید دقت کرد که ...

استاد حسینی: یک بار باید یک ارزیابی کرد.

آقای رضوی: مرور کرد.

استاد حسینی: بله، احسنت! حالا این جا اگر ما بخواهیم بگوئیم که باید بنویسید چیزهایی که شاخصه هستند: «زمان، کیفیت و برنامه ها».

آقای رضوی: بله، البته آن جایی که من در این احتمالات نوشتم اصل را نوشتم؛ یعنی مثلاً در مورد ارتباط نوشتم «اصل ارتباط، زمان ارتباط، کیفیت ارتباط»، اصلاً این که ارتباط داشته باشند یا نداشته باشند این خودش یک شاخصه است. یک

موقعی است کسی ارتباط ندارد، یک موقع می بینید کسی دائماً ارتباط می گیرد، یک موقع بحث از موقعی که ارتباط می گیرد بحث از زمانش هست. یک موقع بحث از کیفیتش هست؛ یعنی در واقع اصل؛ یعنی اصل ارتباط به معنای اجرای ارتباط هست. استاد حسینی: خب این زمان، در مرغوبیت است که به موقع باشد، دیر نباشد، زود نباشد.

آقای رضوی: اصلی، اصلی.

استاد حسینی: اصلی است. کیفیتش هم که کیفیت خوبی باشد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: کیفیت خوب بودن، یعنی چه چیزی؟ یعنی برنامه خوبی داشتن؟ می خواهم بینم دو تایش هم همانند نباشد. یا این که کیفیت بخواهد بگوید: چگونگی، برنامه می خواهد بگوید: توالی؛ پشت سر هم. چگونگی را در یک مقطع هم می توانیم بگوییم کیفیت؛ ولی چه کیفیتی که هم زمانی باشد، هم مکانی باشد می شود برنامه.

آقای رضوی: بله. الان این جا که می گوید کیفیت ارتباط مثلاً، یعنی این که چگونه ارتباط می گیرد؟ این چگونگی ارتباطش البته خودش باید شاخصه هایش مشخص شود که چگونه ارتباطی، چگونه کاری است.

استاد حسینی: چه کارهای موازی در چه مراحل متوالی؛ یعنی معنای برنامه. حالا این جا برنامه را می نویسیم. خب، این ها را به عنوان شاخصه های عینی چه چیزی بنویسم؟

آقای رضوی: بله، شاخصه عینی هست.

استاد حسینی: عینی چه چیزی است؟

آقای رضوی: ارزیابی است دیگر!

استاد حسینی: خیر، ببینید! ارزیابی است که نتیجه می‌دهد خوبی یا بدی.

آقای رضوی: بله، حالا این که ارزیابی چیست؟ می‌شود ارزیابی فاعل‌ها باشد؛ یعنی «ستاد، تشکل، فرد» باشد. می‌تواند ...

استاد حسینی: خب این جا ضرب می‌شود، در اولین مرتبه. اولین مرتبه را ارتباط بگیریم گزارش، مشارکت این‌ها سه تا خوب است؟ یعنی بگویم زمان ارتباط چه طوری است؟ بازتاب ارتباط، گزارش است.

آقای رضوی: بله، یعنی ارتباطی که می‌گیرند البته می‌شود، شامل و مشمول هم باشد که یک گزارش دادن، خودش یک نوع ارتباط هست.

استاد حسینی: که بازتاب ارتباط اولیه است.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: من اول به شما ارتباط می‌گیرم. بعد شما به من گزارش می‌دهید.

آقای رضوی: بله، بعد هم باز آن موقع علاوه بر ارتباط و گزارش

استاد حسینی: یعنی می‌خواهم بگویم ارتباط غیر از گزارش است؟

آقای رضوی: از یک جهت خود گزارش، یک نوع ارتباط هست.

استاد حسینی: ولی نوع خاصی است.

آقای رضوی: نوع خاص از ارتباط است؛ یعنی زیر بخش ارتباط می‌شود.

استاد حسینی: زیر بخش ارتباط می‌شود هم عرض می‌آید می‌شود به لحاظ آن قید تفصیلی ای که دارد.

آقای رضوی: بله؛ یعنی ارتباط گرفتن، غیر از گزارش دادن هست،

استاد حسینی: ارتباط ابتدایی یا اجمالی، گزارش تفصیلی

آقای رضوی: گزارش تفصیلی

استاد حسینی: یا این که ارتباط مقنن می‌شود گزارش.

آقای رضوی: بله؛ یعنی ما ارتباط با هم داریم، روی موضوعات مختلف هم ممکن است صحبت کنیم حتی ممکن است گزارش هم دهیم ولی این عنوان گزارش داده نمی‌شود به آن، یعنی این که گزارش حالا یا شفاهی رسمی باشد یا کتبی باشد.

استاد حسینی: خب گزارش را ما می‌توانیم به یک عبارت دیگری که صفتش را بگویید بگوییم.

آقای رضوی: عین، مثل ارتباط.

استاد حسینی: بله، یعنی گزارش را بعد می‌آوریم داخل متن.

آقای رضوی: بله می‌دانم متوجه شدم من.

استاد حسینی: بله، ولی به صفت بگوییم، بگوییم گزارش؛ یعنی «مکتوب، رسمی، ارتباط، رسمیت، مشارکت، رسمیت یک صفتی است برای ارتباط، که خودش قابل لحاظ است؛ یعنی پذیرفته شده باشد.

آقای رضوی: یعنی می‌فرمایید صفت ارتباط را بیاوریم؟

استاد حسینی: بله،

آقای رضوی: نه.

استاد حسینی: مشارکت هم یک ارتباطی است. نهایت این که به صفت آمده.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: به نظر می‌آید «ارتباط رسمیت» بهتر باشد که معنی مقنن شدن می‌دهد، منظم شدن می‌دهد.

آقای رضوی: رسمیت حالا این که برای آن‌ها قابل چیز باشد.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر ارتباط رسمی، ارتباطی است مستند. خود

ارتباط، استناد، مستند بودن

آقای رضوی: بله، و مشارکت.

استاد حسینی: و مشارکت.

آقای رضوی: بله، این را می‌شود نوشت رسمیت یا استناد؛ یعنی صفت ارتباط هست.

استاد حسینی: خوب حالا اگر من بخواهم این جا بنویسم، به نظر شما می‌آید «ارتباط، استناد یا اسناد و اتحاد» این‌ها سه صفت نیستند؟ مشارکت، نتیجه‌اش چه چیزی هست؟

آقای رضوی: پس یعنی شما نتیجه فعل را می‌گویید صفتش؟

استاد حسینی: نتیجه فعل یک منتجی ای دارد یک حالتی چیزی پیدا می‌شود
آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: که موصوف را به این که آن دستگاه این را دارا است؛ می‌گوییم «ارتباط، استناد، اتحاد» بگوییم این طوری. یک مقداری اصطلاحی می‌کند کار را.

آقای رضوی: بله. همین طور است. بعد موقع توضیح؛ یعنی باید به تعبیری می‌گویند منگنه شود.

استاد حسینی: بله!

آقای رضوی: یعنی توضیح می‌خواهد.

استاد حسینی: درست است. ولی اگر بگوییم «ارتباط، گزارش، مشارکت» نیاز به این مطلب ندارد،

آقای رضوی: بله، نیاز به آن توضیح ندارد.

استاد حسینی: هر چند یک ضعف‌هایی دارد،

آقای رضوی: بله در ضرب و در تعریف و در تنظیم برنامه و درس‌های شاخصه

و این‌ها، خب با مشکل روبرو می‌شود.

استاد حسینی: پس این را می‌توانیم داشته باشیم.

آقای رضوی: بله، حتماً!

استاد حسینی: برای معنا کردن، بعد معنایش را زیر این بنویسیم.

آقای رضوی: بله؛ یعنی این قاعده در همه قسمت‌ها همین طور است.

استاد حسینی: بله احسن! تبدیل کردن به وصف، امکان - به اصطلاح - معنی

کردن را می‌دهد. این جا ارتباط

آقای رضوی: بله، این وصف را از در، با تمحض و با مذاکره و مباحثه به دست

می‌آید، اما این در ظاهراً در تطبیق به دست می‌آید.

استاد حسینی: بله، زنده باد!

آقای رضوی: یعنی از پایین می‌گیریم.

استاد حسینی: بله زنده باد!

آقای رضوی: می‌بینیم نیاز خودشان چیست،

استاد حسینی: بله، احسن!

آقای رضوی: یعنی آن چیزی که خودشان می‌فهمند چه چیز است، آن را

تطبیقش می‌دهیم با این مفاهیم خودمان.

استاد حسینی: درست است. خب حالا این جا، دوباره این جا «۱،۲،۳» در این

جا می‌خواهید بگویید مدیریت، برنامه،

آقای رضوی: اجرا

استاد حسینی: اجرا.

آقای رضوی: یعنی در واقع ...

استاد حسینی: یکی از قیدهایتان برنامه هست. «برنامه ارتباط برنامه» به دو معنا

باید بیاورید.

آقای رضوی: بله حتماً باید دو معنا داشته باشد

استاد حسینی: اگر دو معنا هست، اگر می‌توانستید یکی از برنامه هایتان را به

یک معنای دیگری تعریف کنید، بهتر بود.

آقای رضوی: و عنوانش را بیاوریم.

استاد حسینی: عنوانش را بیاورید.

آقای رضوی: «زمان ارتباط، کیفیت ارتباط»؛ حاج آقا! آن اصلی که ما گفتیم

خود ارتباط، اصل ارتباط یا؛ یعنی همان جایی که مثلاً هستی خود ارتباط؛ یعنی

«تکون ارتباط»

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: که عام تر از خود ظاهراً چیز هست. شما می‌خواهید قاعده «زمان،

مکان» نسبتش را این جا بنویسید.

استاد حسینی: بله، آن وقت آخرین قسمت که چهارمین است تا این جا ۲۷ تا

دارید، این جا را هم باید - به اصطلاح - تبدیل بفرمایید «ستاد، تشکل و فرد».

آقای رضوی: بله، البته اگر این جا شود «شاخصه‌های عینی ارزیابی ستاد» دیگر

این نمی‌شود ظاهراً.

استاد حسینی: نه.

آقای رضوی: خودش یک سه تا دیگر.

استاد حسینی: ارزیابی عام است، یا عام است.

آقای رضوی: همان بله، ارزیابی عام است.

استاد حسینی: این ارزیابی، شما می‌توانید این جا، آن سازمان اسمش چه است؟

آقای رضوی: فکر نو.

استاد حسینی: نه، کل سازمان؟

آقای رضوی: ستاد ساماندهی.

استاد حسینی: ساماندهی، ارزیابی ساماندهی است خب، اگر بنویسید عیبی ندارد.

آقای رضوی: ارزیابی ساماندهی، که شامل هم ستاد، هم تشکل، هم فرد می- شود. البته منظور از ساماندهی، که آن‌ها می‌گویند، منظور ساماندهی تشکل‌ها هست، در عین حال خودشان هم یک ساماندهی دارند، ولی عنوانش را نگذاشتند ساماندهی، درون، یعنی عنوان درون ستاد هست.

استاد حسینی: [...] حالا اگر این را بنویسیم ساماندهی تشکل‌ها؟

آقای رضوی: این چهار تا، آن چه معنی ای پیدا می‌کند؟

استاد حسینی: این جا به صورت عام است، آن جا به صورت خاص شد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: مثل «برنامه» را که این جا به صورت عام است، آن جا به صورت خاص است. [...] خب این را اگر ...

آقای رضوی: من این را متوجه شد، این برنامه این جا ما می‌گوییم یک برنامه ای داریم.

استاد حسینی: برنامه،

آقای رضوی: برنامه ارتباط مان هست، مثلاً یا استناد یا اتحاد. می‌گوییم برنامه ارتباطمان درم ورد برنامه آن تشکیل یا ستاد یا فرد یا چه چیزی است اصلاً؟ این خود مثلاً الان یک تشکلی برنامه ای دارد. اما در ارزیابی که می‌خواهیم داشته باشیم در ارتباطش هم یک برنامه ای دارند که البته ...

استاد حسینی: این جا خود ارزیابی ساماندهی، دارای سه قسمت هست،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: «ارزیابی زمانشان، ارزیابی کیفیتشان، ارزیابی برنامه شان» در آن کاری را که انجام می دهند نسبت به « فعلشان، استناد شان، اتحادشان» در خود این ها، « مدیریت شان، برنامه شان، اجرائشان » و این سه تا، این را می شود مدلش را تکمیل کرد این مدل چه اندازه لازم است تکمیل شود؟

آقای رضوی: آن ها در این سطح که فعلاً نیستند. اما در مشورت دادن به صورت تجزیه مثلاً به صورت ما تریس، استاد حسینی: همان ماتریس اولیه.

آقای رضوی: مثلاً در مورد ارزیابی پیشنهاد به آن ها می دهیم، حالا ممکن است ما سطری به آن ها پیشنهاد دهیم، این ها بگویند که این احتمال را از کجا آوردید؟ می گویم که این را با یک روش سطر و ستون، اگر روش را خواستند؛ یعنی ما سطوح مشورتان ...

استاد حسینی: سطوح ۹ تایی، نه ۲۷ تایی،

آقای رضوی: بله، ۹ تایی را درست می کنیم.

استاد حسینی: ۹ تایی را درست می کنید و برایشان توضیح هم می دهید، سطری هم برایشان شود. این چند بار که ۹ تایی دادید بعد یادتان باشد که روند ۹ تایی تان باید این طوری باشد، آن وقت بعد همه را در یک جدول تعریف، تحویل بدهید.

آقای رضوی: این ۹ تایی؛ یعنی ...

استاد حسینی: ۹ تا اولی را که مثلاً می دهید...

آقای رضوی: بله، بله. ضرب در این سه تای عام تر می شود.

استاد حسینی: مثلاً می گویم، شما «ستاد» دارید، «تشکل» دارید، «فرد» دارید، و

جلسه بیست و چهارم / ۲۱

- مثلاً می‌گویم - می‌گویید «ارتباط، گزارش، مشارکت»، فعلاً در همین. دیگر یعنی دو تا سه تا را انتخاب می‌کنید، اولین دو تا سه تایی را که انتخاب کردید چیست؟ آقای رضوی: دو تا «سه تایی» که برای خود ارزیابی اصلاً هست، این جا. استاد حسینی: اولی‌اش اولین ماتریسی را که درست کرده بودید؟ آقای رضوی: اولین ماتریسی را که درست کرده بودیم. خود «ستاد، تشکل، فرد» بود.

استاد حسینی: در خودش ضرب می‌شود.

آقای رضوی: در خودش ضرب می‌شد، می‌شد ۹ تا، یعنی ۹ گونه ارزیابی داریم، نه دو گونه که خودشان گفتند. بعد هم در قسمت حالا این که شاخصه ارزیابی چیست، ما گفتیم که خودشان از داخل صحبت هایشان در آوردیم که شاخصه ارزیابی شان «زمان هست و کیفیت و اصل»، البته شما فرمودید برنامه بعد هم یک «ارتباط، گزارش، مشارکت» هم از داخلش در آوردید.

استاد حسینی: خب، حالا من به ذهنم می‌آید که شما الان دست هست نحوه کارکردنی را که بنده عرض کردم، برای خودتان هم قبلاً هم عمل کردید. این را حالا روی‌اش یک کاری کنید که من مرخص شوم از خدمتان،

آقای رضوی: بله، خواهش می‌کنم حاج آقا!

استاد حسینی: بعداً حضور مبارکتان می‌رسم، خیلی هم تشکر می‌کنم از شما. آقای رضوی: حاج آقا یعنی این، خود این ادامه بخواهد پیدا کند، دیگر می‌رود داخل جدول تعریف.

استاد حسینی: بله، بله، بله، این اصلاً جدول تعریف است دیگر!

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: وقتی ۴ تا که شد همیشه، سه تایش می‌آید تا ...